

شهباز

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره)

کنجینه جهکافی مخطوطات اسلامی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی

شناسه پستی ۳۷۱۵۷

نمابر: ۷۷۴۳۶۳۷

تلفن: ۸-۷۷۴۱۹۷۰

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود مرعشی نجفی

سر دبیر: محمد اسفندیاری

زیر نظر شورای سردبیری

● میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) است

و در ضمن آن به مسائل ذیل می پردازد:

- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

● هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.

● مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.

● مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.

● میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.

● میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

صفحه آرای: محمد محمدی

میراث شهاب

سال دهم، شماره ۳، شماره پیاپی ۳۷
زمستان ۱۳۸۳



شماره استاندارد بین‌المللی: ۴۷۸۳-۱۰۲۹

ISSN:1029-4783

فهرست مطالب

۳	سید محمود مرعشی نجفی	شش نامه
	(درنگی در مکاتبات علامه آیت‌الله سید شرف‌الدین عاملی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی)	
۱۸	علی رفیعی علامرودشتی	شیفتگان کتاب
۲۹	ابوالفضل حافظیان بابلی	نسخه‌های عکسی
۶۳	محمدتقی دانش‌پژوه	نسخ خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی
۸۹	حسین بن محمد حسن قمی / تحقیق علی رفیعی علامرودشتی	تحفة الفاطمیین فی احوال قم و القمیین
۹۸	سید محمود مرعشی نجفی	گزارش سفر فرانسه
۱۱۳		بازتاب دیدار (یادگارنوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه)

ششی نامه

(درنگی در مکاتبات علامه آیت‌الله سید شرف‌الدین عاملی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی)

سید محمود مرعشی نجفی

شهاب‌الدین و شرف‌الدین

میان این دو بزرگوار از دیرباز ارتباطی معنوی و علمی برقرار بوده است تا آنجا که نوشته‌اند در سال ۱۳۵۰ قمری که علامه شرف‌الدین به قصد زیارت مشهدالرضا علیه‌السلام به ایران سفر می‌کند و سپس وارد قم می‌شود. مرحوم پدر عزیزم آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله امامت نماز جماعتش را که در صحن مطهر حضرت معصومه برگزار می‌کردند به ایشان وامی‌گذارند و تا روزی که شرف‌الدین در قم بود نماز جماعت به امامت ایشان برپا می‌شود.^۴ و ارادتی که علامه عاملی به آیت‌الله مرعشی داشت از سطر - سطر نامه‌هایی که اینک ترجمه می‌شوند

دو نادره مرد

سید محمد حسین و سید عبدالحسین دو اسم کوچکند برای دو نادره‌مرد بزرگی که بیشتر با القاب، شهرت و عنوان اجتماعی خود شناخته شده‌اند و کمتر کسی می‌داند که نام نخستین علامه شرف‌الدین عاملی، سید عبدالحسین است و کمتر از آن کسانی هستند که می‌دانند نام پدر بزرگوارم آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در اصل سید محمد حسین بوده است که ایشان بیشتر با لقب سید شهاب‌الدین و کنیت ابوالمعالی و نسبت مرعشی نجفی شهره‌روزگارند. و شگفت این که هم ایشان چند صباحی را نیز با نام «سید شهاب‌الدین تبریزی»^۱ پرآوازه بودند به این جهت که برخی از اجداد بزرگوارشان پیشتر در تبریز می‌زیستند و از مفاخر بزرگ آذربایجان خوانده می‌شوند.^۲

این سخن به نوعی در باره علامه شرف‌الدین عاملی نیز صدق می‌کند که ایشان - دست کم در ایران - با نام شرف‌الدین، نامدار و پرآوازه است و چندین اثر مکتوب و مستقل هم در شرح حال او با همین عنوان منتشر شده است.^۳

۱. آقابزرگ تهرانی، مصنفی‌المقال، ص ۱۹۶، ۲۳۹، ۲۴۵، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲ - ۴۷۳؛ همو، الذریعه، جلد‌های مختلف، زیر همین عنوان و عنوان «آقا نجفی تبریزی»، برای تفصیل، مراجعه شود به: کتابشناسی توصیفی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی از تألیفات این‌جانب، مقاله آیت‌الله العظمی مرعشی در کتاب الذریعه، ص ۳۹۷ - ۴۱۸.
۲. محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، ص ۱۰ - ۱۱؛ سید مهدی مرعشی، تاریخ خاندان مرعشی، ص ۲۶ - ۳۱.
۳. نخست کتابی است از استاد محمدرضا حکیمی که با نام شرف‌الدین، در ۲۵۶ صفحه، چاپ اول آن در سال ۱۳۶۰ش منتشر شده که در چاب‌های بعدی با افزایش مطالب و در صفحات بیشتر نشر یافته است و دیگر کتابی است با عنوان «شرف‌الدین عاملی؛ چاووش وحدت» که در سال ۱۳۷۲ش توسط مصطفی قلیزاده نوشته شده و نشر یافته است.
۴. محمد شریف رازی، آثارالحجّه ۸۲/۱.

به بهترین وجهی که در شهرهای لبنان امکان داشت ایستادگی کرد و پایدار ماند.

افزون بر اینها کتاب‌های سازماندهی را نیز تألیف و تصنیف کرد که کتاب‌های زیر از آثار ایشان است:

۱. المراجعات؛ ۲. الفصول المهمّة؛ ۳. الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء؛ ۴. النص والاجتهاد؛ ۵. شرح التبصرة؛ ۶. ابوهریره؛ ۷. اجوبة موسى جارالله وکتاب‌های دیگری که هریک از آنها چندین بار تجدید چاپ شده و برخی نیز به زبان‌های فارسی و انگلیسی ترجمه شده است.

روز سه‌شنبه، دهم جمادى‌الثانية سال ۱۳۷۷ در بیروت وفات یافت - که رحمت خدا بر او باد!- و پیکر پاکش به عراق منتقل شد که پس از تشییع در کاظمین و کربلای معلی و نجف اشرف در یکی از مقبره‌های صحن شریف علوی به خاک سپرده شد و در بیشتر شهرها و کشورهای شیعه‌نشین در یادبودش مجالس چندی به پا شد.^۵

مرحوم پدر عزیزم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در ادامه به برخی راه‌های روایتی علامه شرف‌الدین می‌پردازد که تفصیل آن در نخستین نامه این مجموعه خواهد آمد که شرف‌الدین خود در آن نامه، بسیاری از راه‌های روایتی خویش را - چه از طریق شیعه، چه از طریق زیدیه و چه از راه‌های اهل سنت - با تفصیل بیشتر توضیح داده است.

در اینجا به نقل سخنی از استاد سید جعفر شهیدی بسنده می‌کنیم که آن را در «مرگ شرف‌الدین» نوشته و در دی‌ماه سال ۱۳۳۶ شمسی (سال و ماه درگذشت شرف‌الدین)، نخست در روزنامه وظیفه و سپس در ضمن مجموعه مقالات خویش منتشر ساخته است، استاد شهیدی پس از آن که از آزاداندیشی و تأثیرگذاری گسترده

به وضوح آشکار است، آن چنان که در صدر نامه‌ها گاهی ایشان را - افزون بر حجة‌الاسلام، البتّه با توجه به معنای ژرف واژگان - «مولانا الاجلّ و سیدنا الأکمل و مرجع الخاصّ والعام»^۱ می‌خواند و گاه با عناوینی چون «ملاذالانام و علم‌الاعلام و حسنة الأیام»^۲ او را می‌ستاید و گاهی دیگر با عبارت «یا ابن خیرة الله من خلقه و سلالة الأکرمین علیه و الاقربین الیه»^۳ مخاطبش قرار می‌دهد و سرانجام او را «فخرالاشراف و ذخر آل عبد مناف»؛ «علامة الهاشمیّین و جامع شمل الفاطمیّین»^۴ می‌نامد.

نویسنده نامه‌ها

نویسنده نامه‌ها یعنی علامه شرف‌الدین عاملی را مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در جایی به خوبی می‌شناساند و در توصیف ایشان می‌نویسد:

«یکی از آنان که من از آنها روایت می‌کنم دانشور پرکنجکاو، نقاد، دین‌شناس و مناظره‌کننده، حجت‌الاسلام آیت‌الله سید عبدالحسین پسر سید یوسف، فرزند سید جواد، پسر سید اسماعیل، فرزند سید محمد، پسر سید ابراهیم، شرف‌الدین موسوی عاملی است.

ایشان به سال ۱۲۹۰ قمری در شهر کاظمین زاده شد، پس از آن که خواندن و نوشتن، و مراحل ابتدایی آموزش را آموخت به خواندن مقدمات و سطوح در کاظمین، سامرا و نجف اشرف آغاز نمود و در درس شیخ حسن کربلایی، شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ محمد طاهای نجف و شیخ الشریعة اصفهانی حضور یافت.

در سال ۱۳۲۲ قمری در حالی که افزون بر استادانش از دانشوران بزرگ نجف نیز اجازه اجتهاد داشت از آنجا به جبل‌عامل رفت و در آنجا برای به‌جا آوردن خواسته‌های شیعیان و دفاع از آنان در برابر مخالفان و دشمنان به‌پا خاست، به مدارس جعفری و مؤسسات علمی تحکیم بخشید تا فرزندان شیعیان در آنها دانش آموزند. و در برابر یورش‌های فرهنگی استعمارگران

۱. نامه دوم.

۲. نامه چهارم.

۳. نامه سوم.

۴. نامه ششم.

۵. آیت‌الله مرعشی نجفی، الاجازة الکبیره، ص ۸۶.



ایشان سخن می‌گوید در ادامه می‌نویسد:

«در منبر خطیب، و در مجلس محدث و در درس فقیه و در عالم مطبوعات نویسنده‌ای سخا بود؛ گاهی هم همه این مقامها را نادیده می‌گرفت و به کار تأسیس کودکستان و دبستان و دبیرستان می‌پرداخت و چون معلمی کهنه‌کار و دلسوز نونهالان شیعه و سنی را از محبت‌های پدرانۀ خود بهره‌مند می‌ساخت. اکثریت محیطی را که وی در آن به سر می‌برد، مردمی تشکیل می‌دادند که در معتقدات مذهبی با او هماهنگ نبودند. اما او چون پزشکی و وظیفه‌شناس که درد بیمار خود را می‌پرسد و با نژاد و ملیت و زبان او کاری ندارد و دشمنی‌های شخصی را در حریم محترم حرفۀ شریف خود راه نمی‌دهد، چنان رفتار می‌کرد که پیروان دو مذهب او را راهنما و پیشوای خود می‌دانستند و از خوان علم وی برخوردار می‌گشتند.»^۱

نامه نخست

ترجمه

ثبت الموسوی فی اجازة النقی

أو

ثبت الأثبات فی سلسلة الرواة

به نام خداوند مهرآیین و مهربان

سپاس تنها خدایی را سازماند است که مسند دانشوران فراداشت تا با آن به بلندای جایگاه پیام‌آوران و جانشینان آنان فرا رفتند تا روایتگر وحی‌اش و والیان امر و نهی‌اش گشتند. و گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست که او یکی است و انبازی ندارد، و محمد صلی‌الله علیه و آله بنده و فرستاده او است که به حق از سوی او آمد و پیام‌آوران پیشین را تصدیق کرد. و گواهی می‌دهم که جانشینان معصوم او همان مسئولیتی را که وی از جانب پروردگار جهانیان به دوش می‌کشید پس از او به دوش کشیدند و آن چه را که او از احکام دین دریافته بود دریافتند و هر چه را که او از طرف خدا گزارش کرده بود با استناد به او گزارش

کردند زیرا که همانان هم‌تایان کتاب خدا (قرآن) و روشنگران آن؛ و یکی از دو امانت سنگین رسول خدا و رازداران حضرتش بودند و نیز کشتی نجات امت؛ پیش‌بران مسلمانان؛ و نگاهداران آنان از اختلاف و سرگردانی بودند. پس هر که از آنان روی گردان شد از دایرۀ دین دور افتاده و هر کس که در سازمانی آنان کوتاهی کرد و در ماند از میان رفته است. سلام و صلوات خدا، نیز رحمت و برکت‌های خدا ارزانی آنان باشد تا آن‌گاه که خیر و خوبی از آنان روایت می‌شود و به‌باشی و برتری به آنان برمی‌گردد.

اما بعد، به راستی که از روایتگران آثار عصمت‌داران و معتمدان در اخبار خاندان رحمت است: سید سند؛ ثقة‌الصدوق المعتمد؛ چشمۀ جوشان دانش؛ درفش بردباری؛ عابد خویشتن‌دار؛ راهرو درست‌ترین راهها در علم و عملش؛ بسیاریان؛ دقیق فهم، افتخار هر دستاردار؛ کاوشگری بسیار یاب و به‌رمند؛ نسب‌شناس پی‌جو و پرجست‌جوگر؛ شرافتمند در حسب و نسب؛ فرازمند در اخلاق و ادب (سید شهاب‌الدین ابوالمعالی) یادگار پاک نهاد حجۀ الاسلام شمس‌الدین سید محمود نسابه، فرزند مرحوم سید علی شرف‌الدین معروف به سیدالاطبای غروی که از طرف پدر «حسینی مرعشی» و از سوی مادر «حسنی» است که خدای دوام درستین‌اش را بپای دارد هم چنان که به رشاد رشادش رسانیده است.

ایشان به پیروی از پیشینیان پاک‌کردار از من اجازه خواست تا با ورود در سلسله‌راویان هدایت‌گر تبرک جوید و با حفظ این حلقه‌های مقدس، نخست به سادات اوصیا و سپس به خاتم‌الانبیا و از آنجا به جبرئیل؛ لوح؛ قلم و پروردگار عالمیان برسد که نعمت‌هایش بزرگ و بسیار، و اسم‌هایش پاک و مقدس‌اند.

و از آنجا که وی از حافظان اسرار و تابشگاه انوار آنان (امامان معصوم علیهم‌السلام) بوده و از کسانی است که آن چه را که آموخته‌اند دریافته‌اند و آن چه را که دریافته‌اند نگهداشته‌اند و برای خدا و پیام‌آورش و کتابش قرآن، خیرخواه پیشوایان مسلمانان و همه مردم بوده‌اند که پیوسته با حکمت و پند نیک به سوی حق فرا خوانده‌اند، به

۱. سید جعفر شهیدی، از دیروز تا امروز، ص ۲۱۰ و نیز روزنامه وظیفه، شماره ۲۸، دی‌ماه سال ۱۳۳۶.

این ترتیب مرا جز پذیرش درخواستشان راهی دیگر نبود که پس از خیرخواهی از خداوند عزیز و جلیل به او اجازه دادم که کتاب‌هایم را از من روایت کند چه آن کتاب‌هایی که خود در پس‌نوشتی که بر کتابم *الکلمة الغراء* داشته‌ام به آنها اشارتی کرده‌ام و چه دیگر کتاب‌ها و آثارم و نیز هر آن چه را که روایتش برای من و از سوی من درست است. البته با اجازتی عام و کامل که پیش اهل حدیث و خبر به حق شرط معتبری است و در این میان روایت از من هم چه به صورت قرائت و چه سماعی، صحیح است و نیز با اجازتی ویژه از عموم مشایخ خویش که با طُرُق روایتی آنان به صاحبان همه کتاب‌ها و تألیف‌های مربوط می‌رسد، هم از طریق دانشوران شیعه و هم از طریق علمای عامه و همه علوم اسلامی به ویژه کُتُب اربعه را که شهرتشان چون خورشید است و نیز کتاب‌های سه‌گانه را که پس از آنها گردآوری شده‌اند (الوافی، وسائل و بحار الانوار) در بر می‌گیرد و دیگر کتاب‌های حدیث، فقه، تفسیر، کلام و جز آنها در علوم اسلامی را به صورت مطلق، شامل می‌شود.

اما اساتید و مشایخ روایتی‌ام چه قرائتاً و سماعاً و چه اجازتاً بسیارند و لکن من اینک به یادکرد برخی بزرگان از دانشوران شناخته‌شده شیعه امامیه و زیدیه و همچنین از اهل سنت بسنده می‌کنم. بدون این که بخواهم همه را نام ببرم تنها به پنج تن از مشایخ اجازتی خویش از شیعه می‌پردازم:

[مشایخ شیعی]

اول: پدر بزرگوارم، فقیه؛ حجت، علامه معتمد، بسیار راستگو و پاک‌نهاد که نسبت به ابن ابی‌الحسن موسوی می‌رساند به این ترتیب: سید شریف یوسف پسر شریف جواد فرزند شریف اسماعیل پسر شریف محمد فرزند شریف محمد کبیر پسر شریف ابراهیم معروف به شرف‌الدین فرزند زین‌العابدین پسر نورالدین علی (که برادر پدری سید محمد صاحب مدارک و برادر مادری شیخ حسن صاحب معالم بود) فرزند سید علی نورالدین معروف به «ابن ابی‌الحسن» موسوی عاملی.

پدرم قدس سره به من اجازه داد که از همه مشایخ بزرگوارش روایت کنم که از این میان دو استادش شیخ

میراث شهاب

محمد حسین کاظمی نویسنده *هدایة الأئام فی شرح شرائع الاسلام* و میرزا حبیب‌الله رشتی مؤلف کتاب *البدایع در علم اصول* بسیار بزرگ و پیش‌رو بودند.

اما شیخ محمد حسین کاظمی از طریق جماعتی از دانشوران بنام دینی روایت می‌کند که یکی از آنها استاد فقیهان پژوهشگر شیخ حسن صاحب *انوارالفقاهه* می‌باشد که خود از همه بویژه از طریق پدرش؛ بزرگ دانشور شیعه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و سید جواد صاحب *مفتاح الکرامه*، از محمد باقر وحید بهبهانی، وی نیز از پدر برترش محمد اکمل، از مجلسی محدث؛ گردآورنده *بحار الانوار* روایت می‌کند تا با راه‌های روایتی وی به همه کتاب‌ها و اصول و آثاری که در بخش اجازات بحار یاد شده‌اند می‌رسد.

و اما میرزا حبیب‌الله رشتی به توسط عده‌ای از مشایخ اسلامی روایت می‌کند که بزرگتر از همه استادش پیشوای پژوهشگران شیخ مرتضی انصاری است که وی از ملا احمد معروف به محقق نراقی و او نیز از اساتید بزرگش از جمله پدرش ملا مهدی نراقی فرزند ابوذر و از علامه سید بحرالعلوم طباطبایی و علامه حائری صاحب ریاض و فقیه بزرگ کاشف‌الغطاء و فقیه فرزانه میرزا مهدی شهرستانی روایت می‌کند که اینها همگی از طریق وحید بهبهانی، از پدرش محمد اکمل نقل می‌کنند تا به علامه مجلسی، نویسنده *بحار الانوار* می‌رسند.

دوم: دائی بزرگوارم؛ پیشوای پارسا؛ خویش‌ن‌دار و نیکوکردار؛ ابو محمد حسن، فرزند هادی، پسر شریف محمد علی، فرزند سید صالح، پسر سید محمد کبیر، پسر سید ابراهیم معروف به شرف‌الدین موسوی عاملی است که در علوم و فنون برتری یافته و در بسیاری از آنها گوی سبقت از همگنان ربوده بود، ایشان -اعلی‌الله مقامه- به صورت عام و کامل به من اجازه داد تا همه آن چه را که وی از اساتید بزرگش روایت می‌کرد من هم روایت بکنم که آنان بسیاریند و راه‌های درستشان در روایت نیز که به خاندان نبوت و اهل‌بیت عصمت می‌پیوندد فراوان است که او خود چگونگی استادان و راه‌های روایتی آنان را در رساله‌ای جداگانه که برای همین منظور نگاشته به صورت گسترده نوشته و آن را *بغیة الوعاة فی طبقات مشائخ الاجازات* نامیده است. یکی از مشایخ ایشان مولای زاهد؛ فقیه عابد؛ ملا علی

فرزند میرزا خلیل است که خود از چند شیخ از مشایخ خویش روایت می‌کند که یکی از آنها به این ترتیب است که وی از دانشور فقیه؛ شیخ عبدالعلی رشتی و او نیز از استادش بحرالعلوم سید مهدی طباطبایی و او نیز از عده‌ای از اساتیدش روایت می‌کند که محدث معروف؛ شیخ یوسف بحرانی؛ نویسنده کتاب‌های الحقائق و لؤلؤة البحرین از آنها است که راه‌های روایتی وی در همین کتابش لؤلؤة البحرین نوشته شده است.

سوم: بزرگ و سرور ما؛ پژوهشگر کاردان؛ میرزا محمد هاشم پسر سید زین‌العابدین موسوی اصفهانی؛ دارنده کتاب مبانی الاصول است که من اندکی پیش از مرگش، در سال ۱۳۱۸ قمری، زمانی که برای زیارت در نجف اشرف بود از او بهرمنند شدم و مرا اجازت داد که به واسطه او از اساتیدش روایت کنم که آنان بسیارند و برترشان پیشوای فرهیخته سید صدرالدین است که توسط پدرش سید صالح از پدر بزرگش سید محمد کبیر فرزند سید ابراهیم، معروف به شرف‌الدین موسوی عاملی - که جد ما نیز می‌باشد - روایت می‌کند که وی نیز از شیخ و استادش محمد بن حسین (شیخ حرّ عاملی) صاحب وسائل‌الشیعه و با راه‌های شناخته‌شده ایشان روایت می‌کند.

چهارم: شیخ و استادمان ثقة‌الاسلام؛ دانشور پراکاویش میرزا حسین نوری، صاحب مستدرک‌الوسائل و نویسنده کتاب‌های دیگر است که مشایخ خود را همراه با راه‌های روایتی آنها به گونه‌ای گسترده در خاتمه مستدرک نوشته است. **پنجم:** استاد پیشرو ما شیخ فتح‌الله است که در اصل شیرازی و در نسبت اصفهانی و در سکونت و آرامگاه غروی (نجفی) است و به شیخ‌الشریعه اصفهانی نامور است و از استادان بزرگوارش روایت می‌کند که بسیارند و یکی از آنها علامه زاهد و برتر در بیشترین دانش‌ها سید مهدی قزوینی حلی است که از عموی نامدارش علامه صاحب مقامات و کرامات، روایت کند که وی نیز از دائی خویش سید مهدی بحرالعلوم که آیتی از آیات و معجزه‌های از معجزات بود نقل حدیث می‌کند که ایشان از جماعت بسیاری از رؤسای مذهب و دین روایت می‌کند که در اینجا به یادکرد چهار شیخ از آنها بسنده می‌شود:

۱. بزرگ و داناترین آنان؛ استاد پیش‌آیندگان؛ مجدد

مذهب؛ و حیدر بهبهانی است که به این ترتیب روایت می‌کند: از پدرش ملا اکمل بهبهانی؛ از علامه شیروانی و جمال‌الدین محقق خوانساری و شیخ جعفر قاضی و ملا محمد شفیع استرآبادی و علامه مجلسی نویسنده بحار الانوار که همگی از علامه محمد تقی (مجلسی اول) روایت کنند که وی نیز توسط شیخ بهائی از پدر فقیه وی شیخ حسین روایت می‌کند که او نیز از شهید ثانی روایت می‌کند که راه‌های شناخته‌شده شهید در اجازه کبیره ایشان یاد شده‌اند و به برخی هم در آخر کتاب‌های معالم و الاربعین و نیز در خاتمه بحار و وسائل‌الشیعه، آگاهی‌هایی داده شده است.

۲. دانشمند پژوهشگر، روایتگر راستگو، شیخ یوسف بحرانی، نویسنده کتاب الحقائق الناضره با همه راه‌هایی که در کتابش لؤلؤة البحرین یاد شده‌اند.

۳. استاد استناد، علامه سید حسین خوانساری که به این ترتیب روایت می‌کند: از عالم فاضل آقا محمد صادق؛ از پدرش علامه محمد بن عبدالفتاح مشهور به سراب؛ از فقیه پیشرو محمد باقر سبزواری (محقق سبزواری) نویسنده کتاب‌های ذخیره‌المعاد و کفایة الاحکام؛ از استاد استناد سید حسین فرزند سید حیدر کرکی عاملی؛ از شیخ بهائی؛ از پدرش؛ از شهید ثانی با همه راه‌های روایتی او.

۴. دانشور بزرگوار، دارای کرامت‌های آشکار، سید حسین قزوینی، نویسنده معارج الاحکام و مستقصى الاجتهاد و کتاب‌های دیگر؛ از پدر دانشورش سید ابراهیم قزوینی؛ از علامه مجلسی اول؛ از شیخ بهائی؛ از پدرش؛ از شهید ثانی با راه‌های روایتی شهید که به زودی گفته می‌شود.

ما را در طریقه‌های روایتی شیعه، راه‌های بسیار دیگری نیز می‌باشد که تفصیل آنها در اینجا نمی‌گنجد، برای پیوستن به کتاب‌ها و آثار روایتی شیعه و سنتی همین که نوشتیم بسنده است.

[مشایخ زیدی]

اما از مشایخ زیدی مذهب است شیخ ما علامه معتمد شیخ عبدالواسع واسعی یمنی صنعانی^۱ که با او دیداری داشتم و روزهایی را در شهر دمشق با هم بودیم و فائده‌های فراوانی

۱. ایشان از مشایخ اجازه مرحوم پدر بزرگوارم نیز بوده است که اجازه‌اش را در کتاب المسلمات آورده‌ام.



و به تمام کتاب‌های اهل سنت - چه نقلی و چه عقلی - و به همه نویسندگانشان از پیشینیان و پسینیان می‌پیوندد. برای نمونه برخی از راه‌های او را به کتاب صحیح البخاری برای می‌نویسم و آن به ترتیبی که شیخ او امام شیخ محمد خانی به وی اجازت داده چنین است: امام محمد خانی از دانشور بزرگ شیخ محمد الامیر؛ از علامه علی عدوی؛ از شیخ محمد عقيله؛ از شیخ حسن بن علی عجمی؛ از شیخ احمد بن محمد العجل؛ از امام یحیی بن مکرم طبری؛ از برهان ابراهیم بن محمد بن صدفة دمشق؛ از شیخ عبدالرحمان بن عبدالأول فرغانی؛ از ابو عبدالرحمان محمد بن شادبخت فرغانی که وی نیز با سماع حدیث از شیخ ابو لقمان یحیی بن عمار بن مقبل شاهان ختلانی؛ از محمد بن یوسف فربری؛ از امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری گردآورنده کتاب پرآوازه صحیح البخاری؛ از مشایخ او با اسانیدشان و با همه راه‌های آنان روایت کند.

دوم: استاد پیشرو، فقیه و روایتگر ما شیخ محمد، معروف به شیخ بدرالدین دمشقی است که شیخ الاسلام دمشق و داناترین دانشور دمشق در این زمان است. شعبان ۱۳۳۸ او را در دمشق دیدم و شب‌های رمضان همان سال را در درس او حاضر شدم و میان ما مذاکره‌ای پیش آمد که مربوط می‌شد به مباحثی چون حسن و قبح عقلی؛ امکان یا محال بودن رؤیت باری تعالی؛ قدیم یا حادث بودن قرآن تا این که در هر سه مسأله تمایل ایشان به صورت کامل به دیدگاه ما مایل شد و مرا در معقول و منقول، از اصول و فروع بگیر تا در دیگر دانش‌ها به ویژه در نقل احادیث شریفه و آثار و اخبار گرانبار اجازت داد که همه مسانید و مجامع روایتی را در بر می‌گیرد همان طوری که شیوخ و اساتید بزرگوارش به او اجازت داده بودند و یکی از آنها به این ترتیب است: امام شیخ ابراهیم سقا؛ از امام شیخ ثعلیب؛ از علامه شهاب‌الملوی؛ از امام شیخ عبدالله بن سالم صاحب سلسله و شجره مشهور در روایت از مشایخ خویش با اسانید و راه‌های روایتی خودش که همه را در سلسله خودش نوشته است. و نیز از علامه شیخ محمد الامیر دارنده سلسله گسترده از مشایخ خویش که با اسانید و راه‌های گفته شده در همین سلسله خودش از آنان روایت کند و اسانید را تا آنجا دارد که دیگر نیازی به بیش از آن نیست؛ صحیح بخاری

را از او بهرمنند شدم و این دیدار در شعبان ماه ۱۳۳۸ بود و او به من اجازت داد تا با همه راه‌های روایتی‌اش از او روایت کنم و برخی از راه‌های وی چنین است که او با واسطه شیخ خود قاضی دانشور حسین بن محسن مغربی از شیخ وی علامه سید عبدالکریم ابوطالب زیدی روایت می‌کند با همه اسانید و راه‌هایی که او دارد و بسیار هم دارد که در کتابش موسوم به العقد النضید فیما اتصل من الأسانید آنها را توضیح داده است.

به این ترتیب او - آیدالله تعالی - (آیت‌الله مرعشی نجفی) می‌تواند از من آن چه را که روایتش برایم درست است روایت کند از کتاب‌های زیدیّه با سند پیوسته به مجموع فقهی و مسند حدیثی آنها که هر دو مستند به زید شهید فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام (فرزند امام سجاد علیه‌السلام) است گرفته تا کتاب الصحیفة الرضویة که به امام ابوالحسن الرضا - سلام‌الله علیه - مستند است و نیز امالی هر یک از امامان و شیوخ زیدی را، یعنی امالی احمد بن عیسی بن زید بن علی و امالی امام ابوطالب یحیی بن حسین هارونی و امالی برادر وی المؤید بالله احمد بن حسین هارونی و امالی امام المرشد بالله و امالی امام الموقق بالله و کتاب شفای امیر حسین و دیگر کتاب‌های زیدیان را در اصول و فروع عقلی و نقلی نقل کند.

[مشایخ سنی]

و اما مشایخ من از اهل سنت چه قرائناً و سماعاً و چه اجازتاً بیشتر از مشایخ شیعی من است ولی در اینجا اینک به یادکرد پنج شیخ از شیوخ اجازتی خویش که هر یک از قطب‌های روایتی آنها است بسنده می‌کنم:

اول: استادم شیخ سلیم بشری مالکی است که استاد دانشگاه الأزهر و در عصر خود پیشوای دانشوران مصر بود. سال ۱۳۲۹ قمری او را در مصر دیدم و مدتی را نیز در دانشگاه الأزهر در درسش حاضر شدم. میان ما مناظره‌های علمی و مباحث فکری پیوسته برقرار بود که پارسایی؛ انصاف و بلندی جایگاهش را در دانش؛ اخلاق و ادب، نشان می‌داد. او با اجازتی کامل و مفضل به من اجازه داد که همه مشایخ و استادانش و نیز همه راه‌های روایتی او را در بر می‌گیرد



را از گردآورنده آن به این ترتیب روایت می‌کند: از علامه شیخ علی صعیدی؛ از شیخ محمد عقیله مکی؛ از شیخ حسن بن علی عجمی؛ از ابن العجل یمنی؛ از امام یحیی طبری؛ از برهان ابراهیم بن محمد بن صدقه دمشقی؛ از شیخ عبدالرحمان فرغانی؛ از محمد بن شادبخت فرغانی که او همه را به شیخ ابولقمان بن مقبل شاهان خثلانی برخوانده و او به واسطه محمد بن یوسف فربری، صحیح بخاری را از گردآورنده آن یعنی محمد بن اسماعیل بخاری روایت می‌کند.

و اما صحیح مسلم، مسند احمد، مسند شافعی و موطأ مالک را به ترتیب از شیخ علی سقاط؛ از شیخ ابراهیم فیومی؛ از شیخ احمد فرقوی؛ از شیخ علی اجهوری؛ از شیخ نورالدین علی قرافی؛ از حافظ جلال‌الدین سیوطی؛ از [صالح بن عمر، علم‌الدین ابوالبقای] بلقینی؛ از [جمال‌الدین] تنوخی؛ سلیمان بن حمزه؛ از ابوالحسن علی ابن نصر؛ از حافظ عبدالرحمن بن منده؛ از حافظ ابوبکر محمد بن عبدالله؛ از مکی نیشابوری؛ از امام مسلم صاحب صحیح؛ از امام احمد بن حنبل شیبانی امام حنبلیان و دارنده کتاب پرآوازه مسند احمد؛ از امام محمد بن بن‌ادریس شافعی امام شافعی‌ها و صاحب مسند مشهور به مسند شافعی؛ از امام مالک بن انس اصبیحی پدیدآورنده مذهب مالکی و کتاب معروف به موطأ مالک که وی نیز از مشایخ روایتی خویش با همه راه‌هایی که در میان آنان مرسوم است و همگی به رسول خدا -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- می‌رسد، حدیث را نقل کند.

سوم: شیخ ما، دانشور بزرگ و محدث مشهور شیخ محمد بن محمد بن عبدالله خانی خالدی نقشبندی شافعی است، با او دیداری داشتم و در بیروت و دمشق از او حدیث شنیده‌ام و مرا اجازت داده است تا همه آن چه را که برای او و از او روایتش - از فقه و حدیث و تفسیر و جز آنها - جایز است روایت کنم به همان ترتیبی که مشایخ نامدارش به او اجازت داده بودند که از آنها است پدرش شیخ محمد بن عبدالله خانی و شیخ عبدالرحمان کزبری و استاد دانشگاه الأزهر شیخ ابراهیم سقا و شیخ مصطفی مبلط و شیخ عثمان دمیاطی و شیخ تمیمی تونسوی و شیخ اسماعیل برزنجی که همگی از حضرت قطب الارشاد شیخ خالد کردی عثمانی

روایت کنند که وی نیز از استادش شیخ محمد کزبری و با اسانید و راه‌های شناخته‌شده او در میان شیوخ اهل سنت، روایت می‌کند.

و نیز همین شیخ (منظورم شیخ محمد بن محمد خانی خالدی است) به من اجازت داد تا از طریق سلسله اسانید شیخ محمد امیر کبیر مالکی ازهری روایت کنم که او در کشور مصر شیخ‌الشیوخ می‌باشد و پیش از این دانستی که این سلسله، مسانید را تا آنجا در بر می‌گیرد که دیگر نیازی به بیش از آن نیست. همو باز به من اجازت داد که از طریق سلسله اسانید روایتگر دیار شام شیخ عبدالرحمان کزبری روایت کنم که این سلسله، اجازة روایت از همه کتاب‌های حدیثی مشهور را در بر می‌گیرد و افزون بر آن دیگر کتاب‌ها را نیز شامل می‌شود که برخی از آنها عبارت است از احیاء علوم‌الدین نوشته امام غزالی و آثار شیخ الاسلام یحیی نووی و حافظ ابن حجر عسقلانی و جلال‌الدین سیوطی و قاضی زکریا انصاری و همچنین کتاب‌های ابن حجر مکی و شیخ الاسلام شمس محمد رملی و آثار شهاب احمد قسطلانی و ملا علی قاری و ابن عطاءالله سکندی و شیخ محیی‌الدین ابن عربی و تفسیرهای هر یک از قاضی بیضاوی و جارالله زمخشری و جلالین و ابوالسعود [معروف به خواجه چلبی و تفسیرش موسوم به ارشادالعقل السلیم الی مزایا الکتاب الکریم مشهور به تفسیر ابی‌السعود] و سلسله کتاب‌های فقهی که به فقیهان شافعی و حنفی می‌رسند.

چهارم: درفش دانشوران، نادره‌مرد این دوران، شیخ محمد معروف به شیخ توفیق آیوبی انصاری دمشقی است. با او در شهر صور لبنان و در دمشق، دیداری داشتم که میان ما مناظره‌ها و مکتوبات بسیاری بوده است که در فوائد مهمه علمی از همدیگر بهره بردیم و به من اجازت داد تا همه آن چه را که از استادان بزرگوارش روایت می‌کند، من نیز روایت کنم و برترین اسانیدش در علم حدیث، سند علامه سید سعید افندی اسطوانی است که او صحیح بخاری را روایت می‌کند به این ترتیب: از استاد پژوهشگرش محمد فاسی؛ از محمد بن سته؛ از ابوالوفا احمد بن محمد العجل؛ از قطب‌الدین محمد نهروانی؛ از پدرش احمد؛ از حافظ ابوالفتوح احمد بن عبدالله طاووسی؛ از پیر بابا یوسف هروی؛ از محمد بن شادبخت فرغانی؛ از پیر یحیی بن عمار

میراث شهاب

حصرالشارد نوشته محدث حجاز شیخ محمد عابد سندی است متصل گردم.

[افزون بر همه این‌ها] شیخ محمد عبدالحی یادشده با سند عالی دیگری نیز صحیح بخاری را روایت می‌کند که به این ترتیب است: از پیر احمد؛ از ملا صالح سویدی بغدادی شافعی؛ از سید محمد مرتضی زیدی حسنی؛ از پیر محمد ابن سنه غلانی؛ از شیخ احمد بن العجل یمینی؛ از قطب نهروانی؛ از احمد بن ابی‌الفتوح طاووسی؛ از پیربابا یوسف هروی - که شیخ محمد عبدالحی می‌گفت: وی سیصد سال عمر کرد -؛ از شادبخت فارسی فرغانی؛ از یحیی بن شاهان خثلانی؛ از محمد فربری؛ از بخاری. و او می‌گفت میان من (شیخ محمد عبدالحی) و بخاری ده واسطه می‌باشد و می‌گفت که میان من و پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - به اعتبار ثلاثیات بخاری چهارده واسطه می‌ماند و نیز همو می‌گفت که این سند، عالی‌ترین سندی است که اینک در شرق و غرب جهان یافت می‌شود. و من نیز می‌گویم که بنابراین میان من و رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله و سلم - پانزده واسطه می‌باشد.

ما را شیوخ دیگری نیز می‌باشد که شمارش کامل آنها در این رساله مختصر نمی‌گنجد و من آن را ثبت‌الموسوی فی اجازة النقی^۱ یا ثبت‌الاثبات فی سلسله الرواة نامیدم و همین با آن شمولی که خود دارد اتصال به کتاب‌های اسلامی و نویسندگان آنها را چه از شیعه و چه از اهل سنت به وضوح می‌رساند و به این ترتیب او - ایدة‌الله تعالی - (آیت‌الله مرعشی نجفی) می‌تواند با همین راه‌های یادشده و جز آنها هر چه را که روایتش برای من صحیح است از من روایت کند. او را به آن چه که اساتیدم مرا به آن سفارش کرده‌اند سفارش می‌کنم تا راه احتیاط را در پیش گیرد که سالک احتیاط از راه راست نمی‌لغزد و این که بازمانده عمر شریفش را در ترویج دین حنیف مصرف کند و همو را است که خویشتن خویش را برای خدا و فرمانبری از او - عزوجل - در نهان و عیان نگهدارد تا به قول خداوند متعال عمل کرده

خثلانی؛ از ابو عبدالله محمد بن یوسف فربری؛ از شیخ بخاری که به این ترتیب میان من و بخاری دوازده واسطه می‌باشد و شیخ عبدالخالق بن علی مزجاجی گفته که شیخ قطب‌الدین محمد نهروانی به درستی می‌تواند صحیح بخاری را از حافظ نورالدین طاووسی - بدون واسطه پدرش - روایت کند بنابراین میان من و بخاری یازده واسطه می‌ماند. پنجم: شیخ محمد عبدالحی بن شیخ عبدالکبیر کتانی فاسی ادیسی که در مصر گرد هم آمدیم و بارها به دیدار یکدیگر شتافتیم که در این میان نشست‌ها و مناظره‌هایی در مسائل فقهی و اصولی با هم داشتیم که فزونی فضل و عزم پایدارش را نشان می‌داد. او به من اجازت داد تا صحیح بخاری را به واسطه او از طریق پیرمردان و به ترتیب زیر روایت کنم: از پیر عبدالهادی ابن العربی معزای که با نام عواد شناخته می‌شود؛ از حافظ محمد بن علی سلفی؛ از ابوطالب مابزونی؛ از محمد بن عبدالله مقرب؛ از قطب‌الدین مکی؛ از ابوالفتوح طاووسی؛ از پیر بابا یوسف هروی؛ از محمد بن شادبخت فارسی؛ از یحیی بن شاهان خثلانی؛ از فربری؛ از بخاری. شیخ محمد عبدالحی کتانی می‌گفت که این سند از هر نظر برترین سندی است که در روی زمین پیدا می‌شود و می‌گفت که به واسطه اجته و به این ترتیب هم روایت می‌کند: از شیخ محمد ابن المدنی شرفی؛ از محمد بن دح؛ از عمر بن مکی؛ از شمهرش؛ از بخاری که به این طریق نیز مرا اجازت داد و نیز اجازتم داد تا همه آن چه را که روایت می‌کند و یا هر حدیثی را که به استادی از اساتیدش خوانده است و یا از آنان شنیده است روایت کنم که نزدیک به سیصد شخصیت از مرد و زن را در باختر دور و میانه و نزدیک، همچنین در حجاز، مصر، شام، عراق و یمن شامل می‌شود و همه کتاب‌ها و آثارش را که به بیش از شصت اثر می‌رسد و نیز کتاب‌های پدرش ابوالمکارم و برادرش ابوالفیض و پدر بزرگش ابوالمفاخر و دائی‌اش ابوالموهوب و سائر آثاری را که اجداد و پدران پیشرو و بزرگش داشته‌اند در بر می‌گیرد و اجازتی که به من داد به صورت کامل و مطلق است و نیز مرا اجازت داد تا کتاب‌های دیگری را که اوائل آنها در رساله علامه عبدالله بن سالم بصری معروف به رساله الاوائل نام برده شده‌اند نقل کنم، و به سلسله اسناد امام امیر الکبیر و اسنادی که در کتاب

۱. سید نقوی مردی شریف، دانشور، کاوشگر، پژوهشگر پایداری است که حجة‌الاسلام سید علی نقوی هندی لکهنوی نامیده می‌شود، وی - ایدة‌الله - از من اجازه‌نامه روایتی می‌خواست که به او با همین اجازت کامل، اجازه دادم و همین سلسله اسناد را نخست برای ایشان نوشتم. [از شرف‌الدین].

باشد که فرمود: «فاتقوا الله حق تقاته و لاتموتن إلاً و أنتم مسلمون»^۱. نیز به او و به خودم یادآوری می‌کنم سفارشی را که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام آن را به دو وصی و جانشینانش؛ دو سبط رسول خدا و دو ریحانه او از دنیا؛ و دو سرور جوانان جنت (امام حسن و حسین علیهما‌السلام) سفارش کرد و به آن دو گفت:

«شما را سفارش می‌کنم به ترسیدن از خدا، و این که دنیا را نخواهید هر چند دنیا پی شما آید و دریغ نخورید بر چیزی از آن که به دستتان نیاید، و حق را بگوئید و برای پاداش آن جهان کار کنید، و با ستمکار در پیکار باشید و ستمدیده را یار.

شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها، و آشتی با یکدیگر، که من از جد شما -صلی‌الله علیه و آله و سلم- شنیدم که می‌گفت: -آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزه سالیان.. خدا را! خدا را! در باره یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شمایند، پیوسته در باره آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را! در باره قرآن، مبادا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن. و خدا را! خدا را! در باره نماز، که نماز ستون دین شماست. و خدا را! خدا را! در حق خانه پروردگارتان، آن را خالی مگذارید چندان که در این جهان ماندگارید، که اگر حرمت آن را نگاه ندارید به عذاب خدا گرفتارید. و خدا را! خدا را! در باره جهاد در راه خدا به مالهااتان و به جانهااتان و زبانهااتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن.

مبادا از هم روی بگردانید، و پیوند هم را بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را و امگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بر

دست گیرند! آنگاه دعا کنید و از شما نپذیرند»^۲. و نظر ایشان را معطوف می‌سازم به شؤون مؤمنان و دیگر مسلمانان، و به جمع پراکندگی و اتحاد کلمه آنان، و به این که آنها را برای چنگ زدن به دو امانت سنگین پیامبرشان -صلی‌الله علیه و آله و سلم- (قرآن و اهل بیت رسالت) و نیز برای پیروی از رسم و رسوم آنان (سنت رسول خدا و خاندانش) تشویق کند. و هم و غمش -که خدای تعالی او را مؤید دارد- جز خدا و مسلمانان نباشد. به تحقیق از رسول خدا -صلی‌الله علیه و آله و سلم- روایت شده است که گفت: «من أصبح و همه غیرالله فلیس من الله و من أصبح لایهتم بالمسلمین فلیس منهم / هر کس شبی را سحر کند در حالی که فکر و ذکرش چیزی و یا کسی غیر از خدا باشد دیگر از خدا و با خدا نیست (دیگر او را با خدا ارتباطی نیست) و کسی که شبی را سحر کند و به کارها و امور مسلمانان اهمی نداشتند باشد دیگر از آنان نیست».

و اجازه‌نامه را با سخنی که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده است به پایان می‌برم که آن حضرت گفت: «من احب أن یکتال بالمکیال الأوفی یوم القیامة فلیقل آخر مجلسه أو حین یقوم: سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین»^۳. و درود خدا بر پیام‌آور ما محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش. ۲۵ المحرم الحرام ۱۳۵۶. الاقل الاحقر عبدالحسین شرف‌الدین الموسوی (محل مهر و امضای ایشان)^۴

نامه دوم

[شرف‌الدین عاملی بر روی پاکت نامه چنین نوشته است:]
ایران / قم / حجة الاسلام آية الله سيدنا الشريف السيد شهاب‌الدین آق‌انجفی النسابة ادام‌الله ظلّه العالی.

۱. سورة آل عمران، آیه ۱۰۲: «از خدا بترسید آن چنان که سزای خدا ترسی است و نمیرید مگر در حالی که مسلمان هستید».

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۳۲۰-۳۲۱، ترجمه سید جعفر شهیدی.

۳. «هر کس که دوست دارد در روز رستاخیز با پیمانی پر و کامل، پاداش دریافت کند پس در پایان نشست‌هایش و یا هنگامی که [از مجلسی] به پا می‌خیزد حتماً بگوید: پروردگارت که پروراندۀ عزت می‌باشد، از آن چه که می‌شناسانندش برتر و پاک‌تر است. و درود بر پیام‌آوران، و سیاس‌خدایی را که گردانندۀ جهانیان است.» ر.ک: زبدة البیان ص ۶۱؛ الکافی ۴۹۶/۲؛ الذکری للشهید الاول، ص ۲۱۲ و عوالی اللثالی ۲۶/۲.

۴. برای متن اجازه‌نامه مراجعه شود به المسلمات ۲۰۹/۱-۲۱۷.

[متن نامه]

و التماس دعا دارند که خدا وجود شما را پیوسته نگهدارد.
۱۸ صفر ۱۳۵۶ / عبدالحسین شرف‌الدین الموسوی

نامه سوم

بسم الله تعالی

فدایت شوم، ای شهاب دین بر کسی که به او ستم ورزد و نور درخشان دین برای آن که از او راه جوید. ای حجت اسلام و نکومرد ایام! ای پسر پیامبری که خدا او را از میان آفریدگانش برگزیده! وای فرزند گرامی کسان خدایی و نزدیکان الهی!

سپیده‌های سلام و پگاهان احترام، پاک و شکوفا، از تو سر می‌زند تا درفش دانش دین و منار پارسایی را می‌نوازد. راستی که تو عین عفوی برای کسی که در خدمت کوتاهی کند و یا از به جا آوردن وظیفه لازم در شکر نعمت، ناتوان گردد و همین طبیعت و عادت را از خوبان هاشمی می‌شناسیم و همین خوی و خلق است که خدا فاطمیان را به آن اختصاص داده است و همین است آن برتری که خداوند به هر که بخواهد می‌دهد و خدا خود دارای برتری بزرگی است.

با خواندن نامه اخیرتان که آکنده از لطف و عنایت، و بخشش و بخشایش از شما بود شرف یافتیم که از شما بزرگوار همین برازنده است. ساحت باریک‌بین و نرم‌خویان را ستودم و سبک سزامندتان را پسندیدم. آری خوشنودی شما تا آنجا که راضی باشید بایسته است، امیدوارم به خاطر عطران‌تان خطور نکند که من شما را از یاد برده‌ام، هیئات؛ هیئات که دل به دیگری سپرده باشم.

ولو اِنّی نسیتک بعض یومی لتبت مکفراً بصیام دهری^۲
این بسیاری مشغله‌ها و مسئولیت‌ها است که میان انسان و وظیفه‌هایش فاصله می‌اندازد.

اما بغية الراغبین را نتوانستیم چایش کنیم زیرا که در کشور ما به علت این جنگ‌ها کاغذ، نایاب و گران‌قیمت است.

سلام بر سرور سترگ ما و سید بزرگ ما؛ حجة الاسلام و مرجع‌الخاص والعام، الامام العلامة ادام‌الله ایامه.

سرورم به خدا من نمی‌دانم که چگونه به ستایش تو زبان بگشایم، و برتری آشکار تو را و کارهای تو را به وصف آیم، در این باره هرچه اندیشیدم به جایی نرسیدم و خود را چون کسی دیدم که می‌خواهد ماه تمام را با فروغ، وصف کند و یا خورشید را به درخشش بستاید.

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر تو را عقل است از وی رو متاب^۱

و بی‌جا نخواهد بود اگر گفته باشم در اخلاقی که شما را است جدتان سرور پیام‌آوران مجسم می‌شود؛ و سیرتی که در شما است پدران پیشوای شما را به ما می‌نمایند و نیز ایمانی را که بلندتر و پایدارتر از کوه‌هاست نشان می‌دهد. عاطفه‌ها؛ نیکی‌ها؛ بزرگواری‌ها و مهربانی‌هایی که برای هر یک به هنگام پگاهان و شامگاهان شکری می‌باید که خدا ما را در به جا آوردن حق شما یاری رساند، و زبان گویایی به ما عنایت کند تا به تشکر از شما که وظیفه لازم اوست بپاخیزد و السلام علیکم فی‌اللیل اذا یغشی، و النهار اذا تجلی، و صلواته و سلامه علیکم فی‌الآخرة و الاولی / در شبانگهان هنگام که تاریکی آن را فرا پوشد و در روز روشن آن گاه که نور و درخشش از آن فرا جوشد به شما درود می‌فرستم، و سلام و صلوات او را در این دنیا و دنیای دیگر برای شما خواهانم.

شب جمعه هجدهم صفر به مشهد کاظمین وارد شدیم که هنگام زیارت آن دو آستانه شما را پیش رو داشتیم و در به جا آوردن واجبات آن دو ساحت مقدس از جانب شما نایب‌الزیاره بودیم و همین کار نیز به زودی در دو مشهد اقدس یعنی مشهد حائری (کربلا) و مشهد‌الغریب (نجف اشرف) به خواست خداوند متعال، انجام خواهیم داد. پس از آن که به کارگزار شهر رسیدیم نامه‌هایی را که لازم است به سوی شما بفرستیم خواهیم فرستاد. خدای وجود شما را مستدام دارد و با برکت‌های شما ما را بهره‌مند سازد که او مهربان‌ترین مهربانان است.

فرزندان ما سید محمدرضا و سید نورالدین و سید علی، وظیفه خود که احترام و سلام بر شماست تقدیم می‌کنند

۱. بیت بالا به جای ترجمه از مولوی وام گرفته شد و در متن بیت زیر نوشته شده بود:

و اذا استطال الشيء قام بنفسه

و صفات ضوء الشمس تذهب باطلا

۲. اگر روزی تو را از یاد بردم به کفاره همیشه روزه دارم

ولی کتاب‌های المراجعات واجوبه جارالله و الفصول المهمه را که خواسته بودید ان‌شاءالله به‌زودی و در نخستین زمانی که ممکن باشد به خدمتتان خواهیم فرستاد چرا که در این روزها (در حال حاضر) پست، کتاب نمی‌پذیرد. و اما کتاب شرف‌الاسباط و کتاب تذییل سلك الدرر را از دمشق شام خواهیم خواست تا به یاری خدا به محضرتان تقدیم کنم.

خداوند متعال ما را توفیق داد تا مدرسه‌ای را بنیان نهیم که آموزش چهارصد نوآموز از ایتام آل محمد - صلی‌الله علیه و آله و سلم - را به صورت رایگان می‌پذیرد که این خود بنایی بزرگ است همراه با کلاس‌های گسترده‌اش و مسجد سترگش و تالار بزرگش که گنجایش هزار نفر را دارد تا در روزهای غدیر و عاشورا و میلاد پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - و امامان معصوم علیهم‌السلام و در هر جمعه و در هر پیش‌آمد اجتماعی گرد هم آیند، و ما آن را المدرسه الجعفریه نامیدیم، افزون بر این که سالن سخنرانی و مسجد جامع آن را به نام الامام الصادق علیه‌السلام نام‌گذاری کردیم. و خدا را سپاس که به ما امکان داد تا درست در روبروی همین ساختمان محکم و بلند، قطعه زمین دیگری را از حکومت بگیریم که مساحتش از ده هزار متر مربع کمتر نیست، پس از محاکمات زیادی که میان ما و اداره مالیه حکومت بود بالاخره به یاری خداوند متعال بر آن دست یافتیم که بعد از دو سال محاکمه در نهایت نوشته‌اند که حق با ما است و ما را نیز در ساخت آن یاری خواهند کرد که خدا را جای شکرش باقی است.

آن چه الآن در دست دارم تألیف کتابی است در ردّ احادیث بخاری و مسلم که خدا با توفیق و تأیید در طول این کار کمکمان کرده و لکن از باب تقیّه واجب، بر ما لازم بود که در این تألیف، حکمتی را به کار بگیریم و مصلحت چنان دیدیم که این کتاب به گونه‌ای ترجمه و زندگینامه ابوهیریه گردد و نامش نیز تاریخ ابی‌هریره باشد و آن را دارای چندین فصل قرار دادیم: فصل اول در نام و نسبش؛ فصل دوم در حال و روزش پیش از آن که مسلمان گردد؛ فصل سوم در زمان اسلام آوردنش و مقدار زمان صحابی بودنش؛ فصل چهارم شرح حالش در عصر پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم -؛ فصل پنجم شرح حالش در روزگار خلیفه اول

و دوم؛ فصل ششم در عهد عثمان؛ فصل هفتم شرح حالش در عهد امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فصل هشتم در زمان معاویه؛ فصل نهم در نوادرش؛ فصل دهم در بررسی اخباری که علمای عامّه در فضائل وی روایت می‌کنند؛ فصل یازدهم در مقدار احادیثش؛ فصل دوازدهم در چگونگی احادیثش که در این فصل برای نمونه چهار حدیث از آن چه که بخاری و مسلم از او روایت کرده‌اند آورده‌ایم و هر یک از آنها در شاعت و فضیحت چنانند که شتر بیابانگرد هم به مثل آنها تبرک نمی‌جوید و در باره هر حدیث آن چه را که دانش و دقت می‌خواست با اعتدال تمام گفته‌ایم به گونه‌ای که خصم را - هر چه قدر هم در عناد باشد - قانع کند. در همین فصل از همین گونه احادیثی که آنها را بخاری و مسلم از کسانی غیر از ابوهیریه هم تخریح کرده‌اند استطراداً للباب آورده‌ایم و سپس بخاری و مسلم را سرزنش کرده‌ایم که چرا از سویی به این کار سبک و سست (نقل احادیث ضعیف و جعلی) تن داده‌اند و از طرفی از احادیثی که در برتری‌های اهل بیت (ع) بوده است سر باز زده‌اند با این که در پیش آن دو و با معیار خودشان نیز این قبیل احادیث (فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام) شرایط صحت را به صورت کامل دارا بودند مثل حدیث غدیر و همانند آن که مسلمانان در صحت آنها اتفاق نظر دارند. فصل سیزدهم از فصول کتاب در یادکرد کسانی از صحابه و تابعین است که ابوهیریه را در این که بیش از اندازه بر رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله و سلم - سخن بسته است به شدت توبیخ کرده‌اند. فصل چهاردهم در اعتذار ابوهیریه از اندازه و چگونگی احادیثش به این که پیامبر به اصحابش گفت: «کدام یک از شما عبايش را می‌گستراند تا به‌نوعی به آن دانش ریزم و کسی جز ابوهیریه عبايش را نگسترده و در نتیجه به لای عباي ایشان هر چه از دانش می‌خواست سرازیر کرد و به او گفت که عبايت را جمع کن و وی نیز آن را با دانشی انباشته جمع کرد و دیگر پس از آن هرگز چیزی را فراموش نکرد.»! و ما در باره این عذر [بدتر از گناه] آن چه را که مناسب بود گفته‌ایم. و سپاس تنها خدا را می‌سزد و همو است که از او خواسته می‌شود تا ما را به کارهای خالصی که فقط به خاطر رویکرد کریمانه اوست و خود می‌پسندد توفیق دهد که به درستی او مهرورزترین مهرورزان است.

و آب‌های صلح را به چشمه‌های آن برگرداند. از کتاب ابو هریره فراغت یافتیم و کتابی از آب درآمد که از دانش‌های جوشان، و دلیل‌های قاطع، و سبک نوین در یاری حق، هر چه بخواهی در آن هست. و خدا را بر تکمیل آن سپاسگذارم و از او می‌خواهم که بر انتشارش توفیق دهد و این کار در کشور ما امکان ندارد مگر این که جنگ به پایان رسد زیرا که با ادامه این جنگ در بیروت کاغذ یافت نمی‌شود.

و اینک به نوشتن کتاب بغیة الراغبین فی سلسله آل شرف‌الدین مشغولم. و شما پیشتر یادآوری کردید که گروهی از خویشان ما در قزوین می‌باشند که در نسب به صاحب مدارک می‌رسند، امیدوارم که در این باره ما را به‌رمند سازید و حال و روز آنان را به تفصیل بیان کنید زیرا که این خود می‌تواند چون شجره‌ای باشد که اصل را با تمام شاخه‌هایش با آن می‌توانیم شناخت، باشد که آن را در بغیة الراغبین مندرج سازیم که به زودی به یاری خدا آن چنان که می‌خواهید منتشر خواهد شد.

و مرا پرسشی است که امیدوارم در باره آن دقت نظر داشته باشید و خلاصه‌اش چنین است که شیخ خَزر عاملی در کتابش امل‌الآمل برای جدّ ما شرف‌الدین عموی نقل کرده و گفته است: «سید حیدر پسر سید نورالدین علی فرزند علی بن علی بن ابی‌الحسن موسوی جبعی؛ عالمی است فاضل و صالح و جلیل‌القدر که تا کنون ساکن اصفهان است.»^۱ و من می‌گویم که از ایشان چهار پسر به جا ماند که عبارت بودند از محمد؛ کمال‌الدین؛ مرتضی و علی که البته شیخ خَزر در امل‌الآمل از محمد یاد کرده و گفته است: «سید محمد پسر حیدر فرزند نورالدین علی بن علی بن ابی‌الحسن موسوی عاملی جبعی از معاصران، دانشوری برتر و ژرف‌بین و در بسیاری از علوم عقلی و نقلی کارداران است.»^۲ که من می‌گویم: و اما کمال‌الدین البته که از دانشوران در شهر اصفهان بود و پسری داشت که دانشوری با فضل و فقیه بود که نامش همان طوری که سید عبّاس در کتابش نزهة الجلیس تصریح کرده، سید بدرالدین بوده است^۳

۱. شیخ خَزر عاملی، امل‌الآمل ۸۱/۱ (۷۸).

۲. همان، ۱۶۰/۱ (۱۶۰).

۳. سید عبّاس موسوی مکی، نزهة الجلیس ۲۲۹/۱.

اخبار سرورمان آیت‌الله سید صدرالدین صدر بر ما پوشیده است خواهش می‌کنم احترام و سلام مرا به ساحت بلند ایشان برسانید و ما را از حال و روز او چه از جهت سلامتی و چه علمی و نیز از جایگاه او در میان امثالش و در بین اهل علم باخبر سازید. درود بر شما و بر آنان که از برادران ما با شما و در کنار شمایند.

همچنین همه نزدیکان ما از فرزندانمان گرفته تا عموزادگانمان بویژه آنان که در قم به خدمتتان پیشتر رسیده‌اند به‌خصوص پسر سید علی با احترامات واجب، سلام می‌رسانند. خداوند شما را نگهدارد. ۱۴ شعبان ۱۳۵۹ / عبدالحسین شرف‌الدین الموسوی.

[و در حاشیه افزوده‌اند:] بیشتر نامه‌های شما خالی از تاریخ است که لازم دیدم یادآوری کنم و المؤمن مرآة اخیه.

نامه چهارم

بسم‌الله تعالی

السلام علی اهل بیت النبوة و موضع الرسالة و رحمة‌الله و برکاته ای حجت اسلام و پناه مردمان و درفش دانشوران و نکومرد دوران! پیوسته دین را شهابی بر هر که به آن ستم روا دارد و ستاره فروزان دینی به هر که از آن راه جوید و درفش دینی به هر که بر آن پناه آورد و دانشور بسیاری آنی به هر که بر آن امید بندد. درود بر شما و بر هر که پیش شماست در هر شبانگهان هنگام که تاریکی آن را فراپوشد و در هر روز روشن آن‌گاه که روشنایی و نور از آن فرا جوشد، و رحمت خدا و برکت‌هایش.

پیش‌آمدهای این روزهای سخت و چگونگی‌های شگفت آن مرا نگذاشت تا از مبادله‌نامه با شما بهره‌گیرم و به نصیب خویش که در پیوستن به شما داشته‌ام برسم و لا حول ولا قوه إلا بالله العلی‌العظیم امیدوارم که در صحت، عافیت، نعمت، و در فرورش و افزایش باشید که خدا در نگهداری برتر است و هموست که مهربان‌ترین مهربانان است.

کتاب‌هایی را که فرموده بودید در بیروت و شام (لبنان و سوریه) پیدا نکردم به‌مصر هم که امروز راه نداریم تا از آنجا بجوییم، هر وقت که به دست آوریم به محضرتان تقدیم خواهیم کرد إن شاءالله تعالی. و از خدا خواسته می‌شود که این سرگردانی را از سر مسلمانان بردارد

و من نمی‌دانم آیا از نسل بدرالدین در اصفهان و در جاهای دیگر ایران کسی بود و آیا کمال‌الدین غیر از وی پسر دیگری هم داشت؟

و اما مرتضی پسر دیگر سید حیدر بنا بر آن که سید عباس در نزهة‌الجلیس تصریح کرده^۱، از دانشوران اصفهان بوده است که شیخ ابوالحسن علی بن ابی‌طالب شیرازی شاعر پرآوازه و معروف به حزین در کتابش تذکرة‌العلماء از او نام برده و نوشته است: «سید مرتضی پسر سید حیدر و نوه نورالدین علی موسوی عاملی است که از سرآمدان روزگار، عالم به فقه، حدیث و دیگر علوم ادبی و عربی، و نیز شاعری نوپرداز است که استاد ربانی من بود و من پیش ایشان درس خواندم...»^۲ تا پایان سخنش که کاری ندارم که وی گمان برده است که او از نوادگان صاحب مدارک است^۳ و درست این است که او از نوادگان برادر صاحب مدارک است.

همچنان نوشته است که او و پدرش سید حیدر در اصفهان متولد شدند^۴ و درست چنین است که پدرش در جبل عامل تولد یافت و سپس در اصفهان ساکن شد. و آن چه که زحمتش را از شما می‌خواهم همین است که از این سادات و نسل و نسبشان (فرزندان و نوادگانشان) جستجو کنید و از نتیجه بحث و به آن چه که در باره آنان استناد می‌کنید با تفصیل و توضیح مرا آگاه سازید که من در انتظار پاسخام و از خدا می‌خواهم که به صواب راه نماید، و اجر و پاداش شما را نیک و بزرگ دارد والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

صور ۲۵ جمادی‌الثانیة ۱۳۶۲

عبدالحسین شرف‌الدین‌الموسوی

[و در پی‌نوشت چنین به سخن افزوده و نوشته است:]

معلوم چنان است که صاحب مدارک را پسری حسین نام و از دانشوران بود که در مشهد امام رضا علیه‌السلام بود و در آنجا تدریس می‌کرد و همان جا نیز مرد که شیخ خزّ عاملی در کتابش اهل‌الآمل از او یاد کرده است^۵ و من امیدوارم که شما کاوش از نسل و نوادگان او را نیز پی‌گیرید.

از پیشینیان ما مردی نیز بود که در حیدرآباد می‌زیست و همانجا هم مرد که او عموی جدّمان شرف‌الدین بود و نام و نسبش به این ترتیب است: سید جمال‌الدین پسر سید نورالدین علی بن علی بن الحسین^۶ آیا شما به نسل

و نوادگان او در حیدرآباد و یا در جاهای دیگر اطلاع یافته‌اید که امروز شما در این فنّ شریف (نسب‌شناسی و تبارشناسی) مرجع و پناهگاهید و ما در این آرزو و در تحقیق این مهمّ به شما دل بسته‌ایم.

نامه پنجم

بسم‌الله ایاة نعبد و ایاة نستعین^۷

حجّت‌الاسلام و نکومرد این ایام! خدا سایه سبز و فرازندتان را به پای دارد، و در شرف جایگاهتان و مقام بلندتان بیفزاید، و دین و دل‌های باورمندان را با شما محکم و مؤید بدارد. درود بر شما و بر نزدیکانتان و رحمت و برکت‌های خدا ارزانی شما باد.

دوری ما از چشمه زلال شما به درازا کشید و ما را به فرات گوارای شما تشنه‌تر کرد و چه سخت است حسرت و افسوس ما در وقوف به احوالتان؟! امیدوارم که خودتان و دیگر نزدیکانتان و همه عزیزانتان و همگی مؤمنان در خیر و عافیت باشید.

بیشتر برای شما و همچنین سرورمان آیت‌الله صدر^۸ دو بار نامه نوشته‌ایم که از هیچ کدامتان به لطفی بهرور نگشته‌ایم (پاسخی از هیچ کدامتان به ما نرسیده). کتاب شرف‌الاسباط و النجوم الزاهرة را با پست به خدمتتان فرستاده‌ایم که از رسیدنشان باخبرمان نساخته‌اید. شتاب در جواب را می‌خواهم تا ما را از احوالتان باخبر سازد. خدا شما را در بهترین حال، و در رهیافته‌ترین خاطر و خیال، قرار دهد.

۱. همان، ۲۲۹/۱ و ۲۷۰/۲.

۲. حزین لاهیجی، تذکرة‌المعاصرین، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۳. همان، ص ۱۲۶.

۴. همان.

۵. شیخ خزّ عاملی، اهل‌الآمل ۱/۷۹ (۷۳).

۶. ر.ک: نزهة‌الجلیس ۱/۷۸-۸۰.

۷. مرحوم شرف‌الدین عاملی بر روی پاکت نامه نیز چنین نگاشته‌اند: ایران / قم / حجّة‌الاسلام و علم‌الاعلام سیدنا الشریف السید شهاب‌الدین الشهیر بأقا نجفی‌التسابه ادام‌الله ظلّه‌العالی.

۸. آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین صدر (پدر امام موسی صدر)، پیش از آیت‌الله بروجردی، از مراجع ثلاثه و پرآوازه بود که با نویسنده نامه یعنی سید شرف‌الدین عاملی خویشی نزدیکی نیز داشت که «آل شرف‌الدین» و «آل صدرالدین»، دو فرع از یک اصلند.

می خواهد که به سلسبیل زلالش می رسیدم و چقدر در رسیدن به چشمه صاف و گوارایش تشنه ام. و چه پیاله های پر و پیمان که پیشتر مرا از فراتش نوشانیده، و چه خوشبخت بدم آن گاه که از آن شراب طهور سیرابم می کرد! به خدا نمی دانم که در بریدن رشته آلفتی که خود به لطف و نعمت، وصالش را شروع کرده بود چه سببی است. پناه بر خدا اگر به علت کاری یا خطایی است که از من سر زده، او می تواند مرا آن قدر توبیخ کند تا خوشنود گردد که او فراتر از خشنودی است.

و این ششمین نامه از نامه های من است که سعادت پاسخ هیچ یک از آنها را نداشته ام. کتاب شرف الاسباط، نوشته دمشقی و کتاب النجوم الزاهرة را با همه اجزایش هفت ماه پیش یا بیشتر با پست به خدمتتان پیش کش کردم، می خواستم از وصول این کتابها آگاهم سازید که از این باب تا کنون خبری به من نرسیده است و همین مرا به بی قراری واداشت و در همین باره به سرورمان حجة الاسلام سید صدر هم نامه نوشتم تا شما و کتابها را از او سراغ گیرم که بهره ام از او نیز مانند بهره ام از شما بود یعنی هر دو مرا از پاسخ محروم کردید.

شما به من وعده داده بودید که مرا از نسل صاحب مدارک در قزوین و دیگر شهرهای ایران باخبر سازید و من روا شدن وعده شما را می خواهم که نمی یابم. به شما نه چنین گمانی می رفت و نه از شما چنین چیزی با آن خوبی و مهرورزی شما شناخته شده بود. شما را به خدا هر چه را که پرسیده ام پاسخم گوید و حال و روز خویش را برای ما شرح دهید، امید که در بهترین حال و در رهیافته ترین خاطر و خیال باشید والسلام علیکم و علی من لدیکم ورحمة الله وبرکاته.

صور، ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۶۳

عبدالحسین شرف الدین الموسوی

[و در پایان می افزاید:] امروز نامه ای نیز با پست به سرورمان آیت الله صدر می فرستم، امید که او را به پاسخ دهی آن برانگیزید و در آن نامه به او نیز امید بسته ایم که شما را

پیشتر از شما خواهش کردیم که شاخه های شجره سید محمد صاحب مدارک را برای ما توضیح دهید و شما به ما وعده این کار را داده بودید که اینک انتظار می رود که وعده خویش را به جای آورید.

بعضی از پیشینیان ما ساکن اصفهان بود که در اهل الاهل، سید حیدر بن علی نورالدین بن نورالدین علی^۱ نام برده شده است و چهار پسر داشت به نام های محمد، کمال الدین، مرتضی و علی که کمال الدین خود در اصفهان پسری داشت که نامش سید بدرالدین بود و ما اینک نمی دانیم آیا آنان را نسلی در اصفهان و در شهرهای دیگر ایران باقی مانده است؟

شیخ حزین شیرازی در تذکرة العلماء از مرتضی فرزند حیدر یاد کرده و او را ستوده است^۲، آیا شما به نسلی که از ایشان مانده باشد اطلاعی یافته اید؟

شاید بدانید که سید جمال الدین پسر سید علی نورالدین در حیدرآباد دکن سکونت داشت و در آنجا نیز مرد^۳، آیا شما کسی را در آنجا می شناسید که از نسل او باشد؟

امیدوارم از هر چه در این باره دانستنی دارید ما را بهر مند سازید که شما را برتری می باشد.

اما کتاب بغیة الراغبین شکر خدا در نوع خود بی نظیر می نماید و دستان پاکیزه شما رامی بوسد و از شما در کاوش از آن که پرسیدیم امید یاری دارد، با سپاس از شما والسلام. صور، دهم ذوالقعدة، سال ۱۳۶۲ هـ
عبدالحسین شرف الدین الموسوی

نامه ششم

به نام خدا و سپاس خدا را، و درود بر فرستاده او، و بر پیشوایان خجسته از خاندان او، و رحمة الله وبرکاته.

[به محضر] حجت اسلام، درفش دانشوران، بهمرد پاینده تا روز رستاخیز، سرور و سرپرست ما سید شریف که خدای سایه اش را پایا و جایگاهش والا دارد. که زنده خواهی های فزاینده، و دعا های فرخنده، و سلام های صاف و خالص از او سراغزد و به فخر اشراف، ذخیره خاندان عبد مناف، نمونه پیشینیان، دادرسی پسنیان، علامه هاشمیان و گردآورنده گروه فاطمیان می رسد. چقدر دلم

۱. شیخ خز عاملی، الاهل الاهل ۱/۸۱ (۷۸).

۲. حزین لاهیجی، تذکرة المعاصرین، ص ۱۲۶.

۳. سید عباس موسوی مکی، نزهة الجلیس ۱/۷۸ - ۸۰.

به پاسخ‌گویی از این نامه ما فراخواند و من نمی‌دانم که شما هردو این کار را خواهید کرد یا نه؟
پیشتر شما را در جریان گذاشته بودیم که قصد داریم به عراق بکوچیم تا زمان باقی مانده از زندگیمان را در کنار سروران و سرپرستانمان (در سایه عتبات عالیات) سپری سازیم ولی با مردمان کشورمان روبرو شدیم که به پا خاستند و چون دژی در برابر ما ایستادند که دیگر تصمیم خود را نمی‌توانیم به کار بست، سفر را تا فصل پاییز به عقب می‌اندازیم و عزم داریم که - اگر خداوند متعال بخواهد - در آن زمان به عنوان زیارت، روی به عراق آوریم و سپس عصای خویش در آستان آنان (پیشوایان مدفون در عراق) - سلام بر آنان - به زمین افکنیم و ماندگار شویم. و مرا توفیقی نباشد مگر آن که خدا خواهد.

یادآوری این نکته بایسته است که مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین یک اجازه روایتی برای پدر عزیزم نگاشته است که اینجانب آن را به ضمیمه مختصری از زندگینامه آن مرحوم در کتاب *المسلسلات فی الاجازات حاوی اجازات اجتهاد و روایتی علمای امامیه، اهل سنت و زیدیه - که برای پدر بزرگوام مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمت‌الله علیه نگاشته‌اند - آورده‌ام.*

فهرست منابع و مآخذ

۱. آثار الحجّة، محمد شریف رازی، کتابفروشی برقی، قم، چاپ دوم، ۱۳۳۲ش.
۲. الاجازة الكبيرة، آية الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، مکتبه آية الله المرعشی النجفی، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ق.

۳. از دیروز تا امروز، سید جعفر شهیدی، نشر قطره، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۴. امل الآمل، محمد بن الحسن (الجزالعملي)، تحقیق سید احمد حسینی، مطبعة الآداب، النجف الاشرف و قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۵. تاریخ خاندان مرعشی، سید مهدی مرعشی، مؤلف، تبریز، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
۶. تذکرة المعاصرين، حزين لاهیجی، تصحیح معصومه سالک، دفتر نشر میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۷. دانشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت، کتابفروشی فردوسی، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۳۵ش.
۸. کتابشناسی توصیفی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی، کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق / ۱۳۸۲ش.
۹. المسلسلات في الاجازات، سید محمود مرعشی نجفی، مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی العامه، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ق.
۱۰. مصفی المقال فی مصتفی علم الرجال، آقا بزرگ تهرانی، تصحیح احمد منزوی، نشر عترت، چاپ دوم، ۱۳۳۷ش.
۱۱. نزهة الجليس و منية الأديب الأئیس، سید عباس بن علی موسوی مکی، با مقدمه سید محمد مهدی خراسان، المطبعة الحیدریه، النجف الاشرف، الطبعة الاولى، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.

شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

حافظ، ابومحمد بن قدامه، عبدالقادر حافظ، ابوعمر مقدسی زاهد، شهاب‌الدین بن راجح، ابوصالح جیلی و عبدالعزیز بن یاقا، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند و آخرین فردی که از او روایت کرده و قراءات عشر را نزد او فرا خوانده، بهاء‌الدین علی بن جمیزی است. برخی نوشته‌اند که عون‌الدین بن هبیره وزیر نیز، از او قرائت آموخته و بسیار او را مورد احترام قرار می‌داده است.

ابن‌نجار او را امامی کبیر در شناخت و معرفت قراءات به‌شمار آورده و گفته است او در وجوه و علل و طرق و ضبط و تجوید قراءات و حسن ادا و اتقان آنها چیره‌دست بوده است که آشنایی کاملی به علم نحو داشته و فردی متدین و خوش اخلاق و خوش طینت، قاری بغداد در زمان خودش و آگاه به دانش عربی و پیشوای سنت بوده است.

۹۰. المنتظم، ۲۶۷/۱۰ (۲۳۳/۱۸)؛ معجم‌الادباء، ۶۱/۱۴ - ۶۲؛ انباه‌الرواة، ۲۹۸/۲؛ الکامل فی‌التاریخ، ۴۳۵/۱۱ (ذیل حوادث ۵۷۱ق)؛ المختصر المحتاج الیه، ۱۳۲/۳؛ تاریخ‌الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۵۷۱ - ۵۸۰ق) ص ۱۰۰ - ۱۰۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۴۸/۲۰ - ۵۵۰؛ دول‌الاسلام، ۸۶/۲؛ معرفة‌القراء‌الکبار، ۵۴۱/۲؛ العبر، ۲۱۵/۴؛ الاعلام بوفیات‌الاعلام، ص ۲۳۶؛ المعین فی طبقات‌المحدثین، ص ۱۷۴؛ المشته فی الرجال، ۵۸۲/۲؛ طبقات‌القراء‌جزری، ۵۵۶/۱؛ نکت‌الهمیان، ص ۲۱۴ - ۲۱۵؛ البدایة و النهایة، ۲۹۶/۱۲؛ ذیل طبقات‌الحنابلة، ۳۳۵/۱ - ۳۳۷؛ طبقات‌ابن‌قاضی شهبه، ۹۶۹/۲؛ تبصیر‌المنتبه، ۱۲۷۵/۴؛ النجوم‌الزاهرة، ۸۰/۶؛ بغیة‌الوعاء، ۱۷۹/۲؛ شذرات‌الذهب، ۲۴۲/۴؛ التاج‌المکمل، ص ۲۰۸؛ معجم‌المؤلفین، ۱۵۰/۶ (۴۷۶/۲).

۹۰. ابوالحسن علی بن عساکر بن المرخب بن عوام بطانحی (حدود ۴۹۰ - ۵۷۲ ق / ۱۰۹۷ - ۱۱۷۷ م) قاری و آگاه به ادبیات عرب.

او در حدود ۴۹۰ قمری در بطانح (بین واسط و بصره) دیده به جهان گشود و پرورش یافت، سپس برای فراگیری دانش و استماع حدیث و قرائت قرآن، عازم بغداد شد و در آنجا قرآن را با قراءات مختلف حفظ کرده و با روایات مشهور و شاذ، نزد گروهی چون ابوالعزّ قلانسی، ابوعبدالله بارع، ابوبکر مزرقی و سبط الخياط قرائت نمود و در کوفه نیز، از شریف عمر بن ابراهیم علوی قرائت آموخت و از ابوطالب یوسف، ابن‌الحصین و گروهی دیگر حدیث شنید و بعد خود به نقل روایات پرداخت و متصدی امر قرائت قرآن گردید و قراءات گوناگون را مدتها ادامه داد. وی در این فن مهارت تمام داشت و در عربی و ادبیات عرب چیره‌دست بود.

ابوالحسن بطانحی را فردی موثق در حدیث و صحیح السماع دانسته‌اند و او را افراد زیادی ستایش کرده‌اند. گروه بسیاری از او قراءات مختلف را روایت کرده‌اند که آخرین آنها عبدالعزیز دُلف است و بزرگانی چون: عبدالغنی

خلیفه عباسی الناصر لدين‌الله، از وی اجازه دریافت کرده است.

بطائی در ۲۸ شعبان ۵۷۲، در بغداد، دیده از جهان فرو بست و چهره در نقاب خاک کشید.
تنها اثری که به وی نسبت داده‌اند، کتابی در قراءات است.

شیفتگی بطائی به کتاب

بطائی که بعدها نابینا شد، در آغاز به کتاب و گردآوری آن سخت علاقه‌مند بود و کتابها، جزوات و رساله‌های مختلفی را گرد آورده بود و به گفته ابن جوزی آنها را وقف کرد،^۱ گرچه بیان نکرده است که کتابها را به چه مکانی وقف نموده است؛ اما یاقوت حموی نوشته است که وی کتابهایش را وقف بر مدرسه شیخ عبدالقادر جیلی کرد و سپس اضافه کرده است که وی پس از خود چهارصد دینار و یک خانه در بغداد، باقی گذاشت.^۲

ابن رجب نیز، گفته است که وی کتابهایش را وقف مدرسه حنبله (جیلی) در باب الارح بغداد نمود^۳ و ابن‌کثیر نوشته است کتابهایش را وقف مسجد ابن جراره در بغداد و یا مسجد ابن جرده کرده است.^۴ مؤرخان نوشته‌اند که این مسجد مورد اشاره، قسمتی از مدرسه جیلی بوده است.^۵
ابوالحسن بطائی در اواخر عمر خود نابینا شده است و گویا پس از نابینایی خویش کتابهایش را وقف کرده است.

۹۱. سعدالملک رشیدالدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل

بن عبدالملک بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن محمد بن یحیی بلخی معروف به «رشیدالدین وطواط» (۴۸۰ - ۵۷۳ ق / ۱۰۸۷ - ۱۱۷۷ م)، ادیب، کاتب، شاعر و عارف به ادبیات عرب و آگاه به اسرار علم نحو و چیره در ادب فارسی. به جهت کوچکی جثه‌اش و نیز به دلیل سرعت در حرکت به «وطواط» شهرت داشت و این کلمه در عربی به معنای «پرستوک» است. گویند به یازده واسطه به عمر بن الخطاب خلیفه دوم می‌رسد.

وی در شهر بلخ دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت و در مدرسه نظامیه همانجا قسمتی از تحصیلات خود را نزد ابوسعید هروی به انجام رسانید و پس از اتمام تحصیلات و کسب مهارت در فارسی و عربی، به خوارزم رفت و در اوایل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز بن

قطب‌الدین محمد خوارزمشاه، به دربار وی راه یافت و به‌عنوان کاتب دیوان وی و همچنین به سمت «ملک الشعرا» او انتخاب و منصوب گردید و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و بعدها سمت صاحب دیوانی رسائل معین شد و مقرب سلطان گردید و همواره در سفر و حضر، ملازم رکاب او بود و اتسز از محاوره و مجالست با این دبیر و شاعر فاضل لذت می‌برد و میان آنان مطایباتی روی داده است.

در سال ۵۵۱ قمری که اتسز درگذشت، رشیدالدین چندی در خدمت پسرش ایل ارسلان (۵۵۱ - ۵۶۸ ق) به‌سر می‌برد، ولی به دلیل کهولت سن از خدمت کناره‌گیری کرد و در سال ۵۶۸ قمری که سلطان علاءالدین تکش بر تخت خوارزم نشست، وطواط پیری فرتوت بود و از هشتاد سالگی گذشته، چنانکه او را بر محفای گذاشته و پیش سلطان

۱. المنتظم، ۲۶۷/۱ (۲۳۳/۱۸).

۲. معجم الادباء، ۶۲/۱۴.

۳. ذیل طبقات الحنبله، ۳۳۶/۱ - ۳۳۷.

۴. البداية و النهاية، ۲۹۶/۱۲.

۵. الجامع المختصر ابن‌ساعی، ص ۳۲؛ البداية و النهاية، ۲۹۶/۱۲؛ دورا لکتب العربية العامة و شبه العامة، ص ۲۰۹.

۹۱. معجم الادباء، ۲۹/۱۹ - ۳۶؛ شرح شواهد التلخیص عباسی، ۲۴۵ - ۲۴۴/۱۰؛

بغية الوعاة، ص ۹۷؛ كشف الظنون، ۱۷۳، ۴/۱، ۳۶۸، ۱۲۰۰/۲، ۱۲۰/۳؛ ایضاح المکنون، ۳۷۸/۱ و ۹۷/۲، ۱۲۰؛ تاریخ جهانگشا، ۷/۲ - ۱۸؛ لباب الالباب

عوفی، ۸۰/۱ - ۸۶؛ تذکرة دولتشاه سمرقندی، ص ۶۹ - ۷۳؛ حبيب السير،

۳۱۱/۲ - ۶۳۰ - ۶۳۲، ۶۳۷ - ۶۴۲؛ روضة الصفا (تهذيب و تلخیص) مجلدات

۴ - ۷۰/۶؛ تاریخ گزیده، ص ۷۵۶؛ بهارستان جامی، ۱۳۷ - ۱۳۸، ۱۴۱؛ تذکرة

حسینی، ص ۱۲۹ - ۱۳۰؛ آتشکده آذر، ص ۳۱۵ - ۳۱۸؛ ریاض الجنة زنوزی،

روضه پنجم، قسم دوم، ۸۳۰ - ۸۳۱؛ مجمع الفصحاء، ۲۲۲/۱ - ۲۳۱؛

نگارستان سخن، ص ۳۲؛ روضات الجنات، ۲۸۰/۱؛ طرائق الحقائق، ۲۶۵/۲

- ۲۶۷؛ سخن و سخنوران، فروزانفر، ۳۴۵/۱ - ۳۵۶؛ سبک‌شناسی بهار،

۴۰۰/۲ - ۴۰۱؛ ترجمه مجالس النفاس، ص ۳۴۹؛ مرآة الخيال، ص ۳۲ - ۳۳؛

قاموس الاعلام، ۲۲۸۲/۳؛ بروکلمان، ۲۷۵/۱ - ۲۷۶؛ معجم المؤلفين،

۲۲۹/۱۱ (۳۴۹/۳ - ۳۵۰)؛ مقدمه حدائق السحر و طواط از عباس اقبال

آشتیانی؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ۹۲/۱ - ۹۳؛ ریحانة

الادب، ۳۱۰/۲ - ۳۱۲؛ معجم المطبوعات العربية، ۱۹۲۱/۲؛ صحف ابراهيم،

برگ ۱۲۸ - ۱۲۹؛ ریاض الشعراء واله، برگ ۱۳۸؛ خلاصة الافکار، برگ ۱۰۵؛

خلاصة الاشعار و زبدة الافکار تقی‌الدین کاشی، ص ۵۰۳ - ۵۰۴؛ تذکرة

ندرت، گلشن اول و دوم، برگ ۷؛ خیر البیان، برگ ۶۸؛ هفت اقلیم (اقلیم

چهارم)، ۶۸/۲ - ۷۶؛ نتایج الافکار، ص ۲۶۱ - ۲۶۳؛ تذکرة روز روشن،

ص ۴۲؛ فرهنگ سخنوران، ۳۷۷/۱ - ۳۷۸؛ تاریخ ادبیات در ایران صفا،

۶۲۸/۲ - ۶۲۹ و ۹۵۴ - ۹۵۷؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۷۵۶/۵ -

۷۵۸؛ مقدمه کیهان‌شناخت، ص ۴۴ - ۴۹.

آوردند. گویا رشیدالدین تا اواخر عهد ایل ارسلان و آغاز دورهٔ تکش همچنان سمت صاحب دیوانی رسائل خوارزم را به عهده داشته است و پس از آن کناره‌گیری کرد.

وطواط در سال ۵۷۳ قمری^۱ و به قولی ضعیف در ۲۵۵۲ و یا ۵۷۸ قمری^۳ در خوارزم دیده از جهان فرو بست و در محلهٔ جرجانیة خوارزم، به خاک سپرده شد.

وطواط غیر از سلاطین خوارزم که گفته شد، با گروهی از مشاهیر رجال و امیران زمان خویش نیز، رابطه داشته و آنان را مدح گفته است که از آن جمله می‌توان: خاقان نظام‌الدوله ابوالقاسم محمود بن محمد بغرا خان خواهرزاده سنجر، صدر الائمه امام ضیاءالدین که از بزرگان ادبا و شعرای مقیم بلخ، شاه غازی نصره‌الدین رستم بن علی بن شهریار بن قارن از پادشاهان آل‌باوند را می‌توان نام برد.

او با بسیار از مشاهیر نویسندگان، دانشمندان و شاعران روزگار خویش رابطه و مکاتبه داشته است و حتی با برخی مباحثاتی نیز داشته مانند: جارالله زمخشری ادیب و متکلم بزرگ سدهٔ ششم قمری، خاقانی شاعر و ادیب نامور، ادیب صابر شاعر پرآوازه که با اینان مشاعره نیز داشته است.

میان وی و امام حسن قطان مروزی از عالمان و حکیمان سدهٔ ششم قمری، نیز مکاتباتی وجود داشته که بعضی از آنها در مجموعهٔ رسائل و طواط، و در تاریخ جهانگشای جوینی^۴، آمده است و به بخشی از آنها اشاره خواهیم کرد.

آثار و تألیفات:

رشیدالدین و طواط علاوه بر دیوان شعر که در تهران، به کوشش سعید نفیسی، در ۱۳۳۹ ش، همراه با حدائق السحر، چاپ شده، دارای آثار متعددی است که برخی چاپ شده‌اند و شماری از آنها نیز، به صورت مخطوط، باقی مانده‌اند و به اختصار به این شرح است:

۱. حدائق السحر فی دقائق الشعر، که نخستین بار در تهران و در ۱۲۷۲ قمری چاپ سنگی شده و پس از آن بارها تجدید چاپ شده و آخرین چاپ منقح آن به وسیلهٔ عباس اقبال آشتیانی، در تهران و در ۱۳۰۸ ش، چاپ و منتشر شده است و یکبار دیگر همراه با دیوان شعرش در ۱۳۳۹ ش به کوشش سعید نفیسی انتشار یافته است.
۲. قصیدهٔ طنطرانیه (شعر عربی)، تهران، ۱۲۷۲ قمری،

همراه با شرح معلقات السبع.

۳. مجموعة الرسائل (عربی)، جزء اول آن در مصر و در ۱۳۱۵ قمری چاپ و منتشر شده است.

۴. مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب (عربی)، ترجمهٔ آن به شعر به زبان فارسی «صد کلمه»، اصل آن از جاحظ است و ترجمه به شعر فارسی از وطواط که نخستین بار در لایپزیک و در ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۳ ق با ترجمهٔ آلمانی و سپس در تبریز در ۱۲۵۹ قمری چاپ سنگی شده است.

۵. نامه‌های رشید و طواط، به کوشش دکتر قاسم توپسرکانی، در تهران و در ۱۳۳۸ ش چاپ شده است.^۵

۶. منشآت فارسی که عباس اقبال آشتیانی، در مقدمهٔ کتاب: حدائق السحر^۶، قسمتی از آنها را نقل کرده که این نامه‌ها اعم از رسائل سلطانی و اخوانی است و با اینکه از آغاز مجموعه‌ای منظم از آنها ترتیب نیافته، باز هم تعداد آنها کم نیست.

۷. منظومه‌ای در عروض فارسی که شامل شانزده بحر از بحور عروضی معمول شاعران پارسی‌گوی است.^۷

علاوه بر اینها وی چندین رسالهٔ معروف نیز، به عربی دارد که غالب آنها در مسائل ادبی و کلامی است و همهٔ آنها را عباس اقبال آشتیانی در مقدمهٔ حدائق السحر، برشمرده است.^۸

شیفتگی و طواط به کتاب

رشیدالدین و طواط چنانکه پیش‌تر اشاره شد، یکی از دانشمندان و ادیبان بزرگ روزگار خویش و از شاعران نامبردار و از بلغاء مشهور در زبان عربی و بویژه فارسی است. یاقوت او را از نوادر زمان و عجایب دوران شمرده که در عهد خود افضل ناس در نظم و نثر بوده است و در شناختن دقائق کلام عرب و اسرار نحو و ادب کسی مقدم بر او نبوده است.^۹

۱. معجم الادباء، ۳۰/۱۹ و بیشتر منابع.

۲. ریحانة الادب، ۳۱۲/۲.

۳. تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی، ص ۷۳؛ خلاصة الاشعار تقی‌الدین کاشی، ص ۵۳۷.

۴. تاریخ جهانگشای جوینی، ۶/۲-۷.

۵. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۷۵۸-۷۵۷/۵.

۶. حدائق السحر فی دقائق الشعر، ص: مو-نب مقدمه.

۷. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۶۳۲/۳.

۸. حدائق السحر فی دقائق الشعر، همانجا.

۹. معجم الادباء، ۲۹/۱۹-۳۰.

همین فضل و دانش فراوان، مایه آن شده بود که رشید در عهد خود از شرق تا غرب نواحی ایران، شهرت به دست آورد و از مشاهیر روزگار خویش گردد.

وی به جمع‌آوری کتاب و گردآوری رسائل و آثار متقدمان و همروزگاران خویش و استنساخ و تصحیح و ترجمه آنها حرص عجیب و شیفتگی بسیار داشته است و از عشاق و علاقه‌مندان به کتاب به‌شمار رفته است. حضور ذهن او در مشکلات لغت و قواعد ادب که نتیجه مطالعه بسیار آثار و تألیفات گذشتگان و پیشینیان بوده، چنان حیرت‌انگیز است که مایه شگفتی و اعجاب همروزگاران وی شده است.^۱ در مورد کتابخانه نفیس و مهم او می‌توان به نامه‌هایی که خود وی به ابوعلی حسن قطان مروزی نوشته استناد کرد که هم‌اکنون باقی است، مکاتباتش با قطان مروزی خود داستانی دارد که به اختصار به این شرح است:

در سال ۵۳۶ قمری هنگامی که سلطان سنجر، در جنگ قطوان از قراختائیان شکست خورد و کار مملکت او نابسامان شد، اتسز خوارزمشاه، فرصت را غنیمت شمرده و بر خراسان تاخت و در آن میان سپاهیان وی به مرو حمله کردند و به قتل و غارت پرداختند، در آن حادثه تأسف‌بار، گروهی از اوباش شهر با سپاهیان خوارزم هم‌دست شدند و به غارت و چپاول اموال مردم و قتل بی‌گناهان پرداختند. حسن قطان مروزی، نظر به سابقه آشنایی و دوستی که با رشیدالدین وطواط داشت و او در اردوی خوارزمشاه بود، به وی متوسل شد تا کتابخانه‌اش را از دستبرد و غارت نجات دهد و آن را به اردوگاه حمل نماید و به این وسیله از نابودی نسخه‌های نفیس کتابخانه‌اش جلوگیری نماید، اما رشیدالدین وطواط، موفق به این کار نشده کتابخانه قطان به یغما رفت و او به تصور اینکه وطواط نیز، در غارت و به یغما رفتن کتابخانه‌اش دست داشته، وطواط را متهم ساخت که غارت کتابهایش، به اشاره او بوده و از سر سوز و ناراحتی، در محافل و مجالس، زبان به بدگویی رشیدالدین گشود و نام وطواط را به زشتی برد و میان آنان در این مورد مراسلات و مکاتباتی صورت پذیرفت^۲ که متأسفانه نامه‌های قطان به رشیدالدین اکنون در دسترس نیست، ولی از نامه‌هایی که وطواط به قطان نوشته، اکنون چهار نامه باقی مانده است، که در مجموعه رسائل عربی وطواط، به چاپ رسیده است^۳

و یکی از آن نامه‌ها را عطا ملک جوینی در تاریخ خویش آورده است.^۴

از نامه‌ها و پاسخهای رشیدالدین وطواط که به قطان نوشته، می‌توان دریافت که تا چه اندازه نامه‌های قطان به رشیدالدین نیش‌دار، تند و سرشار از دشنام و پرخاش بوده است. رشیدالدین وطواط، برای رفع این بهتان و به دست آوردن دل قطان، به وی نامه‌ای محترمانه نوشته و اشاره کرده است که: از کسانی که به خوارزم آمده‌اند، شنیده‌ام که سرور من در محافل و مجالس، به بدگویی و دشنام من می‌پردازد! سپس می‌افزاید که: این روش شایسته شخصیتی چون شما نیست و از انصاف به دور است و بعد سوگند یاد می‌کند که در آن حادثه هیچ نقشی نداشته و در پایان نامه می‌افزاید که: خداوند از راه حلال به او نزدیک به هزار جلد کتاب نفیس ارزانی داشته است و او تمام آنها را به کتابخانه‌های بلاد اسلام وقف کرده، تا همه مسلمانان از آنها بهره‌مند شوند و کسی که چنین عقیده و روشی دارد، چگونه به خود اجازه می‌دهد که کتابخانه امامی از شیوخ علم را که تمام عمر خویش را انفاق کرده تا اوراق و کتابهای اندکی فراهم آورد، چپاول کند و یا دست به چنین کاری بزند و یا در این‌باره دستوری دهد.^۵

از این نامه به خوبی معلوم می‌شود که رشیدالدین دارای کتابخانه‌ای نفیس و ارزشمند بوده است که بیش از هزار جلد یا اثر ارزشمند و نفیس در آن وجود داشته است.

۹۲. ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن عمر بن حسن

علوی زیدی بغدادی (۵۲۹ - ۵۷۵/ق ۱۱۳۵ - ۱۱۸۰ م) عالم

فاضل و فقیه محدث شافعی و عابد زاهد.

او در بغداد دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ۶۳۳/۲.

۲. تاریخ جهانگشای جوینی، ۵/۲-۶.

۳. مجموعه رسائل وطواط، ص ۱۸-۲۷.

۴. تاریخ جهانگشا، ۶/۲-۷.

۵. مجموعه رسائل وطواط، ص ۱۸.

۹۲. ذیل تاریخ بغداد، ۱۵۸/۳ - ۱۶۲ - المختصر المحتاج الیه، ۱۱۴/۳؛ مرآة

الزّمان، ۳۵۶/۸ - ۳۵۷؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۰۴/۲۱ - ۱۰۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی

(حوادث و وفیات ۵۷۱ - ۵۸۰ ق)، ص ۱۷۳؛ تذکرة الحفاظ، ۱۳۶۱/۴ - ۱۳۶۳؛

طبقات الشافعیة الکبری، سبکی، ۲۷۱/۴؛ النجوم الزاهرة، ۸۶/۶؛ المعجد

المسبوک، ۱۷۷/۲؛ معجم المؤلفین، ۴۰۰/۲؛ معجم البلدان، ۵۱۸/۲.

در فضل و پاکدامنی و حسن طریقت و صحت عقیدت، مشارالیه بود. همه اوقات زندگی خویش را به عبادت و تحصیل علم و تدریس و کتابت حدیث و کوشش در راه فراگیری آن سپری کرد و خاص و عام او را دوست می‌داشتند. او به دست خویش حدیث بسیار و همچنین کتابها و رساله‌هایی نگاشت و اصول و کتب فراوانی به دست آورد، چنانکه انبوهی کتاب گردآوری کرد، سپس آنها را وقف مسجد کوچکی که در خانه‌اش ساخته بود، کرد.^۴

۹۳. ابو عمر یوسف بن عبدالله بن سعید بن ابی زید عیاد
لژی اندلسی مالکی معروف به «ابن عیاد» (درگذشته سال ۵۷۵ق / ۱۱۸۰م) مقری، محدث، فقیه، حافظ و آشنا به علم رجال.

او در زادگاه خویش پرورش یافت، و از ابو عبدالله بن ابی اسحاق قراءات را فرا گرفت، سپس در سال ۵۲۸ قمری به بلنسیه رفت و در آنجا با قاریان بزرگی چون: ابومروان صقیل، ابن هذیل، ابوالحسن بن نعمه، ملاقات کرد و از آنها قراءات مختلف آموخت و از ابوالولید بن دباغ و طارق بن یعیش و گروهی دیگر، دانش آموخت و حدیث شنید و نسبت به فراگیری و استماع حدیث اعتنایی تام و تمام از خود نشان داد. کسانی چون فرزندش ابو عبدالله محمد، ابوالحجاج بن عبده، ابومحمد بن غلبون و دیگران، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

وی در بلنسیه در روز عید و در هنگام حمله دشمنان به این شهر، در سن ۷۰ سالگی، کشته شد و در همانجا نیز، به خاک سپرده شد.

یافت و نخستین بار در سال ۵۴۰ قمری، به استماع حدیث پرداخت که تا آخر عمرش ادامه یافت. وی نزد کسانی چون ابن ناصر حافظ، ابن زاغونی، نصر بن عکبری، محمد بن عبیدالله رطبی، ابوالوقت سجزی و گروهی دیگر حدیث شنید و دانش آموخت و افرادی مانند: ابراهیم بن شعار، ابوالخطاب علیمی، عمر بن احمد بن بکرون، داود بن علی بن مسلمه، عمر قرشی و ابوالموهوب ابن صصری، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.^۱

وی در روز سه‌شنبه ۱۶ شوال ۵۷۵، در بغداد، دیده از جهان فرو بست و شبانه در مکانی که خود وقف کرده بود در کنار مسجدش به خاک سپرده شد و در هنگام مرگ حدود ۴۷ سال داشت.^۲

شیفتگی علوی زیدی به کتاب

در مورد علاقه وی به علم و حدیث و حفظ قرآن و شیفتگی او نسبت به کتاب نوشته‌اند که وی حافظ قرآن شد و به تحصیل فقه پرداخت و بسیار حدیث می‌نوشت و فرا می‌گرفت و جمع می‌کرد و از صفات شایسته و خیری برخوردار بود. او کتابهای فراوانی گرد آورد و آنها را وقف عام کرد و در کنار یا داخل مسجدی که خود بنا نهاده بود قرار داد تا مورد استفاده عموم باشد.

داستانی در علاقه وی به کتاب و وقف آن در برخی منابع ذکر شده که شنیدنی است و به این شرح است که گویند: عضدالدین ابن رئیس الرؤساء مسلمه، با خود عهد و نذر کرده بود که اگر بار دیگر به وزارت برسد، مبلغ هزار دینار به ابوالحسن علوی زیدی بپردازد و چون به وزارت منصوب شد، مبلغ هزار دینار برای ابوالحسن علوی فرستاد و چون خلیفه المستضیء عباسی از این ماجرا باخبر شد، او نیز، مبلغ هزار دینار برای علوی فرستاد و چون مادر خلیفه که نامش بنفشه بود از این موضوع اطلاع پیدا کرد، او نیز، هزار دینار دیگر برای علوی فرستاد و جمعاً مبلغ سه هزار دینار به دست علوی رسید، ولی او هیچ دخل و تصرفی در این مبلغ نکرد، بلکه بدون معطلی، کتابهای فراوانی خریداری کرد و آنها را وقف عام نمود و با بقیه آن مبلغ، مسجد کوچکی در کنار خانه و یا در داخل منزل خویش بنا نهاد.^۳

ابن نجار نوشته است که وی از اعیان زهاد و عباد بود که

۱. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۷۳؛ تذکره الحفاظ، ۱۳۶۱/۴.

۲. تذکره الحفاظ، ۱۳۶۲/۴.

۳. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا؛ تذکره الحفاظ، ۱۳۶۲/۴.

۴. تاریخ ابن نجار، برگ ۱۶۹ - ۱۷۰ و نک: الكامل فی التاریخ، ۲۰۹/۱؛ معجم البلدان، ۲۰۹/۱؛ دور الکتب العربیة العامة و شبه العامة، ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛

وفیات الاعیان، ۱۷۰/۲؛ المنهج الاحمد علیمی، ۳۷۵/۲.

۹۳. تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۵۷۱ - ۵۸۰ ق)، ص ۱۹۱ - ۱۹۲؛

سیر اعلام النبلاء، ۱۸۰/۲۱، ۱۸۱؛ تذکره الحفاظ، ۱۳۶۱/۴؛ العبر، ۲۲۶/۴؛

معرفة القراء الکبار، ۵۵۴/۲ - ۵۵۵؛ مرآة الجنان، ۴۰۲/۳؛ غایة النهایة، ۳۹۷/۲؛

طبقات الحفاظ، ص ۴۸۴؛ نیل الابتهاج تنبکتی، ص ۳۵۱؛ شذرات الذهب،

۲۵۴/۴؛ معجم طبقات الحفاظ و المفسرین، ص ۱۹۰؛ ایضاح المکنون،

۵۴/۱، ۵۴/۲، ۶۰/۲، ۳۲۵، ۷۰؛ هدیة العارفین، ۵۵۲/۲ - ۵۵۳؛ الاعلام زرکلی،

۳۱۷/۹؛ معجم المؤلفین، ۳۱۳/۱۳ (۱۶۹/۴)؛ تکملة الصلة ابن ایتار، ص ۷۳۴.

آثار و تألیفات

ابوعمر بن عیاد دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است:

۱. الاربعون حديثاً في النشر و احوال الحشر؛ ۲. اربعون حديثاً في وظائف العبادة؛ ۳. بهجة الالباب في شرح الشهاب؛ ۴. بهجة الحقائق في الزهد و الرقائق؛ ۵. الذيل على صلة ابن بشكوال؛ ۶. طبقات الفقهاء از روزگار ابن عبدالبر تا زمان خودش؛ ۷. الكفاية في مراتب الرواية؛ ۸. المرتضى في شرح المنتقى لابن الجارود؛ ۹. المنهج الرائق في الوثائق.

شیفتگی ابن عیاد به کتاب

در منابع و مأخذ او را در شمار دوستداران علم، کتاب، دانشمندان و اهل حدیث یاد کرده‌اند که بسیار طالب استماع حدیث بود و به همین دلیل در شمار مكثرین ذکر شده که از عالی و نازل حدیث شنیده است و جمع بسیاری از شیوخ را ملاقات کرده است. اخبار مشایخ و شرح زندگانی آنها را حفظ و گردآوری می‌کرد و تاریخ وفات آنها را ثبت می‌نمود و قصه‌های زندگیشان را تدوین می‌کرد و می‌نوشت و عمر خود را در این راه صرف می‌کرد و حتی به بسیاری از شیوخ و اهل حدیث، کمک مالی می‌نمود.

نوشته‌اند که وی بسیار شیفته کتاب بود و به گردآوری دواوین، دفاتر، کتابها و رساله‌ها همت می‌گماشت و به اصطلاح: «جماعة للدفاتر و الدواوین» بود.^۱

۹۴. صدرالدین ابوطاهر احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم سلفی جروانی اصفهانی (۴۷۵ - ۵۷۶ ق / ۱۰۸۲ - ۱۱۸۰ م) عالم فاضل، فقیه محدث و از مشاهیر حفاظ.^۲

انتساب وی به جروانی از آن جهت است که در محله «جروان» اصفهان در سال ۴۷۵ و به قولی ۴۷۴ یا ۴۷۲ قمری دیده به جهان گشوده است و علت نسبت وی به سلفی به خاطر این است که یکی از اجدادش ملقب به «سلفه» بود چون لب بالای وی دو نیمه بود و کلمه «سلفه» همان «سه لبه» زبان فارسی است.

وی نخستین بار در سال ۴۸۸ قمری به استماع حدیث پرداخت در حالی که هنوز سیزده سال بیشتر نداشت و از قاسم بن فضل ثقفی حدیث شنید، سپس از عبدالرحمن بن محمد بن یوسف سمسار، سعید بن محمد جوهری، محمد

بن محمد بن عبدالوهاب مدینی، فضل بن علی حنفی، احمد بن عبدالغفار بن اشته، احمد و محمد فرزندان عبدالله بن سوزرجانی، مکی بن منصور بن علان کرجی، معمر بن احمد لنبانی و جمعی دیگر در اصفهان، دانش آموخت و معجم الشیوخ بزرگی برای شیوخ اصفهانی خود نوشت، سپس در چهارم شوال یا رمضان ۴۹۳ وارد بغداد شد و از ابوالخطاب نصر بن بطر و دیگران دانش آموخت و مشیخة البغدادیة خویش را نوشت، سپس برای انجام مراسم حج راهی حجاز شد و بعد به کوفه رفت و در آنجا از ابوالبقاء معمر بن محمد حنبل و دیگران حدیث شنید و در مکه از حسین بن علی طبری و در مدینه ابوالفرج قزوینی و در بصره در سال ۵۰۰ قمری از محمد بن جعفر عسکری و جمعی دیگر حدیث شنید و در زنجان از ابوبکر احمد بن محمد بن زنجویه فقیه و در همدان از ابوغالب احمد بن

۱. تاریخ الاسلام ذہبی، همانجا؛ سیر اعلام النبلاء، همانجا؛ معجم المؤلفین، همانجا.

۹۴. الانساب سمعانی، ۱۰۵/۷ - ۱۰۶ (۲۷۴/۳)؛ تاریخ مدینة دمشق، ۲۰۸/۵ - ۲۱۱، اللباب، ۵۵۰/۱؛ الکامل فی التاریخ، ۴۶۹/۱۱؛ تاریخ اربل، ۱۳۲/۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۴۵؛ التقیید ابن نقطه، ص ۱۷۶ - ۱۸۰؛ تکملة اكمال الاكمال، ص ۱۶، ۱۴، ۱۱؛ تاریخ ابن دبیثی، ۱۱۹/۱۵؛ الروضتین، ۱۶/۲؛ وفيات الاعیان، ۱۵۵/۱ - ۱۰۷؛ التدریج فی اخبار قزوین، ۲۲۴/۲ - ۲۲۶؛ مرآة الزمان، ۳۶۱/۸؛ بدائع البدائنة، ابن ظافر، ص ۲۵۲، ۳۵۰؛ التکملة لوفیات النقلة، ۱۵۱/۳؛ تلخیص مجمع الآداب، ۱۱۳۵/۲/۴؛ وفيات ابن قنفذ، ص ۲۸۹؛ ازهار الرياض، ۱۶۷/۳، ۲۸۳؛ المختصر المحتاج الیه، ۲۰۶/۱؛ تاریخ الاسلام ذہبی (حوادث و وفيات، ۵۷۱ - ۵۸۰ ق)، ص ۱۹۵ - ۲۰۷؛ میزان الاعتدال، ۱۵۵/۱؛ تذكرة الحفاظ، ۱۲۹۸/۴؛ العبر، ۲۲۷/۴؛ سیر اعلام النبلاء، ۵/۲۱ - ۳۹؛ المعین فی طبقات المحدثین، ص ۱۷۶؛ دول الاسلام، ۸۹/۲؛ الوافی بالوفیات، ۳۵۱/۷ - ۳۵۶؛ طبقات الشافعية الكبرى، سبکی، ۲۱۰/۴؛ مرآة الجنان، ۴۰۳/۳ - ۴۰۴؛ البداية و النهاية، ۳۰۷/۱۲؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۶۸ - ۷۲؛ غایة النهاية، ۱۰۲/۱ - ۱۰۳؛ توضیح المشتبہ، ۱۳۱/۵ - ۱۳۲؛ ذیل تاریخ ابن فرات، ۲۳/۹؛ طبقات الشافعية ابن قاضی شهبه، ۳۳۸/۱ - ۳۳۹؛ طبقات الشافعية اسنوی، ۵۸/۲ - ۵۹؛ لسان المیزان، ۲۹۹/۱ - ۳۰۰؛ الناج المکمل، ص ۳۴؛ المسجد المسبوك، ۱۸۱/۲ - ۱۸۲؛ تبصیر المنتبه، ۷۳۸/۲؛ السلوك مقریزی، ۶۳/۱/۱ - ۷۲؛ النجوم الزاهرة، ۸۸/۶؛ حسن المحاضرة، ۳۵۴/۱؛ طبقات الحفاظ، ۴۶۹؛ تاریخ الخلفاء، ص ۴۵۷؛ شذرات الذهب، ۲۵۵/۴؛ دیوان الاسلام، ۹۴/۳؛ کشف الظنون، ۵۴/۱، ۵۸۷، ۹۸۲، ۹۹۶، ۹۹۷ و ۱۰۴۴/۲، ۱۶۹۶؛ ایضاح المکنون، ۵۱۸/۲؛ الاعلام، ۲۱۵/۱؛ معجم المؤلفین، ۷۵/۲ - ۷۶ (۲۴۷/۱ - ۲۴۸)؛ بروکلمان، ۳۶۵/۱؛ ذیل ۶۲۴/۱؛ ریحانة الادب، ۶۴/۳ - ۶۵؛ موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی، ۳۵۷/۱/۲ - ۳۵۷؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۲۹۵؛ مقدمه کتاب معجم السفر سلفی، از بهیجة الحسنی؛ مقدمه کتاب سؤالات الحافظ السلفی، از خمیس حوزی.

میراث شهاب

بار، دیگر برای گردش به باغ و بستانی نرفت؛ بلکه مداوم ملازم مدرسه‌اش بود و هیچگاه بر او وارد نشدند، مگر اینکه در حال مطالعه بود. این مدرسه را پادشاه و امیر مصر علی بن اسحاق بن سلار در اسکندریه برای وی ساخته بود. او آمر به معروف و ناهی از منکر بود و از بدعتها جلوگیری می‌کرد. در همان اسکندریه با همسری صاحب ثروت ازدواج کرد و پس از عمری که در فقر و فاقه به سر می‌برد، گشایشی در زندگیش ایجاد شد.^۳

سلفی در پنجم ربیع الاول ۵۷۶، در سرحد اسکندریه دیده از جهان فرو بست و در همان شهر به خاک سپرده شد. در حالی که ۱۰۱ سال داشت و همچنان نزد وی حدیث می‌آموختند، حتی تا غروب آن شبی که وفات کرد نیز، از او حدیث می‌شنیدند و صبح همان شب که روز جمعه بود، بعد از نماز و هنگام فجر ناگهان دیده از جهان فرو بست.

آثار و تألیفات سلفی

سلفی در طول عمر خویش کتابها و رساله‌های متعدد و گوناگونی نوشته و پدید آورده است که به اختصار به این شرح است: السداسیات فی الحدیث؛ المشیخة البغدادیة؛ معجم السفر؛ السلفیات فی الحدیث؛ شرح القرائة علی الشیوخ؛ معجم شیوخة الاصبهانیتین؛ سؤالات اباالکرم خمیس بن علی الحوزی عن جماعة من اهل واسط؛ السلماسیات؛ الاربعین البلدیة یا الاربعین البدانیة که عنوان کامل آن: کتاب الاربعین المستغنی بتعین ما فیہ من المعین؛ الوجیز فی المجاز و المجیز؛ الفضائل الباهرة فی محاسن مصر و القاهرة؛ الطیوریات؛ احادیث و حکایات؛ احادیث منتقاة عوال؛ الامالی؛ فوائد حسان؛ اربعون حدیثاً فی حق الفقراء؛ الناصح و المنصوح؛ الاملائات علی الموطأ للامام مالک؛ الامالی الاربعون.

از این آثار کتاب: سؤالات الحافظ السلفی لخمیس الحوزی، به کوشش مطاع الطرابیسی، در دمشق و در ۱۹۸۳ میلادی / ۱۴۰۳ قمری، چاپ شده است و دیگر کتاب: معجم السفر جزء اول آن که به کوشش بهیجة الحسنی، در بغداد

محمد مزکی و جمعی دیگر و در ری، قزوین، دینور، ساوه، نهاوند، آذربایجان، دربند، جزیره، خلط، رحبه نیز دانش آموخت^۱ و در سال ۵۰۹ قمری وارد دمشق شد و دو سال در آنجا اقامت کرد و در آنجا از ابوطاهر حنائی، ابوالحسین بن موازینی و خلقی دیگر دانش آموخت و حدیث شنید. سپس به صور رفت و از آنجا با کشتی به اسکندریه رفت و در آنجا اقامت کرد و جز یک بار در سال ۵۱۷ قمری از آنجا خارج نشد. از ابوصادق مدینی و دیگران حدیث شنید^۲ و در بسیاری از علوم و فنون مانند: قرائت، حدیث، فقه، نحو، لغت و جز اینها، مهارت یافت و شهره آفاق شد و معجم الشیوخ دیگری در مورد سایر اساتید و شیوخ خویش در بلاد مختلف، غیر از اصفهان و بغداد نوشت.

از آن پس جمعی از بزرگان و طالبان حدیث از او حدیث شنیده و دانش آموختند. در بغداد کسانی چون: ابوعلی بردانی، هزارسب بن عوض، ابوعمار عبدری، عبدالملک بن یوسف، سعد الخیر اندلسی، محمد بن طاهر حافظ (شیخ او)، ابوالقاسم عبدالرحمن بن مکی، علی بن ابراهیم سرقسطی، ابوالعز محمد بن علی ملقبادی، طیب بن محمد مروزی، صائن هبةالله بن عساکر، یحیی بن سعدون قرطبی، حماد بحرانی، علی بن فضل، عبدالغنی، عبدالقاهر دهاوی، ابن راجح، عبدالقوی بن جتاب، فرقد کبانی، عبدالغفار محبتی، نصر بن جرو، فخر فارسی، حسن آدمی، عیسی بن وجیه لخمی، محمد بن عماد، محمد بن عبدالوهاب بن شیرجی، عبدالخالق بن اسماعیل تنیسی و گروه بسیار دیگری از او حدیث شنیده، دانش آموخته و روایت کرده‌اند. او مدت هشتاد و اندی سال به نقل و روایت حدیث پرداخت. او خود گوید: در سال ۴۹۲ قمری، در حالی که حدود هفده سال بیشتر نداشتیم، از من حدیث می‌شنیدند و کتابت می‌کردند و در آن زمان من نیز، چون بخاری هنوز موی در صورتم نرویده بود.

ابن سمعانی او را موثق، پارسا، متقن، حافظ، فهیم، کثیرالحدیث و بصیر دانسته است. وی یگانه روزگار خود در علم حدیث و آگاه‌تر از همه اهل روزگارش به قوانین روایت و حدیث بوده که بین علو اسناد و علو انتقاد جمع کرده بود. او نزد پادشاهان مصر، از مقام و منزلت فراوانی برخوردار بود و در مدت ۶۴ سالی که در اسکندریه اقامت داشت، به جز یک

۱. تاریخ الاسلام، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ۲۰۸/۵-۲۰۹؛ تاریخ الاسلام، ص ۱۹۸.

۳. تاریخ الاسلام، ص ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳.

و در ۱۳۹۸ قمری / ۱۹۷۸ میلادی، منتشر شده است و مختصر آن به کوشش احسان عباسی در کتاب: اخبار و تراجم اندلسیة در بیروت، در ۱۹۶۳ میلادی از ص ۵ تا ۱۴ آن منتشر شده است.

شیفتگی سلفی به کتاب

ابوطاهر سلفی اضافه بر علاقه‌مندی به علم، حدیث و علما و اهل علم و اشتیاق به تدریس و تألیف، سخت شیفته کتاب و گردآوری آن بود و نوشته‌اند که همیشه در حال مطالعه کتب و آثار پیشینیان بود و هیچگاه بر او وارد نشدند، مگر اینکه کتاب یا رساله‌ای در دست داشت و در حال مطالعه، یا نوشتن و کتابت حدیث و جز اینها بود.

زکی‌الدین عبدالعظیم منذری نوشته است که سلفی عاشق و شیفته گردآوری کتاب بود و کوشش داشت بر تعداد کتابهایش بیفزاید و شمار آنان را هر چه بیشتر افزون سازد، از این‌رو هر مبلغی که از وجوه نقد یا مالی به دست می‌آورد، یا به او هدیه می‌شد، در راه خرید کتاب مصرف می‌کرد و روز به روز شمار کتابهایی که می‌خرید، افزوده می‌شد تا آنجا که چندین مخزن کتاب برایش فراهم گردید و آنقدر تعداد کتابهایش زیاد شد که فرصت مطالعه آنها را پیدا نمی‌کرد و چون چشم از جهان فرو بست، بیشتر کتابهایش به خاطر آب و هوای مرطوب اسکندریه، در کتابخانه و مخازن کتابهایش، متعفن شده و به همدیگر چسبیده بودند و برای جداسازی کتابها و اوراق به هم چسبیده، از تبر استفاده کردند و بیشتر کتابها تلف شد و پاره - پاره گردید و از میان رفت^۱ و بدین ترتیب بسیاری از آثار و تألیفات بزرگان و خود او که نادر و کمیاب بودند، نابود شد.

۹۵. قطب‌الدین ابوالعالی مسعود بن محمد بن مسعود

طریثی نیشابوری (۵۰۵ - ۵۷۸ ق/ ۱۱۱۱ یا ۱۱۱۲ - ۱۱۸۲ م) محدث و فقیه نیشابوری.

پدر وی محمد بن مسعود که ادیب بوده، از اهالی طریث (ترشیز) یکی از نواحی بزرگ نیشابور است و به همین دلیل قطب‌الدین را «طریثی» گفته‌اند.

وی در نیشابور نزد پدر خود ادبیات را آموخت و فقه را از علی بن یحیی و گروهی دیگر فرا گرفت و حدیث را از

ابومحمد هبة‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار بیهقی شنید، سپس عازم مرو گردید و در آنجا نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد مروزی و دیگران فقه و حدیث آموخت و در فقه و حدیث به درجات بالایی دست یافت. او مدتی در مدرسه نظامیه نیشابور به نیابت از ابن بنت جوینی به تدریس پرداخت و مجالس وعظ و ارشاد ترتیب داد و از آن پس عازم بغداد گردید و در بغداد نیز به وعظ و ارشاد پرداخت و مقبولیت عامه یافت.

در سال ۵۴۰ قمری وارد دمشق گردید و مورد استقبال قرار گرفت و مجلس وعظ و ارشاد برقرار کرد و مورد قبول عامه گردید و از آن پس در مدرسه مجاهدیه و سپس در زاویه غزالیته پس از فوت ابوالفتح نصرالله مصیصی، به تدریس پرداخت. پس از چندی از دمشق خارج شد و به حلب رفت و در آنجا در دو مدرسه که نورالدین و اسدالدین ساخته بودند، مشغول تدریس گردید و بعد از چندی عازم همدان شد و در آنجا مدتی به تدریس پرداخت و در آنجا مورد اقبال عالمان و طالبان علم قرار گرفت و بار دیگر به دمشق بازگشت و در مدرسه غزالیته به تدریس و نقل حدیث پرداخت و ریاست شافعیه به او رسید و در این مقام بود، تا اینکه دیده از جهان فرو بست.

ذهبی گوید: دربغداد کسانی چون: عمر بن علی قرشی، ابوالموهّب بن صصری، ابوالقاسم بن صصری، تاج‌الدین عبداللّه بن حمویّه و جمعی دیگر از او حدیث شنیده و دانش آموخته و روایت کرده‌اند و بهاء‌الدین عبدالرحمن

۱. التکملة لوفیات النقلة منذری، ۱۵۱/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۲۰۴، ۲۰۵؛ عشاق الکتاب، ص ۸۲ - ۸۳؛ صفحات من صبر العلماء، ص ۹۳.
۹۵. تاریخ مدینه دمشق، ۱۳/۵۸ - ۱۴؛ وفيات الاعیان، ۱۹۶/۵ (۱۳۵/۵)، ۳۱۱ و ۲۰۰/۴ - ۲۰۱؛ تلخیص مجمع الآداب، ۷۱۹/۴؛ مرآة الزّمان، ۳۷۲/۸ - ۳۷۳؛ المختصر فی اخبار البشر، ۶۶/۳؛ العبر، ۲۳۵/۴ - ۲۳۶؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۵۷۱ - ۵۸۰ ق)، ص ۲۷۱ - ۲۷۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۸۹/۲۱؛ دول الاسلام، ۹۰/۲؛ المعین فی طبقات المحدثین، ص ۱۷۸؛ طبقات الشافعیة الکبری، سبکی، ۳۰۹/۴؛ طبقات الشافعیة اسنوی، ۴۹۸/۲؛ تاریخ ابن‌الوردی، ۹۲/۲ - ۹۳؛ مرآة الجنان، ۴۱۳/۳ - ۴۱۴؛ البداية و النهاية، ۳۱۲/۱۲ - ۳۱۳؛ طبقات الشافعیة ابن‌قاسی شهیه، ۳۵۲/۶ - ۳۵۳؛ النجوم الزاهرة، ۹۴/۶؛ العسجد المسبوك، ۱۹۰/۲ (وفیات ۵۷۹ ق)؛ تاریخ ابن‌سباط، ۱۶۴/۱؛ الدارس فی تاریخ المدارس، ۸۲/۱ - ۸۳، ۱۱۵، ۱۶۰، ۱۸۳ - ۱۸۴، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۸، ۳۶۱، ۴۱۴، ۴۱۸، ۴۵۲، ۴۵۳ و ۴۵۴؛ شذرات الذهب، ۲۶۳/۴؛ الاعلام زرکلی، ۱۱۵/۸؛ معجم المؤلفین، ۸۵۰/۳ - ۸۵۱؛ کشف الظنون، ۲۰۲۶/۲؛ هدیة العارفین، ۴۲۹/۲؛ دور الکتب العربیة العامة و شبه العامة، ص ۲۳۵.

۹۶. ابواسامه یا ابوالمظفر مؤیدالدوله مجدالدین ابوالحارث اسامة بن مرشد بن علی بن مقلد بن نصر بن منقذ بن محمد بن منقذ بن نصر کنانی کلبی شیزری (۴۸۸ - ۵۸۴ ق/ ۱۰۹۵ - ۱۱۸۸ م) امیر، شاعر و ادیب شیعی، یکی از قهرمانان جهان اسلام و رئیس شعرای اعلام. وی در قلعه شیزر (واقع در شام نزدیک المعرة به فاصله یک روزه تا حماة) در ۲۷ جمادی الثانی ۴۸۸، دیده به جهان گشود و در آنجا پرورش یافت و در سال ۴۹۹ قمری در دوازده سالگی نخستین بار از علی بن سالم سنبلی، نسخه‌ای هدهبه را استماع کرد. سپس از ابوعبدالله احمد بن محمد طلیطلی نحوی (که پیش از این ناظر دارالعلم طرابلس بود و پس از سقوط طرابلس اسیر شد و پدر اسامه او را با دادن

و ضیاءالدین از او اجازه دریافت کرده‌اند.^۱ ابن‌عساکر وی را مردی نیکو رفتار و خوش اخلاق، خوش معاشرت، مهربان نسبت به مردم و فروتن دانسته و نوشته است که در آخرین روز ماه رمضان سال ۵۷۸ در دمشق، چشم از جهان فرو بست و در روز عید فطر، بر او نماز خواندند و در مقبره‌ای که خود در جوار مقابر صوفیه در غرب دمشق ساخته بود، رخ در خاک کشید.^۲ ذهبی گوید: وی معروف به فصاحت و بلاغت بود و نوادر زیادی داشت و به فقه و خلاف آگاه بود و در مدرسه جاروخیه نیز، تدریس کرده است و مسجدی در صخره‌های که نزد مقبره طاحون میدان بود ساخت.^۳

نعیمی سه تن از شاگردان او را نام برده که در دمشق از او دانش آموخته، حدیث شنیده و روایت کرده‌اند: نخستین آنان، فخرالدین بن عساکر عبدالرحمان بن محمد بن حسن بن هبة‌الله بن عساکر ابومنصور دمشقی که داماد قطب‌الدین نیشابوری بود و در مدرسه دارالحدیث عرویه نزد وی حدیث شنید و دانش آموخت و بعدها در مدرسه جاروخیه به جای قطب‌الدین نیشابوری تدریس می‌کرد و او نیز، چون استادش در مقابر الصوفیه دفن شد. دومی، شمس‌الدین ابن سنی‌الدوله ابوالبرکات یحیی بن هبة‌الله بن حسن دمشقی شافعی و سومی ابوالمظفر ابن عسکر عبدالله بن محمد بن حسن بن هبة‌الله بن عبدالله.^۴

شیفتگی وی به کتاب

قطب‌الدین نیشابوری نیز، یکی از شیفتگان کتاب بود و کتاب و کتابخوانی را بسیار دوست می‌داشت و برای علم و اهل آن احترام فوق‌العاده‌ای قائل بود و در طول زندگی‌اش مدام به مطالعه، تدریس و تألیف پرداخت و از آثار او می‌توان کتاب: المهادی فی الفقه، العقیده را که به صلاح‌الدین ایوبی اهدا کرد، را نام برد.^۵ او کتابهای فراوانی گرد آورد و آنها را وقف طلاب علم کرد و آنگاه که مدرسه عادلیه را ساختند، کتابهایش را به کتابخانه آن مدرسه منتقل نموده و در مخزنی در صدر ایوان مجلس الکبیر مدرسه که غالباً خود قطب‌الدین در آنجا برای فتوا دادن می‌نشست قرار دادند و از همان خزانه بود که وی برای اقامه نماز بیرون می‌آمد. اکنون عادلیه مقر و مکان «مجمع علمی العربی» در شهر دمشق پایتخت کشور سوریه است.^۶

۱. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۲۷۲.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ۱۴/۵۷.

۳. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۲۷۳؛ الدارس فی تاریخ المدارس، ۲/۳۶۵.

۴. الدارس فی تاریخ المدارس، ۱/۸۲ - ۸۳، ۱۶۰، ۲۲۱.

۵. معجم المؤلفین، ۳/۸۵۰.

۶. دور الكتب العربية العامة و شبه العامة، ص ۲۳۵.

۹۶. خریدة القصر (قسم شعراء العراق)، ۱/۴۹۸ - ۵۴۷؛ و (قسم شعراء الشام)،

۱/۴۹۹؛ سنا البرق الشامی، ۱/۲۲۷؛ الفتح القسی، ص ۲۶۱؛ تاریخ مدینه

دمشق، ۸/۹۰ - ۹۵؛ معجم الادیاء، ۲/۱۷۳ - ۱۹۷؛ الروضتین، ۲/۱۳۷؛ و فیات

الاعیان، ۱/۱۹۵؛ الذیل علی الروضتین، ص ۹۳؛ التکملة لوفیات النقلة، ۱/۹۵ -

۹۶؛ مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، ۴/۲۵۸ - ۲۶۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی

(حوادث و وفیات ۵۸۱ - ۵۹۰ ق)، ص ۱۷۰ - ۱۷۷؛ سیر اعلام النبلاء،

۲/۱۶۵ - ۱۶۷؛ العبر، ۴/۲۵۲؛ دول الاسلام، ۲/۹۶؛ الاعلام بوفیات الاعلام،

ص ۲۴۰؛ مرآة الجنان، ۳/۴۲۷ - ۴۲۸؛ الوافی بالوفیات، ۸/۳۷۸؛ البیادیه و

النهایه، ۱۲/۳۱۳؛ العسجد المسبوك، ۲/۲۰۵ - ۲۰۶؛ المقضی الکبیر، ۲/۴۰ -

۴۹؛ الاعلام بالتویخ، ص ۵۴؛ النجوم الزاهرة، ۶/۱۰۷ - ۱۰۸؛ کشف الظنون،

۱/۷۶۹؛ شذرات الذهب، ۴/۲۷۹؛ دیوان الاسلام، ۴/۲۸۵؛ تهذیب تاریخ

دمشق، ۲/۴۰؛ الاعلام، ۱/۲۶۰؛ معجم المؤلفین، ۲/۱۸۴ (۱/۳۳۷)؛ مقدمه

کتاب الاعتبار، به قلم فیلیپ حتی؛ مقدمه کتاب لباب الآداب؛ دیوان ابن منیر

طرابلسی، ص ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰؛

بغیة الطلب ابن عدیم، ۳/۱۳۵۸ - ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶؛ الدارس فی تاریخ المدارس،

۱/۳۸۴ - ۳۸۵؛ فهرس المخطوطات المصورة، ۱/۴۵۶؛ الحیاة الادبیه فی

العصر العباسی، ص ۲۹۰ - ۲۹۳؛ الحیاة الادبیه فی عصر الحروب الصلیبیه

بمصر و الشام، ص ۱۷۱ - ۱۸۸؛ اسامة بن منقذ، طاهر النعسانی؛ معجم

المخطوطات المطبوعه، ۲/۴۲؛ مع المخطوطات العربیه، کراتشکوفسکی،

ص ۱۶۳ - ۱۷۲؛ بروکلیمان، ۱/۳۱۹ - ۳۲۰؛ اعیان الشیعه، ۳/۲۵۲؛ مستدرکات

اعیان الشیعه، ۱/۱۹ و ۳/۳۱؛ ریحانة الادب، ۸/۲۳۵؛ مجلة معهد

المخطوطات، ۶/۳۲۸؛ مجلة المجمع العلمی بدمشق، ۲۷/۵۸۸ و ۳۷/۶۷۹ -

۶۸۴ و ۴۲/۱۰۰ - ۱۱۷؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن السادس)، ص ۱۸؛

الذریعه، ۹/۷۰ و ۱۱/۹۲ و ۱۸/۲۷۴ و ۲۶/۹۰؛ عشاق الکتاب، ص ۱۲۳ -

۱۲۴؛ صفحات من صبر العلماء، ص ۲۶۹.

مبالغی آزاد کرد و طلیطلی نزد پدر اسامه در شیزر اقامت کرد) در همان قلعه مدت ده سال علم نحو را فرا گرفت و در این علم و فن سرآمد اقران خویش گردید.

کسانی چون: ابوالقاسم ابن‌عساکر دمشقی، ابوسعید بن سمعانی، ابوالموهوب بن صصری، عبدالغنی حافظ، شمس‌الدین محمد بن عبدالکافی، عبدالصمد بن خلیل بن مقلد صائغ، عبدالکریم بن نصرالله بن ابی‌سراقه، بهاء‌الدین عبدالرحمان و فرزندش امیر ابوالفوارس مَرهف بن اسامه، از او دانش آموخته و شعر شنیده‌اند و روایت کرده‌اند.^۱

وی ابتدا به مصر رفت و به دربار عادل بن سیار راه یافت، سپس در سال ۵۳۲ قمری رهسپار دمشق شد و مدتی در خدمت سلطان امیر دمشق بود و بعد به مصر رفت و بار دیگر به شام برگشت و در حماة سکونت نمود و در سال ۵۵۸ قمری در دمشق، ابن‌عساکر با او ملاقات کرده و برخی از اشعار خویش را برای ابن‌عساکر انشاء کرده است که وی در تاریخ خویش آورده است.^۲

او خود به ابن‌سمعانی گفته است که بیش از بیست هزار بیت شعر از اشعار جاهلی را حفظ کرده است و در زمان جنگ میان دُبیس و المسترشد بالله وارد بغداد شده و در جانب شرقی سکونت کرده است؛ ولی به قسمت شرقی نرفته است.^۳

عماد کاتب اصفهانی او را آگاه‌ترین فرد خاندان خود در حسب و اعراف آنها در ادب به شمار آورده است و اضافه کرده است که وقتی من در اصفهان بودم، اوصاف او را شنیدم و خاندان وی همچنان مالک قلعه شیزر بودند تا اینکه زلزله‌ای در سال پانصد و پنجاه و اندی آن قلعه و شیزر را خراب کرد و پس از ویرانی آنجا نورالدین آنجا را تصرف کرد و آن را تعمیر نمود، ولی خاندان بنومنقذ متفرق شدند و پس از آن بود که اسامه به مصر رفت و بعد به دمشق بازگشت و در زمان صلاح‌الدین ایوبی بار دیگر به دمشق آمد، در حالی که پیرمردی با سنّ متجاوز از هشتاد سال بود. فرزندش امیر عضالدوله ابوالفوارس مرهف بن اسامه نیز، در آن زمان در دمشق و در دستگاه صلاح‌الدین بود.

سپس اضافه کرده است که: کتابی از وی در یک جلد نزد من است که در آن شرح ایام زندگی خویش را بیان کرده است و وقایع و اتفاقاتی که در دوران زندگی با آن مواجه

شده است که از آن جمله است، جنگ بین آنان و اسماعیلیان در سال ۵۲۷ قمری در قلعه شیزر در حالی که او حدود ۲۹ سال داشته است. و همچنین راجع به جنگ بین سپاهیان حماة و اهالی حمص در ۵۲۵ قمری و جنگ بین اتابک زنگی بن آقسنقر و بین قراجا صاحب مرس در ۵۲۶ قمری که به جنگ تکریت معروف است و جنگ بین المسترشد بالله و اتابک زنگی در ۵۲۷ قمری در بغداد و جنگها و مصافهای دیگری که شاهد بوده و یا در زمان وی روی داده است را در آن مجلد به تصویر کشیده است.^۴

ابن ابی‌طی در تاریخ الشیعة خویش از او نام برده است و گفته است که پدرم برایم تعریف کرد که او را بارها دیده است و اسامه امامی مذهب و حسن العقیده بوده است، ولی تقیه می‌کرده است و در او خیر فراوانی بود و به شیعیان کمک می‌کرد.^۵

او در شب ۲۳ رمضان ۵۸۴ در دمشق دیده از جهان فرو بست و در دامنه کوه قاسیون در ۹۶ سالگی یا ۹۷ سالگی، به خاک سپرده شد.^۶

آثار و تألیفات

اسامه بن منقذ، دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است: الاعتبار که یک‌بار در ایران و بار دیگر در آمریکا با مقدمه‌ای مبسوط و در ۱۳۵۰ قمری / ۱۹۳۰ میلادی و بار دیگر، همراه با ترجمه فرانسوی آن در دو جزء در پاریس و در ۱۸۸۹ - ۱۸۹۵ میلادی، چاپ شده است و به زبان آلمانی نیز، توسط جورج شومان ترجمه و منتشر گردیده است؛^۷ التاريخ البدري که فلیپ حتی در مقدمه الاعتبار، به غلط و به اشتباه آن را: التاريخ البلدي نامیده است. او در این کتاب اسامی کسانی که در جنگ بدر از مسلمانان و کفار حضور داشته‌اند را آورده است؛ اخبار البلدان که همان کتاب تاریخ ایام عمر خودش می‌باشد که در آن کلیه حوادث و اتفاقات

۱. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۷۰.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ۹۰/۸.

۳. تاریخ الاسلام، ص ۱۷۱.

۴. خریدة القصر (قسم شعراء الشام)، ۴۹۹/۱.

۵. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۷۶.

۶. همان، ص ۱۷۷.

۷. معجم المطبوعات العربية و المعربة، ۲۵۷/۱؛ الذریعة، ۹۲/۱۱.

اسامة گوید: پس از مشورت با ملک عادل و بازداشتن ملک او را از رفتن به مصر، قرار بر این شد که نورالدین عادل نامه‌ای برای پادشاه فرنگیان بفرستد و از امیر فرنگ برای خانواده‌اش امان بگیرد و چنین شد و ملک فرنگ امان نامه‌ای مشتمل بر امان در دریا و خشکی برای وی فرستاد. اسامة آن امان‌نامه را همراه با نامه خود و نامه نورالدین عادل را برای ملک صالح به غلام خویش داد و به مصر فرستاد. او سپس می‌افزاید: پادشاه مصر خانواده‌ام را همراه مایحتاجشان به دمیاط فرستاد و از آنجا سوار بر قایقی شدند که از فرنگیان بود و چون به عکا نزدیک شدند، پادشاه عکا که مسیحی بود عده‌ای را با کشتی کوچکی فرستاد و آنان با تبر و وسائل دیگر قایق را در هم شکسته و هر چه را در آن بود به غارت بردند و خانواده‌ام و اصحاب و یاران مرا وارد عکا کرده و پس از تفتیش آنان هر چه زیورآلات داشتند، از آنها گرفته و هر چه طلا و نقره و سلاح همراه آنان بود، تصرف کردند که قیمت آنها سی هزار دینار بود و فقط پانصد دینار به خانواده‌ام دادند و گفتند: با این مبلغ به دیار خود بروید. وقتی خانواده‌ام آمدند و داستان را شنیدیم، غم از دست رفتن و غارت اموال و دارائیم، با دیدن زن و فرزند و یارانم، از میان رفت، اما غم و ناراحتی از دست رفتن کتابهایم که بیش از چهار هزار جلد کتاب نفیس و فاخر و نادر و کمیاب بود، هرگز از میان نرفت، زیرا از دست دادن کتابهایم در قلب و جان من آتش به پا کرد که تا زنده‌ام، خاموش نخواهد شد و از میان نخواهد رفت، زیرا این حادثه و از دست رفتن کتابهایم، ضربه‌ای بود که اگر به کوه‌ها وارد می‌شد، از جا کنده می‌شدند و جایگزینی نداشت، در حالی که اموال را خداوند منان به لطف و کرم خویش، جبران خواهد کرد، ولی از بین رفتن کتابهایم، جبران‌ناپذیر است.^۲ این همه افسوس و ناراحتی در غم از دست رفتن کتابها، خودگویای شیفتگی بی‌حد و حصر اسامة نسبت به کتاب و علم و آثار بزرگان است.

و جنگها و ستیزه‌هایی که در دوران زندگیش اتفاق افتاده را آورده است؛ البديع في نقد الشعر؛ ازهار الانهار؛ التجاير المربحة و المساعي المنتجة؛ القضاء؛ الشيب و الشباب که برای فرزندش نوشته است؛ المنازل و الديار؛ دیوان شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملک عبدالعزیز در مدینه منوره و در مجموعه عارف حکمت، در ۱۲ هزار بیت موجود است و اخیراً چاپ شده است و از برخی اشعار وی در این دیوان، به تشیع وی می‌توان پی برد؛ لباب الآداب في الاخلاق که در ۱۳۵۴ قمری، چاپ شده است. بعضی از مقالات وی در تاریخ و آداب نیز در مجله المقتطف در سال ۱۹۰۸ میلادی، منتشر شده است؛ ذیل بر کتاب خريدة القصر باخرزی.^۱

شیفتگی اسامة بن منقذ به کتاب

اسامة بن منقذ شیزری، علاقه فراوانی به کتاب داشته و شیفته آن بوده است و کتابهای فراوانی را در طول زندگی خویش گرد آورده بود که به گفته خویش، بیش از چهار هزار جلد کتاب نفیس، گرانبها و ارزشمند بوده است که در طول زندگی خویش آنها را فراهم آورده بود.

این کتابخانه و کتابهای نفیس آن در سال ۵۶۹ قمری نابود شد و از میان رفت. شیزری چقدر از بابت نابودی کتابهایش متأسف شده است، در داستانی که خود این فاجعه بزرگ را در کتاب الاعتبار خویش به تصویر کشیده است، هویداست:

او نوشته است که به ملک عادل نورالدین متوسل شدم تا در مورد اهل و عیال خویش که در مصر بودند چاره‌ای بیندیشم و ملک عادل نورالدین نامه‌ای به ملک صالح بن رزیک در مصر نوشت تا خانواده‌ام را از مصر به سوی من به شام بفرستد و پیک نامه را به مصر برد، اما پس از چندی برگشت و گفت: امیر مصر معذرت خواسته است که وی از فرستادن خانواده اسامة، بیمناک است که مبادا گرفتار فرنگیان شوند و از اسامة خواسته بود که به دلیل رفاقت و آشنایی و صداقتی که بین آنان وجود دارد، خود به مصر بازگردد و چنانچه از آمدن به مصر وحشت دارد، به مکه برود و آنگاه نامه‌ای برای تسلیم شهر أسوان به اسامة، برایش خواهد فرستاد و او را کمک خواهد کرد که قادر به جنگ با حبشیان باشد و آنگاه اهل و اولادش را به نزد او خواهد فرستاد.

۱. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۷۶ - ۱۷۷؛ معجم المؤلفین، ۲/ ۱۸۴ (۱/ ۳۳۷)؛ الذریعة، ۷۰/۹ و ۲۷۴/۱۸ و ۹۰/۲۶.

۲. عشاق الکتاب، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ صفحات من صبر العلماء، ص ۲۶۹.

نسخه‌های عکسی

فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی

ابوالفضل حافظیان بابلی

بخش چهارم

فوق‌الحدیثی ان ابوبه ابواباً واقرب للطالبین الیه ماباً و اذکر فی کلّ باب منها ماورد من خواص مناسبة علی اختلاف آیاته و سوره و معانیه و اذکر علماء الخواص و أعزى کلّ خاصّة الی روایتها و اذکر مطالعها و أوقاتها السعيدة و أوضح کیفیة التوصلات الی نیل المقاصد و الحاجات لیسهل علی الطالب لفظه و علی المرید حفظه...»

نسخه‌های متعددی از این کتاب در کتابخانه‌های مصر، سوریه، ترکیه و حجاز نگهداری می‌شود، اما از چاپ آن اطلاعی بدست نیامد.

نام کتاب در فهرستها به دو صورت «خواص القرآن العظیم» و «منافع القرآن العظیم» ثبت شده است، گویا مؤلف نام خاصی برای کتاب انتخاب نکرده است.

نام مؤلف نیز در برخی منابع «ابوالغوث عبدالرحمن بن احمد بن علی قرشی شافعی» درج شده و در برخی دیگر، از جمله در نسخه حاضر، «عبدالرحمن بن علی بن احمد قرشی شافعی» ثبت شده است و بعضاً او را مکتبی به «ابوعوف» دانسته‌اند. درباره زمان حیات وی در منابع اطلاعی درج نشده، اما قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده از «خواص القرآن» او، در نیمه اول سده یازدهم هجری کتابت شده است.

(۱۱۲۳) خواص القرآن العظیم (علوم قرآن - عربی)

از: ابوالغوث عبدالرحمن بن علی بن احمد قرشی شافعی. کتابی است در بیان خواص و منافع آیات قرآن کریم و کیفیت بهره‌گیری از آنها در مواقع مناسب، شامل صد و سی باب، که در هر باب منفعتی خاص مطرح می‌شود و آیات دارای آن منفعت در ذیل آن می‌آید.

مؤلف این خواص را از کتابهای مختلف گردآورده، همچون خواص القرآن منسوب به امام صادق علیه السلام، خواص القرآن تمیمی و غزالی و سبک معمول در آن کتابها که بیان خواص آیات به ترتیب سوره‌ها و آیات قرآنی بوده را تغییر داده، تا مراجعه‌کنندگان آسان‌تر به مطلوب خود دست یابند. چنانکه در مقدمه می‌نویسد:

«... فوجدت المنافع علی ترتیب السور تتقدّم و تتأخّر وقد تكون المنفعة الواحدة فی عدّة آیات سور تتکرّر فمن قصد منفعة منها أو جمع المناسب الی مثله ضعف عزمه و تعیّر

دارد، در چند مورد حاشیہ با امضای «منہ» مشاهده می شود، صفحات نسخہ عکسی جابجا صحافی شدہ است.
۲۲۶ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخہ اصل: ؟



(۱۱۲۵) [مناقب أمير المؤمنين و ولديه الحسن و الحسين عليه السلام] = (منتخب كفاية الطالب) (مناقب - عربی)
از: ؟

مناقب امیرالمؤمنین امام علی و امام حسن و امام حسین علیہم السلام با استفادہ از آیات کریمہ و احادیث شریفہ، در یک مقدمہ و سہ باب بدین تفصیل آمدہ است:
المقدمة: في بيان آل البيت و ماورد في فضلهم من الآيات و الأحاديث الشريفة،
الباب الاوّل: في مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه،
الباب الثاني: في مناقب الامام أبي محمد الحسن رضي الله عنه،
الباب الثالث: في مناقب الامام أبي عبدالله الحسين رضي الله عنه.

مؤلف در مقدمہ، این کتاب را متأثر از تألیف محمد بن یوسف بلخی (کنجی) دانستہ و می نویسد: «... فنحوت الی ما صنّفه العَلَمُ الشهير الفاضل النحرير الحافظ ابو عبدالله محمد بن يوسف بن محمد البلخي الشافعي طيّب الله ثراه و أحسن عقباه أمين، فاقطنفت من يانع أزهاره الشهوي و نظمت من نضيد درره البهّي و اقتصرت على مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و ریحانتیه القمرین النیرین الامام أبي محمد الحسن و أخیه الامام أبي عبدالله الحسين رضي الله تعالى عنهم أجمعين...».

استاد فقید علامہ سید عبدالعزیز طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ کتابی بہ عنوان «مختصر كفاية الطالب»^۱ معرفی نموده، کہ مؤلف آن شخصی از اهل سنت است و شامل مقدمہ و دو باب درباره امام حسن و امام حسین است و در ۱۲۹۰ ق بہ اسم «مناقب

فهرست ابواب صد و سی گانہ کتاب در مقدمہ آمدہ است، نمونہ هایی از عناوین بابہای کتاب از این قرار است:
الباب الاوّل: لمن أراد ان يرى النبي صلى الله عليه وسلم،
الباب الثاني: لمن أراد القيام لصلوة الليل،
الباب الثالث: لمن أراد أن يطلع على المغيبات،
الباب العاشر: لمن أراد أن يذهب عنه الجوع و العطش،
الباب العشرون: لازالة الغيبة و النميمة،
الباب الخمسون: لنتاج الحيوانات و نموہ و ورود لبنہ،
الباب المائة: ما يكتب لتسهيل الولادة على المطلقة،
الباب العشرون بعد المائة: لجمع الشمل و طيب العيش،
الباب الثلاثون بعد المائة: ما يتعوذ به المسافر.
منابع: ايضاح المكنون: ۵۵۹/۲؛ فہرس مخطوطات مكتبة الأوقاف العامة في الموصل: ۱۴۵/۷؛ فہرس المخطوطات العربية المحفوظة في مكتبة الأسد الوطنية، الجزء الخامس، علوم القرآن: ۲۸۲؛ فہرس الكتب العربية المحفوظة بالكتبخانة المصريّة (الخدوية): ۲۳۲/۲ و ۳۷۲/۵؛ كتابنامہ بزرگ قرآن كريم: ۴۴۶۱/۱۰.

آغاز: بسلمہ. قال الشيخ الامام العالم العلامة سيّد العلماء الراسخين و امام الأئمة المهديين المجتهدين ركن الشريعة والدين أبو الغوث عبدالرحمن بن علي بن احمد القرشي الشافعي رضي الله عنه: حامداً لله مستسلماً اليه معتصماً بحبله الشريف و معتمداً عليه ... أمّا بعد اعلم يا أخي و فقا لله و اياك لمرضاته و أرشدنا جميعاً لطاعاته انني كنت كثير الطلب لتحصيل خواص منافع القرآن في كتاب الله المبين.

انجام: الباب الثلاثون بعد المائة ما يتعوذ به المسافر عند سفره فيحفظ في نفسه و أهله و ماله من أراد ذلك فليكشف عن قوله تعالى في سورة البروج و الله من ورائهم محيط ... فليطالعه المرید فيه المنفع ان شاء الله تعالى و الله الموفق للصواب و اليه المرجع و المآب. ربّنا آتنا من لدنك رحمة و هيء لنا من أمرنا رشداً و الحمد لله رب العالمين اللهم صلّ و سلم على سيّدنا و نبينا محمد و آلہ و صحبه أجمعين و سلم تسليمات كثيرًا.

نستعليق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، از سدہ دوازدهم یا سیزدهم هجری، تمامی صفحات مجدول، صفحه اول سر لوح کم کار و بی ارزشی

۱. درباره «كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب» فخرالدين ابي عبدالله محمد بن يوسف شافعي کنجی (متوفی ۶۵۸ ق) نگاه کنید به: أهل البيت في المكتبة العربية: صص ۴۲۸-۴۳۴؛ دانشنامه امام علی عليه السلام: ۴۶۷/۱۲-۴۷۰.



سیدنا الامام علی بن ابی طالب کرم الله وجهه» در بمبئی به چاپ رسیده و بار دیگر در ۱۳۵۲ ق در مصر به اسم «مناقب الثلاثة» به چاپ رسیده است. چاپ اخیر با استفاده از نسخه المكتبة العربية بمكة المكرمة انجام شده است. آغاز کتاب مذکور با نسخه حاضر برابر است.

هم‌چنین مرحوم طباطبایی کتابی به عنوان «مناقب أمير المؤمنين و ولديه الحسن والحسين (علیه السلام)» معرفی می‌کند که مرتب بر مقدمه و سه باب بوده و در ۱۲۸۰ ق در مصر به چاپ رسیده است. این کتاب در فهرست کتابخانه خدیویه نیز معرفی شده و تمامی خصوصیات آن با نسخه مورد بحث ما تطبیق می‌کند.

نام کتاب حاضر در صفحه عنوان نسخه ما «منتخب من مناقب للحافظ محمد بن يوسف بن محمد البلخي الشافعي في أحوال علي بن أبي طالب والحسن والحسين (علیه السلام)» درج شده است.

منابع: أهل البيت في المكتبة العربية: ۴۳۳-۴۳۴ و ۵۹۷؛ فهرست الكتب العربية المحفوظة بالكتبخانة الخديوية المصرية: ۱۵۹/۵؛ معجم الآثار المخطوطة حول الامام علي بن أبي طالب (علیه السلام): ۳۱۹.

آغاز: بسم الله الذي رفع قدر أحبابه و شرفهم بالقرب من جنابه و الصلاة والسلام على سيدنا محمد ذي المقام الأسنى المخصوص بقاب قوسين أو أدنى و على آله الذين أشرقت شمس مجدهم في طوابع سعدهم.

انجام: و كانت مدة خلافته رضي الله عنه بعد وفاة أخيه الحسن رضي الله عنه احدى و عشرين سنة و الله سبحانه و تعالى أعلم بالصواب.

نسخ زیبا، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، تمامی صفحات مجدول و صفحه اول دارای سرلوحی است که عبارت «یا علی مدد» در آن درج شده است. تصویر حاضر از روی نسخه چاپی که به اهتمام سید مصطفی زرکلی دمشقی در ۱۲۸۰ ق به طبع رسیده، اخذ شده است و در آخرش فهرست موضوعات در سه صفحه درج شده است.

۲۱۸ صفحه، ۲۱ سطری.

نسخه اصل: نسخه چاپی سال ۱۲۸۰ ق در مصر.



(۱۱۲۷) تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان

(عقاید، حدیث - عربی)

از: علاء‌الدین علی بن حسام الدین جونپوری معروف به متقی هندی (۹۷۵ ق) به شماره ۱۰۴۲ رجوع شود.

نستعلیق، بدون نام کاتب و بی تاریخ، این رساله در حاشیه صفحات کتابت شده و در متن بخشی از رساله‌ای عرفانی است، پس از اتمام رساله توضیحی درباره خبر «المهدی من ولد العباس» درج شده است.

۶ صفحه، سطور چلیپایی.

نسخه اصل: کتابخانه سلطنتی برلین در آلمان.

فهرست المخطوطات العربية بالمكتبة الملكية في برلين: ۶۵۹/۱ - ۶۶۰ و ۶۰۸/۹.



(۱۱۲۸) رسالة أبي غالب الزراري (= آل أعين = اجازة الشيخ أبي غالب)

(رجال شيعه - عربی)

از: ابو غالب زراری احمد بن محمد شیبانی (۳۶۸ ق).

آل اعین بزرگترین خاندان شیعه در کوفه بودند که از عصر امام سجاد (علیه السلام) تا اوایل غیبت کبرا به جلالت قدر شهرت داشتند و از این خاندان علما و فقها و قراء و روای بسیاری برخاستند.

ابو غالب زراری از شخصیت‌های معروف خاندان آل اعین و شیخ علمای عصر خود بود که در بغداد اقامت داشت و این رساله را در احوال شخصیت‌های علمی منسوب به این خاندان، برای پسر پسرش محمد بن عبدالله بن احمد، در ذی‌قعدة ۳۶۵ تألیف کرده و در سال ۳۶۷ ق، آن را بازنگری و اصلاح نموده است.

مؤلف در این رساله، نخست شرح حال خاندانش را آورده و سپس اجازة تمام مرویات و مقروآت و مؤلفاتش را به نوه‌اش - که در هنگام تألیف این رساله خردسال بوده - داده است.

این رساله از قدیمی‌ترین کتابها در فن تراجم و اجازات است و عده‌ای از دانشمندان، آنرا یکی از اصول علم رجال و مقدم بر کتب پنجگانه رجالی مشهور دانسته‌اند، که علاوه بر معرفی راویان آل اعین، راویانی را که در ارتباط با خاندان



و صلوته علی ساداتی محمد النبی و آلہ الأخیار تمت رسالہ أحمد بن محمد بن سلیمان بن الحسن الزراری الی ابن ابنہ أحمد بن عبداللہ بن أحمد فی ذکر نسبه و روایتہ رضی اللہ عنہ و عنہم ...

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، [قرن ۱۳]، نشانی‌ها مشکئی، در حاشیه تصحیح شده است، در ابتدای تصویر حاضر یادداشتی از محمد حسن طهرانی به تاریخ ذیقعدہ ۱۳۹۸ در قم راجع به رسالہ حاضر و مؤلف آن ثبت شده است.
۲۹ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه آستانقدس رضوی، شماره ۷۹ رجال (۷۶۶۹).

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی: ۶۰۹/۶.



(۱۱۲۹) الجامع الصحیح (= صحیح البخاری)

(حدیث اهل سنت - عربی)

از: ابو عبداللہ محمد بن اسماعیل جعفی بخاری (۲۵۶ ق).
نخستین و مهمترین کتاب از صحاح ششگانه اهل سنت و شامل ۹۰۸۲ حدیث نبوی است که مورد توجه علمای عامه قرار گرفته و تحریرها و روایت‌های متعددی از آن در دست است و صدها نسخه خطی از آن باقی مانده و در کشورهای مختلف بارها به چاپ رسیده و صدها اثر پیرامون آن نگاشته‌اند؛ از تلخیص و شرح و تعلیق، استخراج احادیث، ترتیب، تنقیح و نقد که اسامی آنها در منابع مربوطه ثبت شده است.

سخن درباره این کتاب بسیار است و ما بنا نداریم در این فهرست کتابهای مشهور را به تفصیل معرفی نماییم، لذا دانشوران را به منابع بحث ارجاع می‌دهیم.

منابع: فؤاد سرگین، تاریخ نگارش‌های عربی، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث و ...)، ترجمه مهرازاننده و شیرین شادفر: ۱۶۵-۱۹۵؛ دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعه: ۲۶۴/۱؛ الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، الحدیث النبوی الشریف و علومه: ۴۹۳/۱-۵۷۳؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ۲۰۸-۲۰۶/۱۴؛ فهرس المخطوطات المصوره (معهد المخطوطات العربیة)، الحدیث و علومه: ۲۳۵/۱-۲۹۰؛ کشف الظنون: ۵۴۱/۱-۵۵۵؛

اعین هستند، معرفی کرده است و می‌توان از لابه‌لای مطالب کتاب، فواید رجالی بسیاری را به دست آورد. همچنین این کتاب به عنوان یکی از منابع فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی مطرح است؛ چون مؤلف، فهرستی از کتاب‌هایی که اجازه نقل آنها را داشته است، با ذکر مؤلف آن کتاب‌ها معرفی نموده است.

ابن غضایری (حسین بن عبداللہ واسطی) این رساله را روایت نموده و تکمله کوتاهی بر آن نگاشته که در اغلب نسخه‌ها به اصل رساله ضمیمه شده است.

تاکنون بیش از ده نسخه خطی از این رساله شناسایی شده، که سه نسخه از آن در کتابخانه حاضر نگهداری می‌شود. و طبق اطلاع ما سه بار به چاپ رسیده است: ۱- ضمن مجموعه دوم نفائس المخطوطات، ۲- به اهتمام آیه‌الله ابطحی در اصفهان به سال ۱۳۹۹ ق، ۳- با تصحیح و تحقیق و مقدمه استاد ارجمند جناب علامه سید محمدرضا حسینی جلالی به سال ۱۴۱۱ ق در ۳۶۵ صفحه، بوسیله انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی به نام «رساله ابی غالب الزراری الی ابن ابنه فی ذکر آل أعین و تکملتها لأبی عبداللہ الغضائری».

استاد جلالی مقدمه مفصلی در معرفی رساله و مؤلف آن آورده و سپس در تکمیل کتاب، تألیف خود با عنوان معجم الأعلام من آل أعین الکرام را در شرح احوال خاندان اعین الحاق کرده است.

منابع: الذریعه: ۱۴۳/۱ و ۹۳/۱۰ و ۷/۱۱؛ الفهرست، شیخ طوسی: ۷۴؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی: ۱۷۵/۱ و ۷۳/۱۱؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی: ۱۹۶/۱؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه: ۱۳۳/۱-۱۳۵؛ مأخذشناسی رجال شیعه: ۳۳-۳۴.

آغاز: بسمله. حدّثنا أبو عبداللہ الحسین بن عبداللہ بن ابراهیم الواسطی قال حدّثنا أبو غالب أحمد بن محمد بن محمد بن سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیر بن أعین الشیبانی منه الی ابنه محمد بن عبداللہ بن أحمد سلام اللہ علیک فاتی أحمد الیک اللہ الذی لاله الا هو... أمّا بعد فانّا اهل بیت أکرمنّا اللہ عزّ و جل بمنّه علینا بدینہ.

انجام: بصوت بصوت حسن واحد و اثنین والحمدلله



اینکه شرح حال الغ بیک بن شاهرخ بن تیمور گورکانی (متوفی ۸۵۳ق) را آورده و کتاب را به اسم او نگاشته است.

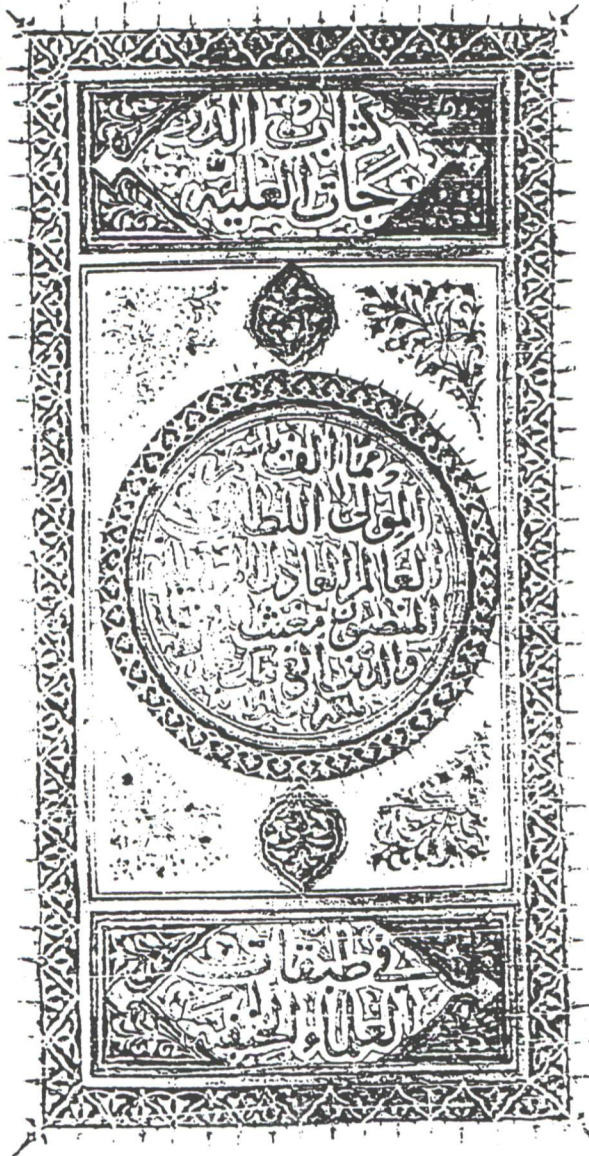
نخستین کسی که در این باره کتاب نوشته، عبدالقادر بن محمد قرشی (۷۷۵ق) است، صاحب کتاب الجواهر المضیة

فی طبقات الحنفیة^۱. نسخه‌ای از کتاب مذکور در کتابخانه احمد ثالث ترکیه موجود است^۲.

ابن جزری به مسوّدۀ طبقات حنفیة قرشی - که به خط مؤلف بوده - دست یافته و علیرغم امتیازات موجود در آن، نقایصی در کتاب دیده و تصمیم به تکمیل و ترتیب آن گرفت. چنانکه در مقدمه آورده است:

«آنی وقتت علی مسوّدۀ بخط مؤلفها شیخنا الامام... رأیته لم یسبق الیه ولا وقع خاطر أحد علیه ومع أنّها یعسر النقل منها لا یسع أحداً الاعراض عنها، غیر أنّه ذکر جماعة من الفقهاء و الصوفیة لیسوا علی ما شرطه من جماعة الحنفیة... و ترک جماعة من الحنفیین من المتقدّمین و المتأخّرین، فاستخرت الله تعالی فی تحریر هذه المسوّدۀ و تهذیبها و اضافة ما أهمله و ترتیبها؛ فأنه رحمه الله خرج عن الترتیب فی أسماء علی ما التزمه و الطریق الواضح الذی وضعه و رسمه و ذلك آنی رتبت الأسماء علی الحروف و كذلك أسماء الآباء و الأجداد علی الوجه المألوف لیسهل کشفه و... كذلك فعلت فی الأنساب و فی المشهورین فی الأبناء و الألقاب و کتبت أسماء من وجدته فی المسوّدۀ بالحرمة و أسماء من زدته و أسماء آبائهم كذلك لیعلم الزاید علی الأصل بأقرب الطرق و أحسن المسالك».

کتاب الدرجات العلیة
و طبقات العلماء الحنفیة



صفحة عنوان الدرجات العلیة، تصویر شماره ۱۱۳۳

۱. موسوعة المصادر و المراجع: ۱۸۶-۱۸۷.
۲. فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربیة)، الجزء الثاني، التاريخ: ۱۱۱/۱؛ كشف الظنون: ۶۱۶/۱.
۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۳۶/۱۰-۳۹.

ابن جزری کتاب خود را «الدرجات العلیة فی طبقات الحنفیة» نامیده و از آوردن اسامی علمای معاصرش که در زمان تألیف کتاب، در قید حیات بودند اجتناب کرده، جز

۱۱۳۴) الحاوی لحقائق الأدلّة الفقهيّة و تقرير القواعد القياسيّة

(اصول فقه - عربی)

از: امام مؤید یحییٰ بن حمزه حسینی یمنی (۷۴۹ق).

مؤلف از اکابر ائمه زیدیه در یمن بوده و تألیفات بسیاری داشته، به طوری که گفته‌اند شماره برگهای تألیفات وی از عدد روزهای عمرش افزونتر است! در سال ۶۶۹ق به دنیا آمده و وفاتش را در ۷۴۵ یا ۷۴۹ق ثبت کرده‌اند و اسامی تألیفاتش در منابع ذکر شده است.^۱

کتاب حاضر در اصول فقه زیدیه و ترتیب و تهذیب و تلخیصی از «المعتمد فی أصول الفقه» ابوالحسین محمد بن علی بصری معتزلی شافعی (متوفی ۴۶۳ق) است.

المعتمد کتاب بزرگ و مهمی بوده که فخر رازی المحصول را از آن اخذ کرده^۲ و محمود ملاحمی تجرید المعتمد را براساس آن نگاشته است.

الحاوی در سه جلد تنظیم شده و دارای یک تمهید و یک مقدمه و ده مقاله بدین ترتیب است:

التمهید: فی ماهیه أصول الفقه.

المقدمة: فیها خمسة أبواب فی کلیات الفن.

المقالة الاولى: فی الأوامر والنواهی.

المقالة الثانية: فی العموم والخصوص.

المقالة الثالثة: فی المجمل والمبیین.

المقالة الرابعة: فی الأفعال ودلالاتها علی الأحكام.

المقالة الخامسة: فی حکم الناسخ والمنسوخ.

المقالة السادسة: فی الاجماع و ما يجوز فيه بالاجماع.

المقالة السابعة: فی الأخبار و حکم الأحاد و المتواتر منها.

المقالة الثامنة: فی القیاس و أنواعه.

المقالة التاسعة: فی الاجتهاد و الفتوی.

المقالة العاشرة: فی أحكام الترجیح و التعارض.

تألیف جلد دوم آن در ماه صفر ۷۱۵ق به پایان رسیده است. نام کتاب در اعلام المؤلفین الزیدیه به اشتباه «الحاوی لحقائق الأدلّة الفقهيّة و تقرير القواعد السیاسیّة» ضبط شده و موضوع آن در مصادر التراث اصول دین دانسته شده است.

نام مؤلف در ابتدای کتاب شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن محمد بن الجزری العربی السلفی ثبت شده است، ابن جزری معروف که صاحب تألیفات بسیار است شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن علی بن یوسف ابن الجزری (متوفی ۸۳۳ق) است که شرح حال وی در منابع متعدّد آمده است، از جمله: اعلام، زرکلی: ۴۵/۷؛ البدر الطالع: ۷۷۵-۷۷۶؛ معجم المؤلفین: ۲۹۱/۱۱-۲۹۲؛ هدیه العارفین: ۱۸۷/۲. در منابعی که شرح حال ابن جزری مذکور درج شده، نامی از الدرجات العلیة به میان نیامده است.

منابع: فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربیة)، الجزء الثاني (التاریخ): ۱۳۰/۱-۱۳۱.

نسخه حاضر از آغاز کتاب تا بخشی از حرف الباء از باب الألقاب را دربردارد.

آغاز: قال شیخنا وسیدنا شیخ الاسلام مقتدی الأئمة الأعلام خاتمة مجتهدی الأنام [] الدقایق بحر الحقایق شمس الحق و الشریعة و الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن محمد بن الجزری العربی السلفی أبدالله تعالی ظلال افادته و اجتهاده، الحمد لله الذي جعل الخلق طبقات و رفع بعضهم فوق بعض درجات.

انجام نسخه: أحمد أبو عبد الله الزعفرانی الذي رتب مسائل الجامع الصغير.

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، گویا از عصر مؤلف،

دو صفحه اول مجدول و دارای تزئینات است،

صفحه عنوان دارای کتیبه در فوق و ذیل و ترنج

و سرترنج هاست و داخل کتیبه و ترنج نام کتاب

و مؤلف با دعای «أبدالله تعالی ظلال افادته

و اجتهاده» و نام الغ بیک با دعای «خلدالله ملکه

و سلطانه» درج شده است، این نسخه ناقص است

و عناوین کتاب در نیمه دوم آن نانوشته مانده است

و در حواشی تصحیحات اندکی به چشم می خورد،

در اول نسخه مهر کروی بزرگ مربوط به وقف نسخه

و مهر بیضوی کوچک با عبارتی ناخوانا دیده می شود.

۱۰۱ صفحه، ۲۴ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه احمد ثالث، ترکیه، نسخه شماره

۱. نک: الأعلام: ۱۴۳/۸؛ اعلام المؤلفین الزیدیه: ۱۱۲۴-۱۱۳۱؛ مؤلفات

الزیدیه: ۳۴۰/۳؛ معجم المؤلفین: ۱۹۵/۱۳؛ مصادر التراث فی المكتبات

الخاصة فی الیمن: ۷۵۰/۱ و ۷۵۲-۸۴۸/۲-۸۴۹.

۲. کشف الظنون: ۱۷۳۲/۲.



رساله‌ای است در دو جزء، نسخه حاضر هر دو جزء را در بردارد و از آغاز افتاده است.

آغاز نسخه: و فيه من الرطوبة ثلاثة احرا من المرتبة الاولى و فيه من.

انجام: و ينبغي ان يكون ذلك سابقة في علم المهية والممارسة ليسهل عليك تصوير التدابير وهذا آخر الكلام في هذا الباب ولله الحمد والشكر دائماً كما هو أهله ومستحقه.

۲- کتاب الأدلة^۱

آغاز: کتاب الأدلة من جملة الاثنین و ثلاثین کتاباً في الموازين.

۳- کتاب البغية^۲

۴- کتاب العين^۳

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، عناوین به خط جلی، برگهای نسخه جابجا شده و گویا این تصویر ناقص است و به‌طور کامل از نسخه تصویربرداری نشده است.

۱۲۲ صفحه، ۲۳ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه لیدن هلند، نسخه شماره ۲۸۴۲.



(۱۱۳۷) الأنباه في ذكر أصول الرواة عن رسول الله صلى الله عليه وآله

(انساب - عربی)

از: ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر نمری قرطبی مالکی (۴۶۳ ق).

حافظ جمال‌الدین یوسف ابن عبدالبر قرطبی، تاریخدان، قاری، محدث، فقیه، ادیب و نسابة نامدار اندلسی است که در ۳۶۸ ق در قرطبه بدنیا آمد و در ۴۶۳ ق وفات یافت.

تالیفات مهمی دارد، از جمله: الاستیعاب في معرفة الأصحاب، القصد والأمم في التعريف بأصول أنساب العرب والعجم، الاكتفاء في قراءة نافع وأبي عمرو، تجريد التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، الدرر في اختصار المغازي والسير، العقل والعقلاء، جامع بيان العلم وفضله، المدخل في القراءات، بهجة المجالس وأنس المجالس، الانتقاء في فضائل الثلاثة الفقهاء، الاستذكار في شرح مذاهب علماء الأمصار، الانصاف فيما بين العماء

من الاختلاف، الكافي في الفقه، نزهة المستمعين وروضة الخائفين، ذكر التعريف بجماعة من الفقهاء أصحاب مالك، و...^۴

رساله مختصر حاضر در ذکر امتهات قبایلی است که از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده‌اند، و در واقع مدخلی است برای کتاب بزرگش الاستیعاب في معرفة الأصحاب، چنانکه در مقدمه آورده است: «أما بعد فإني ذكرت في كتابي هذا أمتهات القبائل التي روت عن رسول الله صلى الله عليه وآله وقربت ذلك واختصرته وبيتته وجعلته دليلاً على أصول الأنساب ومدخلاً الى كتابي في الصحابة ليكون عوناً للناظرين فيه ومنتهياً على ما يحتاج اليه من معرفة الأنساب...».

قرطبی درباره منابع رساله حاضر می‌نویسد: «هذا كتاب أخذته من أمتهات كتب العلم بالنسب وأيام العرب بعد مطالعتي لها ووقوفي على أغراضها فمن ذلك كتاب أبي بكر محمد بن اسحاق وكتاب أبي المنذر هشام بن محمد بن السائب الكلبي وكتاب أبي عبيدة معمر بن المثنى وكتاب محمد بن عبدة بن سليمان وكتاب محمد بن حبيب وكتاب أبي عبدالله أحمد بن محمد بن عبيدالعدوي في نسب قريش وكتاب الزبير بن بكار في نسب قريش وكتاب عمه مصعب بن عبدالله الزبيري في ذلك وكتاب علي بن كيسان الكوفي في أنساب العرب قاطبة وكتاب علي بن عبدالعزيز الجرجاني وكتاب عبدالملك بن حبيب الأندلسي، الى فقر قيدها من الحديث والآثار وال نوادر اقتطفتها من كتب أهل الأخبار، وأخذت من ذلك كله عيونه وما يجب الوقوف عليه ويكمل بأهل الأدب والكمال معرفته من الانتساب اليه.»

عناوین مباحث این رساله از این قرار است: عدنان، أنساب العرب، قحطان، قضاة، النسب المعروف غير المنكر، نزار، مضر، خندف، قريش، القارة، تميم، مزينة والرباب وضبة، قيس بن عيلان، جديلة قيس، ثقيف، خزاعة، ربيعة بن نزار، بجيلة وختعم، عاملة، لخم و جذام،

۱. همان، ص ۳۵۸.

۲. همان، ص ۳۶۶.

۳. همان، ص ۳۶۰.

۴. ر.ک: الأعلام، زرکلی: ۲۴۰/۸؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۱۸۱/۴ - ۱۸۳؛

معجم المؤلفين: ۱۳/۳۱۵.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال در اسپانیا، نسخه شماره ۱۷۰۴.

فهرست نسخه‌های خطی عربی اسکوریال، هارت ویگ گرینبورگ: ۲۲۰/۳؛ المخطوطات العربية في مكتبة الاسكوريال، ترجمه سیده می‌کنفانی: ۲۷۶-۲۷۷.



(۱۱۳۸) خلاصه تحقیق الظنون في الشروح و المتون

(کتابشناسی - عربی)

از: کمال‌الدین ابوالفتوح محمد بن مصطفی صدیقی بکری (۱۱۹۶ ق).

کشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون اثر مشهور کاتب چلبی حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله رومی (۱۰۶۷ ق) در حوزه کتابشناسی است، که پس از تألیف تاکنون از مهمترین مصادر و منابع در شناخت کتابها و رساله‌هاست و در آن نزدیک به بیست هزار کتاب معرفی شده است.

کشف الظنون بارها به چاپ رسیده و جمعی از علماء به تهذیب و تکمیل و تلخیص آن همت گماشتند. گزارش کارهای انجام شده پیرامون آن، در مقدمه ممتع مرحوم آیه‌الله مرعشی نجفی^{ره}، موسوم به کشف الظنون عن صاحب کشف الظنون درج شده است.

از جمله بکری خلوتی به تلخیص و تکمیل کشف الظنون دست یازیده و آنرا تلخیص الظنون في الشروح و المتون نام نهاده است.

محمد بکری صوفی، ادیب، شاعر، نحوی و فقیه فلسطینی است که به سال ۱۱۴۳ ق در بیت المقدس به دنیا آمد و در ۱۱۹۶ ق در غزه چشم از جهان فرو بست.

وی صاحب تألیفاتی است، از جمله: تشنیف السمع في تفضیل البصر علی السمع، الروض الرائض في علم الفرائض، الکلمات البکریة في حل معانی الآجرومیة، المنح الالهیة

جماع قبائل الیمن، أحسن بن العوث والأزد، همدان، قضاة و قبائلها.

در مراجعه به فهرستهای نسخه‌های خطی، دو نسخه از الأنباء به دست آمد:

۱- نسخه شماره ۱۶۹ کتابخانه ملی و دانشگاهی استراسبورگ در فرانسه^۱. این نسخه در اوائل قرن هشتم هجری کتابت شده است.

۲- نسخه شماره ۱۷۰۴ کتابخانه اسکوریال اسپانیا، که در فهرست، تاریخ کتابت آن ۴۹۹ ق درج شده است.^۲ تصویر حاضر از این نسخه اخذ شده است.

الانباہ تاکنون چند بار به چاپ رسیده است، از جمله: ۱- بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ ق، تحقیق ابراهیم اسماعیل الأبیاری، ۱۷۰ ص.

۲- قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۸ ق، تحقیق دکتر محمد زینهم محمد عزب و دکتر عائشة تهامی و مدیحة الشرقاوی، به ضمیمه القصد و الأمم قرطبی در ۱۱۲ ص.

۳- قاهره، مکتبه المعارف، ضمن مجموعه «الرسائل الکمالیة في الأنساب».

جلال الدین سیوطی (۹۱۱ ق) ذیلی بر الانباہ نگاشته است.^۳

منابع: الفهرس الشامل للتراث العربي الاسلامي المخطوط، الحدیث النبوي: ۲۵۵/۱؛ کشف الظنون: ۱/۱۷۱؛ دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعة: ۲۲۵/۱.

آغاز: بسمله. الحمد لله ذی القدرة والآلاء والعظمة والكبرياء فاطر الأرض والسماء الذي خلقنا من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبثّ منهما رجالاً كثيراً.

انجام: و ضنة بالنون قد تقدم أيضاً في باب ضبة، قال ابن الكلبي هو ضنة بن عبدكبير بن عذرة بن سعد بن هذيم، وقد تقدم ذكر مهرة في غير قضاة في الیمن و ذكرنا الاختلاف في ذلك، تمّ كتاب الأنباہ والحمد لله حق حمده ...

نسخ، برخی از کلمات معرب، بدون نام کاتب و بی تاریخ^۴، عناوین به خط درشت، در حاشیه تصحیح شده است، در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف با دعای «رحمه الله» ثبت شده است.

۹۷ صفحه، ۱۹ سطری.



۱. نک: فهرس المخطوطات العربية في مكتبة استراسبورغ الوطنية و الجامعية، الدكتور نزيه كسيبي: ص ۱۳۵.

۲. نک: المخطوطات العربية في مكتبة الاسكوريال، ترجمه سیده می‌کنفانی: ص ۲۷۶.

۳. نک: کشف الظنون: ۱/۱۷۱.

۴. در فهرست کتابخانه اسکوریال تاریخ کتابت این نسخه سال ۴۹۹ ق ضبط شده است.

فی مدح خیر البریه، نبراس الأفكار، النفحات العواطر علی
الکلمات الخواطر و ...

بکری در کتاب حاضر مکررات کشف الظنون را حذف
کرده و کتابهای نویافته را استدراک نموده است و اسامی
کتابها را به ترتیب الفبایی آورده و برای هر حرفی، باب
خاصی قرار داده است. چنانکه در مقدمه آورده است:

«فان کتاب کشف الظنون عن أسماء الكتب والمتون
جمع فيه مؤلفه غالب أسمائها وزبر فيها أنحائها غير أنه
طالما كثر فيه المؤلفات فبعد بذلك حسن رونقه وفات
وقد عمدت الى تلخيصه في هذا الكتاب سالكاً فيه ترتيبه
الناهج صوب الصواب مع ضمّ ما لحق العلم بتأليفه ممّا
بلغ مسامع الشهرة أو رأيت حسن تصنيفه وسميته خلاصة
تحقيق الظنون في الشروح والمتون وكان ذلك في
أوائل شهر رجب الفرد سنة ثمانين ومائة وألف وأنا نزيل
الديار المصرية».

شروع به تألیف این کتاب در اوایل رجب ۱۱۸۰ در مصر
بوده و پایان آن در غروب روز شنبه ۸ رمضان همان سال در
مصر اتفاق افتاده است.

دو نسخه از این کتاب شناخته شده، یکی نسخه مورد
بحث و دیگری نسخه شماره ۳۶۱۶ دارالکتب ظاهریه در
دمشق و از طبع آن اطلاعی بدست نیامد.

منابع: الأعلام، زرکلی: ۱۰۰/۷؛ ایضاح المکنون: ۴۳۴/۱؛
فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، الفلسفة والمنطق:
۲۲۲-۲۲۳؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، التاريخ
وملاحقاته، يوسف العشي: ص ۳۱۱؛ فهرس مخطوطات
دارالکتب الظاهرية، قسم الأدب: ۱۹۸/۱؛ معجم المؤلفين:
۳۲/۱۲ و ۳۳؛ کشف الظنون، دکتر سلیمان اسحق محمد
عطیه: ۵۴-۵۵.

أغاز: بسمله. الحمد لله الذي أحصى كل شيء عدداً
وعلم آدم الأسماء فقال بذلك حظاً ومدداً أحمده سبحانه
على جميع آلائه وأشكره على سائر نعمائه وأصلي وأسلم
على من علم سائر العلوم ورقى سماء كل منطوق ومفهوم
وعلى آله.

انجام: يوسف وزليخا للفردوسي وبه تمّ کتاب کشف
الظنون عن أسماء الكتب والمتون والحمد لله وحده وصلى
الله على من لا نبي بعده وقد نجز و تحرّر على يد فقير رحمة

الله كمال الدين محمد أبو الفتوح بن مصطفى بن كمال الدين
بن علي الصديقي نسباً الحنفي مذهباً الخلوتي طريقة
ومشرباً سبط الحسنين الأحسنين غفرالله ذنوبه و ستر
عيوبه في غروب نهار السبت المبارك ثامن شهر رمضان
المعظم سنة ثمانين ومائة وألف أحسن الله ختامها وذلك
في محروسة مصر المعزية حماها الله من كل آفة وبليّة
والحمد لله رب العالمين.

نسخ، سيد عبدالغنى نقشبندی بن محمد بن ابراهيم
بن صالح بن محمد بن عمر پاشا بن حسن پاشا
مستوفى و امير الحاج و والى دمشق، بدون تاريخ،
گویا از سده دوازدهم هجری، کاتب این نسخه را برای
سید حاج عبدالله افندی مرادی نقشبندی عمری
کتابت کرده است و در اول نسخه تملک عبدالله
مرادی مفتی دمشق به چشم می خورد.

۱۱۶ صفحه، ۴۲ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستریتی، ایرلند، نسخه

شماره ۳۴؟



(۱۱۳۹) تاریخ مدینه دمشق (تاریخ-عربی).

از: ابن عساکر ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله دمشقی
شافعی (۵۷۱ق)

به فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه حاضر (ج ۲،
ص ۸۶-۹۶، شماره‌های ۵۹۷-۶۰۸) مراجعه شود.

نسخه حاضر جزءهای ۱۴۲ تا ۱۴۹ کتاب را در بردارد.

نسخه بسیار نفیس از عصر مؤلف، نسخ کهن از سده
ششم هجری، این نسخه را فرزند مؤلف (قاسم بن
علی) بر مؤلف خوانده و در اجزاء مختلف آن سماع
او بر مؤلف در تاریخ ۵۷۰ق ثبت شده است،
هم‌چنین در ابتدا و انتهای اجزای مختلف نسخه
گواهی سماع از افراد متعدد و در تاریخهای مختلف از
جمله در سال ۶۱۶ و ۶۲۶ق ثبت شده است،
صفحات نسخه در این تصویر جایجا شده و کیفیت
تصویر چندان مطلوب نیست.

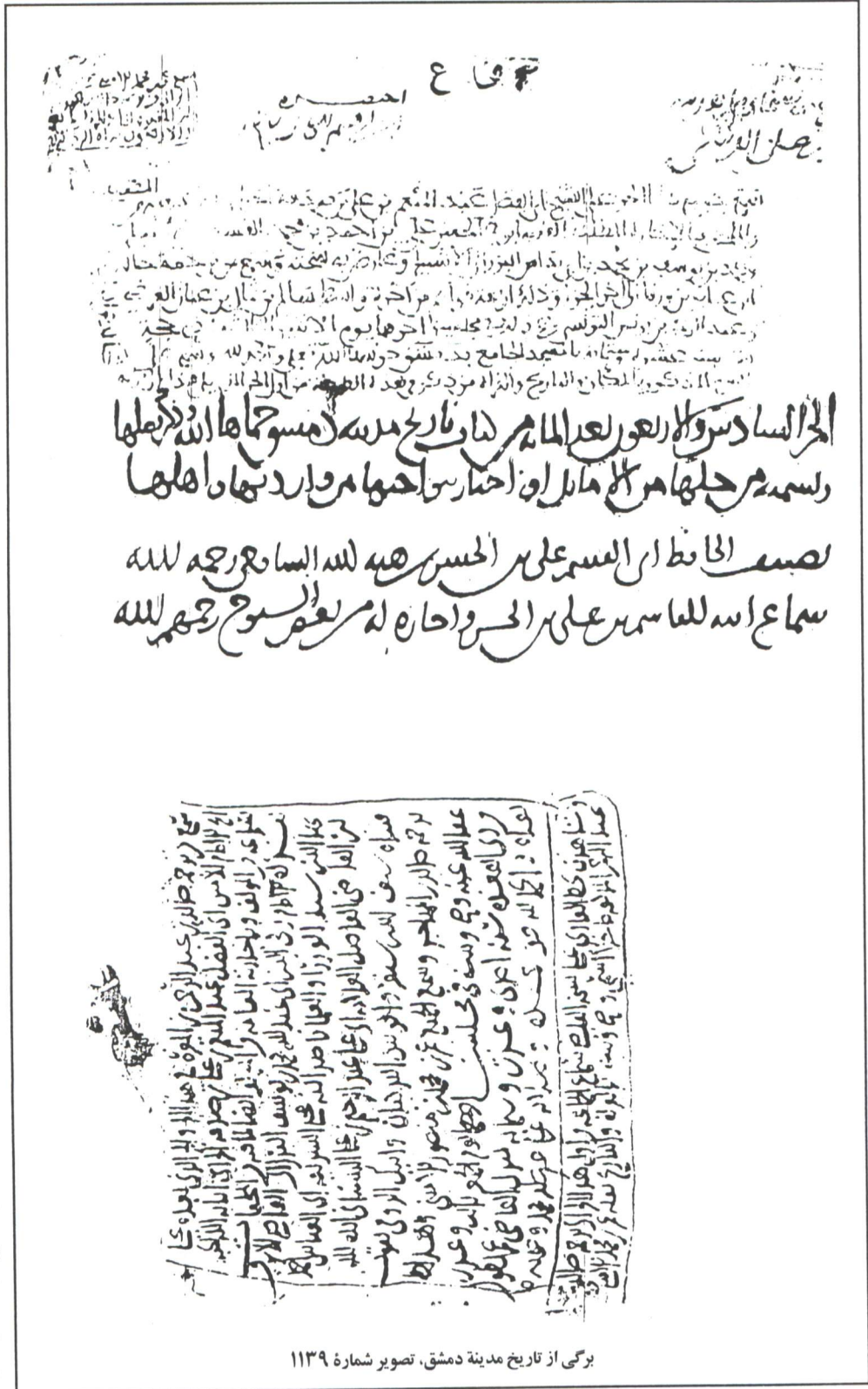
۳۶۶ صفحه، ۲۲ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه سعیدیه حیدرآباد دکن در هند.



غیاث‌الدین علی فرزند جمال‌الاسلام یزدی، روزنامه‌نگار دستگاه امیر تیمور گورکان (۷۷۱ - ۸۰۷ق)، که از عالمان دین و از اعقاب ابوالفضل رشیدالدین میبیدی بود و زمانی در شهر یزد بر منصب قضا نشست و در یورش امیر تیمور به هند (۸۰۱ق) همراه او بوده است و به دستور یکی از مقربان امیر تیمور گورکانی وقایع فتوحات وی را در جنگهای هندوستان تحریر نموده است.

سعادت‌نامه مشتمل بر سه بخش است: نخستین بخش دیباچه است که به شرح اجمالی فتوحات تیموری اختصاص دارد. بخش دوم، که قسمت اصلی مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد، گزارش روزانه وقایعی است که در خلال قریب هشت ماه جنگهای امیر تیمور در شبه قاره هندوستان رخ داده است. بخش پایانی و مختصر کتاب، شرح بنای مسجد جامع سمرقند به فرمان تیمور می‌باشد.



برگی از تاریخ مدینه دمشق، تصویر شماره ۱۱۳۹

مؤلف در مقدمه می‌نویسد: «چون دارالعباده یزد بمقدم عالی یکی از مقربان حضرت و چاکران صادق نیت مشرف گشت دو رساله عربی و فارسی که نویسنده این حروف علی سبیل الارتجال انشا کرده در نظر مبارک او آمد و در پایه

(۱۱۴۰) سعادت‌نامه (= روزنامه غزوات هندوستان = تاریخ امیر تیمور) (تاریخ هند - فارسی)
 از: غیاث‌الدین علی بن جمال‌الاسلام یزدی (قرن ۹).

سریر اعلیٰ عرض کرد، حکمی صادر شد که جهت تاریخ بعضی از حروب که بندگی حضرت جهانگشای را اتفاق افتاده، دیباچه فارسی نوپسند و فتوحات متواتر که از مبدأ عهد باز کرامت شد در فصلی مفرد مجملاً قلمی کرده، بعد ذلک روزنامه غزوات هندوستان پیش گرفته جنگ نامها به عبارتی از تکلف دور و بفهم نزدیک و علی التفصیل شرح دهد، هر چند اکثر اوقات مستغرق علوم دینی بوده و در انشاء خطابیات کمتر خوض نموده اما بمیامن اوامر علیه درین موقف خطیر شروع رفت ...»

در اختتامیه نسخه آمده است: «تمام شد تاریخ امیر بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان آنارالله برهانه از مؤلفات مولانا اعظم السعید علامه العلماء و الافاضل المتبحرین فی عصره و زمانه الواصل الی رحمة الله و غفرانه غیاث الحق و الدین علی المنتهی نسبه العالی الی الشیخ الربانی و القطب الصمدانی الشیخ جمال الاسلام قدس الله سرهما و تاریخ مبارک تا آنجاست که فتح هندوستان شده، بعد از این اگر توفیق رفیق و تدبیر موافق تقدیر آید کیفیت فتح بلاد شام و روم که در عهد حضرت خاقان سعید بوده و فتوحات ارجمند که در زمان بندگی حضرت خلافت پناه سلطان سلاطین عالم عدل خواقین امم ظل الله فی الارضین معین الحق و الدین امیرزاده شاهرخ بهادر سلطان خلدالله ملکه و سلطانه روی نموده، خلف صدق مصنف این تاریخ مولانا اعظم مؤیل (کذا) صنادید العلماء فی العالم و حید العصر فی الزمان مولانا شهاب الدین محمد منشی سلمه الله تعالی مشروح و مبسوط در سلک عبارت خواهد آورد.»

آثاری از فرزند مؤلف (شهاب الدین محمد منشی) در کتابخانه ملک موجود است^۱. درباره مؤلف و خاندان او آقایان سعید نفیسی و ایرج افشار تحقیقاتی انجام داده‌اند.^۲ مؤلف در این اثر از آرایه‌های لفظی، مطالب حکمی و کلامی و به تناسب حال از سروده‌های خود و اشعار شاعران بزرگی چون فردوسی، نظامی، سعدی و دیگران بهره برده است.

نسخه‌هایی از روزنامه غزوات هندوستان شناسایی

شده است:

۱ - نسخه شماره ۷۰۰۸ کتابخانه مجلس، به خط محمد بن علاء الدین عبدالعزیز تبریزی در جمادی الآخر ۸۶۸ در یزد^۳.

۲ - نسخه شماره ۱۵۴۱ کتابخانه شیروانی در لاهور پاکستان، به خط عطاءالله بن محمد حسینی بخاری در ۹۳۹ ق.^۴

۳ - نسخه شماره ۱۵۲۰ انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان، که تصویر مورد بحث از آن اخذ شده است.

به گفته مشار این کتاب در پتروگراد (= سنت پترزبورگ) به چاپ رسیده است^۵. مرحوم دانش‌پژوه مدعی شده که نظام الدین شامی و شرف الدین یزدی در نگارش ظفرنامه‌هایشان از این کتاب سود جستند^۶.

سعادت‌نامه به روسی ترجمه شده و در سال ۱۹۵۸ میلادی انتشار یافته است. چاپ تحقیقی این کتاب، به کوشش ایرج افشار به وسیله مرکز نشر میراث مکتوب، در سال ۱۳۷۹ ش به بازار کتاب عرضه شده است.

منابع: الذریعه: ۲۷۰/۱۱؛ فهرستواره کتابهای فارسی: ۱۲۷۰/۲؛ فهرست مشترک پاکستان: ۳۹۲/۱۰؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی: ۴۵۹۷/۶.

آغاز: سپاس و ستایش خداوند عالم را عز اسمه و جل ذکره که درین عهد همایون گوی زمین را در خم چوگان قدرت صاحبقرانی وافر شوکت آورده که آسمان قدرش چون قدر آسمان بیرون از دریافت اوهام است.

انجام: جز بدست معمار لطف خویش مسپار و بلاد و عباد خویش را از جور جبارۀ ستمکار و قهارۀ غدار نگاه‌دار یارب العالمین و یا اکرم الاکرمین، تمام شد تاریخ امیر بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان ... و التوفیق فی اتمام هذا المرام من الله المهیمن العلام و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه الطیبین الطاهرین و السلام، تمّت الكتاب ...

نستعلیق، بدون نام کاتب، ۵ شعبان المعظم ۱۰۱۵،

۱. فهرست کتابخانه ملک: ۶۶/۷-۷۸.

۲. نک: تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی: ۲۵۰/۱؛ مقاله «خاندان جمال الاسلام یزدی» از ایرج افشار در مجله یغما، ش ۳۶۴، سال ۳۱، دی ۱۳۵۷ ش؛ سعدی تاجامی: ۲۶۲.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۱۳/۲۵-۱۴.

۴. فهرست مخطوطات شیروانی، دکتر محمد بشیر حسین: ۵۵/۱.

۵. فهرست کتابهای چاپی فارسی: ۲۶۷۳/۲.

۶. فهرست کتابخانه ملک: ۷۸/۷.

قرار داده است:

- الجزء الاوّل: كتاب العقل.
- الجزء الثاني: كتاب التوحيد.
- الجزء الثالث: كتاب الحجّة.
- الجزء الرابع: كتاب الايمان والكفر.
- الجزء الخامس: كتاب الدعاء.
- الجزء السادس: كتاب فضل القرآن.
- الجزء السابع: كتاب العشرة.
- الجزء الثامن: كتاب الطهارة والحیض.
- الجزء التاسع: كتاب الجنائز.
- الجزء العاشر: كتاب الصلوة.
- الجزء الحادي عشر: كتاب الزكوة.
- الجزء الثاني عشر: كتاب الصيام.
- الجزء الثالث عشر: كتاب الحج.
- الجزء الرابع عشر: كتاب الجهاد.
- الجزء الخامس عشر: كتاب المعيشة.
- الجزء السادس عشر: كتاب النكاح والعقیقة.
- الجزء السابع عشر: كتاب الطلاق.
- الجزء الثامن عشر: كتاب العتق والتدبير والكتابة.
- الجزء التاسع عشر: كتاب الصيد والذبايح.
- الجزء العشرون: كتاب الأطعمة والأشربة.
- الجزء الحادي والعشرون: كتاب الزي والتجمل والمرّة.
- الجزء الثاني والعشرون: كتاب الدواجن.
- الجزء الثالث والعشرون: كتاب الوصايا.
- الجزء الرابع والعشرون: كتاب الموارث.
- الجزء الخامس والعشرون: كتاب الحدود.
- الجزء السادس والعشرون: كتاب الديات.
- الجزء السابع والعشرون: كتاب الشهادات.
- الجزء الثامن والعشرون: كتاب القضايا والأحكام.
- الجزء التاسع والعشرون: كتاب الايمان والندور والكفارات.

الجزء الثلاثون: كتاب الروضة.

هر يك از اجزاء سی‌گانه دارای بابهای متعدّد است و شارح در ابتدا متن حدیث را می‌آورد و سپس با عنوانهای «هدیه-هدیه» به شرح آن می‌پردازد. در این شرح بیشتر، مباحث ادبی و کلامی مطرح شده و شارح در

عناوین به خط درشت، نشانیها مشکی، عبارات عربی نسخ معرب، مقابله و تصحیح شده و در پایان نسخه آمده است: «قولیل بقدر الوسع و الطاقة»، پس از اتمام کتاب چند حکایت تاریخی درج شده است. ۱۲۴ صفحه، ۲۷ سطری.

نسخه اصل: انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان: نسخه شماره ۱۵۲۰. فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی: ۶۴/۱.



الهدایا لشیعة ائمة الهدی (= شرح الکافی)

(حدیث - عربی)

از: میرزا محمد مجذوب تبریزی (بعد از ۱۰۸۴ ق). شرح مفصلی است بر «کافی» ثقة الاسلام کلینی، با عنوانهای «هدیه»، شامل دوازده مقدمه و سی جزو و خاتمه. شارح در مقدمات دوازده گانه مباحثی از علوم حدیث، خصوصاً علم رجال را مطرح کرده و در مقدمه دوازدهم خطبه کافی را شرح نموده است. مباحث مقدمه‌ها از این قرار است:

- ۱ - مراد از «عدّة من أصحابنا» در کافی.
- ۲ - اصطلاح جدید بعض المعاصرین در اسامی رجال.
- ۳ - معنی قولهم: قد أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عنه.
- ۴ - المعروفون باللقاب و الکنی.
- ۵ - من الذین ضبطت روايتهم بالعدد...
- ۶ - الصحیح عند القدماء و المتأخّرين.
- ۷ - معنی الوجوب و الستة و الأمر بالشیء و الکراهة و النهی عن الشیء فی کلام المعصومین علیهم السلام.
- ۸ - أسماء و ألقاب و کنی المعصومین علیهم السلام.
- ۹ - امام زمان (عج).
- ۱۰ - ذمّ القدیة، مؤلف در این مقدمه، قدریه در روایات را بر صوفیه تطبیق می‌دهد!

۱۱ - فی فهرس أجزاء الهدایا.

۱۲ - فی بیان خطبة الکافی، شامل دوازده «هدیه».

شارح ترتیب اجزای بابهای این کتاب را به مانند ترتیب کتابها و بابهای کافی شریف، در سی جزء بدین صورت

جایهای مختلف به صوفیه و فلاسفه حمله کرده و نظرات آنان را رد می‌کند.

شارح از ملا خلیل قزوینی (متوفی ۱۰۸۹ ق) با عنوان و دعای «برهان الفضلاء مولانا خلیل‌الله القزوینی سلمه‌الله» نقل قول می‌کند. هم‌چنین از محمد امین استرآبادی، سید میرزا رفیعی نائینی، ملا احمد اردبیلی و ملامحسن فیض کاشانی نقل قول می‌نماید. و در مقدمه از شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) به تجلیل یاد می‌کند.

نام کتاب در الذریعه «الهدایا» و «الهدایا و سرّ من رأی»^۱ ثبت شده ولی در نسخه حاضر به عنوان «الهدایا لشیعۀ ائمة الهدی» تصریح شده است.

شارح به نام خود اشاره‌ای نکرده، جز اینکه در ابتدای نسخه استاد روضاتی - حفظه‌الله تعالی - آمده است: «المجلّد الثالث من کتاب الهدایا و سرّ من رأی تألیف مولی الفضلاء میرزا محمد المشتهر بمجنوب التبریزی دام ظلّه و آیام افاداته»^۲. وی در سالهای ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ ق برخی از اجزای کتاب را به پایان رسانده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمال داده که شارح، همان میرزا محمد بن محمدرضا تبریزی متخلص به مجنوب و صاحب دیوان شعر^۳ و مؤلف کتاب «روضۀ الاذکار»^۴ باشد، که از شاگردان ملاخلیل قزوینی و معاصر با علامه مجلسی بوده است. علامه تهرانی می‌افزاید: وی با اینکه شاعر بوده و اشعار عرفانی سروده، ولی در این کتاب به صوفیه حمله می‌کند. شاید پس از افول صوفیه مجبور به بدگویی از آنان شده باشد؟

نسخه‌های شناخته شده از «الهدایا»:

- ۱ - نسخه حاضر که شامل مقدمه و جزء اول و دوم کتاب است و در عصر شارح کتابت شده و حواشی با امضای «منه سلمه‌الله» دارد.
- ۲ - نسخه شماره ۳۶۳۴ کتابخانه دانشگاه تهران که جزء سوم کتاب را در بردارد و در ۱۰۸۳ ق کتابت شده است.^۵
- ۳ - نسخه مسجد شیخ بابا در مراغه که در عصر مؤلف کتابت شده و حواشی با امضای «منه دام ظلّه» دارد. این نسخه جزء چهارم کتاب را در بردارد.^۶
- ۴ - نسخه مکتبه تهرانی در کربلا، شامل جلد پنجم کتاب.
- ۵ - نسخه مکتبه سلطان‌المتکلمین، شامل جزء سوم کتاب.

۶ - نسخه کتابخانه آیه‌الله روضاتی در اصفهان که جزء سوم تا نهم کتاب را در بردارد و در عصر مؤلف کتابت شده است و حواشی به خط مؤلف دارد و صدرالافاضل بر روی نسخه نوشته است: «أنها في الجمع بين الكتب الأربعة وقد فعل المؤلف ما فعله الفيض في الوافي». گزارش سه نسخه اخیر در الذریعه درج شده است.^۷

۷ - نسخه شماره ۱۳۰۷۳ کتابخانه حاضر، شامل جزوهای اول تا سوم، کتابت شده در عصر مؤلف.^۸

منابع: الذریعه: ۱۶۱/۲۵-۱۶۳؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران: ۲۶۴۰/۱۱۲.

مباحث موجود: نسخه حاضر شامل مقدمات دوازده‌گانه و جزء اول (کتاب العقل) و جزء دوم (کتاب التوحید) است و از انجام افتادگی دارد.

آغاز: بسم‌الله. الحمد لله الکریم المتکرم العظیم المتعظیم علی عمیم رحمته علی عظیم نعمته علی نعیم ولایته علی من اصطفاه و ارتضاه... أمّا بعد فاعلم یا بنی أبناک الله بفضلہ و طول عمرک بطولہ و ثبتک علی الايمان بالولاية بالنبي و آله. انجام نسخه: الباب الخامس والثلاثون باب الهدایة أنّها من الله عزّ و جل و أحاديثه كما في الكافي أربعة، روى في الكافي باسناده عن ابن بزيع عن أبي اسمعيل السراج عن ابن مسكان عن ثابت بن سعيد قال قال أبو عبد الله عليه السلام يا ثابت مالکم وللناس کفوا عن الناس... هدية أنّها في العنوان بفتح الهمزة بدل الاشتمال من الهدایة... کضيق قلب من يقصد التصعد بکمال الهوس والهمّة الى السماء من غير سبب من جناح و.

نسخ، بدون نام کتاب و بی تاریخ [عصر مؤلف]، عناوین و نشانی‌ها در نسخه اصل به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و متن خط‌خوردگی دارد و بلاغ

۱. الذریعه: ۱۶۱/۲۵ و ۱۶۳.

۲. الذریعه: ۱۶۱/۲۵؛ نسخه پژوهی، دفتر یکم: ۱۶۷-۱۶۸.

۳. الذریعه: ۹۶۳/۹.

۴. الذریعه: ۲۸۷/۱۱.

۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران: ۲۶۴۰/۱۱۲.

۶. این نسخه را صدیق ارجمند جناب آقای طیار مراغی رؤیت نموده و گزارش آنرا در اختیارم قرار داد، با سپاس از لطف ایشان.

۷. الذریعه: ۱۶۱/۲۵؛ نسخه پژوهی، دفتر یکم: ۱۶۷-۱۶۸.

۸. فصلنامه میراث شهاب، شماره پیاپی ۳۲، صص ۲۶-۲۷.

بالاحیاء، ۶- الاشارة الى علم العبارة، ۷- البرهانية في شرح أسماء الحسنی، ۸- التشحین في أصول الدين، ۹- الجود الواصب، ۱۰- الجنة من فرق أهل السنة، ۱۱- الحوذ الواقية والعوذ الراقية، ۱۲- رياض الذکری، ۱۳- فوائد الوحي الموجز الى فرائد الوحي المعجز، ۱۴- القواعد والبيان في النحو، ۱۵- كشف الكسف في نقض الكتاب المسمی بالكسف، ۱۶- مالک الاذکار في مسالك الأفكار، ۱۷- المسمى في الفقه على مذهب مالک بن انس، ۱۸- معاتبة الجری على معاقبة البری في اعتقاد أبي حنيفة والأشعري، ۱۹- المعادات، ۲۰- مئج اللغة، در کلمات مشترک اللفظ و مختلف المعنی، ۲۱- نصاب الذکری.

سلوان المطاع فی عدوان الاتباع مشهورترین اثر ابن ظفر است که بارها به چاپ رسیده و به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

ابن ظفر این کتاب را در سال ۵۵۴ق هنگامی که به صقلیه رفت، برای حاکم صقلیه ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم علی بن علوی قرشی نگاشت، و در مقدمه به نام کتاب و وجه نامگذاری آن اشاره کرده است: «سميتها سلوان المطاع فی عدوان الاتباع، و السلوان جمع سلوانه وهي خرزة تزعم العرب ان الماء المصبوب عليها اذا شربه المحب سلا».

نام کتاب در صفحه عنوان نسخه حاضر چنین ثبت شده است: «کتاب السلوانات في مسامرة الخلفا والسادات». و در نسخه چاپی به هر دو نام مذکور، نامیده شده است، و در کشف‌الظنون «سلوان المطاع في عدوان الطباع» ذکر شده است. این کتاب به سبک کليلة و دمنه و شامل پنج سلوانه به ترتیب ذیل است:

- السلوانة الاولى: في التفويض ونتائجه
- السلوانة الثانية: في التأسي و فوائده
- السلوانة الثالثة: في الصبر و عوائده
- السلوانة الرابعة: في الرضا و ميامنه
- السلوانة الخامسة: في الزهد و عواقبه.

نسخه‌های متعددی از سلوان المطاع در کتابخانه‌های مختلف عالم شناسایی شده است، از جمله: سه نسخه در پاریس، نسخه‌ای در جامع کبیر صنعاء، نسخه‌ای در مکتبه خدابخش پتنه، نسخه‌ای در مکتبه آل سعود ریاض، نسخه‌ای در خزانه عامه رباط^۱ و چند نسخه در دارالکتب

ظاهریه در دمشق^۲ و نسخه کتابخانه اسکوریال در مادرید اسپانیا و نسخه‌هایی در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه مدرسه فیضیه قم.

سلوان المطاع نخستین بار در ۱۲۷۸ق در قاهره به چاپ رسید و پس از آن بارها در تونس، بیروت، عربستان و قاهره به چاپ رسیده است.^۳

این اثر به چهار زبان ترجمه شده است:

۱- به فارسی، با نام رياض الملوك فی رياض السلوك از نظام‌الدين شنب غازانی (سده ۸ و ۹) برای شیخ سلطان اویس بهادرخان جلایری (۷۷۶-۷۸۷ق) در بغداد. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مجلس و دانشگاه تهران و مسجد اعظم قم و خدیویه مصر و کتابخانه حاضر موجود است.^۴

و ترجمه دیگری به نام فريدة الاصقاع فی ترجمه سلوان المطاع از سید نعمت‌الله جزایری (۱۱۱۲ق) که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه ملی موجود است.^۵

۲- به ترکی از محمد سعید قره خلیل زاده (۱۱۶۸ق) که در ۱۲۸۵ق در استانبول به چاپ رسیده است.^۶

۳- به ایتالیایی توسط آماری که در ۱۸۵۱ میلادی در فلورانس چاپ شده است.

۴- به انگلیسی در ۱۸۵۲ میلادی در لندن منتشر شده است.

منابع: دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۱۶۳/۴-۱۶۴؛ کشف الظنون: ۹۹۸/۲؛ معجم المؤلفین: ۲۴۱/۱۰ و ۱۴۱/۱۱؛ معجم المطبوعات: ۱۴۹/۱.

آغاز: بسمله، و صلی الله علی محمد و علی آله و سلم تسليماً قال عبدالله الفقير اليه الغني به محمد بن أبي محمد بن ظفر عفاالله عنه ان شكرالله سبحانه لأسنى

۱. نک: فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربية، قاهره)، الجزء الاول (الأدب): ۹۵/۴-۹۸.
 ۲. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، قسم الادب: ۳۲۳/۱-۳۲۴.
 ۳. معجم المطبوعات العربية و المعربة، سريکس: ۱۴۹/۱.
 ۴. نک: فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی: ۴۱۷/۱؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی: ۳۵۷۷/۵؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی: ۱۲۶/۲۴ نسخه شماره ۹۳۳۴.
 ۵. فهرستواره کتابهای فارسی: ۵۴۳/۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی: ۱۶۵۳/۲؛ الذریعه: ۲۲۲/۱۶.
 ۶. فهرس المطبوعات التركية العثمانية (دارالکتب القومية، قاهره): ۱۲/۲.

که به نام گوهرهای گرانبها نامیده شده‌اند، چنین است:
 ۱- پادشاهی، ۲- جنگ، ۳- بخششها و دهشها، ۴- وفدها،
 ۵- گفت و گو با پادشاهان، ۶- دانش و ادب، ۷- ضرب المثلها،
 ۸- پندنامه و زهدیات، ۹- تسلیتها و مرثیه‌ها، ۱۰- انساب،
 ۱۱- گویش بادیه‌نشینان، ۱۲- پاسخ‌گویی و پاسخ‌نویسی،
 ۱۳- خطابه، ۱۴- انشا و نویسندگی، ۱۵- تاریخ خلفا،

الملابس الفاخرة وان حمده لأعود بخير الدنيا وخير
 الآخرة فالحمد لله.

انجام: كما استعفيه من غول الجواب واستدفع به فساد
 الخطاب كما استدفع كساد الصواب وأتوب اليه فهو رحيم
 تواب. نجز الكتاب والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات
 اللهم صل على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم تسليماً.

مغربی اعراب‌دار، بدون نام کاتب
 و بی تاریخ، عناوین به خط درشت، در
 لابلاهی صفحات مختلف بیش از چهل
 تصویر مرتبط با داستانهای کتاب کشیده
 شده و عنوان هر تصویر در کنارش ثبت شده
 است، تصاویر مذکور در تصحیحی که
 ابونهل احمد بن عبدالمجید از کتاب نموده
 و در ۱۹۷۸ میلادی در عربستان منتشر
 ساخته درج شده است، ابونهل ادعا کرده که
 نسخه حاضر در چهار نقطه نقص دارد.

۱۷۸ صفحه، ۱۷ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال مادرید، نسخه

شماره ۵۲۸.

فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه

اسکوریال: ۳۵۵/۱.



العقد الفرید (۱۱۲۶)

(چند دانشی - عربی).

از: شهاب‌الدین ابو عمر احمد بن محمد بن عبدربه
 (۳۲۸ ق).

ابن عبدربه شاعر و ادیب نامدار اندلسی، که در
 ۱۰ رمضان ۲۴۶ در قرطبه زاده شد و در محضر
 استادان بزرگی همچون بقی بن مخلد، محمد بن
 عبدالسلام خشنی و محمد بن وضاح دانش آموخت

و در پرتو مدیحه سرایی برای امرا و رجال و اعیان اندلس، در
 سده ۴ ق، بزرگ‌ترین شاعر اندلس به‌شمار آمد.

کتاب بسیار مشهور العقد الفرید به تقلید از عیون الاخبار
 ابن قتیبه نگارش یافته و مندرجات و ترتیب و عناوین ابواب
 آن آشکارا تحت تأثیر کتاب ابن قتیبه است. هدف مؤلف از
 نگارش العقد این بود که مجموعه‌ای از معارف و آداب مشرق
 را در اختیار مغربیان قرار دهد. فهرست عناوین ابواب العقد

عزاً لمن من مضلها وعمل الخوض ان يعزاه وكتب الى ابن من عيونهم الذين
 بعزاه ان الامم يريد نخله من غير الخلافة ونقل عمرو بن موسى
 عن الامم فلما وقع المأمون على ما كتب له اخذ وضمير له اليه تطاور
 وزرارة باشاروا عليه بالقتل والتخل ولم اعترار بنعب خراسان وطلع
 من بليمان الكفار ان الغرضه فيما والله لا يحرم من ليو كيايته امرنا
صورة المأمون يعز الكتاب على وزرايه



كتب المأمون الى الخلفاء مولا يعزاه الى ابن من عيونهم الذين
 عليه لتسلم ليه بعزاه حتى يرحب وانما يريد كني ليو وضه في سف

برگی از سلوان المطاع، تصویر شماره ۱۱۲۴

۱۶- تاریخنامه زیاد و حجاج و طالبیان و برمکیان، ۱۷- تاریخ
 عرب، ۱۸- نقد شعر، ۱۹- عروض و قافیه، ۲۰- موسیقی و آواز،
 ۲۱- زنان، ۲۲- پیامبران دروغین و دیوانگان و بخیلان
 و طفیلیان، ۲۳- آدمیزادگان و جانوران و شهرها، ۲۴- خوردنیها
 و آشامیدنیها، ۲۵- فکاهیات و لطیفه‌ها.

ابن عبدربه العقد الفرید را در سالیان دراز تألیف کرده
 و پیوسته مطالب و مندرجات بخش‌های تنظیم یافته

و طراحى شده آن را مورد افزایش و کاهش یا آرایش و پیرایش قرار می‌داد، اما تدوین نهایی کتاب باید در سالهای آخر عمر وی یعنی پس از ۳۲۲ ق صورت گرفته باشد.

منابع عمده مؤلف در نگارش این کتاب عبارتند از: قرآن، تورات، انجیل، ترجمه کتابهایی از ایران و یونان - که آنها را از عیون الاخبار گرفته بود -، نیز آیام العرب و أمثال العرب ابو عبیده معمر بن مثنی را تقریباً به تمامی نقل کرده است. از کتابهای جاحظ و مبرد نیز بسیار بهره جسته و از استادان خود مانند خشنی، محمد بن وضاح و بقی بن مخلد روایات بسیار نقل کرده است و حدود ۱۰۰۰۰ بیت شعر در کتابش نقل کرده و از این جهت می‌تواند در زمره راویان شعر قرار گیرد. مؤلف از تعصب نژادی و دینی برکنار بوده و چندان به ذکر فضائل و مناقب امام علی علیه السلام و اولادش می‌پردازد که ابن کثیر در او گمان تشیع می‌برد.

العقد الفرید مجموعه دلپذیری از معارف دینی، سیاسی، اجتماعی، تاریخ ادبیات و تاریخ سیاسی اجتماعی عرب و به ویژه فرهنگ عامه است، و برخی از بخش‌های آن را، با توجه به جامعیت و استقلال موضوع آنها، می‌توان کتابهای جداگانه به‌شمار آورد.

این کتاب همواره به عنوان متن درسی تلقی شده، از این‌رو عده‌ای از ادبا و دانشمندان، از جمله ابن منظور (۷۱۱ق) به اختصار و تلخیص آن همت گماشته‌اند. در اوایل قرن حاضر، جمعی از ادبای مصر مختار العقد را تنظیم کردند که بارها در قاهره به چاپ رسیده است.

در دو قرن اخیر، کتاب العقد الفرید سخت مورد عنایت خاورشناسان قرار گرفته و بخش‌های مختلف آن به زبانهای فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی ترجمه و منتشر شده است.

نسخه‌های خطی فراوانی از این کتاب باقی مانده و نخستین چاپ آن در جهان اسلام در بولاق به سال ۱۲۹۳ ق انجام پذیرفته که بارها همراه با تعلیقات محققان کشورهای مختلف اسلامی تجدید چاپ شده است.

در چند دهه اخیر کتابها و رساله‌های تحقیقی مستقلی راجع به زندگانی مؤلف و شعر و ادب و کتاب مشهور وی تألیف شده است که ابن عبدربه و عقده، نوشته جبرائیل جبور؛ ابن عبدربه الاندلسی مع دراسته حیات و شعره، دمشق، ۱۹۷۷ م، تألیف محمد طنجی و رساله دکتری موسی

رزق ریحان با عنوان شعر ابن عبدربه جمعاً و تحقیقاً و دراسته از آن جمله‌اند.

منابع: دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۱۸۸/۴ - ۱۹۴.

نسخه حاضر جزء دهم کتاب را دربردارد که با صفحات ۱۴۰ تا ۲۶۰ جلد ۵ چاپ دارالکتب العلمیه، تحقیق دکتر عبدالمجید ترحینی برابر است.

آغاز نسخه: بسمله. صلی الله علی محمد و علی آله و سلم تسلیماً، خلافة معویة بن یزید بن معویة واستخلف معویة بن یزید بن معویة فی شهر ربیع الأول سنة أربع وستین و هو ابن احدی و عشرين سنة.

انجام نسخه: سنة أربع عشرة و ثلثمائة ...

أما تراه من هوان یرتع معتبراً لمن یری ویسمع انتهت الارجوزة حدثنا محمد بن الولید الفقیه ...

نسخ، برخی کلمات معرب، بدون نام کاتب، ۴۲۴ق، عناوین به خط درشت، مقابله و تصحیح شده و بلاغ مقابله ثانی به تاریخ غره شعبان ۴۸۳ در آخر نسخه ثبت شده است، در صفحه عنوان نسخه نام کتاب و مؤلف درج شده و آمده که این نسخه برای خزانه ابی منده (؟) هبة الله منصور است.

۱۸۲ صفحه، ۱۳ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال، مادرید اسپانیا: نسخه شماره ۱۷۱۰.

فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه اسکوریال: ۲۳۰/۳: المخطوطات العربیة فی مکتبة الاسکوریال، ترجمه سیده می‌کنفانی: ۲۸۸.



(۱۱۴۷) المسند الصحیح الحسن فی مآثر و محاسن مولانا

ابی الحسن
از: شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن مرزوق
خطیب تلمسانی (۷۸۱ق)

ابن مرزوق نام مشترک افراد خاندانی مالکی مذهب از مغرب است که اصلشان از جنوب آفریقه بوده و به تلمسان مهاجرت کردند. بیش از ۱۰ نفر از افراد این خانواده جزو بزرگان علم و ادب و فقه و سیاست بودند و بدون شک ۲ تن از آنان: محمد خطیب و محمد حفید تأثیر بسزایی در فرهنگ مغرب اسلامی برجا نهاده‌اند.

ابن مرزوق خطیب یا ابن مرزوق جدّ از رجال سیاسی و علمی مغرب در سده ۸ ق است که در نوجوانی همراه پدرش به مشرق رفت و ضمن اقامت در شهرهای مختلف به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.

وی در طی زندگی سفرهای گسترده‌ای به غرب و شرق اسلامی داشت. در تلمسان، جرید، بجایه، تونس، مصر، بیت‌المقدس، دمشق، مکه، مدینه، و نیز اندلس بزرگانی را ملاقات کرد و از ایشان دانش آموخت و نام آنان را در مشیخه‌اش، عجاله المستوفز گرد آورد.

ابن مرزوق شاگردانی نیز پرورش داد که از آن میان می‌توان از ابن قنفذ و ابن زمک نام بود. کثرت ذکر او در طرق اجازات مغرب اسلامی حائز اهمیت است.

تلمسانی همگام با زندگی سیاسی، آثار بسیاری از خود برجای گذاشت. تنها اثر چاپی وی المسند الصحيح الحسن فی مآثر و محاسن مولانا ابی الحسن، کتاب حاضر است. آثار خطی او بدین شرح است:

۱ - تیسیر المرام فی شرح عمدة الاحکام.

۲ - عجاله المستوفز المستجاز.

۳ - عقیده أهل التوحید المخرجة من ظلمة التقليد.

۴ - سؤال و جواب فی الشرف من قبل الأمم.

۵ - نهاییة الأمل فی شرح کتاب الجمل.^۱

ابن مرزوق خطیب در ۷۳۳ یا ۷۳۵ ق به مغرب مراجعت کرد و هنگامی به تلمسان رسید که ابوالحسن علی بن عثمان مرینی (۷۳۱-۷۵۲ ق) بدانجا دست یافته بود. وی پس از مرگ عمویش، در خطابت جانشین او شد و به تدریج در نزد سلطان منزلی رفیع یافت و کتاب حاضر را در احوال و اخبار مربوط به سلطان مذکور نگاشت.

نام کتاب در مقدمه مؤلف «المسند الصحيح الحسن فی مآثر و محاسن مولانا ابی الحسن» ثبت شده، ولی در ایضاح المکنون بدین عنوان آمده: «المسند الصحيح الحسن من أحادیث السلطان أبی الحسن»^۲، و در الفهرس الشامل «المسند الصحيح الحسن من أخبار سلطان أبی الحسن»^۳ ضبط شده است.

دو نسخه از این کتاب شناخته شده:

۱ - نسخه شماره ۱۶۶۶ کتابخانه اسکوریال در مادرید اسپانیا که تصویر حاضر از آن اخذ شده است.

۲ - نسخه شماره ۱۱۱ خزانه عامه رباط^۴.

چاپهای کتاب از این قرار است:

- لوی پرو وانسال مستخرجاتی از آن را همراه با ترجمه

فرانسه در هسپریس، به سال ۱۹۲۵ م منتشر کرد.

- فصلی از آن توسط بلاشر در «یادنامه هانری باسه»

ترجمه شد.

- متن کامل کتاب را ماریا خسوس بیگرا در ۱۴۰۱ ق در

الجزایر انتشار داد.

مایاشاتزملیر مقاله‌ای درباره این اثر با عنوان «چگونگی

تألیف مسند ابن مرزوق» در شماره ۱۲ آرابیکا منتشر کرد

و در ۱۹۷۶ م ماریا خسوس بیگرا مقاله‌ای با عنوان «درباره

مسند ابن مرزوق» در شماره ۱۳ همان مجله به چاپ رسانید.^۵

ابن مرزوق این کتاب را در یک مقدمه (دارای ۶ فصل)

و ۵۵ باب دارای فصول و خاتمه ترتیب داده است و در

جایهای مختلف کتاب از سلطان مذکور با دعای «رضی الله

عنه» و با عبارت «اماننا المرحوم» یاد می‌کند.

فصول ششگانه مقدمه درباره خلافت و بدین ترتیب است:

الفصل الأول: فی حقیقة الخلافة لغةً و شرعاً.

الفصل الثاني: اختلاف العلماء فی الخلافة.

الفصل الثالث: فی فضل الخلافة.

الفصل الرابع: وجوب طاعته و تحریم معصيته.

الفصل الخامس: فی تفضیل الحکام علی المفتین

والائمة علی الحکام.

الفصل السادس: فیما یؤمر به الخلفا من الرفق بالرعية

و نصیحتهم و الشفقة علیهم و تحریم غشهم و التشدید علیهم

و اهمال مصالحهم.

سپس بابی را به ذکر نسب سلطان اختصاص داده و پس

از آن، ابواب متعددی که بعضاً دارای فصول نیز هستند، در

بیان احوال و اخبار ابوالحسن علی مرینی آورده است.

عناوین برخی از ابواب کتاب چنین است:

الباب الأول: فی حسن خلقه و اعتدال مزاجه و کمال صورته.

۱. نک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۶۰۶/۶.

۲. ایضاح المکنون: ۴۸۲/۲.

۳. الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، الحدیث النبوی:

۱۴۵۷/۳.

۴. مجموعه مختارة لمخطوطات عربية نادرة من مكتبات عامة في المغرب: ۷۰.

۵. دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۶۰۶/۴.

الباب الثاني: في تربيته.

الباب الثالث: في الخصال المحمودة المتعلقة بالذات
المكرّمة وفيه فصول.

الباب الرابع: في محافظته على الأعمال التكليفية
والوظائف الشرعية وفيه فصول.

الباب الخامس: في اقامته العدل ومحافظته على
حدود الشريعة.

الباب العاشر: في ملاحظته رضي الله عنه لأحوال رعيته.

الباب الخامس: عشر في جميل صبره وفيه فصول.

الباب العشرون: في محبته في أهل العلم... وفيه فصول.

الباب الخامس والعشرون: في نبذه رضي الله عنه أبواب

السعاية والنميمة وفيه فصول.

الباب الثلاثون: في مقابلة الهدايا والتحف بفوق ما

يؤمله المؤمل.

الباب الرابع والثلاثون: في ذكر وزرائه وفيه فصول.

الباب الخامس والثلاثون: في جلسائه.

الباب الاربعون: في بناءه الجوامع والمساجد والصوامع

وفيه فصول.

الباب الخمسون: في ضخامة ملكه وعلو همته.

الباب الحادي والخمسون: في هداياه للملوك وفيه فصلان.

الباب الثاني والخمسون: في أشعاره وسيرته في السفر

وفيه فصلان.

الباب الثالث والخمسون: في اختصاصه بوضع القبول في

الأرض وفيه فصلان.

الباب الرابع والخمسون: في ثناء الاولياء عليه.

الباب الخامس والخمسون: فيما اختص به من نسخ

كتاب الله تعالى.

مؤلف در خاتمة كتاب دو حديث و چند دعا آورده است. وى

در بیشتر ابواب و فصول كتاب، در بيان فضائل و مناقب سلطان

ابى الحسن از احاديث نبوى سود جسته و برخى از مطالب

تاريخى عصر خود را، به نقل از پدرش در كتاب آورده است.

منابع: دایرة المعارف بزرگ اسلامى: ۶۰۵/۴-۶۰۷؛ معجم

المؤلفين: ۳۱۷/۸؛ دليل مؤرخ المغرب الاقصى: ۱۱۱.

صفحة اول نسخه حاضر افتاده است.

آغاز نسخه: من هذه الاوصاف والغيب الطاهر الاعراق

والجيب ... في مقدمة وأبواب وخاتمة وسميته المسند

الصحيح الحسن في مآثر ومحاسن مولانا أبى الحسن أمّا

المقدمة يشتمل على فصول الفصل الأول في حقيقة الخلافة.

انجام: ومحاضرهم التي هي جنة الدنيا بآتم السلام

ورحمة الله تعالى وبركاته و عذر من استعجل تقييده فى

تسع آخرها أو ايل شهر رمضان [] وسبعمائه ... بركته وخيره

بمته وفضله.

مغربى مشكول، بدون نام كاتب، يكشنبه ۲۷ جمادى

الاول ۷۷۳ در شهر تلمسان، عناوين به خط درشت،

در حاشيه تصحيحات اندكى به چشم مى آيد، به

نسخه اصل رطوبت رسيده و بدين جهت سطرها كم

رنگ افتاده است.

۲۶۲ صفحه، ۲۱ سطرى.

نسخه اصل: كتابخانه اسكوريال، مادريد اسپانيا، نسخه

شماره ۱۶۶۶.

فهرست نسخه هاى خطى عربى كتابخانه اسكوريال:

۱۹۶/۳؛ المخطوطات العربية فى مكتبة الاسكوريال، ترجمه

سيده مى كنفانى: ۲۵۰-۲۵۱.



(۱۱۵۱) الغصون اليانعة في محاسن شعراء المائة السابعة

(تذكرة شعرا-عربى)

از: ابن سعيد مغربى ابوالحسن على بن موسى غرناطى

اندلسى (۶۵۸ق).^۱

ابن سعيد اديب، شاعر و تاريخ نگار نامدار اندلسى است

كه شمار آثارش را ۴۰۰ كتاب ذكر کرده اند. شرح حال و ذكر

بخشى از آثارش را در معرفى «المقتطف فى ازاهر الطرف»

(نسخه عكسى شماره ۱۰۸۶ كتابخانه حاضر) آورديم.

الغصون اليانعة جزء هشتم از اثر بزرگى است جامع

طبقات شعرا با نام «الحلّة السّيرة». در اين جزء ترجمه ۲۶

تن از ادباى سده هفتم از مشرق و مغرب آمده است.

از اين اثر در مآخذ گذشته يادى نشده و نسخه خطى آن

در اسكوريال هم فاقد نام مؤلف است. ابراهيم ابيارى، كه اين

اثر را در ۱۹۴۵ م در قاهره به چاپ رسانده است^۲، به دليل لحن

محتواى بسيارى از تراجم مندرج در آن، شيوه بيان مطالب

۱. تاريخ وفات ابن سعيد را صلاح الدين منجد ۶۷۳ق ضبط کرده است. نك:

معجم المخطوطات المطبوعه: ۲۲/۱.

۲. معجم المخطوطات المطبوعه، صلاح الدين منجد: ۲۲/۱-۲۳.

الجزء الأول:

تراجم سنة إحدى و ستمائة: ثمان:

المشاركة: الف - من العراق: ١ - الأديب الشاعر المتصوف شميم الحلبي ٢ - الشاعر البارع المحسن العبدوسي الواسطي ب - من الشام: ١ - الوزير الجواد المجيد نجم الدين بن مجاور الدمشقي ٢ - الرئيس الشاعر المتقدم شمس الدين بن نفاة الدمشقي.

المغاربة: الف - من المغرب الأقصى: ١ - قاضي الجماعة الأديب المتقن أبو عبد الله بن مروان التلمساني. ب - من الأندلس: ١ - الفيلسوف الأديب الشاعر النبيل أبو جعفر الذهبي البُلُنُسي ٢ - الكاتب الشاعر المتقن أبو محمد بن الياسمين الاشبيلي ٣ - الفقيه المدرس الشاعر الظريف أبو العباس بن مسعود القرطبي.

تراجم سنة اثنتين و ستمائة: ثلاث:

١ - من الجزيرة الموصلية: الفيلسوف المتقن الشاعر الموفق التلعفري.

٢ - و من مصر: الشاعر الأديب المصنّف راجي بن عطاء الله. ٣ - و من الأندلس: الأستاذ النحوي الأديب الظريف أبو الحسن هُذيل الاشبيلي.

الجزء الثاني:

تراجم سنة ثلاث و ستمائة: تسع:

المشاركة: الف - من العراق: ١ - اسماعيل بن مواهب الحظيري ٢ - جعفر بن هبة الله الكفرعزي ٣ - الحسن بن هبة الله بن دهن الحصي ٤ - أبو العاصم مكي بن زيان الماكسيني ٥ - أبو المحاسن الحسن بن نوفل الحلبي. ب - من مصر: ١ - أبو الفضل عبد المنعم بن عبد العزيز الاسكندراني.

المغاربة: الف - من المغرب الأقصى: ١ - أبو حفص عمر بن عبد الله بن عمر السلمي القاضي ٢ - أبو العباس أحمد بن عبد السلام الكورائي. ب - و من الأندلس: ١ - عبد المنعم بن مظفر الغساني.

تراجم سنة أربع و ستمائة: ست:

المشاركة: من العراق: ١ - الجمال البغديدي حسين بن أحمد ٢ - أبو محمد جعفر بن محمد الكفرعزي. من الشام: ١ - البهاء بن الساعاتي الدمشقي أبو الحسن علي بن محمد بن رستم.

و اشارة ابن رشيد به كتابي از ابن سعيد با عنوان الحلة السبراء، مؤلف الغصون را ابن سعيد دانسته است و در فهرست اسكوريال نیز این كتاب به ابن سعيد منسوب شده است.

كتاب دیگری در تذكرة شعراي قرن هفتم به ابن سعيد نسبت داده شده، به نام «الغرة الطالعة في فضلاء (شعراء) المائة السابعة». نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه اسكوريال (به شماره ١/٥٧٧) موجود است. ابیاری با توضیحاتی غرض و مبنای «الغصون» را با «الغرة» یکی می‌داند.

مؤلف، کتاب حاضر را به سه قسمت تقسیم کرده است:

الأول: في تراجم الذين تحققت سنو وفاتهم.

الثاني: في تراجم الذين لم يُوقَف منهم على ذلك.

الثالث: فيمن استقرّ العلم على حياته عند انتهاء هذا

التصنيف، و ذلك في سنة ٦٥٧.

تنها نسخه شناخته شده از کتاب، فقط بخشی از قسم اول آنرا در بردارد. در بخش موجود از کتاب شرح حال ٢٦ تن از شاعرانی که در بین سالهای ٦٠١ تا ٦٠٥ وفات یافته‌اند، به چشم می‌خورد.

الغصون شامل اجزاء متعددی بوده، که به دلیل نقص نسخه تعداد دقیق اجزای آن دانسته نیست. در بخش موجود وفات یافته‌های سالهای ٦٠١ و ٦٠٢ جزء اول کتاب را تشکیل می‌دهد و جزء دوم از سال ٦٠٣ شروع می‌شود و در نسخه تا سال ٦٠٥ ق موجود است و مشخص نیست که مؤلف تا چه سالی را نگاشته است؟ آیا شاعران در گذشته تا سال تألیف کتاب (یعنی سال ٦٥٧ ق) را آورده یا اینکه کتاب را تا سال ٦٠٥ رسانده و تألیف آنرا رها کرده است؟ اسامی مترجمین در این کتاب از این قرار است:

١ - شميم الحلبي ٢ - العبدوسي ٣ - ابن مجاور ٤ - ابن نفاة ٥ - تلمساني ٦ - ابن جرج ٧ - ابن الياسمين ٨ - ابن مسعود ٩ - تلعفري ١٠ - ابن عطاء الله ١١ - ابن مواهب ١٢ - الكفرعزي ١٣ - ابن دهن الحصي ١٤ - الماكسيني ١٥ - ابن نوفل ١٦ - عبد المنعم الاسكندراني ١٧ - السلمي ١٨ - الكوارثي ١٩ - الغساني ٢٠ - البغديدي ٢١ - ابن الساعاتي ٢٢ - أبو الربيع ٢٣ - المارتلي ٢٤ - ابن خروف ٢٥ - ابن منجا ٢٦ - ابن أبي حفص.

به نظر ابیاری برگهای نسخه موجود نامرتب بوده و او در تصحیح و تحقیق خود، کتاب را این چنین مرتب کرده است: القسم الأول: في تراجم الذين تحققت سنو وفاتهم.

فهرست نسخه‌های خطی عربی اسکوریال: ۲۴۱/۳
المخطوطات العربية في مكتبة الاسكوريال، ترجمه سیده
می‌کنفانی: ۲۹۹ - ۳۰۰.



المغاربة: المغرب الأقصى: ۱- أبو الربيع سليمان بن
عبدالله بن المؤمن. و من الأندلس: ۱- أبو عمران موسى بن
عمران المارتلي ۲- أبو الحسن علي بن محمد بن خروف
القرطبي.

تراجم سنة خمس و ستمائة: اثنتان:

۱- أسعد بن منجا الدمشقي ۲- السيد أبو الحسن
علي.

منابع: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۶۸۵/۳ - ۶۹۲؛
مقدمه ابراهیم ابیاری بر «العصون الیائعه فی محاسن
شعراء المائة السابعة»؛ مقدمه ابراهیم ابیاری بر
«اختصار القدح المعلى فی التاريخ المحلي».

این نسخه از انجام ناتمام است.

آغاز: بسمله. صلی الله علی سیدنا محمد، أما بعد
حمد الله عوداً بعد بدیء و الصلاة علی خیرة انبیائه
تبرکاً بذكره فی کل شیء و علی آله و صحبه الکرام و
التابعین لهم بإحسان مدى الأيام. فهذا کتاب الغصون
فی محاسن شعراء المائة السابعة و هو الثامن من الكتب
التي اشتمل علیها جامع طبقات الشعراء الموسوم
بالحلة السیراء و ترتیب هذا الكتاب العصري علی ثلاثة
أقسام الأول فی تراجم الذين تحققت سنو وفاتهم.
انجام نسخه: و ممّا أنشد من قوله فی جارية
اسمها نسیم و كان ...

مغربی، برخی کلمات معرب، بدون نام کاتب
و تاریخ کتابت، گویا از عصر مؤلف، عناوین
به خط درشت، نام کتاب در صفحه عنوان
درج شده است، در اول نسخه تملک محمد
بن عبدالرحمن بن الحکم و تملک دیگر
بدين عبارت دیده می‌شود: «الحمد لله تملك

هذا الكتاب عبدالله المعتمد عليه المفوض أموره اليه
أمير المؤمنين زيدان ... مراکش الفهري ... أصلح الله
أحواله»، مهر مرحوم آية الله مرعشی نجفی در ابتدای
نسخه تصویری حاضر دیده می‌شود در تاریخ ۳ صفر
۱۴۰۶.

۸۴ صفحه، ۱۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال، مادرید اسپانیا: نسخه

شماره ۱۷۲۸.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَأَلْفِ حَمْرٍاهُ عَوْدًا (بِعَرَبِيٍّ وَالصَّلَاةِ
عَلَى حَسْرَةٍ أَنْبِيَاءِهِ تَبَرُّكًا بِذِكْرِهِ، فِي كُلِّ مَشْرِقٍ وَحَقْلٍ
لَهُ رَحِيمِهِ الْكَرِيمِ. وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ
مَرَى الْأَيَّامِ ... فَتَبَرُّكًا ...
كِتَابُ الْغُصُونِ الْيَائِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَمَنْ التَّابِعِينَ مِنْ الدُّعَاةِ الَّتِي اشْتَمَلَتْ عَلَيْهَا جَمِيعُ
طَبَقَاتِ (الشُّعْرَاءِ) الْمَوْجُودِ فِي الْحَلَّةِ السَّيْرَاءِ
وَتَرْتِيبُ مَرَى الْكِتَابِ (العصري) عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ
الْأُولَى فِي تَرَاجِمِ الزُّبُنِ تَحَقَّقَتْ سَنُو وَقَاتِهِمْ
الْبَاقِي فِي تَرَاجِمِ الزُّبُنِ لَمْ يُوفَدَ مِنْهُمْ عَلَى ذَلِكَ
الثَّلَاثُ مِنْ (مَنْشُورِ) الْعِلْمِ عَلَى حَيَاتِهِ عِنْدَ انْتِهَاءِ

برگ آغاز الغصون الیائعه، تصویر شماره ۱۱۵۱

(۱۱۵۳) نثر الجوهر علی حدیث ابي ذر (حدیث - عربی)
از: قاضی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰ ق).

شوکانی دانشمند و نویسنده پرکار و مشهور زیدی مذهب
است، که در ۲۸ ذیقعد ۱۱۷۳ در شوکان چشم به جهان

۱. ابیاری در مقدمه تصحیح الغصون نوشته است: «تضاف الى المخطوطة
ورقة تحمل أسطرًا في أعلاها بقلم يبدو مغايرًا لقلمها هذه كلماتها: «كتب في
التاسع والعشرين لجمادى الآخرة عام خمسة وثمانين و ستمائة و أسأل الله
خير ما يقضى به». و هي السنة التي مات فيها ابن سعيد».

أَنْ أَوْلَكُمْ وِ آخِرَكُمْ وِ إِنْ سَكَمَ وِ جَنَكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمَخِيطُ إِذَا دَخَلَ الْبَحْرَ، يَا عَبَادِي أَمَّا هِيَ أَعْمَالِكُمْ أَحْصَيْهَا لَكُمْ ثُمَّ أَوْفَيْكُمْ بِهَا فَإِذَا فَجَّرَ خَيْرًا فَلِيَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

دو نسخه از این شرح شاخه شده:

۱- نسخه شماره ۲۳۶۲ مکتبه جامع کبیر صنعا در یمن، به خط مؤلف، کتابت شده در محرم ۱۲۴۰.^۳

۲- نسخه شماره ۳۸۸۷ متحف بریطانی در انگلیس، تصویر حاضر از این نسخه گرفته شده است.

منابع: اعلام المؤلفین الزیدیه، ۹۶۷؛ ایضاح المکنون، ۶۲۴/۲؛ الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، الحدیث النبوی و علومه: ۱۶۶۱/۳؛ مؤلفات الزیدیه: ۹۳/۳.

أغاز: بسمله. حمد له. و الصلاة و السلام علی سید المرسلین و آله الأکرمین و رضی الله عن الصحابة الراشدین و بعد فان الحدیث القدسی المروی من طریق أبي ذرٍّ و غیره لما اشتمل علی قواعد جلیله و فواید جمیله یرغب الیها کل ذی فهم و یحرص علیها کل ذی علم أحببت أن فرده [کذا] بشرح مختصر منتهياً علی بعض ما تضمنه من الفواید الفراید و القواعد التي هي لشوارد المسایل کقیده الأواید و لم أقف علی کلام علیه لأحد من أهل العلم الا ما ذکره النووي في شرحه لمسلم و جملة ما شرحه به نحو نصف ورقة قد نقلنا ذلك عنه و کما تقف علیه و سمیت هذا الشرح نثر الجواهر علی حدیث أبي ذرٍّ و لفظه في صحیح مسلم هكذا.

انجام: انما امری لشيء اذا أردت أن أقول له کن فيكون هذا الفصل قد تقدّم شرحه مستوفی فلا نطیل الکلام علیه. قال في النسخة المنقول منها و الی هنا انتهى الشرح لحدیث أبي ذرٍّ في شهر محرم سنة ۱۲۴۰ بقلم مؤلفه محمد بن علي الشوکاني غفر الله له آمین آمین.

نسخ، برخی کلمات معربند، به خط فرزند مؤلف، در سوم ربیع الأول ۱۲۴۲، کاتب در انجامه نوشته است: «انتهی التحریر بمن القدير من نسخة منقولة علی المسودة التي بقلم المؤلف سيدي الوالد القاضي

گشود. وی در مدرسه زیدیه صنعا، به تحصیل پرداخت تا اینکه به مرتبه استادی و قضاوت رسید و شاگردانی پرورش داد. از شوکانی بیش از ۱۳۰ اثر در مؤلفات الزیدیه^۱ و اعلام المؤلفین الزیدیه^۲ معرفی شده است. این آثار شامل رساله‌های کوچک و بزرگی است که در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی خصوصاً فقه و حدیث نگارش یافته است.

رساله حاضر شرحی است بر حدیث قدسی که ابی ذر از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده است. این حدیث در صحیح مسلم درج شده و نووی در شرح بر صحیح مسلم، آن را به اختصار شرح کرده است. شوکانی در ابتدا متن حدیث را به نقل از صحیح مسلم می‌آورد، پس از آن متن حدیث را به نحوی که ابن‌ماجه نقل کرده آورده و سپس متن را آنگونه که بیهقی نقل نموده آورده است و پس از تخریج حدیث از مصادر، به بررسی رجال سند حدیث می‌پردازد و آنگاه فقرات حدیث را با عناوین «قوله» می‌آورد و در ذیل هر فقره ضمن بحث لغوی، احادیث متعددی در تأیید مضمون آن فقره، از منابع مختلف نقل می‌کند و هر فقره را با جمع‌بندی و بیان احادیث منقوله پایان برده و وارد فقره بعدی می‌شود. تألیف این شرح در محرم ۱۲۴۰ ق به پایان رسیده است. شوکانی غرض از شرح این حدیث را، اشتمالش بر قواعد جلیله و فواید جمیله عنوان کرده است.

متن حدیث قدسی که شارح از صحیح مسلم نقل کرده، چنین است: «عن أبي ذر رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم فيما يروي عن ربه عز وجل أنه قال يا عبادي أتيتكم بالظلم على نفسي و جعلته بينكم محرماً فلا تظالموا، يا عبادي كلّمكم ضالّ الآ من هديته و استهدوني أهدكم، يا عبادي كلّمكم جايح الآ من أطعمته فاستطعموني أطعمكم، يا عبادي كلّمكم عار الآ من كسوته فاستكسوني أكسكم، يا عبادي أنكم تخطئون بالليل و النهار و أنا أغفر الذنوب جميعاً فاستغفروني أغفر لكم، يا عبادي أنكم لم تبلغوا ضري فتضروني و لن تبلغوا نفعي فتنفعوني، يا عبادي لو أن أولكم و آخركم و إنسكم و جنكم كانوا على اتقى قلب رجل واحد منكم ما زاد ذلك في ملكي شيئاً، يا عبادي لو أن أولكم و آخركم و إنسكم و جنكم كانوا على أفجر قلب رجل واحد منكم ما نقص ذلك من ملكي شيئاً، يا عبادي لو



۱. مؤلفات الزیدیه: ۲۵۰/۳-۲۵۳.
 ۲. اعلام المؤلفین الزیدیه: ۹۵۸-۹۶۸.
 ۳. فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر صنعا: ۴۶۰/۱.

العلامة المجتهد الفهامة شيخ الاسلام محمد بن علي الشوكاني رضي الله عنه و جزاه عن المسلمين خيراً أمين أمين آخر نهار الثلوث (كذا) لعله ثالث شهر ربيع أول من سنة اثنين وأربعين ومأتين والف...»، عناوين به خط درشت، نشانیها مشکى و در حاشیه تصحیحات اندكى به چشم مى خورد و در برخی صفحات متن خط خوردگی دارد.
۹۳ صفحه، ۱۹ سطرى.

نسخه اصل: مکتبه متحف بریطانى در لندن، نسخه شماره ۳۸۸۷.



(۱۱۵۴) مسند الشهاب (حدیث - عربی)

از: قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامة قضاى (۴۵۴ ق).
قاضى قضاى فقيه، محدث، مفسر و دانشمند نام‌آوری است که تألیفات ارزنده‌ای از او به جا مانده است. اثر بسیار مشهور وی «شهاب الاخبار فى الحكم و الأمثال و الآداب من الأحادیث النبویه» شامل ۱۲۰۰ کلمه قصار از احادیث نبوی است که در ۱۷ باب گردآوری شده است. این کتاب مورد توجه دانشمندان شیعه و سنی قرار گرفته و دهها کتاب در شرح، ترجمه، تخریج و ترتیب احادیث و تلخیص و ذیل بر آن نگاشته شده است.^۱
از آنجا که مؤلف احادیث را در شهاب، با حذف اسانیدشان آورده بود، بر آن شد که اسانید احادیث شهاب را در کتابی مستقل گرد آورد، تا هر که طالب مطالعه احادیث است به متن شهاب مراجعه کند و کسانی که اسانید احادیث را طالبند، در این مسند به مطلوب خود دست یابند. چنانکه در مقدمه نوشته است:

«هذا كتاب جمعته فيه أسانيد ما تضمنه كتاب الشهاب من الأمثال و المواعظ و الآداب، فمن أراد المتون مسرودة مجردة نظرها هناك، و من أراد مطالعه أسانيدها نظرها في هذا الكتاب».

مسند الشهاب در ده جزء تنظیم شده^۲ و مطابق شماره‌گذاری مصحح کتاب، برای ۹۱۱ حدیث، مجموعاً ۱۴۹۹ سند ذکر شده است.

دو تن از علمای اهل سنت این کتاب را شرح کرده‌اند: ۱- شرح مسند الشهاب، محمد بن عبدالله عامری که

نسخه‌ای از آن در متحف طوپوقبو سرای ترکیه موجود است.^۳ -لوامع شرح الشهاب، علی بن محمد تبریزی. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ولی‌الدین جارالله افندی بوده که به مکتبه سلیمانیه در استانبول منتقل شده است.^۴

محمود شکری آلوسی (متوفی ۱۳۴۳ ق) مختصر مسند الشهاب را نگاشته است. نسخه‌ای از آن در بغداد موجود است.^۵ بیش از ده نسخه از مسند الشهاب در کتابخانه‌های مختلف عالم شناسایی شده است، خصوصیات نسخه‌های مذکور در الفهرس الشامل درج شده است.^۶ از قدیمی‌ترین نسخ موجود از کتاب که بر مؤلف قرائت شده، نسخه کتابخانه اسکوریال است با تاریخ کتابت ۴۵۳ ق. تصویر حاضر از این نسخه تهیه شده است. این اثر با تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی در سال ۱۴۰۵ ق، به وسیله مؤسسه الرساله در بیروت، در دو جلد به چاپ رسیده است.^۷

منابع: الفهرس الشامل، الحدیث النبوی و علومه: ۱۴۵۶/۳؛ کشف الظنون: ۱۰۶۷/۲.

نسخه حاضر از جزء اول تا پایان جزء چهارم از کتاب را دربردارد.^۸ ادامه آن در نسخه عکسی شماره ۱۲۴۶ خواهد آمد.
آغاز: بسمله. و صلى الله على محمد و آله أخبرني أبوالحسن عبدالرحمن بن عبدالله... قال أخبرنا القاضي أبوعبدالله محمد بن سلامة أبوجعفر القضاى رضى الله عنه الحمد لله رب العالمين حمداً يرتضيه و يسمعه و يُعليه لحامده و يرفعه و صلى الله على المخصوص بالحكمة... الباب الأول الأعمال بالنيات، أخبرنا أبو محمد عبدالرحمن بن عمر. **انجام نسخه:** من دعا على من ظلمه فقد انتصر أخبرنا عبدالرحمن بن عمر الشاهد، أنا أحمد بن ابراهيم بن جامع،

۱. در این باره نک: الذریعه، ۳۴۳/۱۳؛ الفهرس الشامل، الحدیث النبوی: ۱۰۳۴/۲ - ۱۰۳۹؛ کشف الظنون: ۱۰۶۷/۲.

۲. البته در نسخه مورد بحث، تعداد اجزاء، ۱۴ جزء است و متن کتاب شهاب، ۱۷ باب دارد.

۳. الفهرس الشامل، الحدیث النبوی و علومه: ۱۰۰۸/۲؛ فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه موزه طوپ‌قاپی سرای استانبول: ۱۳۷/۲.

۴. الفهرس الشامل، الحدیث النبوی و علومه: ۱۳۳۸/۲.

۵. مخطوطات الحدیث النبوی الشریف و علومه فی دار صدام للمخطوطات: ۲۵۱.

۶. الفهرس الشامل، الحدیث النبوی و علومه: ۱۴۵۶/۳.

۷. دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعه: ۵۱۴/۲.

۸. این بخش در نسخه چاپ سلفی، جلد اول تا صفحه ۲۴۳ را شامل می‌شود.

کوشیار از نخستین کسانی بود که تابع ظل (تانژانت) را به کار برد. وی در ابداع شکل مغنی (قضیه سینوسها) سهیم بوده و بنابه گفته بیرونی نام شکل مغنی را او برای این قضیه اختیار کرده است.

کوشیار علم مثلثات را که توسط بوزجانی و بتانی پایه‌ریزی شده بود گسترش داد و جدولهای مثلثاتی آنان را تکمیل کرد. نام کوشیار گیلانی در موارد متعددی در متنهای ادبی و تاریخی و علمی فارسی دیده می‌شود. عروضی سمرقندی در چهار مقاله از او نام می‌برد. در ذخیره خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی هم مطلبی خواندنی درباره کوشیار وجود دارد. سعدی نیز در باب چهارم بوستان او را دانای گردن‌فراز خوانده و پند گرانبهای خود را درباره ضرورت فروتنی از زبان کوشیار بیان می‌کند. در مرزبان‌نامه نیز نام کوشیار در ردیف ابوریحان بیرونی و نسوی و ابومعشر ذکر شده است. در تتمه صوان الحکمة ابوالحسن بیهقی و تاریخ الحکماء، قفطی نیز از او یاد شده است.^۱

آثاری چند در نجوم و حساب از کوشیار به جا مانده که برخی از آنها ترجمه نیز شده است، از جمله آثار اوست:

۱ - اصول حساب الهند، تحریر دیگری از این کتاب با نام «عیون الاصول فی الحساب» در کتابخانه دانشگاه تهران و دارالکتب قاهره^۲ نسخه دارد. متن کتاب همراه با ترجمه فارسی در تهران به چاپ رسیده و ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی آن نیز پیش از این منتشر شده است و ترجمه‌ای به عبری نیز دارد.

این کتاب از قدیم‌ترین کتاب‌هایی است که در حساب به‌جای مانده و محتمل است که قدیمترین متن عربی موجود در حساب باشد.

۲ - زیج جامع و بالغ. کتاب حاضر.

۳ - مجمل الاصول فی احکام النجوم، نسخه‌های خطی متن عربی و ترجمه فارسی آن در کتابخانه‌های ایران و خارج باقی مانده است. محمد بن ابی‌عبدالله سنجر کمالی شرحی به فارسی بر این کتاب نوشته است.^۳

این کتاب به عنوانهای «المدخل فی صناعة علم النجوم» و «اربع مقالات» نیز شناخته می‌شود.^۴

۴ - کتاب الاسطرلاب و کیفیت عمل و اعتباره علی التمام و الکمال، نسخه‌های متن عربی و نیز ترجمه فارسی آن با نام

«ارشاد اسطرلاب» موجود است.^۵

۵ - رسالة فی الابعاد و الاجرام، که در مجموعه «رسائل المتفرقة فی الهيئة» در حیدرآباد دکن به سال ۱۳۶۲ ق چاپ شده است.

۶ - تجرید اصول ترکیب الجيوب، منسوب به کوشیار که نسخه خطی آن در کتابخانه جلاله استانبول موجود است.

۷ - احکام سهمیات.

۸ - لامع فی امثلة الزیج الجامع، نسخه خطی آن در کتابخانه فاتح استانبول موجود است.

۹ - رسالة دلالة الکواکب، نسخه خطی آن در دارالکتب ظاهریه نگهداری می‌شود.^۶

۱۰ - کتاب القرانات، نسخه‌ای از آن در دارالکتب ظاهریه موجود است.^۷

۱۱ - الاختیارات.

احتمال دارد برخی از عناوین فوق با هم متحد باشند. کتاب حاضر که در فهرس دارالکتب مصر از آن به عنوان «الزیج الجامع و البلیغ» یاد شده^۸ و در کشف الظنون با نام «الزیج الجامع و البالغ» معرفی شده است، شامل چهار مقاله است و برخی از پژوهشگران غربی «زیج جامع» و «زیج بالغ» را دو عنوان برای یک کتاب دانسته‌اند، ولی در کشف الظنون آمده است: «الزیج الجامع و البالغ، لکوشیار و هو کتابان فی علم حساب الکواکب و تقاویمها و حرکات افلاکها و عددها مبرهنة بالبراهین الهندسیة جمع فیها بین الاعمال الحسابیة و الجداول و الهيئة و البرهان علی حساب الابواب.

۱. در باره شرح حال کوشیار نک: اثر آفرینان، ۵۹/۵ - ۶۰؛ اصول حساب هندی، کوشیار گیلانی، ترجمه محمد باقری، مقدمه مترجم؛ دائرة المعارف فارسی، مصاحب: ۲/۲۳۵۷؛ ریاضی دانان ایرانی، ابوالقاسم قربانی؛ لغتنامه دهخدا؛ ماده کوشیار و ماده گوشیار.

۲. فهرس المخطوطات العلمیة المحفوظة بدار الکتب المصریة: ۲/۸۴۹.

۳. نک: فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ۱۰/۸۶؛ فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی: ۴/۲۹۸۰ و ۲۸۵۶؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریة، علم الهيئة و ملحقاته: ۲۸۹ - ۲۹۱.

۴. نک: اثر آفرینان: ۵/۶۰؛ فهرست کتابخانه ملی: ۲۶۹/۶؛ لغتنامه دهخدا؛ ماده «گوشیار».

۵. فهرست کتابخانه ملی ملک: ۶/۴۳۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی: ۴/۲۷۹۱؛ مخطوطات الفلك و التنجیم فی المتحف العراقی: ۱۸۱.

۶. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریة، علم الهيئة و ملحقاته: ۲۶۵.

۷. همان: ص ۲۸۳.

۸. فهرس المخطوطات العلمیة المحفوظة بدارالکتب المصریة: ۲/۱۰۴.

انجام نسخه: اکثر سیر عطار مستقیماً ۱ درجه لد دقیقه و راجعاً درجه عط دقیقه واللّه تعالی اعلم.

نسخ، بدون نام کاتب، ۱۰ رجب ۱۱۶۹، عناوین در نسخه اصل به سنگرف بوده، در حاشیه تصحیحات و حواشی و عناوین مطالب کتاب درج شده است، در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف چنین آمده: «المقالة الاولى للعلامة الفاضل والاساذ الكامل كوشيار بن لبنان بن باشهريار الجيلي على زيجه في علوم النجوم تغمده الله برحمته». در نسخه جدولها و دایره‌های مربوط به علم نجوم دیده می‌شود و پس از مقاله اولی مطالب متفرقه‌ای در نسخه درج شده از جمله: فصل من اسرار الحکما فی معرفة البروج، فی استخراج ما بین المبدأ الذاتی و بین نقطة الاعتدال الربيعی، معرفة حساب انحراف قبله مصر بطریق العلامة الغ بیك به خط مصطفی خیاط، فایده فی معرفة سمت مكة وغيرها من البلاد، فایده فی مساحة بعض من السطوح، فایده فی مساحة الاجسام، طریق حساب انحراف قبله مصر علی ما ذكره العلامة الكوشيار، در اول نسخه تملک مصطفی خیاط به چشم می‌خورد محتمل است کاتب نسخه همو باشد.

۵۸ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: دارالکتب المصریة، قاهره، نسخه شماره ۸۹۵۹؟

فهرست المخطوطات العلمیة المحفوظة بدارالکتب المصریة، دیفیدا، کنج: ۱۰۴/۲ - ۱۰۵.



(۱۱۵۸) التحفة القدسیة (فقه منظوم - عربی)
از: ابن هائم ابوالعباس شهاب‌الدین احمد بن محمد بن عماد بن علی مقدسی (۸۱۵ ق).

منظومه‌ای عربی است در هشتاد بیت در بیان مسائل ارث، که ناظم آن را از نظم الرحبیه رحبی برگزیده و مسائل نیز بر آن افزوده است.

ابن هائم نام این ارجوزه را التحفة القدسیة نهاده، چنانکه

۱. کشف الظنون: ۹۶۸/۲.

۲. فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۴۳۴/۱.

۳. فهرستواره کتابهای فارسی: ۲۸۵۳/۴ و ۲۹۵۷؛ کشف الظنون: ۹۷۱/۲.

کذا قال فی أول كتابه المجلد^۱.

چنانکه گفتیم زیج جامع شامل چهار مقاله است و هر مقاله دارای ابواب و فصول متعدد است، عناوین مقالات از این قرار است:

المقالة الأولى: فی حساب الأبواب، ثمانية فصول خمسة وثمانون باباً.

المقالة الثانية: فی الجداول، اربعة و اربعون نوعاً.

المقالة الثالثة: فی الشرح و الهیئة.

المقالة الرابعة: فی البرهان علی صحة حساب الأبواب، ستة و ستون باباً.

مؤلف در مقدمه غرض از تألیف این کتاب را چنین بیان می‌نماید:

«آتی لما تصفحت الزیجات المؤلفة فی صناعة التنجیم و تأملتها فکان فی بعضها فساد یحتاج الی اصلاح و فی بعضها تطویل و تبعید یحتاج الی تقرب و فی بعضها نقصان یحتاج الی اتمام و ما خلا المجسطی منها فکلها عقل لا یرجع الی بیان شاف و لا یستند الی برهان کاف أردت أن أعمل زیجاً یجمع علماً و عملاً أصلح فیہ الفاسد و أقرب البعید و أتمم الناقص و أكشف عن معنی کل لفظ فأشرحه و أبرهن علی کل حساب فیہ فأنفذه فما وجدت من التفاوت بین هذا و غیره فی أي شیء وجد فهو أما الفاسد اصلح و أما البعید اقرب و أما الناقص اتمم و اقدم العمل علی العلم بسهولة وصول المبتدی الیه و سرعة فایده له».

نسخه‌های خطی زیج جامع در دارالکتب مصر و در برلین، لیدن، استانبول و مسکو موجود است و عکس نسخه استانبول در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.^۲ مقاله اول این کتاب در سال ۴۸۳ ق توسط محمد بن عمر بن ابی طالب منجم تبریزی به فارسی ترجمه شده است.^۳ منابع: الذریعه: ۸۸/۱۲؛ فهرستواره کتابهای فارسی: ۲۸۵۲/۴ و ۳۱۷۵؛ کشف الظنون: ۹۶۸/۲؛ معجم المؤلفین: ۱۴۸/۸ و مصادر ذکر شده در پاورقی‌ها.

نسخه حاضر تنها بخش‌هایی از مقاله اول را دربردارد. آغاز: بسمله. و بک الاعانة یا کریم قال کوشیار بن لبنان بن باشهريار الجيلي آتی لما تصفحت (کذا) الزیجات المؤلفة فی صناعة التنجیم... و اجعله أربع مقالات الأولى منها فی حساب الأبواب.

در اوائل آن می‌گوید:

وهذه أرجوزة وجيزة يغني بها الذكي بالفريزة
سميتها بالتحفة القدسية والله أرجوا كونها مرعية
نسخه‌هایی از این منظومه در دارالکتب قاهره^۱، دارالکتب
ظاهریه^۲، اوقاف بغداد و چستریتی^۳ موجود است.

فؤاد سید این رساله را به عنوان «التحفة القدسية فی
علم الفرائض» شناسانده^۴ و در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با
نام «التحفة القدسية فی اختصار الرحبية» از آثار ابن‌هائم
معرفی شده است.^۵

حاجی خلیفه این منظومه را از شهاب احمد بن هائم
(متوفی ۸۸۷ق) دانسته است.^۶ اشتباه وی ناشی از شباهت
نام این دو تن است، یکی شهاب‌الدین احمد بن محمد ابن
هائم مقدسی ریاضی‌دان مشهور که در ۸۱۵ق وفات یافته
و منظومه حاضر از اوست^۷ و دیگری احمد بن محمد ابن هائم
منصوری دارای دیوان شعر که در ۸۸۷ق وفات کرده است.^۸
التحفة القدسية مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و افرادی
به شرح آن همت گماشتند، از جمله: سبط ماردینی تعلیقه‌ای
بر آن نگاشته به نام «اللمعة الشمسية على التحفة القدسية»^۹
و زکریا انصاری نیز شرحی بر آن نوشته به نام «الفتحة
الانسية لغلق التحفة القدسية» که نسخه‌هایی از آن در
کتابخانه اوقاف موصل و دارالکتب ظاهریه موجود است.^{۱۰}

هم‌چنین محمود بقاعی غزی شرحی بر این منظومه دارد
به نام «المنحة البقاعية بشرح التحفة القدسية» که نسخه‌ای از
آن در کتابخانه اوقاف موصل نگهداری می‌شود.^{۱۱}
از ابن‌هائم آثار دیگری نیز در فرائض (علم تقسیم ارث)
سراغ داریم: ۱- ابراز الخفایا فی فن الوصایا، نسخه‌ای از آن
در چستریتی موجود است. ۲- ترغیب الرائض فی علم
الفرائض، نسخه‌هایی از آن در بیرمنگام، برلین و پرنستون
موجود است. ۳- شرح الکفایة فی علم الفرائض، نسخه‌ای از
آن در گوتا موجود است. ۴- فائده مفیده، کتابی است در
بیان بعضی از فروع ارث و نسخه‌ای از آن در دارالکتب قاهره
موجود است. ۵- الفصول المهمة فی علم میراث الامة،
نسخه‌ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است و سبط
ماردینی و زکریا انصاری آن را شرح کرده‌اند. ۶- کتاب فی
الفرائض، نسخه‌ای از آن در خزانه سعید دیوه‌جی موجود
است. ۷- کفایة الحفاظ فی علم الفرائض، منظومه‌ای است در

۱۰۹۶ بیت در تقسیم ارث که نسخه‌هایی از آن در دارالکتب
قاهره، منچستر، گوتا و تونس موجود است. ۸- نزهة النفوس
فی بیان حکم التعامل بالفلوس، نسخه‌ای از آن در دارالکتب
قاهره نگهداری می‌شود.

ابن‌هائم ریاضی‌دان، فقیه، نحوی و ادیب مصری است که در
۷۵۳ یا ۷۵۶ در قاهره به دنیا آمد و به سبب اقامت طولانی در
بیت‌المقدس به مقدسی شهرت یافت. وی در ۸۱۵ق در
بیت‌المقدس درگذشت و در گورستان مأم‌الله آن‌شهر دفن شد.
بیش از چهل اثر در علوم مختلف از ابن‌هائم به‌جای
مانده است و تنها دو کتاب از آثار وی به چاپ رسیده:
۱- جدول المیراث، در احکام تقسیم ارث، قاهره، ۱۹۷۲ م.
۲- اللمع فی الحساب، بولاق، ۱۲۴۱ ق.

نسخه‌های ۱۵ کتاب از تألیفات ابن‌هائم در ریاضیات و
جبر، ۹ کتاب در فقه و فرائض و دو کتاب در ادب و نحو و یک
کتاب در تفسیر و کتابهای دیگر در سایر علوم، در
کتابخانه‌های مختلف عالم نگهداری می‌شود.
منابع: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۹۷/۵ - ۹۹؛ شذرات
الذهب: ۳۹۷/۲؛ الضوء اللامع: ۱۵۷/۲ - ۱۵۸؛ کشف الظنون:
۳۷۲/۱؛ معجم المؤلفین: ۱۳۷/۲ و ۳۷۰/۱۳.

آغاز:

بِحَمْدِ رَبِّي أَبْتَدِي كَلَامِي مَوْلِيهِ بِالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ
عَلَى النَّبِيِّ أَحْمَدَ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ مَنْ عَلَى مَنَوَالِهِ
وَ بَعْدُ فَالْفَرَايِضَ أَعْتَنِي بِهِ نَبِيْنَا حَتَّىٰ وَ جُلُّ صَحْبِهِ
انجام:

فَهَذِهِ مُلَخَّصُ الْمُتَقَنَّةِ فِي دُونِ شَطْرِهَا أَنْتَ مَبِينَةَ

۱. فهرست المخطوطات، فؤاد سید: ۱۳۸/۱.

۲. فهرس دارالکتب الظاهرية، المجاميع: ۲۳۰/۱ و ۱۸۰/۲.

۳. فهرست المخطوطات العربية فی مكتبة تشستريتی، آربری، ترجمه محمد
شاکر سعید: ۲۴۹/۱.

۴. فهرست المخطوطات، فؤاد سید: ۱۳۸/۱.

۵. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۹۸/۵.

۶. کشف الظنون: ۳۷۲/۱.

۷. معجم المؤلفین: ۱۳۷/۲ و ۳۷۰/۱۳.

۸. معجم المؤلفین: ۱۳۳/۲.

۹. کشف الظنون: ۳۷۲/۱.

۱۰. فهرس مخطوطات مكتبة الاوقاف العامة فی الموصل: ۱۹۹/۳؛ فهرس

مخطوطات دارالکتب الظاهرية، المجاميع: ۱۱۳/۱.

۱۱. فهرس مخطوطات مكتبة الاوقاف العامة فی الموصل: ۲۰۰/۳.



بدست آمده است. از جمله منابع مورد مراجعه مؤلف، از عناوین ذیل می‌توان نام برد: بحار الانوار، شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، انساب الاشراف، العقد الفرید، الغدیر، کامل ابن اثیر، کامل میزب، محاسن بیهقی، تاریخ طبری، مروج الذهب، ملحقات احقاق الحق، در بحر المناقب، الغارات، مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی، تذکره سبط ابن جوزی، وقعة الصفین، تنویر الحوالک، روضات الجنات و... مؤلف آدرس جلد و صفحه و خصوصیات طبع منابع مورد مراجعه را مشخص می‌کند.

مؤلف در هنگام درگیریهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مشغول گردآوری این اثر بوده و در مقدمه به مشکلات و مصائبی که بر شیعه رفته اشاره نموده و نوشته است: «مضى علينا حقبة من الدهر شديد على شيعة علي وآله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين من اجتماع الكفر العالمي على قتلهم وقصف بلادهم و تشريدهم و ازعاجهم و شرع ذلك سنة ١٣٤٢ ش بقیام علماء الاسلام فى البلاد الايرانية... فعندئذ اشتغلت بجمع ما عثرت عليه من المحاورات و المناظرات بين الشيعة و خصومهم فجاء بحمد الله نصوصاً كثيرة و مطالب مفيدة و...».

مؤلف، این اثر را در سال ۱۴۱۵ ق تکمیل نموده و مقدمه جدیدی بر آن نوشته است و در سه جلد، به همت انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین به چاپ رسیده است.

گویا مؤلف نام کتاب را «المحاورات و المناظرات بين الشيعة و خصومهم» نهاده بود چنانکه در نسخه حاضر آمده، ولی هنگام چاپ کتاب، نام آنرا به «مواقف الشيعة مع خصومهم» تغییر داده است.

آغاز: بسمله. حمد له. و الصلاة على محمد و آله الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين و بعد مضى علينا حقبة من الدهر... قال و أخبرني الشيخ أئده الله قال قال أبو القاسم الكعبي سمعت أبا الحسين الخياط يحتج في ابطال قول المرجئة. انجام: ان تعذبهم فأنهم عبادك و ان تغفر لهم فأنك انت

و الحمد لله على التمام و أفضل الصلاة و السلام على محمد نبي الرحمة و آله و صحبه المكرمة نسخ معرب، بدون نام كاتب و بی تاریخ، از سده دهم هجری، حواشی اندکی دارد، در آخر نسخه یادداشتهای متفرقه‌ای به چشم می‌خورد، از جمله بدین عبارت: «الحمد لله نظره داعياً لمالكة بنيل مآربه و ادراك أمله و مطالبه الفقير لرّبه العلي الكبير علي بن عمادالدين الشافعي الفقير بتاريخ نهار الخميس ثامن عشر ذي القعدة من شهر سنة ٩٣٦ أحسن الله ختامها بمحمد و آله و صحبه و تابعيه بعدهم و حزبه»، و همچنین فایده‌ای در تفسیر آیه لعان از سوره نوره به نقل از بخاری و فایده‌ای دیگر به نقل از ابن حجر در شرح همزه و دعای نبوی به نقل از شرح المشارق و فایده‌ای در معنی عرض از جمله مندرجات آخر نسخه‌اند.

۱۱ صفحه، ۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستربیتی، ایرلند جنوبی، نسخه شماره ۳۴۲۰ رساله ششم.

فهرست نسخه‌های خطی عربی چستربیتی، آربری: ۷۶/۲؛ فهرس المخطوطات العربية فی مكتبة تشستربیتی، آربری، ترجمه محمود شاکر سعید: ۲۴۹/۱.



(۱۱۵۹) **مواقف الشيعة مع خصومهم** (عقاید - عربی)
از: آیه‌الله میرزا علی احمدی میانجی (۱۳۷۹ ش).

عالم ربانی مرحوم آیه‌الله میرزا علی احمدی میانجی از فقهای به نام حوزه علمیه قم که در سال ۱۳۰۴ ش در میانه به دنیا آمد و پس از عمری بابرکت که در خدمت به اسلام و اهل بیت علیهم السلام سپری شد، سرانجام در سال ۱۳۷۹ ش به دیار باقی شتافت.

آثار ارزنده‌ای از این دانشمند خلیق به جای مانده است. از جمله:

- ۱ - الأسیر في الاسلام، ۲ - التبرک، ۳ - السجود على الأرض، ۴ - مکاتیب الرسول در چهار جلد، ۵ - مکاتیب الامام الرضا علیه السلام، ۶ - مالکیت خصوصی در اسلام در دو جلد، ۷ - مواقف الائمة، ۸ - مواقف الشيعة.^۱

کتاب حاضر مشتمل بر مناظرات، دانشمندان شیعی^۲ با بزرگان از مخالفین شیعه است که از منابع حدیثی و تاریخی

۱. نک: فصلنامه علوم حدیث، سال ششم، شماره سوم، پانیز ۱۳۸۰، شماره پیاپی ۲۱، صص ۱۴۲-۱۴۵.

۲. مؤلف مرادش از شیعه را چنین بیان می‌کند: «و المراد من الشيعة هنا ما اصطلح عليه علماء العامة، فأنهم يطلقون هذا الاسم على كل من يفضل علياً على عثمان». مواقف الشيعة: ۱۱/۱.

العزیز الحکیم، العقد ج ۴ ص ۲۱ و انساب الأشراف ج ۱ ص ۴۶ ط بیروت.

نستعلیق، به خط مؤلف، قرن ۱۴ ق، فهرست مطالب کتاب در اول نسخه به خط مؤلف ثبت شده است، متن اندکی خط‌خوردگی دارد.

۲۱۶ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه شخصی مؤلف.



(۱۱۶۲) نصیحت‌نامه (= اخلاق‌نامه) (اخلاق - ترکی)

از: سنان‌الدین یوسف بن خیرالدین خضر بک رومی (۸۹۱ق).

سنان‌الدین یوسف بن خیرالدین خضربک بن جلال‌الدین حنفی رومی فقیه ودانای در علوم عقلیه از اهالی استانبول ترکیه و مشهور به سنان پاشا و خواجه پاشا در ۸۴۴ق به دنیا آمد.

وی معلم و ندیم سلطان محمد خان عثمانی بوده و در سال ۸۷۵ق به وزارت سلطان مذکور نصب شد و پس از عزل از وزارت به تدریس در مدارس استانبول پرداخت تا اینکه در صفر ۸۹۱ در همان شهر درگذشت.

تالیفات سنان پاشا از این قرار است:

- ۱ - أجوبة عن أسئلة الكسدلی عند السلطان بايزيد خان الثاني، نسخه خطی آن در مکتبه کوبریلی موجود است.^۱
- ۲ - تضرع‌نامه، مناجات‌نامه‌ای است به ترکی که نسخه‌های خطی و چاپی آن در دارالکتب مصر موجود است.^۲
- ۳ - ترجمه ترکی تذکرة الاولیاء عطار.
- ۴ - حاشیه تفسیر انوار التنزیل قاضی بیضاوی.
- ۵ - حاشیه علی شرح الجرجانی للمواقف للایجی فی علم الکلام.^۳

- ۶ - حاشیه علی شرح الچغمینی للقاضی زاده فی الهیئة.
- ۷ - رساله علی اول کتاب الطهارة من الهدایة.
- ۸ - رساله فی المنفرجة تصیرها حادة قبل ان تصیر قائمة.
- ۹ - عشق‌نامه.

۱۰ - نصیحت‌نامه = اخلاق‌نامه.

شرح حال سنان پاشا در منابع ذیل درج شده است: الأعلام، زرکلی: ۲۲۸/۸؛ عثمانلی مؤلفرلی: ۲۲۳/۲ - ۲۲۴؛ معجم المؤلفین: ۲۹۶/۱۳؛ هدیه العارفین: ۵۶۲/۲.

با جستجوی در فهرست‌نامه‌ها، سه نسخه خطی از نصیحت‌نامه سنان پاشا بدست آمد:

- ۱ - نسخه شماره ۶۶ مجامیع طلعت در دارالکتب قاهره.^۴
 - ۲ - نسخه شماره ۱۴۸۹ موزه طوپ‌قاپی سرای استانبول.^۵
 - ۳ - نسخه شماره ۳۰۴۲ موزه طوپ‌قاپی سرای استانبول.^۶
- این کتاب تبویب و فصلبندی خاصی ندارد. برخی از عناوین مطالب مقدمه کتاب از این قرار است:

نعت الانبیاء المرسلین صلوات الله علیهم اجمعین، اشارات اصطلاحات علم هیئت، اشارت اسماء بروج، نعت العشرة المبشرة، نعت ابی‌بکر، نعت عمر بن الخطاب، نعت عثمان بن عفان، نعت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، نعت باقی الآل و الاصحاب.

پس از آن مؤلف به بیان سبب تحریر این کتاب پرداخته و در ضمن از تألیفات دیگرش همچون «تضرع‌نامه» و «عشق‌نامه» نام برده است.

برخی از عناوین مطالب کتاب این چنین است: ذم دنیا و مافیها، اعتراف تقصیرات نفس، اشارت شمه توحید، ذم الغنی و کثرة الاموال، توبیخ الغافله، اشارت ترجیح العقل علی الهوی، ذم الظلم، ذم النفس، ارشاد معالجات امراض، بیان ان الحواس و القوای البدنیة استعدادات لکمال النفس، اشاره الی ان المقصود الاصلی من خلق آدم فلظهور الحقیقة المحمدیة، اشاره الی تعدد طرف المشایخ الی الله تعالی، اشاره الی ان مدار الاشیاء عنایة الله تعالی، بیان ان المرء محب أن یصرف عمره الی أهم الخدمات، تحریض الاشغال بأهم العلوم و أنفعها، و... مؤلف در بخش‌های پایانی کتاب به بیان وظایف پادشاهان و سلاطین پرداخته و در جاهای مختلف کتاب از عناوینی همچون «بیان»، «اشارت»، «تنبیه»، «توبیخ» و غیر آن استفاده کرده است.

آغاز: تحف تحیات بی حد و هدایای محامد لا تحصی ولا تعد شون پادشاهک درگاهنه عرض اولنور که.
انجام: چون سوز بواریه کلدی بوجلدی بونره تمام ایدهم

۱. فهرس مخطوطات مکتبه کوبریلی: ۳۶۸/۳.

۲. فهرس المخطوطات التركية العثمانية: ۲۸۳/۱؛ فهرس المطبوعات التركية العثمانية: ۱۲۱/۲.

۳. فهرس مخطوطات مکتبه کوبریلی: ۳۵۰/۲.

۴. مخطوطات التركية العثمانية: ۲۲۰/۴.

۵. فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه موزه طوپ‌قاپی سرای استانبول: ۴۸۷/۱.

۶. همان: ۳۷۶/۲.

شرفالدين دست نيافتيم، به جمع آوری مشجرات مختصره و متفرقات در انساب که در دسترس بود پرداختم و پس از آن به مشجرات قدیمی صحیح دست يافتيم و تصميم گرفتيم که مشجری شامل و جامع کلیه اصول ترتيب دهم و در آغاز آن نسب پیامبر ﷺ را به جهت تبرک به نام آن حضرت بیاورم...».

وی پس از بیان نسب پیامبر اکرم ﷺ، در هنگام شروع مشجرات در ذکر اولاد و ابنای آن حضرت می نویسد: «و هذا آخر الکلام فی ذکر آبائه ﷺ و اول الشروع فی تشجير الآل الکرام حتی انتهى بهم و بجمیع ولد عدنان الی آدم ﷺ و لم آل جهدا فی التحقیق و التهذیب و الاختصار و الترتیب و ربما یكثر نسل بعض الأشخاص من أهل البيت ﷺ فلا تتسع الصفحة لنسله فأجعل له صفة أو صفتین أو أضيف نسله الی صفته او صفتیه و الیه و اما الائمة ﷺ فأضيف النسل الی کنههم و الی أسمائهم حسبما قد ذکر ثم جعلت لفظ السبط علی اسم کل سبط من الاثنی عشر المذكورین ﷺ و سميته روضة الالباب و تحفة الاحباب و بغية الطلاب و نخبة الأحساب لمعرفة الأنساب و كان الفراغ من تليفه غرة شهر رجب من سنة ثلثین سنة بعد الألف و صلی الله علی سيدنا محمد و علی آله و أصحابه و سلم و أنا أبرأ الی الله ممن ألحق فيه أحداً بغير حقيقة قطعية مشهورة الی أهل البيت ﷺ».

تألیف بخش اول این کتاب در غره رجب ۱۰۳۰ و مشجرات آن در ۱۵ رجب ۱۰۳۵ به پایان رسیده و نسخه های فراوانی از آن در کتابخانه های مختلف یمن^۳ و کتابخانه چستربیتی در ایرلند^۴ و کتابخانه امبروزیانا در ایتالیا^۵ و دارالکتب در مصر موجود است.

روضة الالباب در سال ۱۳۹۴ ق، با مقدمه مرحوم آية الله مرعشی نجفی^۶ و به اهتمام دکتر سید محمود مرعشی، به صورت عکسی در قم، جزو انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی^۷ به چاپ رسیده است.

۱. الأعلام، زرکلی: ۲۴۱/۶؛ اعلام المؤلفین الزيدية: ۹۲۶.

۲. مؤلفات الزيدية: ۲۶۷/۱؛ اعلام المؤلفین الزيدية: ۹۲۶؛ مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی اليمن: ۳۰۱/۱ و ۵۱۶ و ۶۲/۲ و ۱۲ و ۲۴۹ و ۵۳۵.

۳. مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی اليمن: ۵۱۶/۱ و ۶۲/۲ و ۲۴۹ و ۳۰۲ و ۵۶۰.

۴. فهرس المخطوطات العربية فی مكتبة تشستربیتی، آربری، ترجمه محمد شاکر سعید: ۶۱۰/۲.

۵. اعلام المؤلفین الزيدية: ۹۲۶؛ فهرس المخطوطات المصورة، تاریخ: ۱۷۰/۳ و ۲۱۳/۴.

انشاء الله تعالى جلد اخيرده تذكرة اوليايه اهتمام ايدهم تاهر بری بشقه بر کتاب اولاد ادم اولاکه برنی یاز در مغه اکتفا قلا، تم الکتاب بعون الملك الوهاب.

نسخ، بدون نام کتاب و بی تاریخ، عناوین شنگرف، صفحه اول کتیبه مذهب، دو صفحه اول مجدول، در آخر نسخه اشعار ترکی در مناجات و قطعه ای از یک دعا به عربی درج شده است. ۲۶۰ صفحه، ۲۱ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه سلیمانیه، استانبول ترکیه، نسخه شماره ۶۱۱.



۱۱۶۳) روضة الألباب و تحفة الأحباب و بغية الطلاب و نخبة الأحساب لمعرفة الأنساب (انساب - عربی)

از: ابوعلامه محمد بن عبدالله بن علی بن حسین بن حسن بن عزالدین مؤیدی زیدی یمنی (۱۰۴۴ ق).

مورخ، نسابه و رجالی زیدی یمنی محمد بن عبدالله مشهور به ابوعلامه و ابن المؤید، در نزد پدرش امام متوکل عبدالله بن علی مؤیدی (۱۰۱۷ ق) دانش آموخت و آثاری در انساب و تاریخ از خود به جا گذاشت. از جمله:

۱ - تحفة الزمن فیما جرى من النکت فی اليمن، نسخه ای از آن به شماره ۳۷۹۰ در متحف بریطانی محفوظ است.^۱

۲ - التحفة العنبرية فی المجددين من أبناء خير البرية، نسخه های متعددی از این کتاب در کتابخانه های یمن موجود است.^۲ این کتاب شرحی است بر ارجوزه ای تاریخی از سروده های مؤلف در ترجمه امامان زیدی یمن از زمان هادی (۲۹۸ ق) تا زمان امام قاسم بن محمد (۱۰۲۹ ق).

۳ - روضة الألباب و تحفة الأحباب و بغية الطلاب و نخبة الاحساب لمعرفة الأنساب.

کتاب حاضر که به «مشجر ابی علامه» یا «مشجر ابی علامه فی انساب اهل البيت فی اليمن» مشهور است. مؤلف در این اثر، در ابتدا نسب پیامبر گرامی اسلام و آباء و اجداد آن حضرت تا آدم ﷺ را به تفصیل و بدون تشجیر آورده و پس از آن، به ذکر ابناء و اولاد پیامبر اکرم ﷺ - که بسیاری از آنان از سادات یمن و از ائمه زیدیه بوده اند - پرداخته است. مؤلف در مقدمه می نویسد: «چون به مشجر منظوم

منابع: الأعلام، زرکلی: ۲۴۱/۶؛ اعلام المؤلفین الزیدیه: ۹۲۵ - ۹۲۷؛ مؤلفات الزیدیه: ۲۶۷/۱ و ۶۱/۲؛ مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی الیمن، صفحات مختلف در جلد ۱ و ۲؛ فهرست مخطوطات مكتبة الجامع الكبير صنعا: ۱۷۴۸/۴ و ۱۷۸۱؛ فهرس المخطوطات المصوّرة، فؤاد سید، الجزء الثاني، التاريخ: ۱۷۰/۳ و ۲۱۳/۴؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۱۹۸/۱؛ لباب الأنساب: ۱۰۷/۱ - ۱۰۸.

آغاز: بسمله. الحمد لله خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور و اختص لخاصة ملكه الملا الاعلا و اسكنهم السموات العلا و جعلهم بين أمر و مأمور.

انجام: بن شیت بن آدم صلی الله علیه و سلم. قال فی الأم ما لفظه: و كان الفراغ من زبره نهار السبت خامس عشر شهر رجب من سنة خمسة و ثلاثين بعد الألف، و كان الفراغ من نقله فی شهر رجب الأصب من سنة اثنین و ستین و ألف و كان الفراغ من تحرير هذه النسخة ...

نسخ، محمد بن احمد بن يحيى بن مفضل بن ابراهيم بن على بن امير المؤمنين يحيى شرف الدين بن شمس الدين، پنجشنبه ۲ جمادى الاول ۱۰۸۶، این نسخه به یک واسطه از روی نسخه اصل نوشته شده و کاتب آن را برای هدیه به حسن بن صلاح بن مطهر بن تاج‌الدین عوامی کتابت کرده و از او با اوصاف «الوالد الافضل العلم العلامة شرف الاسلام» یاد می‌کند، عناوین به خط درشت، از برگ ۳۰ نسخه مشجر می‌شود و قبل از آن صفحات جدول دارد، در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف به خط درشت درج شده است. ۱۹۶ صفحه، ۲۱ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه امبروزیانا، میلان ایتالیا، شماره ۱۳۱.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امبروزیانا: ۶۸.



(۱۱۶۷) تذکرة الشعراء

از: شیخ الاسلام سید احمد عارف حکمت بک بن ابراهیم عصمت بن اسماعیل رائف پاشا رومی (۱۲۷۵ ق)
فقیه، شاعر و مورخ حنفی احمد عارف بک که در دستگاه عثمانی صاحب منصب بوده، در سال ۱۲۰۰ ق چشم به جهان گشود و پس از طی نمودن مراحل تحصیل و سفر به

کشورهای مختلف در قدس، مصر و مدینه به قضاوت پرداخت و در سال ۱۲۴۶ ق وارد استانبول شد و در سال ۱۲۴۷ نقیب الاشراف شد و در سال ۱۲۵۴ به صدارت رسید و در سال ۱۲۶۲ به شیخ الاسلامی ارتقاء یافت و در ۱۲۷۰ ق از این منصب منفصل گشت و تا سال وفاتش به مطالعه و عبادت پرداخت. گویند وی به اکثر علوم آشنا بوده و در ادبیات ید طولایی داشته و به سه زبان فارسی، عربی و ترکی شعر گفته است.

وی در سال ۱۲۷۰ ق کتابخانه عارف حکمت را در مدینه بنا نهاد که از مهمترین کتابخانه‌های عربستان به شمار می‌رود.^۱

آثار چاپی عارف حکمت:

- ۱ - الأحكام المرعية في الأراضی الأميرية، چاپ استانبول، دارالطباعة المعمورة، ۱۲۶۵ ق، ۵۳ ص.^۲
- ۲ - دیوان شعر ترکی، چاپ استانبول، دارالطباعة العامرة، ۱۲۸۳ ق، ۲۶۸ ص.^۳

آثار خطی عارف حکمت:

- ۱ - مجموعة التراجم في تراجم علماء القرن الثالث عشر، این کتاب ناتمام مانده و بغدادی در هدیه العارفین از آن بهره برده است.^۴
- ۲ - تذکرة الشعراء ترکی.

محمود آلوسی شرح حال عارف حکمت را نوشته و آن را «شهی النغم فی ترجمة عارف الحكم» نامیده است.^۵

کتاب حاضر تذکرة شعراء است که به زبان ترکی و به ترتیب الفبایی تخلص شاعران تنظیم شده و غالباً برای هر شاعر نمونه شعری نقل کرده و به گفته عثمانلی مؤلفگری تا سال ۱۲۵۰ ق، شرح حال ۲۱۰ تن از شاعران را آورده است.^۶ گویا نسخه اصلی که تصویر حاضر از آن تهیه شده، مسوده مؤلف بوده که وی در سال ۱۲۶۶ ق آنرا در مدینه وقف کرده است. این نسخه به صورت کتاب تنظیم نهایی نشده و فاقد خطبه و مقدمه است.

۱. المخطوطات الاسلامية فی العالم: ۷۰۲/۲ - ۷۰۳.

۲. ایضاح المکنون: ۳۷/۱؛ فهرس المطبوعات التركية العثمانية (دار الکتب قاهره): ۲۰۶/۱.

۳. فهرس المطبوعات التركية العثمانية: ۹۵/۲ و ۱۰۰.

۴. ایضاح المکنون: ۴۳۸/۲؛ الأعلام، زرکلی: ۱۴۱/۱؛ هدیه العارفین: ۱۸۸/۱؛ فهرست المخطوطات المصورة، التاريخ: ۳۶۷/۴.

۵. الأعلام، زرکلی: ۱۴۱/۱.

۶. عثمانلی مؤلفگری: ۳۲۷/۲ - ۳۲۸؛ هدیه العارفین: ۱۸۸/۱.

حرف الفاء: فائر، فزى، فضلى، فقير، فهمى؛
حرف القاف: قائل، قاسم خواجه احرارى، قدرى؛
حرف الكاف: كاتب، كامى، كانى افندى، كرام؛
حرف اللام: لامع؛
حرف الميم: مبارك، مجددى، مجرم، مخلص، مستقيم،
مستوره، مقيم، مكى، منيب؛
حرف النون: نائل، نادم، ناطق، ناظر، ناياب، نبيل بك،
نصرت، نظيف، نعتى، نعمة افندى، نورس، نورى؛
حرف الواو: واصف، مير واصف، واضح، واقف، وفائى،
وهبى (۲ نفر)؛
حرف الهاء: هاشم، همت.
منابع: الأعلام، زرکلى: ۱۴۱/۱؛ ايضاح المكنون: ۳۷/۱
و ۴۳۸/۲؛ عثمانلى مؤلفلى: ۳۲۷/۲ - ۳۲۸؛ قاموس الاعلام:
۳۰۴۱/۴ - ۳۰۴۲؛ معجم المؤلفين: ۱۶۰/۱؛ هدية العارفين:
۱۸۸/۱.

آغاز نسخه:

چوهر خان قدومى توتيا در چشمنه
خان راضى روشن ايله روز حشرن ظلمته

انجام نسخه:

ندانم همت آن گلرخساره مهمان که بود امشب
گريبان چاک مى آيد صبا از طرف گلزار نه
نستعليق، بدون نام کاتب و بى تاريخ، گویا مسوده
مؤلف است، سده سيزدهم هجرى، در آخر نسخه وقف
از مؤلف به اين عبارت درج شده: «مما وقفه العبد الفقير
الى ربّه الغني احمد عارف حكمة بك بن عصمة بك
الحسيني في مدينة الرسول الكريم بشرط ان لا يخرج
عن خزانته ... محمول على امانته سنة ۱۲۶۶»،
فهرست اسامى شاعران و تاريخ وفاتشان در آخر
نسخه ثبت شده است، در اول نسخه يادداشت تملك
على اميرى و مهر كروى كتابخانه وى ديده مى شود.
۱۵۰ صفحه، سطور مختلف.

نسخه اصل: كتابخانه على اميرى، نسخه شماره ۷۸۹
منتقل شده به كتابخانه ملت در تركيه.



اسامى شاعرانى که نامشان در اين نسخه آمده، از اين
قرار است:

حرف الالف: الهامى، احياء يحيى افندى، ادا، اديب،
ارشد، اسعد آغا، اشرف، افغان بك، امين بك؛
حرف الباء: باعث، باقى، پرتو، برهان، برى، بقاى، بلبل،
بها، بهجت (۴ نفر)؛

حرف التاء: تائب (۲ نفر)، توفيق افندى؛
حرف الجيم: جاهى، جلالى (۲ نفر)، جمالى، جنانى،
جودت (۲ نفر)؛

حرف الحاء: حالت سيد محمد سعيد افندى، حاذق،
حاکم، حامد نفيف زاده، حامد، حسرت، حسن محمد خان،
حسيب بك، حسين خان، حشمت، حصولى، حلیمکراى
سلطان، حمدى بك، حمدى خليفه زاده، حمدى عربزاده،
حنيف، حيرت (۳ نفر)؛

حرف الخاء: خادم، خاقان فتحعلى شاه، خاكى، خالص (۲
نفر)، خسرو خان، خرم، خصمى، خضر، خلدى، خيرى؛

حرف الدال: دانش، مير دانش، درويش، دل آور؛

حرف الذال: ذائر؟، ذكرى بابا، ذكائى، ذهنى؛

حرف الراء: رائف السيد اسماعيل پاشا، رائف (۳ نفر)،
رأفت، راتب (۲ نفر)، راسم (۳ نفر)، راشد (۴ نفر)، راقم، رامز،
رحمى (۳ نفر)، رشدى (۲ نفر)، رشيد، رضا خان، رضا،
رفعت، رفقى (۲ نفر)، رفيع آمدى، رفيع اميرى زاده، رفيق،
روحانى، روحى، رونق؛

حرف الزاء: زاكى، زكائى، زلالى، زينى، زيور؛

حرف السين: سالک، سالم، سرمد، سرورى (۳ نفر)،
سعيد احمد، سعيد (۳ نفر)، سودا، سليم، سيرت، سيفى؛

حرف الشين: شاکر، شاکر پاشا، شاتى، شريف، شعبى،
شفيعى، شكرى، شور عشق، شهرى؛

حرف الصاد: ميرزا صادق، صافى، صالح، صبيح،
صدفى، صديق؛

حرف الضاد: ضعفى؛

حرف الطاء: طالب، طالبى، طاهر، طبعى، طلعت، طيار پاشا؛

حرف الظاء: ظريف، ظريفى؛

حرف العين: عارف (۵ نفر)، عاصم، عاكف، عامر بك،
عزلت، عزى، عصمت، عفت، عفيف، علوى، عنایت، عينى؛

حرف الغين: غالب دده، غالب، ميرزا غنى؛

نسخ خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی

محمدتقی دانش‌پژوه

جامع مابین‌آباد در ۳ ذح ۷۱۶ تا نیمه شعبان ۷۱۶ نزد استاد خوانده‌اند و او به آنها به خط خود اجازه قرائت داده است.

الاربعین المعینیه

* جزو هشتم حدیث سیم و جزو نهم و دهم تا حدیث سی و هشتم، با اجازه سماع صلاح‌الدین خلیل بن امیر بدرالدین کلیکدی علای مکی قدسی از احمد بن محمد بن عبدالمعطی و اجازه سماع دیگر به دارنده نسخه شهاب‌الدین احمد قرشی. ارشاد الازدهان الی احکام الایمان: علامه حلی.

* نسخ ریز حسن شیعی سبزواری در ۱ ذق ۷۱۸ در دو مجلد بغلی.

الاستبصار: شیخ طوسی.

* مجلد ۱ و ۲ و ۳، نسخ محمد علی بن حماد در حله شهبائیه در ۲۴ شعبان ۱۰۲۸، مقابله کرده فرج‌الله در روز شنبه ۹ ج ۱۰۳۱/۲، با اجازه قرائت فخرالدین طریحی به خط خودش در روز یکشنبه ۲۴ ج ۱۰۵۹/۱ به سید محمود بن فتحی.

* نسخ، محمد حسن بن حیدر علی شوشتری آن را با نسخه‌های درست در ۱ ع ۱۰۷۹/۱ مقابله کرده است.

استبصار الاخبار یا شرح الاستبصار یا جامع الاحکام یا جامع اسرار العلماء یا الجامع لاقوال العلماء و عبارات الفضلاء:

• این مقاله سالها پیش در مجموعه‌ای به چاپ رسیده بود و اینک باز چاپ آن مفید دانسته شد.

۱. نیز بنگرید به: ذریعه، ۲۹۲/۷؛ هنر و مردم، ۴۵/۷۳؛ دیباچه معادن الحکمة که در آن چند بار از این کتابخانه یاد شده است.

حضرت آیه‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی از علمای بزرگ عالم تشیع در سال ۱۳۳۵ در شهر قم کتابخانه‌ای بنیاد نهاده‌اند که اینک نزدیک به ۲۴۰۰۰ نسخه چاپی و ۵۵۰۰ نسخه خطی در آن فراهم آمده است. جناب ایشان ساختمانی هم برای آن آغاز کرده‌اند که پس از اتمام از هر جهت کامل خواهد بود.^۱

نگارنده در زمستان امسال یکی - دو روزی این کتابخانه را زیارت کردم و در آن نسخه‌های بسیار ارزنده‌ای دیدم و از برخی از آنها یادداشت برداشته‌ام. اینک وصف آنها و همچنین چند نسخه‌ای که نزد فرزند گرامی ایشان، جناب آقای سید محمود مرعشی دیده‌ام، در اینجا می‌بینیم.

از لطف خاص حضرت آیه‌الله مرعشی که همواره نسبت به بنده داشته و دارند و همچنین از مهربانی جناب آقای سید محمود مرعشی بسی سپاسگزارم.

الف

الاثنی عشریه فی الصلاة: شیخ بهائی.

* نوشته در ۱۰۱۳، با خط خود او در ۱۰۱۶ در آغاز وانجام.

احیاء علوم الدین: غزالی.

* ربع عبادات است به نسخ محمد بن ابی‌علی در روز

سه‌شنبه ۱۰ ع ۷۱۶/۲ برای ضیاء‌الدین ابوالقاسم بن حاجی

سالار مابین‌آبادی. او با شهاب‌الدین، مسعود بن محمد بن

حاجی ابی‌سعد و شهاب‌الدین، زکی بن حسن مابین‌آبادی

و حاجی بن محمد بن حاجی مابین‌آبادی آن را در مسجد

ب

بحار الانوار: مجلسی.

* نسخه اصل در چهار مجلد: السماء والعالم و جزو ۱ مجلد ۱۱ و جزو ۳ در ایمان و کفر و مواعظ.

* نسخ شوال ۱۰۷۷ در اصفهان، با اجازه مجلسی مورخ ع ۱۰۷۸/۱، کتاب التوحید است.

البحر اللامع فی شرح مختصر النافع:

تألیف محمد ابراهیم بن محمد مهدی قشلاقی ساوجبلاغی.

* به خط خود شارح جزو نخستین.

البیاض والسواد من خصایص حکم العباد فی نعت

المیرید والمراد:

از ابوالحسن خواجه علی بن حسن (حسین) بن علی

سیرگانی (سیرجانی) کرمانی درگذشته نزدیک ۴۷۰ و مؤلف

سراج الشریعة و منهاج الحقیقة، مانند الرسالة القشیریة است.

در شدالازار از او به ابوالحسن علی بن خواجه کرمانی،

استاد سال تعبیر شده و او شاگرد شیخ عموی کردی

درگذشته ۴۴۱ بوده و ابوسعید ابوالخیر او را خواجه صوفیان

خوانده است و او داروخانه‌ای داشته است.

از رباط خواجه علی در سیرگان در تاریخ سلجوقیان و غز

یاد شده است. ابوسعید ابوالخیر از او به خواجه علی حسن

[کرمانی] تعبیر کرده است (حالات و سخنان شیخ ابوسعید،

ص ۱۰۷؛ اسرار التوحید، ص ۲۸۸؛ نفحات الانس، ص ۲۴۶؛

طبقات الصوفیة انصاری، ص ۴۵۹ و ۴۶۴؛ کشف المحجوب

هجویری، ص ۲۱۵؛ هدیه العارفین، ۶۹۲/۱؛ معجم المؤلفین،

۷۷/۷؛ شدالازار، ص ۱۸۱؛ سلجوقیان و غز در کرمان، ص ۱۳۶).

* نسخ سده ۸، ابومحمد علی بن محمد بن محمد بن

علی، خطیب سیرجان، ملقب به عماد در روز ۱ شوال ۷۴۶ به

دستور ابوالوقت، محمود بن محمود حسینی، نواده مصنف

آن را مقابله کرده است.

ت

تاریخ الاسلام والرجال:

تألیف شیخ عثمان ده سراج الدین حنفی عثمانی آنقره‌ای

درگذشته ۱۲۰۰، گویا همان عثمان انقروی پسر شیخ

مصطفی چرکسی (سده ۱۳) که در معجم المطبوعات (۴۹۴)

یاد شده است.

* نسخ سده ۱۳.

از قاسم بن محمد بن جواد فقیه کاظمی در گذشته

۱۱۰۰ (دانشگاه، ۱۰۸۳/۵).

* سه مجلد به خط عباس بن خضر بن عباس نصیری

نجفی در ۱۰۰۴ و ۱۰۹۹، یک مجلد دیگر به خط فیاض بن

حاجی محمد نجفی بارمانی عبودی در روز ۲۰ ع ۱۰۹۴/۱،

یک مجلد با تاریخ تألیف ۲ ج ۱۰۸۷/۱، یک مجلد در

مکاسب، بی تاریخ، در دو مجلد از این شش مجلد خط خود

کاظمی هم دیده می شود.

اسماء الجبال و المیاه و الادویه و الاماکن: زمخشری.

(فهرس المخطوطات المصورة، ۳۵۲/۱)

* نسخ احمد بن عبدالقادر بن احمد بن کلثوم بن احمد

بن محمد قیسی در شب دوشنبه شوال ۷۳۹.

الانتصار: سید مرتضی.

* نسخ معرب ابوالحسن علی بن ابراهیم بن حسن بن

موسی فراهانی در روز سه شنبه ۲۵ ذق ۵۹۱ در خانه خودش

در باب ولان (ولون) کاشان، عنوان درشت، با پیشانی زرین،

با یادداشت تملک منصور بن علی بن محمد بن حسن

طوسی، با تاریخ ۷۶۲، با تملک امیر عبدالباقی.

الافی:

تألیف فضل علی بن شاهوردی بیک توشمال باشی،

شاگرد مجلسی، به عربی مانند بحار و وافی، با مقدمه‌ای در

شش فصل در فهرست کتابها سپس فهرست بیست و چهار

مجلد که می خواست بنویسد در مجلد نخستین. مجلد دوم

آن یک مقدمه و سی و هشت باب و یک خاتمه دارد و در

آغاز آن فهرست مآخذ است. او صد و بیست کتاب به دست

آورده و می خواست کتاب خود را از روی آنها به انجام برساند

و می گوید که در میانه کار خود شنیدم که فیض وافی

و مجلسی بحار نوشته‌اند ولی آن دو بیاناتی در آنها گذارده‌اند

که کتاب آنها دراز و گسترده شده است (مجله وحید، ۱۸۶/۳۸).

* نسخ مؤلف و اصل از سده ۱۱، عنوان شنگرف، آغاز

یکی دو برگ افتاده و انجام در باب ۳۷ مجلد دوم نانوشته

مانده و گویا نتوانست به پایانش برساند.

ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد: فخرالدین

محمد حلی.

* نسخ سده ۸، جزو دوم، انجام افتاده.

* نسخ سده ۹، در وصیت، انجام افتاده.

وادعیه سجاده با ترجمه و تتمه و خاتمه در معرفت آیات
واحادیث در برتری امامان، رحلی بزرگ.

تفسیر:

از حاج میرزا محمد خان دنبلی خویی تبریزی، پسر
عبدالرزاق بیک دنبلی مفتون، به فارسی.

* نستعلیق و نسخ سده ۱۳.

التفسیر:

با عنوانهای: اللغة، الاعراب، المعانی و البیان، التفسیر،
التأویل، نون (ن).

این یکی گویا ربع چهارم تفسیر گمنامی باشد که در
آستان قدس، ربع دوم آن هست مورخ ۷۳۴ و عنوانهای این
دو مانند هم است (۲۲/۱، ش ۶۹ تفسیر).

نمونه‌ای از آن از سورة التین: التأویل التین ای المعانی
الکلیة المنتزعة من الجزئیات التي هی مدرکات شبهها
بالتین لكونها غیر مادیة معقولة صرفة مطابقة لجزئیاتها.

* نسخ سده ۸، عنوانها شنگرف، اندکی پیش از سورة
المؤمن تا سورة اقرء، با مهر صدرالدین ابوالفتح محمود شاه
بن محمد شاه بن احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه
السلطان و سلطان محمود شاه، ۲۵۷ ص، ۲۱ س، وزیری.

تفسیر الائمة لهديا الامة:

از منشی الممالک محمد رضا بن عبدالحسین نصیری
طوسی، به عربی (دانشگاه، ۴۵/۱ و ۴۹۷/۲ و ۷۵۸).

* نسخه مقدمه است تا عنوان «فصل فی تحریف قوله
تعالی تظاهرون وقوله تعالی عما تعلمون»، رحلی بزرگ، قطور.
التلخیص:

تألیف موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن یوسف کواشی
موصلی (۵۹۱ - ۶۸۰) در تفسیر است (معجم المؤلفین،
۲۰۹/۲؛ نشریه، ۴۰۷/۵).

* نسخ معرب سده ۱۰، آیات شنگرف، پیش از سورة
صافات تا اخلاص.

تهذیب الاحکام: شیخ طوسی (ملک ش ۹۷۹ ص ۳۵
فهرست عربی از ایرج افشار و نگارنده).

* نسخ حسین بن عبدالصمد عاملی در روز یکشنبه
ج ۹۵۰/۱، مقابله شده با نسخه خوانده شده نزد فخرالدین
محمد حلّی، باسماع شیخ طوسی مورخ ۴۴۷، با تاریخ روز
سه شنبه ۲۳ شوال ۹۴۷ در پایان مکاسب و با تاریخ روز

تجهیز الجیش لکسر صنمی قریش: حسن بن امان‌الله
دهلوی، به فارسی.

* نستعلیق سده ۱۳، انجام افتاده.

تحفة الاخیار فی شرح مونس الاسرار: محمدطاهر
شیرازی قمی، به فارسی.

(حقوق ۳۸).

* نستعلیق سده ۱۱.

التحفة الشاهیه: قطب شیرازی.

(فهرست میکروفیلماها ۲۹۸).

* نسخ سده ۷.

ترجمان اللغة: میرزا محمد یحیی بن محمد شفیع قزوینی.
(دانشگاه ۲۴۹۰ و ۵۰۰۸) در ترجمه قاموس فیروزآبادی

به نام شاه سلطان حسین، ساخته ۱۰ شعبان ۱۱۱۴ تا ۲۰
ع ۱۱۱۷/۱.

* نسخ محمد علی بن احمد کرمانی در دهه دوم ماه
ششم ۱۲۳۷، مقابله شده، رحلی بزرگ، با سرلوح و تذهیب.
ترجمة الخواص:

تألیف فخرالدین، مولی ابوالحسن، علی بن حسن زواره‌ای
اصفهان‌ی که در ۹۴۶ به انجام رسیده است (حقوق ۲).

* نسخ روز پنجشنبه ۴ شعبان ۱۰۹۴، در دو مجلد، در
پایان چهل سورة تورات است با پراکنده‌های دیگر از احادیث.

ترجمه نیک‌بختیه یا مونس العابدین:

از محمود میرزا علی، به نام آقا محرما و آقا نیک بختا،
ساخته ۶ ج ۱۰۵۵/۲، ترجمه مصباح کفعمی است (دانشگاه،
۲۴۱/۱ و ش ۲۰۹۴).

* نسخ سده ۱۱، مذهب.

التصریح بمضمون التوضیح: خالد ازهری.

* نسخ روز یکشنبه ع ۱۰۱۵/۱.

تعالیق القرآن:

تألیف محمد بن محمد تقی بن شمس‌الدین محمد
کاخکی که در ۱۲ ع ۱۱۲۷/۱ از گردآوری و نوشتن این نسخه
فراغ یافته است. تفسیری است به فارسی و خبری شیعی که
در آن از بحار و حق‌الیقین مجلسی و حر عاملی و شیخ
ابوالحسن نیای صاحب جواهر نقل شده است.

* نستعلیق در ترجمه و تفسیر و نسخ در قرآن، عنوان
و نشان شنگرف، در پایان بندی است از تحفة القراء فارسی

و سفینه النجاة و تحفة الزائرین، در یک مقدمه و هشت باب و خاتمه، به فارسی.

* نسخ محمد حسین بن آخوند ملاکرم علی در روز آدینه ۱۴ محرم ۱۲۸۲، برای سرکار آقا میرزا ابوتراب، مذهب.

در حاشیه کتاب قسطابن لوقای یونانی است در بهداشت مسافر.

جعفر جامع:

* نسخه آراسته‌ای است با سرلوح.

الجمع بین الصحیحین: ابو عبدالله محمد حمیدی.

* نسخ سده ۶، با سماع مورخ ۶۷۵، در پایان مجلد دوم آن سماع مورخ ۵۸۷ و ۶۵۵ نوشته شده است. جنگ:

شعرها و نثرهای عربی و فارسی از قاضی نظام‌الدین اصفهانی و شعر عربی عبدالواسع جبلی و غیاث‌الدین محمد و سعدالدین واویجی و قلمیه عزالدین عبدالعزیز کاشی و شعر حلاج و دعای زیارة الاولیاء و شعر ابوالفرج بن داود دمشقی و ابن فارس و شهاب‌الدین عمر سه‌روردی و جلال‌الدین غیاثی - دام ظلّه - و شمس‌الدین کاشی و زین‌الدین علی فارسی و کمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و ابومنصور ثعلبی و ابواسحاق صابی و سعدی و سلمان ساوجی و جلال عتیقی و امین‌الدین حاجی تبریزی، با خط ابومحمد طاهر کاشی در ۴ شعبان ۷۳۷، با رباعیاتی در ستایش دلشاد خاتون و بندی از شرف‌الدین محمود و رکن‌الدین و شمس‌الدین منشی و عزیزالدین کاشی، به اندازه بیاضی است.

ح

حاشیه‌الاشارات:

از محقق محمد باقر سبزواری.

* نستعلیق خود محشی در ۱۲ ذ ق ۱۰۷۵.

حاشیه‌الکافی:

تألیف احمد شریف بن کمال‌الدین.

* به خط محشی در ۱۱۱۷، اصول، جزو نخستین.

حقایق التأویل و دقایق التنزیل:

مؤلف در خطبه آن از شهر نسف یاد کرده و این تفسیر را برای یکی از بزرگان ساخته است، عنوان سؤال و جواب هم دارد، به فارسی است.

چهارشنبه ۱۷ ذ ق ۹۴۹ در پایان تجارت و تاریخ ۱۸ شوال ۹۴۹ در پایان دیون و کفالات.

التهدیب فی تفسیر القرآن:

تألیف حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه جشمی بیهقی معتزلی زیدی (۴۱۳ - ۴۹۴).

با عنوانهای: القراءة، اللغة، الاعراب، النظم، المعنی، الاحکام، النزول. طبرسی در مجمع البیان و شهرستانی در تفسیر خود هم چنین عنوانهایی دارند (لیدن ۲۲/۴، ش ۱۶۶۲ cod.488 Warn - مجله ادبیات تبریز ۳/۱۷، ص ۲۹۹؛ جامع التواریخ چاپ نگارنده، ص ۲۰؛ معجم المؤلفین، ۱۸۷/۸).

* نسخ معرب سده ۷ و ۸، عنوان شنگرف، از سوره یونس تا نحل، ۲۳۳ گ، ۲۰ س، ربعی.

تهدیب النکت:

تألیف اثیرالدین مفضل بن عمر بن مفضل ابهری، درگذشته ۶۶۳، در سه قسم: القواعد التي يستند اليها الادلة، ترکیب النکت، تقریر المسائل الجزئیة بالطرق التي تخصها. در علم جدل و خلاف است (معجم المؤلفین، ۳۱۵/۱۲). * نسخ محمد بن محمود بن اقبال در آغاز ع ۶۸۷/۲، عنوان شنگرف، با ترنج زرین در ص ع که نام مؤلف و پادشاه در آن نوشته شده است، نسخه‌ای است شاهانه.

ج

الجامع الصفوی:

تألیف علی نقی بن ابی‌العلاء محمد هاشم طغایی کمره‌ای درگذشته ۱۰۶۰ که به نام شاه‌صفی ساخته است (ذریعه، ۶۲/۵).

* تسوید روز چهارشنبه ۱۵ ذ ق ۱۰۵۵.

جامع المعارف و الاحکام فی مسائل و الحلال و الحرام:

از سید عبدالله بن محمد رضای شبر حسینی حلی کاظمی درگذشته ۱۲۴۲، در ۱۴ مجلد باید باشد (ذریعه، ۱۷۸/۲ و ۷۰/۵؛ نشریه، ۱۴۶/۲).

* نسخ درویش بن کاظم کاظمی در دهه سوم محرم ۱۲۳۴، صلاة است.

* نسخ سده ۱۳، طهارة است، ساخته شب چهارشنبه ۱۹ ج ۱۲۳۲/۲.

جامع مؤیدی و فیض مؤیدی:

گرفته از امان الاخطار و حلیة المتقین و منهاج العارفين

نمونه‌ای از آن: ابن عباس گوید: انا لله اعلم واری؛ منم
آن خدایی که می‌دانم و می‌بینم. تلك آیات الكتاب؛ یعنی
این آن خبرها است که قصه‌های آن با تو می‌گویم.
* نسخ سده ۶ و ۷، آغاز در دیباچه و انجام در قصه
معراج در سوره بنی‌اسرائیل افتاده، اندازه ربعی قطور.

حل مشکلات القرآن:

نمونه: سورة البقرة فان قيل كيف قال لا ريب فيه على
سبيل الاغراق وكم ضال قدار تاب فيه... او هو نفى معناه
النهي اى لا يرتاب - سورة قريش فان قيل فباى شىء يتعلق
اللام فى قوله تعالى لايلاف قريش قلنا قيل انها متعلقة بآخر
السورة التى قبلها اى فجعلها كعصف ما كول لايلاف قريش
و يؤيد هذا انهما فى مصحح ابى - رضى الله عنه.
* نسخ سده ۷، از حمد تا قريش، آغاز و انجام افتاده.

خ

خزائن جواهر القرآن:

تأليف على قلى خان بن قرچقاي خان خلجى قمى، پدر
مهدى قلى خان، بنيادگذار مدرسه خان قم، که در ۱۰۸۳
این کتاب را آغاز کرده است (دانشگاه، ۱۸۱۸/۱).
* به خط حبيب‌الله بن رشيد در آغاز سال ۱۰۸۶، با
خط خوردگی و محشى، آغاز افتاده، عنوان «الخرينة الثانية
والعشرون فيها الايات المتعلقة باحوال الانسان فى العالم
الاخرة وهى مشتملة على ستة فصول» در آن دیده می‌شود
تا عنوان «الخاتمة فيها الايات الناسخة والمنسوخة».
خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال: علامة حلى.
* نسخ محمد حسين بن امير ابى‌الفتح خادم جامع
عتيق اصفهان در مشهد رضا در روز پنجشنبه ذق ۱۰۳۷، با
اجازه شيخ حسين مشغرى عاملی، برادر شيخ حر عاملی،
نگارنده و وسایل به مولی ابوتراب مشهدی در ۱۰۳۰ در مشهد.
خواص آیات القرآن و خواص الحروف:
در آن از خواص القرآن غزالی نقل می‌شود و عنوان فائده
ششم در نسخه هست تا عنوان فائده نود و نهم.

* نسخ سده ۱۰.

خير الكلام فى وجوه عصمة الامام:

از سيد كمال‌الدين خلف بن عبدالمطلب موسوى
مشعشى حویزی درگذشته ۱۰۷۴، در (ذریعه، ۲۷۵/۷) نام

آن «خير الكلام فى المنطق والكلام واثبات امامة كل واحد
من ائمة الانام» آمده است (معجم المؤلفين، ۱۰۵/۴).
* نسخ سده ۱۲، انجام افتاده.

د

درر الاسرار فى تعداد فرق النبى المختار:

تأليف عباس بن حيدر قمى که در ۲۶ شوال ۱۰۶۹ ساخته
است، در رد صوفيان و مبتدعان است (ذریعه، ۱۱۸/۸).
* نسخ مؤلف، باتملك ریحان‌الله بن جعفر موسوى در ۱۳۲۱.
درر اللثالى العمادية فى الاحاديث الفقهية:
از ابن ابى‌جمهور احسائى که به نام امير عمادالدين
استرآبادى در ۸۹۹ ساخته و نخستین بار در شب یکشنبه ۹
ع ۱/۱ ۹۰ آن را از روی مسوده به تحریر درآورده و سپس این
یکی را در استرآباد در گلپان و سر و کلاته در اواخر شوال
۹۰۹ تحریر کرده است (ذریعه، ۱۳۳/۸).
* نسخ ۱۰۶۳، با حواشی «منه مد ظله».

ذ

ذخیره خوارزم‌شاهی:

تأليف سيد اسماعيل گرگانی.

* نسخ محمد ابراهيم بن محمد بن الحسن المهدى بن
على بن محمد بن ابراهيم بن حمزة بن عبیدالله بن محمد
بن على بن حسين بن على بن ابى‌طالب حسینی سمنانی
زاوقانی در پایان ج ۶۸۶/۱ (پایان فهرست آغاز نسخه)،
نسخه تا نیمه باب چهارم گفتار هفتم کتاب سیم را دارد.
سپس بخش دوم کتاب سیم است با فهرست، با تاریخ روز
سه‌شنبه ۲۰ ج ۶۸۴/۱. سپس کتاب چهارم است با تاریخ روز
آدینه پایان ع ۶۸۶/۲. سپس کتاب پنجم است با فهرست تا
نیمه باب پنجم گفتار ششم همین کتاب.
در میانه آن دعاهاى نوشته شده به عربی با شأن نزول
آنها به فارسی کهن.

ر

راموز اللغة:

تأليف محمد بن سيد حسام‌الدين حسن بن سيد على،
مؤلف جامع اللغة، درگذشته ۸۶۰ که جامع اللغة را به نام

ریاض الشعراء:

از میرزا علی قلی خان واله شمخالی لکزی داغستانی
(ذریعه، ۳۲۷/۱۱؛ فهرست فیلمها، ۱۱۳).
* نستعلیق سده ۱۲، یک صفحه کم دارد.

ز

زبدة التفاسیر:

تألیف مولی فتح‌الله شکرالله کاشانی، درگذشته ۹۸۸ که
پس از منهج الصادقین و خلاصة المنهج خود در ۹۸۷
ساخته و نزدیک به ۸۰۰۰۰ بیت است (نشریه، ۳۲۶/۴؛ نسخه
نوشته در ۱۵ ذق ۱۰۷۷؛ ذریعه، ۲۳/۱۲).
* نسخ حسن بن میرزا بیک رونجی قمی که مجلد
نخستین را در ۲۵ صفر ۱۰۷۰ از روی اصل و دومی را در روز
دوشنبه ۱۴ محرم ۱۰۷۲ به انجام رسانده است.

س

السامی فی الاسامی: میدانی.

* نسخ معرب عبدالجلیل بن یعقوب بن یوسف، در روز
آدینه، پایان ج ۵۹۱/۲.
سنن الیهدی فی متابعة المصطفی:
از شیخ عبدالنبی بن احمد بن عبدالقدوس حنفی
نعمانی (۸۹۰ - ۹۶۱) در حدیث نبوی.
* نسخ سده ۱۰، با یادداشت ۲۸ شعبان ۱۲۳۳ در ص ع.

ش

شرح الاشارات: امام فخر رازی.

* نسخ عبداللطیف بن احمد بن محمود بن محمد شیرازی
در ۱۷ رمضان ۶۷۹، عنوان شنگرف، خشتی، منطوق را هم دارد.
شرح اعجوبة الزمان و مشاهد السلوك:
متن و شرح هر دو از سید عطا محمد بن سید فتح‌الله
حسینی، به عربی با ترجمه لغات فارسی در دو مجلد، با
عنوانهای: الفاظه، تفسیره (به عربی)، بیانہ (به فارسی) در
مجلد دوم نام منظومه مشاهد السلوك است که قصیده‌ای
است در اعجوبة الزمان. لغات و عبارتهای فارسی آن بسیار
شیوا و لطیف است.
* ربعی، نسخ، شعر و عنوان و جدول شنگرف، متن
و اعرابها مشکئی.

سلطان محمد خان فاتح در ادرنه به سال ۸۵۴ به انجام
رسانده است (چلبی در جامع و راموز، بروکلن ۲۲۳/۲؛
معجم المؤلفین، ۱۸۷/۹؛ ذریعه، ۶۱/۱۰).

* نویسانده محمد شفیع بن محمد مقیم، در آغاز
رمضان ۱۰۹۵، با تاریخ تحریر ۲۰ شعبان ۱۰۹۵. با یادداشت
تملك ابوعلی عبدالله بن ابی‌تراب صدرالدین محمد بن
ابراهیم با مهر او مورخ ۱۱۱۴ و عبدالحسین در ۱۱۶۲
و محمود بن علی نقی طباطبایی، صاحب المواهب.

رسائل صائن‌الدین خجندی:

در دو مجلد به یک خط (فرهنگ ایران زمین، ۳۰۷/۱۴).
* نستعلیق ۹۰۳.

الرسائل:

تألیف صابی (فهرست میکروفیلمها، ۳۳۱).

* نسخ معرب محمد بن الادیب در ۵۳۳ از روی خط
خود صابی مورخ ۳۷۴ به دو واسطه، جزو دهم است.

روض الجنان و روح الجنان:

از ابوالفتوح رازی.

* نسخ ابوسعید بن حسین کاتب بیهقی در پسین روز
یکشنبه ۱۲ صفر «خمس و تسعین [و] خمسمائة» ۵۹۵، با
تملك اسحاق بن عبدالملک فتحان واعظ در ۷۷۳، با تملك
دیگری مسلسل. نسخه در شیراز بوده است.

آغاز افتاده: از اعراف است تا کهف، مجلد سوم، آیات
درشت، ترجمه‌ها زیر سطور ریز، تفسیر درشت‌تر از آن،
اندازه رحلی بزرگ.

روضة الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب:

از جمال‌الدین عطاءالله حسینی دشتکی شیرازی هروی
درگذشته ۹۲۶ (دانشگاه، ۵۸۳/۲؛ استوری، ۱۸۹/۱ و ۱۲۵۴/۵؛
ذریعه، ۲۸۵/۱۱).

* نوشته اوآخر رجب ۹۹۴، با آرایش.

روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین:

از مجلسی یکم، شرح من لا يحضره الفقيه است (ذریعه،
۳۰۲/۱۱).

* نسخ سده ۱۱، مجلد یکم، تألیف ذ ح ۱۰۵۹.

* نوشته محمد باقر بن حسین علی قهپائی اصفهانی در
روز پنجشنبه ۱۶ ج ۱۲۳۲/۲، مقابله شده در ۱۷ همین ماه،
مجلد اخیر، وقف ۱۲۳۳.

شرح عمدة الحافظ و عدة الالفاظ:

از ابن مالک، متن هم از خود اوست (دارالکتب، ۱۳۱۲).
* نسخ عبدالرحمن بن محمد بن العتایقی در مدرسه
مستنصریه بغداد در ۸ رجب ۷۳۴.

شرح فصوص الحکم:

از کمال‌الدین عبدالرزاق بن جمال‌الدین احمد بن
ابی‌الغنائم کاشانی، درگذشته ۷۳۰، که در ج ۱/۷۳۰ به انجام
رسانده است. دوبار در ۱۳۰۹ و ۱۳۲۱ در مصر به چاپ رسیده
است (چلبی، ذریعه، ۳۸۲/۱۳؛ ملک عربی، ص ۳۰۴؛ معجم
المطبوعات، ۱۴۸۶، مشار، ۵۵۶).

* نسخ محمود بن حسین بن محمد بن علی کاتب
شیرازی در روز شنبه ۱۶ محرم ۸۱۱ در احسن‌آباد، خوانده
و مقابله کرده قطب بن نظام شکر نیشابوری در مشهد طوس
در ۱ ع ۸۶۰/۱، متن شنگرف.
شرح القانون: قرشی.

* دارای: مفردات نوشته نعمه‌الله بن لطف‌الله بی‌تاریخ
و معالجات نوشته احمد بن علی در ۱۸ رجب ۸۹۵ و حمیات
و قرابادین نوشته ۴ رجب ۸۹۵، عنوان و نشان شنگرف،
جدول لاجورد، با چهار سرلوح زرین و لاجورد و شنگرف
و سفیداب، جلد سوخته.

شرح اللباب:

تألیف قطب‌الدین محمد بن مسعود بن محمود فالی
سیرافی، متن از تاج‌الدین محمد بن محمد بن احمد بن السیف
فاضل اسفراینی، درگذشته ۶۷۴ است، شرح در ۱۴ ع ۷۱۲/۱ به
انجام رسیده است (چلبی، معجم المؤلفین، ۳۰/۱۲).
* نسخ محمود در ۷۷۹، با یادداشت تملک نجم‌الدین بن
سید عبدالله حسینی جزایری.

شرح منظومة التجويد:

به چندین قافیه از باب الادغام الكبير تا باب الاستعاذة.
* نسخ سده ۸ و ۹، متن درشت‌تر، برخی کلمات شنگرف،
آغاز و انجام افتاده.

شرح الوجيز:

تألیف ابوالقاسم عبدالکریم رافعی، الشرح الصغیر است،
نسخه‌ای از آن در چهار جزو در احمد ثالث هست (فهرس
المخطوطات المصورة، ۶۰۷/۱).

* تعلیق ریز محمود بن اسماعیل هراردبیلی (؟) در

۷۱۹، عنوان درشت، با تملک محمود بن حسین بن هبة‌الله
و جلال‌الدین محمد رملی موقت جامع اموی در ۹۵۶ و احمد
بن حسن جاربردی و احمد بن سلیمان اذرعی شافعی در
۸۲۲، مجلد دوم است.

شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم صحیح
التألیف و الامان من التصحيف:

از ابوالحسن نشوان بن سعید بن نشوان حمیری یمنی
شافعی، درگذشته ۲۴ ذح ۵۷۳ و مؤلف ضیاء الحلوم فی
مختصر شمس العلوم (المخطوطات المصورة، ۳۵۹/۱؛
دانشگاه، ۴۲۰/۲، ۴۲۹؛ نشریه، ۴۶۲/۵).

* نسخ سده ۱۰ و ۱۱، انجام افتاده.

الشهاب الثاقب فی الرد علی الصوفية:

از سید دلدار علی بن محمد معین نقوی لکنوی
نصیرآبادی، درگذشته ۱۲۳۵، در یک مقدمه و چهار مقصد
و خاتمه به عربی (ذریعه، ۲۵۰/۱۴).

* نویسنده محمد علی بن محمد صادق در شب ۴
شوال ۱۲۵۸.

ص

الصحيفة السجادية (ملحقات):

از محمد تقی بن مظفر صوفی زیادآبادی قزوینی که صحیفه
را نزد استادش، شیخ بهائی، خوانده و گردآوری این ملحقات
را در روز چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۰۲۳ به انجام رسانده است.

* نسخ محمدتقی بن عنایة‌الله قاضی شوشتری در ع
۱۱۲۹/۱ به درخواست نیای خود میر محمد هادی مرعشی،
نواده قاضی نورالله شوشتری، در حواشی رساله ماندنی
است به فارسی و عربی.

ع

العزیر فی شرح الوجيز:

از ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (۵۵۵ -
۶۲۳) که گویا پیش از ۶۱۳ ساخته است (ش ۱۵۴ و ۱۴۸ فقه
شافعی ظاهریه جزو ۱۰ و ۱۶؛ نسخه احمد ثالث که در ۱۲
جزو است) (یادداشت‌های قزوینی، ۹۵/۳؛ مجله ادبیات، س ۲،
ش ۴؛ سپه، ۳۲۰/۵؛ ظاهریه، ۲۰۷؛ بروکلن، ۳۹۳/۱ و ذیل
۶۷۸/۱؛ عربی پاریس، ۹۸۶؛ فهرس المخطوطات المصورة،
۳۱۱/۱؛ معجم المؤلفین، ۳/۶).

* نسخ محمد علی بن باباله بن محمد شیرازی در
اواخر ع ۷۰۶/۲، از کتاب اللقیط است تا پایان نیمه نخستین،
مجلد پنجم است، با تملک عبدالحی بن محمد بن محمد
کاتب و محمد بن یحیی بن اسماعیل رسولی غسانی، با
شعری از محمد ناصحی تبریزی به خط خودش، در پایان آمده:
روزی که نه شادی و نه شیون ماند
نه دست و قلم نه روح و نه تن ماند
با خاطر دوستان دهد یاد مرا
خطی که به یادگار از من ماند
العناصر المبین فی شرح القوانین:
از حاج میرزا ضیاءالدین محمد حسین بن میرزا محمد
علی حسینی مرعشی شهرستانی حائری (۱۲۵۵ - ۱۳۱۵) که
در روز یکشنبه ۱۴ ع ۱۲۷۷/۲ و روز پنجشنبه ۳ صفر ۱۲۸۴
ساخته است (ذریعه، ۳۴۹/۱۵؛ اعلام الشیعة، ۶۲۷/۱).
* به خط پدر آقای شهابالدین مرعشی در روز
پنجشنبه ۶ ع ۱۲۸۳/۱.

ف

فرهنگ پنج بخشی:

بخش نخست: در سخنان عربی، پارسی و دری و پهلوی
که جداگانه باشد در ۲۰ گونه هر یک چند بهر؛
بخش دوم: اصطلاحات در بیست‌گونه؛
بخش سوم: در سخنان پهلوی و دری که از آن گردانمایی
بیرون آید و شاخ شود؛ یعنی آنکه بر هنجار مصادر است بر
بیست‌گونه و این بهر ندارد؛
بخش چهارم: در سخنان تازی یعنی عربی بر پنج گونه؛
بخش پنجم: در سخنان آمیخته از تازی و نبطی و عجمی
و جز آن از پیوندها آمیخته در چند گونه.
در پایان نسخه «فرهنگنامه» نامیده شده است و باید در
هند فراهم آمده و نسخه هم از آن سرزمین باید باشد.
آغاز: بخش نخست در سخنان عربی پارسی و دری
و پهلوی که جداگانه باشد و سخنی با سخنی دیگر فراهم
نیامده و آن بر نهاد حرفهای عجمی بیست‌گونه است.
گونه نخست که در سخنانی که آغاز آن الف است بر
بیست و دو بحر. بحر نخست که پایان آن الف است.
اسا: مانند؛ چنانکه گویند: شیرآسا و فاژه؛ یعنی آنکه
دهن از هم جدا شود یا از کاهلی یا از آمدن خواب و آسایش؛
چنانکه گویند دل آسا.
انجام: یغور مکو برز است خنک. آن مقدار لغت خلاصه که
در فرهنگنامه‌های معتبر از لغات پارسی و عربی و نبطی و رومی
و یونانی و عجمی و ترکی و پهلوی و دری و جز آن یافته شده،
درین فرهنگنامه درج افتاد، به‌غایت غریب آمد و در نظر اساتذہ
روزگار بود، مطالع مقبول افتاد و نیز در نظر هنرمندان کامل که
درین علم رنجی دیده و ریاضتی کشیده‌اند، خواهد گذشت.
انصاف خواهند داد. تم هذا الكتاب المسمی بالفهنگ

عوامل العلوم:

از شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی (ذریعه، ۳۵۶/۱۵).

* به خط مؤلف، مجلد ۲۲ و ۲۷.

عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة:

از ابن ابی‌جمهور احسائی (ذریعه، ۳۵۸/۱۵).

* نستعلیق سده ۱۰ و ۱۱، انجام افتاده.

عیون اخبار الرضا:

از ابن بابویه قمی رازی ایلاقی.

* نسخ محمد طاهر بن محمد علی در روز چهارشنبه

پایان شوال ۱۱۰۸، مقابله کرده محمد بن منصور موسوی

قاری کرمانشاهی در روز چهارشنبه ۲۳ ذح ۱۱۲۵.

غ

غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام:

از سید نعمت‌الله جزایری شوشتری در هشت مجلد

(ذریعه، ۱۸/۱۶).

* نسخ محمد حسن بن علی اکبر موسوی حسینی

جزایری در روز ۸ شعبان ۱۱۱۹، از جزو سوم تألیف روز

سه‌شنبه اواخر ع ۱۰۹۳/۲.

* نسخ محمد تقی بن ملا ابوطالب شوشتری در ۱۱۲۳ از

جزو سوم، تألیف آغاز شعبان ۱۰۹۳ در شوشتر.

پنج بخشی فی يوم الاربعاء فی شهر ذی القعدة ۹۹۸.
 * نسخ سده ۱۰ و ۱۱، در پایان شش صفحه لغت فارسی به هندی است، با مهر:
 «ز اقبال و بخت جهانگیر شاه
 مرادی که داری سب (؟) بخواه»
 واعتمادالدوله و ابوالبرکات بن مبارک، با یک یادداشت تحویل همه از سده ۱۱، بهان دو روپیه، ربعی، ۱۲۷ گ، ۱۸ س.
 فضائل علی امیرالمؤمنین:
 از عبدالله بن احمد بن حنبل.
 * نسخ سده ۸، آغاز و انجام افتاده، جزو یکم است و پاره‌ای از جزو دوم.

فقه القرآن المنتزَع من کلام الملك الדיان:
 از قطب‌الدین سعید راوندی که در ۵۶۳ ساخته است (فهرست میکروفیلها، ص ۳۶۰؛ ذریعه، ۲۹۵/۱۶).
 * نسخ احمد بن معین بن همایون در چاشت روز آدینه ۱۹ رمضان ۸۰۷ که نسخه از آن او بوده و بیشتر آن را خود نوشته است، مقابله و تصحیح شده با نسخه نوشته شده از روی نسخه اصل راوندی، عنوان درشت و شنگرف، از آغاز و میانه افتاده بدینگونه:

از آغاز نزدیک به ۲۲ برگ یا دو کراسه.
 میان برگ ۱۰ - ۱۱ ۴ برگ افتاده
 میان برگ ۴۱ - ۴۲ ۱ برگ افتاده
 میان برگ ۶۰ - ۶۱ ۲ برگ افتاده
 میان برگ ۷۶ - ۷۷ ۱ برگ افتاده
 میان برگ ۸۵ - ۸۶ ۳ برگ افتاده
 و میان برگ ۱۶۶ - ۱۶۷ افتاده دارد.
 ربعی از کراسه ۴ تا ۱۴ با نام سوره‌ها و شماره آیتها در هامش، با تاریخ ۱۲۴۱ در پایان، ۱۶۹ برگ مانده و کراسه‌های آن ۱۱ برگ است و کراسه ۱۳ در ۱۲ برگ است.

الفلك السيار فی لبحر الزخار:
 از الهادی لدین‌الله عزالدین بن حسن بن الهادی علی بن المؤید بالله بن جبرئیل حسنی یمانی (هجرة فله شام صعده شوال ۸۴۵ - رجب ۹۰۰) در شرح البحر الزخار از المهدی لدین‌الله احمد بن یحیی بن المرتضی (ذمار ۷۷۵ - ظفیر حجة ظفر ۸۴۰) (فهرست آمبروزیانا، ۵۶/۲ و ۵۷ و ۶۷ و ۷۵؛ اتحاف المسترشدين، ص ۶۸ و ۷۳) که تا حج و در دو مجلد

باید باشد و او را کتب دیگری هم هست.
 * نسخ سده ۱۱ و ۱۲، تا مسأله ۱۵ فصل ۳ «فی بیان ما یلزم الرعية للامام» است، در آغاز نسخه بندی است منقول از خط مؤلف درباره شرح رموز این کتاب، با تملک ۱۱۰۹ و ۱۱۶۲ و ۱۱۷۹ و ۱۲۰۴ و ۱۲۱۱ از دانشمندان زیدی در ص ع.

ق

قتادیل العسجدات فی معرفة احکام القضاء و الشهادات
 از مولی محمد بن محمد علی هرنندی اصفهانی که در رمضان ۱۲۲۲ ساخته است (ذریعه، ۱۷۲/۱۷).
 * نسخ اصغر پسر مؤلف در روز پنجشنبه ۱۵ ع ۱۲۴۰/۱.
 قواعد الاحکام: علامه حلی.
 * نسخ محمد بن صدقه بن حسین بن فائز در روز سه‌شنبه ۱۴ ع ۷۵۶/۲ در نجف.

* نسخ عزالدین حسین بن شمس‌الدین محمد انصاری استرآبادی در روز آدینه ذح ۹۰۵، عنوان و نشان شنگرف، با اجازه محقق کرکی به او در ۱۱ شوال ۹۰۸، محشی، وقف دختر سید داماد بر فرزندان خود در رجب ۱۰۵۸.

ک

الکافی: کلینی.

* نسخ معرب ۸ ذح ۹۵۳، با تاریخ پنجشنبه ۶ ذح ۹۵۳ و ۲۷ ذق ۹۵۳، با مقابله شهید ثانی در آغاز ج ۹۵۴/۲ به خط خود او، با تاریخ ۱۲ ع ۹۵۳/۱.
 * نسخ علی‌اصغر سبزواری در ۱۱ رمضان ۱۰۷۴، با حواشی به خط محمد جعفر بن سلیمان دشت بیاضی قایینی در ۱۰۸۵، با اجازه مجلسی بهمین قایینی در محرم ۱۰۸۶، با سرلوح زرین و جدول زر و شنگرف و لاجورد، جلد سوخت، از آغاز است تا روضه.
 * اصول است با اجازه مجلسی دوم به مولی محمد رضای اردبیلی.

* نسخ روز دوشنبه نیمه ع ۱۰۷۶/۲، مقابله شده، با اجازه مجلسی دوم به خط خود مولی عبدالرضا، از اصول است تا جنایز، با فهرست.

* نسخ محمد صادق بن حاجی قربان علی خراسانی مشهدی ملا امامی در شب شنبه شعبان ۱۰۹۲ که آن را نزد

کشف الاسرار و عدة الابرار:

از فخرالاسلام ابوالفضل احمد میبیدی (ذریعه، ۱۶/۱۸؛ ادبیات، ۲۹/۲).

* نسخ روز آدینه نیمه ذح ۸۳۳، عنوان سنگرف، از سورة نمل تا صافات، با تملک حسن عسکری بن حسن رضا خادم شریف منشی حسینی در ۱۰۷۲.

کشف الالتباس عن موجز ابی العباس:

از شیخ مفلح بن حسن صیمری، شاگرد ابن فهد حلّی، در شرح الموجز الحاوی للفتاوی استادش (ذریعه، ۲۰/۱۸).

* نسخ سده ۱۰، عنوان سنگرف.

* نسخ روز سه شنبه ۹ ذح ۱۲۵۳، محمود بن علی نقی بن جواد طباطبائی آن را با نسخه کهنی که از روی آن نوشته شده در شب چهارشنبه ۲۴ ذح ۱۲۵۳ مقابله کرده است.

کشف الرموز:

از عزالدین حسن بن ابی طالب یوسفی آبی (ذریعه، ۳۵/۱۸).

* نسخ سده ۷ و ۸، آغاز نونویس، انجام افتاده.

کشف الظلام عن وجه شرایع اسلام:

از شیخ محسن بن حاج مرتضی اعصم نجفی، درگذشته ۱۲۳۸، که کمتر از یازده مجلد نیست و برخی از آنها تاریخ ۱۲۳۴ تا ۱۲۳۶ دارد (ذریعه، ۴۰/۱۸).

* نسخ محرم ۱۲۴۶، مجلد یکم.

کنز الدقایق و بحر الغرایب:

از میرزا محمد بن اسماعیل بن جمال الدین قمی مشهدی که مجلد نخستین را در روز پنجشنبه ۷ ج ۱۰۹۴/۲ ساخته و تا سال ۱۰۹۷ به نگارش آن می پرداخته است (ذریعه، ۱۵۱/۱۸ و ۱۵۳؛ سپه، ۴۵۰/۵).

* نسخ رجب ۱۲۶۱، هر چهار مجلد و کامل.

کنزالمعانی فی شرح حرز الایمانی: ابراهیم بن عمر جعبری.

* نسخ اسعد بن محمد بن احمد بن محمد بن محمود

بن احمد بن حاجی محمد کرمانی در روز دوشنبه پایان رجب ۷۶۴ در مدرسه زاهدیه ایکجیه (پایان جزو یکم).

ل

لباب الاربعین فی اصول الدین:

از سراج الدین ابوالثناء محمود بن ابی بکر، درگذشته

۲۸۲، متن از امام رازی است.

محمد رحیمای هروی و محمد باقرا و آقا حسین خوانساری و محمد نصیر ملا امامی اصفهانی و مولانا خواننده است، با فهرست مطالب از خود او، با اجازه حر عاملی مورخ ۱۰۹۲، با اجازه محمد نصیر شریف خادم به همین نویسنده نسخه در ۱ شعبان ۱۰۹۲، اصول است تا عشرت.

الکامل الفرید فی تجرید التفرید:

از محب الدین ابوموسی جعفر بن مکی بن جعفر موصلی، درگذشته دوشنبه ۱۴ ع ۷۱۱/۲ در شیراز که در ۶۸۳ تا ۷۰۱ ساخته و در شرح مفردات نافع و ابن کثیر و ابوعمر ابن العلاء و ابن عامر و عاصم و حمزه و کسائی است در هفت کتاب.

(مجله وحید، ۸۵۸/۴۵؛ مجلس، ۱۴۰/۹ و ۳۲۲/۱۲؛ دانشگاه، ش ۵۲۳۲؛ فهرس المخطوطات المصورة، ۱۲/۱).

* نسخ و نستعلیق سده ۱۰، کتاب سوم و چهارم.

کتاب خدمة الاغریقیا و رتبة فاشین السحرية و خدمة اسرار القداس و احتیاج الکاهن و الشماس و القدیس الکبیر فسیل بوس و البروجیزمانا و المنسوب الی القدیس غریقوریوس. مؤلف آن یوحنا فم الذهب است که درباره آن در کتاب المخطوطات لکته النصرانية اب لويس شیخو یسوعی (چاپ ۱۹۲۴، بیروت ص ۲۱۸) القدیس بطریک القسطنطنیة و امام الخطباء الكنسیین آمده است و او در ۴۰۷ م درگذشته و چندین کتاب دارد که به یونانی است و بسیاری از آنها به عربی هم درآمده است.

این یکی گویا همان لیتورجیة (Liturgie) القدیس یوحنا فم الذهب باشد که نسخه های آن بسیار است و نسخه عربی و یونانی و سریانی هم دارد. او راست کتاب الکهنوت که در بیروت به سال ۱۹۰۴ به چاپ هم رسیده است. در مجله المشرق ۱۲ (۱۹۰۹) ۲۵۰ - ۲۵۳ سرگذشت او هست.

* نسخ سده ۱۰، نشان سنگرف، ربعی، برخی از دعاها در دو ستون یکی به عربی و دیگری به سریانی است.

الکشاف عن حقایق التنزیل: زمخشری.

* نسخ معرب علی بن خلیل بن علی بن حسین، از سده ۷ و ۸، جزو دوم.

* نسخ محمد بن عبدالله در آغاز ع ۷۵۷/۱، بخش نخستین نسخه کهنه تر است، از نیمه سورة مریم است تا سورة صافات.

* نسخ معرب سده ۸ و ۹.

* نسخ سده ۷ و ۸، عنوان شنگرف، انجام در فصل چهارم در امامت افتاده.
لطائف غیائی: امام فخر رازی (ذریعه، ۳۱۶/۱۸).
* نستعلیق سده ۱۰، در پایان نانویس.
لوائح اللوحین فی اسرار شهادة الحسین:
از محمدباقر بن مرتضی طباطبایی یزدی نجفی،
درگذشته ۱۲۹۸ در کربلا، در مقتل (ذریعه، ۳۷۵/۱۸).
* مجلد نخستین ساخته روز دوشنبه دهه نخستین ماه ششم ۱۲۹۶، نسخه اصل.
* مجلد نخستین نوشته امان‌الله اردبیلی، در روز یکشنبه ۱۶ ج ۱۲۹۵/۱.

م

المبسوط:

از محمد بن محمود بن محمد بن احمد بن علی شریف سمرقندی مجتهد همدانی، در چهار بخش.
* نسخ حسام‌الدین بن احمد در روز شنبه ع ۱۰۲۹/۱ (ط ل غ).
مجمع البیان: طبرسی.
نسخ احمد بن یحیی بن علی مرندی در روز ۱۷ ع ۷۳۹/۱، جزو هشتم.
مجمع البحرين و مطلع النیرین: شیخ فخرالدین طریحی درگذشته ۱۰۸۵.
* نسخ سید طعمه بن سید علی در ج ۱۰۹۴/۲ و روز سه‌شنبه صفر ۱۰۹۵، با فوائد و ملحقات، مورخ روز یکشنبه ع ۱۲۸۱/۱.
مجمع البحرين و ملتقى النیرین:
از مظفرالدین احمد بن علی ثعلب ابن ساعاتی بغدادی، درگذشته ۶۹۴ که در ۸ رجب ۶۹۰ ساخته است (چلبی).
* نسخ ابوالرضا مظفر بن سید علی جوینی در روز آدینه ۱۱ شعبان ۷۲۴ از روی نسخه منقول از خط مصنف و مقابله شده با آن، ووقف شده در خزانه الکتب سمیاسطیه دمشق و با اجازه او به رکن‌الدین سمرقندی مورخ رجب ۶۹۰ در مدرسه مستنصریه، سپس با نسخه عمادالدین عبدالوهاب سیواسی و نجم‌الدین زکریای ارزنجانی در ۷۲۵ مقابله شده و این گواهی مقابله اخیر به خط عبدالوهاب بن علی حنفی است.

مجموعه دارای:

۱ - مؤائد المتسحرین فی شرح دعاء السحر: از احمد بن حسن یزدی مشهدی به فارسی.
۲ - شرح دعاء الصباح، هر دو شماره به خط مؤلف.
مجموعه دارای دو رساله:
نستعلیق سده ۱۱، عنوان شنگرف، ناتمام.
۱ - رساله فی تحریر السکوک و القبالات و انموذج فی علم الشروط و السجلات:
کاکلی بن محمود کاکلی، در چند فصل، به عربی و فارسی.
۲ - منشآت فارسی، گویا از میبدی.
مجموعه دارای هشت رساله:
نسخ نویسانده محمد هادی بن مرتضی.
۱ - الفت‌نامه؛
۲ - زاد السالك؛
۳ - شرایط الايمان؛
۴ - المحاکمة الواقعة بین الطائفتین من فرق الاسلام؛
۵ - جواب و سؤال طائفة من اهل مولتان؛
۶ - الانصاف؛
۷ - رفع الفتنة؛
۸ - آیینة شاهی.
همه از فیض کاشانی است.
مجموعه دارای سه رساله:
نسخ سده ۸ و ۹، عنوان شنگرف.
۱ - الرعاية فی تجويد القرائة و تحقیق لفظ التلاوة: از محمد مکی بن ابی‌طالب قیسی مقری؛
۲ - التیسیر: ابوعمر عثمان بن سعید دانی؛
۳ - عقيلة اتراب القوائد فی اسنی المقاصد: ابومحمد قاسم بن فیره شاطبی، نظم المقنع ابوعمر و عثمان بن سعید دانی است (آستان قدس، ش ۲۳).
مجموعه دارای:
۱ - الدر النضید من مجموعة الحفید یا جواهر العلوم: شیخ احمد بن یحیی بن محمد بن سعد محقق تفتازانی، ساخته ۸۹۴ در هرات (دانشگاه، ۴۹۰۸؛ مجلس، ۲۱/۵)؛ نستعلیق سده ۱۰.
۲ - حاشیه بر متنی در منطق، به عربی؛
۳ - حاشیه بر متنی در کلام به عربی، نوشته ۱۵ شعبان ۹۰۶، این دو به خط دیگری است و به یک خط؛

۴ - شرح کتابی در منطق، نسخ میانه‌های ع ۹۰۷/۱.

مجموعه از سده نهم، دارای:

۱ - مفتاح الغرر لفتح الباب الحادی عشر: خضر بن محمد رازی هبلرودی، نوشته محمد بن علی بن علی بن محمد بن طی در روز پنجشنبه ۸ ع ۸۵۱/۱، مقابله شده؛

۲ - رساله در صرف به عربی، ناقص؛

۳ - اللمعة الدمشقیة: شهید یکم، نوشته روز آدینه

محرم ۸۶۳.

مجموعه نسخ ۱۰۷۴، دارای:

۱ - الرعاية فی شرح بدایة الدراية: شهید ثانی، متن هم از خود او، با اجازه شیخ علی حفید شهید ثانی به پسرش، حسین (۱۰۵۶ - ۲۱ ذح ۱۰۷۸)، نویسنده نسخه در ۱۸ ذح ۱۰۷۴

و او این نسخه را در روز آدینه ۵ محرم ۱۰۷۴ نوشته است؛

۲ - خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال: علامه حلی، به

خط همان حسین در ۱۰ ع ۱۰۷۴/۱.

مجموعه دارای سه رساله:

۱ - الفرائض النصیریة: خواجه طوسی، نسخ حسن بن

علی حسینی در کاشان در نیمه محرم ۶۸۹؛

۲ - منهاج الکرامة: علامه حلی، نسخ مسعود بن جارالله

مطلبی در ۵ ع ۹۴۱/۱؛

۳ - مبادئ الوصول الی علم الاصول: علامه حلی (ذریعه،

۴۳/۱۹).

نسخ هارون بن حسن بن علی طبری در روز دوشنبه ۲۱

شعبان ۷۰۰ در حله با اجازه انهاء خود علامه در ع ۷۰۱/۱ در

آخر، با اجازه همو به نجم‌الدین حسن بن علی بن محمد

طبری در اواخر ع ۷۰۱/۱ در آغاز نسخه.

مجموعه: از سده ۱۰، دارای:

۱ - الجواهر: ابن داود حلی، به نظم عربی در فقه، نسخ ۱۱

شعبان ۹۱۸ در کاظمین؛

۲ - البیان: شهید اول، نسخ علی بن محمد بن حسن

عاملی در روز ۲۸ صفر ۸۴۳، با اجازه انهاء احمد بن محمد

بن علی بن خاتون در روز یکشنبه ۲۲ ذق ۹۰۷؛

۳ - قصیده عربی با قافیه الف، نسخ احمد بن احمد بن

محمد بن حسن بن ابی‌جامع عاملی شقرایی در شب

یکشنبه ۲۴ رمضان ۹۳۹؛

۴ - الطرائف: ابن طاوس؛

۵ - گزیده‌هایی از مشارق الانوار برسی؛

۶ - مناظره شیعة علی مع ابی‌بکر؛

۷ - مختصر فی علوم الصوفیة: ابن خفیف شیرازی، به

روایت سلمی، به عربی، انجام افتاده؛

۸ - الالفیة: شهید اول، با اجازه انهاء به خط محمد بن

علی صفی؛

۹ - نظم الالفیة للشهید: حسن بن راشد، نوشته محمد بن

علی صفی در ۲۱ ذق ۹۱۰.

مجموعه:

نسخ، با تاریخ ۹۷۴ در پایان ش ۱ و ۳، جدول و عنوان

شنگرف، ربعی.

۱ - خلع الازار فی وصف العذار: شمس‌الدین، محمد نواجی؛

۲ - صحایف الحسنات: همو؛

۳ - الشفاء فی البدیع الاكتفاء: همو؛

۴ - من غاب عنه المطرب: ثعالبی.

مجموعه نسخ، ربعی، دارای:

۱ - عرایس البیان فی حقایق القرآن: روزبهان شیرازی،

نوشته ۱۳ رجب ۸۹۵، مقابله شده با نسخه نوشته شده از

روی خط روزبهان، آغاز افتاده، گویا گزیده‌ای است از آن؛

۲ - مکنونات الحدیث المشهور بعرایس الحدیث: از همو،

به همین خط، مورخ ۱۹ ع ۸۹۵/۲، مقابله شده با نسخه صحیح

(۵۹ گ ۲۵ س). در تحفة العرفان (ص ۱۸ و ۸۱) و روح الجنان

(ص ۲۵۸ و ۳۴۱) از آن یاد شده است (نیز دیباچه عبهر

العاشقین ص ۶۸ و دیباچه روزبهان‌نامه، ص ۴۲ و ۴۴).

آغاز: بسم‌له. الحمد لله الذی اصطفی المصطفی علی

جميع المرسلین و من بارساله منه الی الخلق اجمعین ... اما

بعد فقد وجدت اهل علوم الظاهر قد صنفوا فی تفسیر ظاهر

احادیث النبی ﷺ دواوین کثیرة للمتقدمین مثل الموطاة

وللمتأخرین مثل شرح السنن و ما وجدت مشایخنا من

صنف کتابا مفردا فی حقایق تفسیر غرائب الحدیث الاقلیل

شرح بعض متفرقاته فی کتب شتی، فاحببت ان اصنف کتابا

فی تفسیر غریب حدیث رسول الله.

انجام: هذا شرح مشایخنا بعض احادیث النبی ﷺ

ورصعت آخره بتفسیر الشیخ الامام ابوسلیمان الخطابی ما

ذکره من لطائف الحدیث و ما ذكرت من تفاسیر الحدیث

الانبذة ولمحة من حقائقها و ما وشحت به کتابی من تفسیره

و اکثره من اعلام الحدیث الذی رسمه رحمة الله علیه لیكون دلیلاً لکتابنا و مقویاً لتفسیرنا و الله اعلم بالصواب.

مجموعه:

نستعلیق شاه مراد فراهانی با تاریخ شوال و ذح ۱۰۷۲.
هشتاد و یک رساله از ابن‌سینا و فارابی و خیام و سهروردی و طوسی و فخر رازی و فلو طرخس (الاراء الطبیعیة) و سید شریف با «شرح مجموع من کتاب ایامیلخوس لوصا یا فیثاغورث او الذهبیة او آداب النفوس» و شرح فصوص فارابی از شب غازانی.

مجموعه: نستعلیق سده ۱۰ و ۱۱، دارای:

۱ - مشکات العارفین: عبدالرزاق کاشانی؛

۲ - القضاء و القدر: از همو؛

۳ - حدیث «امر الله و لم یשא و شاء و لم یأمر»: از همو؛

۴ - شرح اربعین حدیث مشکل: از همو؛

۵ - الدر الثمین فی فضایل امیرالمؤمنین: از همو؛

۶ - اشرفیت جانب یمین بر جانب شمال: از همو.

همه اینها به فارسی است.

مجموعه دارای دو رساله:

نسخ علی بن ابی‌سعید بن علی در روز چهارشنبه ۸

محرم ۷۰۴.

۱ - غریب القرآن: ابن قتیبة دینوری؛

۲ - رساله فی الشعر و الادب: از همو.

مجموعه دارای:

رساله عرفانی عبیدالله بن محمد بن عبدالعزیز سمرقندی، اوراد الاسبوع شیخ اکبر، لوامع جامی، اقوال اصحاب ظاهر و تأویل آن در چند فصل، پراکنده‌هایی از احادیث به عربی و فارسی، شهاب الاخبار قضاعی نوشته علی بن حسین بروغالی در محرم ۷۴۶، وصیت‌نامه امام جعفر صادق، اشعار امام زین‌العابدین، قوافی به ترتیب تهجی به خط همین بروغالی در ۷۴۰، پراکنده‌های دیگر، وصیت پیغمبر به علی (علیه السلام) به عربی نوشته همین بروغالی در ۷۴۰، نثر اللثالی نوشته او، کلمات قصار علی (علیه السلام) به روایت حارث اعور ملکی نوشته همو در ۷۴۰، روایاتی از امام زین‌العابدین (علیه السلام) به روایت سفیان بن عینیة از زهری بن شهاب با تفسیر آنها به نظم، احادیث پیغمبر و امامان به همین خط، احادیث دیگر به همین خط، خطب و لمعات

فخرالدین عراقی به همین خط، شعر همام و مولوی و بایزید و عراقی و سعدالدین اصیل، کیمیای سعادت ناقص، دوازده سورة تورات، احادیث نبوی مورخ ۷۴۰، احادیث به روایت ابوالغنائم هبة‌الله بن محمد از ابویعلی محمد بن حسن بن جعفر از شیخ مفید، با پراکنده‌های فراوان.

مجموعه:

نسخ جمال‌الدین ابوالفتوح احمد بن ابی‌عبدالله بلکو بن ابی طالب بن علی آوی، با اجازه علامه حلی به همین آوی در رجب ۷۰۵ در ص ع ش ۲، و اجازه دیگر او در ۲۱ رجب ۷۰۵ به همین آوی در آن، با اجازه فخرالدین محمد حلی به او در ش ۳ (ذریعه، ۷۶/۱ و ۲۴۳؛ مجلس، ۳۴۶/۵).

۱ - القواعد الالهیة فی الکلام و الحکمة یا قواعد المرام

فی علم الکلام:

کمال‌الدین ابن میثم بحرانی که برای ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر در چند قاعده ساخته و در ۲۰ ع ۶۷۶/۱ به پایان برده است. نوشته آوی در نیمه روز ۲۰ رجب ۷۱۷ (ذریعه، ۱۷۹/۱۷ و ۱۹۱؛ مجلس، ۲۹۳/۱۵، ش ۹۳۸۸)؛

۲ - مبادی الوصول الی علم الاصول: علامه حلی، نوشته

آوی در نیمه روز ۲۱ رمضان ۷۰۳؛

۳ - نهج المسترشدین: از همو، به همین خط با سه

صفحه نونویس در پایان.

مجموعه: نسخ به یک خط، دارای:

۱ - احادیث نبوی؛

۲ - اختیارات هر روزی از ماه به حساب پارسیان به

روایت از امام جعفر صادق؛

۳ - کتاب الدعوات، به فارسی کهن در دیباجة آن، با ورد

شهاب‌الدین سهروردی، با شعری فارسی از روزبهان بقلی؛

۴ - منتخب احیاء علوم‌الدین غزالی در چهار قسم، نوشته

ابن خطیب جوینی در روز یکشنبه ۳۰ ج ۶۹۷/۲.

مجموعه نسخ سده ۶ و ۷:

۱ - شرح لامیة العرب للشنفری؛

۲ - شرح مقصورة ابن‌درید.

مجموعه دارای:

۱ - شرح رساله نفس الامر للطوسی: دوانی؛

۲ - شرح رساله نفس الامر للطوسی: مولی محمد حنفی

تبریزی هروی ساخته در روز پنجشنبه ۷ ع ۷۲۲/ در هرات،

سلیمان بیک بن امیر طاشخون، شارح، عبدالمحسن قیصری، درگذشته ۸۷۲ است.

مجموعه:

نسخ و نستعلیق سده ۸ و ۹، در آغاز، مهر کتابخانه ابراهیم عادل شاه، مورخ ۹ شعبان ۱۰۲۸، هنگام گشودن شهر محمدآباد دیده می شود.

۱- الاسباب والعلامات: نجیب الدین سمرقندی، نسخ مظهر بن نصیر طبیب در نیمه ع ۷۶۴/۲، با اجازه قرائت ابن الکتبی شافعی در آغاز محرم ۷۴۸ به مظهرالدین فتح الله؛

۲- تحریم الدفن: جالینوس، تعلیق ۸ ع ۸۷۴/۲؛

۳- اصول ترکیب الادویة: سمرقندی، در ۱۹ باب، نوشته همان مظهر طبیب در پایان ذق ۷۵۷؛

۴- قوانین ترکیب الادویة القلیبیه: سمرقندی، در دو صفحه.

مجموعه: نستعلیق سده ۱۲؛

۱- رساله عبدالجلیل بن صدرالدین الله آبادی چشتی در تصوف، به فارسی؛

۲- رساله درباره خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام و نص به فارسی؛

۳- علم النقاط: عبدالجلیل بن صدرالدین الله آبادی چشتی، نوشته روز دوشنبه ۱ محرم ۱۱۲۰ در شاهجهان آباد؛

۴- رساله در شرح حدیث «كنت و علی نوراً بین یدی الرحمن» به فارسی؛

۵- رساله در نماز به فارسی؛

سپس پراکنده های دیگر است و گزیده ای از سفینه النجاة و مصباح العابدین؛

۶- رساله فی آداب البحث: به عربی؛

سپس دعا و طلسم و قیافه و غالب و مغلوب و بندی از حرز الامان کاشفی است.

مجموعه نسخ سده ۱۱، ۳۵۷ ص، ربعی؛

۱- احکام النساء؛

۲- المسائل الصاغانیه؛

۳- جواب اهل الحائر فی سهو النبی؛

۴- الاشراف فی عامة فرائض الاسلام علی مذاهب

آل الرسول - علیه السلام -؛

۵- شرح المنام الذی راه الشیخ و مناظرته؛

۶- مختصر من الکلام علی الزیدیه؛

نوشته سلطان محمد بن علی شاه اصفهانی در پایان ج ۹۶۲/۱ در بردع (مدرس، ۲۶۳ و ۳۴۴؛ آستان قدس، ش ۸۱۵)؛

۳- رساله فی ان التصورات لا تحتمل عدم المطابقة: دوانی، نوشته در بردع (آستان قدس، ش ۹۹ منطق)؛

۴- رساله فی ان التصورات لا نقیض له: دوانی؛

۵- حاشیه علی تقسیم العلم بالتصور والتصدیق (همانجا)؛

۶- رساله فی تمام المشترك: احمد جندی (همانجا) نوشته در ۴ ج ۹۶۲/۱؛

۷- رساله در تحقیق در مجاز، به همان خط و مورخ ۲۰ ج ۹۶۲/۱؛

۸- رساله فی الوسائط، نوشته در ۹۶۲ در بردع؛

۹- مناظره الدوانی مع الدشتکی فی مغالطة «کل کلامی کاذب»؛

۱۰- شرح الرسالة السمرقندیة فی الاستعارات: عصام الدین اسفراینی، به همان خط و مورخ ۱۰ ج ۹۶۲/۲ در بردع؛

۱۱- تحقیق کلیات: قطب الدین رازی، به همان خط و مورخ ۹۵۲ در نزدیک شمکور گنجه.

در مجلد نهم فهرست مجلس (ص ۴۰۸) و مجلد دهم (ص ۱۱۰) از قطب رازی و در همین مجلد (ص ۹۶۹) از امام

فخر رازی (؟) دانسته شده است.

مجموعه:

شصت و نه رساله از غزالی و ابن سینا و ابوالقاسم بن باقر فندرسکی استرآبادی و فارابی و طوسی و اسکندر افرویدیسی

و ابن مسکویه و الشیخ الیونانی و ارسطو و سهروردی و دوانی و یعقوب بن موسی متطبب و کندی و عبدالباقی و افلاطون

(جوامع المقالات الثلاث فی النوامیس) نوشته محمد ابراهیم بن نصیرالدین محمد.

مجموعه، نستعلیق و نسخ از سده ۹ و ۱۰، دارای:

۱- معیار جمالی و مفتاح بواسحق: شمس فخری،

نستعلیق سید علی بن سید کمال الدین حسینی سمرقندی، از سده ۱۰؛

۲- قصیده فی العروض: ابومحمد عبدالله خزرچی، نسخ؛

۳- شرح هذه القصيدة: نسخ عثمان بن ابی بکر بن حاج

محمد بن المبشر در روز سه شنبه ۹ صفر ۸۸۸؛

۴- شرح رساله العروض لابی الجیش الانصاری، به نام

- ۷ - مسأله جرت بین الشیخ و بین القاضی الجشمی فی الامامة و معنی اللفظ المولی.
- ۸ - مسأله فی العدد و الرویة؛
- ۹ - شرح الاجوبة عن المسائل فی العشرة الفصول عما يتعلق بمهدی آل الرسول و هو جواب رئیس ابی العلاء ابن تاج الملک؛
- ۱۰ - مسأله فی المسح عی الرجلین جرت بین الشیخ و بین ابی جعفر النسفی فی مجلس السید الشریف المرتضی؛
- ۱۱ - العویص فی الاحکام؛
- ۱۲ - اقسام المولی فی الاستدلال علی امامة امیرالمؤمنین؛
- ۱۳ - تفضیل امیرالمؤمنین علی سائر البشر؛
- ۱۴ - من املائه فی معنی قول النبی «نحن معاشر الانبیاء لا نورث ما ترکناه صدقه»؛
- ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ - مسأله فی الغیبة؛
- ۱۸ - فی النص علی امیرالمؤمنین ساله عنها الباقلانی و آخری فیہ؛
- ۱۹ - مسأله الدماغانی؛
- ۲۰ - المسائل العکبریة.
- مجموعه:
- نسخ سده ۵ و ۶ با یادداشت مورخ ۶۸۸ و ۸۷۴ و ۱۰۸۱، دارای همین رسائل مفید با نهج بیان، کمی نقص دارد.
- مجموعه، دارای:
- ۱ - تنزیه الانبیاء و الائمة: سید مرتضی، نوشته حسن بن علی بن حسن بن علی بن حسن حسینی بحرانی توبلی در ۷ ذق ۹۷۰، تصحیح نجیب‌الدین محمد بن شریف عمادالدین محمود، با تاریخ ۱۰۸۰؛
- ۲ - پراکنده‌هایی در فقه و حدیث به همین خط؛
- ۳ - مناسک الزیارة، نوشته بحرانی در شهر جرون، در روز سه‌شنبه ۱۹ رمضان ۹۷۱؛
- ۴ - الثاقب فی المناقب، نوشته او در روز یکشنبه ۸ ذق ۹۸۱ در جرون؛
- ۵ - خطبة بیان، نوشته او در ۱۸ محرم ۹۶۷؛
- ۶ - خطبة بیان به روایت از جعدة بن جبيرة مخزومی؛
- ۷ - حکایت ادریس؛
- ۸ - حدیث مخضب و روضة بنت انس زاهده انصاریه، به همین خط.
- مجموعه: نسخ مشکى و شنگرف سده ۱۱، دارای:

- ۱ - تحفة المحسنین: محمدرضا بن قاری سبزواری، به نام شاه عباس دوم، به دستور میرزا محمد محسن رضوی متولی، نسخ محمد قاسم بن حسن تبریزی در روز آدینه؛
- ۲ - کنز اللغات: محمد بن عبدالخالق بن معروف گیلانی، نوشته همان تبریزی در ۱۰۸۴؛
- ۳ - رساله و قوف قرآن از روی سجاوندی به فارسی: ابوالکارم محمد زندوی، گویا نوشته همان تبریزی.
- مجموعه: از سده ۱۲، دارای:
- ۱ - امهات الاصول یا شجرة طوبی: شیخ الاسلام حسن بن حاج شیخ مرتضی حلی رشتی که در روز پنجشنبه ۱۷ ع ۱۱۹۸/۱ ساخته است، نوشته شب دوشنبه ۱۱ ع ۱۳۰۰/۲، به عربی در کلام شیعی در دوازده بند و خاتمه و مکمله؛
- ۲ - سؤال و جواب: از همو که پس از شجرة طوبی به فارسی ساخته است، به همین خط.
- مجموعه:
- نسخ به یک خط در هر دو شماره، ۲۷۴ گ، ۲۱ س، قطع وزیری.
- ۱ - الذخیره فی علم الکلام: سید مرتضی (۱ پ - ۱۵۴ پ). در ادب المرتضی (ص ۱۴۵ و ۱۵۰ و ۱۵۲ و ۱۶۵) از آن یاد شده و مؤلف آن نسخه را ندیده بوده است. در مجموعه شیخ آقا بزرگ تهرانی ص ۲۱ - ۳۱ (فیلم، ۱۱۶۲؛ دانشگاه، ص ۵۷۴ فهرست) چند بندی از آن هست با عنوان «مجموعه من کلام المرتضی فی فنون الکلام». نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه غرب همدان هست (نشریه، ۳۵۶/۵؛ فیلم، ش ۳۲۴۴). از این نسخه هم فیلمی در دانشگاه هست (ش ۳۲۹۵).
- در عدة الاصول شیخ طوسی، ص ۳۴ از ذخیره (ص ۲۲۵ نسخه همدان) نقل شده است.
- سید مرتضی در آن از آثار خود یاد می‌کند؛ مانند:
- ۱ - الشافی (ص ۳۶۲، ۲۹۸، ۳۸۲، ۳۰۴، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲ و ۳۷۰ نسخه همدان)؛
- ۲ - الملخص (۶۹)؛
- ۳ - تنزیه الانبیاء و الائمة (۲۳۳ و ۲۳۶)؛
- ۴ - کتاب فی جهة اعجاز القرآن (۲۷۷ - ۲۷۸)؛
- ۵ - الموضح عن اعجاز القرآن (۲۸۷)؛
- ۶ - المقنع فی الغیبة (۳۱۱)؛

- فصل فی ان الجواهر لا یفنی الا بضد الجواهر باقیة
 ۲۱ پ
 فصل فی وجوب فناء الجواهر بالضد الواحد ۲۲ پ
 فصل فی صحة الاعادة علیه ۲۳ ر
 فصل فی ذکر ما يجب اعادته ۲۳ ر
 ۴ - باب الکلام فی المعارف والنظر واحکامها وما يتعلق
 بهما: ۲۳ پ
 فصل فی حد العلم و بیان مهم احکامه ۲۳ پ
 فصل فی ذکر النظر و بیان مهم احکامه ۲۴ پ
 فصل فی ان النظر یولد العلم ولا یولد الظن ولا الشک
 ولا شیء سوى العلم ۲۵ ر
 فصل فی ابطال التقليد ۲۶ ر
 فصل فی ان العباد یقدرون علی المعارف وانها من فعلهم
 ۲۶ پ
 فصل فی وجوب النظر فی معرفة الله تعالی و جهة وجوبه
 وانه اول الواجبات ۲۷ ر
 فصل فی كيفية حصول الخوف للعاقل حتی يجب علیه
 النظر والکلام فی جنس الناظر و صفته ۲۸ ر
 فصل فی انه تعالی موجب علی کل عاقل معرفته وان
 المعرفة الضرورية لا یقوم فی اللطف مقام المكتسبة وما
 يتصل بذلك ۲۹ پ
 ۵ - باب الکلام فی اللطف:
 فصل فی معنى اللطف والعبارات المختلفة عنه و اشارة
 الی مهم احکامه ۳۲ پ
 فصل فی الدلالة علی وجوب اللطف وقبح المفسدة ۳۳ پ
 فصل فی حکم تکلیف من لا لطف له او من لطفه فی القبح
 ۳۴ پ
 فصل فی انه تعالی لو لم یفعل اللطف لم یحسن منه
 عقاب المکلف ۳۵ ر
 فصل فی اللطف اذا کان علی وجه فی الفعل دون وجه ۳۵ ر
 ۶ - باب الکلام فی الاصلح:
 فصل فی ذکر معانی الفاظ تدرو بین المتکلمین فی هذه
 المسألة ۳۵ پ
 فصل فی ذکر الادلة علی ان الاصلح فیما یرجع الی الدین
 لا يجب علیه تعالی ۳۶ ر
 ۷ - باب الکلام فی الالام: ۳۸ پ

- ۷ - المسائل الطرابلسیات (۲۵۵) (چهار تا است سومی
 آن مورخ ۴۲۴) (ذریعه، ۲۲۶/۶؛ دیباجة ذریعه مرتضی، ۱۸).
 چنین است فهرست مطلبهای آن:
 فی انا نفع علی سبیل التولية؛ ۱ پ نسخه مرعشی
 فی ان من فعل الفعل متولد اهل يجوز ان یفعل بعینه
 مبتدا وهل فصل بین القديم والمحدث فی ذلك؛ ۲ ر
 ۱ - باب الکلام فی الاستطاعة واحکامها وما يتعلق بها: ۲ پ
 فصل فی اثبات القدرة. ۲ پ
 فصل فی ان القدرة متعلق بالمتفق والمختلف من
 اجناس مقدورات العباد و كيفية تعلقها بذلك و وجوهه. ۳ ر
 فصل فی الدلالة علی ان القدرة يجب ان يتقدم الفعل. ۶ ر
 فصل فی الکلام علی بقاء القدرة و بیان الصحيح منه. ۸ ر
 فصل فی ابطال تکلیف ما لا یطاق. ۱۰ ر
 فصل فی ابطال البدل. ۱۰ پ
 ۲ - باب الکلام فی التکلیف:
 فصل فی جملة هذا الباب. ۱۱ ر
 فصل فی حقيقة التکلیف. ۱۱ ر
 فصل فی صفات المکلف. ۱۱ پ
 فصل فی بیان الغرض بالتکلیف و وجه الحکمة فيه و فی
 ابتداء الخلق ۱۱ پ
 فصل فی بیان صفات الافعال التي يتناولها التکلیف. ۱۳ ر
 فصل فی الکلام فیما يتعلق بالمکلف وما يجب ان یكون
 علیه ۱۳ ر
 فصل فی ماهية الانسان ۱۳ ر
 فصل فی الصفات والشرائط التي یكون علیها المکلف ۱۵ ر
 فصل فی الکلام فی حسن تکلیف الله تعالی من یعلم انه
 یکفر ۱۶ پ
 فصل فی صحة ارادة ما علم المرید انه لا یقع ۱۶ پ
 فصل فی حسن تکلیف الله تعالی من یعلم انه یکفر ۱۷ ر
 فصل فی تمییز وجوه حسن التکلیف ۱۹ پ
 فصل فی وجوب انقطاع التکلیف ۲۱ ر
 فصل فی ان الثواب لا یقترن بالتکلیف ولا یتعقبه من
 غیر تراخ ۲۱ ر
 ۳ - باب الکلام فی الاعادة وما يتعلق بها و یرجع الیها: ۲۱ ر
 فصل فی جواز الفناء علی الجواهر ۲۱ ر
 فصل فی ذکر ما یدل علی فناء الجواهر من جهة السمع ۲۱ پ

- فصل فى صفات الثواب واحكامه والكلام فى دوامه
وانقطاعه ٥٦ پ
- فصل فى استحقاق الدم و وجهه و كفيته و تفصيل احكامه
٥٨ پ
- ١٠ - باب فى احكام العقاب و جهة استحقاقه و تفصيل
احواله: ٦٠ پ
- فصل فى ذكر ما يزيل الثواب او العقاب و يدخل فى ذلك
الكلام فى التحابط ٦٢ پ
- ١١ - باب الكلام فى النبوات: ٦٧ پ
- فصل فى معنى قولنا رسول و نبي ٦٧ پ
- فصل فى بيان حسن بعثة الانبياء ٦٨ پ
- فصل فى بيان وجه دلالة المعجزات على النبوات ٦٩ پ
- فصل فى جواز ظهور المعجزات على ايدى غير الانبياء
٧٠ ر
- فصل فى ان الانبياء لا يجوز عليهم شىء من المعاصى
قبل النبوة و لا بعدها ٧٠ ر
- فصل فى الكلام فى الاخبار ٧٢ پ
- فصل فى الكلام فى حد الخبر و شىء من احكامه ٧٢ پ
- فصل فى ان الاخبار قد يحصل عندها العلم ٧٣ پ
- فصل فى كيفية حصول العلم عند الاخبار و هل هو
ضرورى او مكتسب ٧٣ پ
- فصل فى الكلام فى النسخ ٧٦ پ
- فصل فى الرد على اليهود فى ما يابونه من نسخ
الشرايع ٧٦ پ
- فصل فى الدلالة على صحة نبوة نبينا ٧٨ ر
- فصل فى وقوع التحدى بالقرآن ٧٩ ر
- فصل فى ان القران لم يعارض ٧٩ پ
- فصل فى ان تعذر المعارضة كان على وجه خارق للعادة
٨٢ ر
- فصل فى جهة دلالة القرآن على النبوة ٨٣ ر
- فصل فى الدلالة على صحة ما عدالقرآن من معجزاته ٩٠ پ
- ١٢ - باب الكلام فى الامامة ٩٠ پ
- فصل فى الدلالة على وجوب الرياسة فى كل زمان ٩١ پ
- فصل فى بيان صفات الامام ٩٨ ر
- فصل فى الدلالة على وقوع النص بامامة على
اميرالمؤمنين ١٠٠ پ
- فصل فى اثبات الالم و ذكر مهم احكامه ٣٨ پ
- فصل فى ذكر الوجوه التى يحسن عليها الالم او يقبح ٤٠ ر
- فصل فى الدلالة على ان الالم يحسن اما معلوما او
مظنونا ٤١ ر
- ٨ - باب فى الدلالة على ان الالم يحسن لدفع الضرر
المعلوم و المظنون: ٤١ پ
- فصل فى ان الضرر قد يحسن لكونه مستحقا و هل يقوم
الظن فيه مقام العلم ٤٢ ر
- فصل فى الوجوه التى يفعل تعالى الالم اليها ٤٢ پ
- فصل فى الرد على البكرية ٤٤ پ
- فصل فى الرد على اصحاب التناسخ ٤٥ ر
- ٩ - باب الكلام فى الاعواض: ٤٦ ر
- فصل فى الوجوه التى يستحق بها على الله تعالى العوض
٤٦ ر
- فصل فى انه تعالى بالتمكين من المضار ٤٧ ر
- فصل فى ذكر الوجوه التى يستحق على العباد العوض ٤٨ ر
- فصل فى انه هل العوض دائم او منقطع ٤٩ ر
- فصل فى انه هل يسقط العوض بالهبة و الابرء ام لا ٥٠ ر
- فصل فى [انه] هل يزيد مبلغ العوض بالتأخير ام لا ٥٠ ر
- فصل فى انه تعالى لا يجب ان يزيد العوض عند فعل الضرر
٥٠ پ
- فصل فى ذكر ما يلزم من ان الاعواض باتلاف النفوس
و ازالة الاملاك و قطع المنازل ٥٢ ر
- الكلام فى الاجال: ٥٣ ر
- فصل فى ان المقتول كان يجوز ان يعيش لو لا القتل و ان
موته فى تلك الحال غير واجب ٥٣ پ
- فصل فى ان المقتول لا يجب القطع على انه لو لم يقتل
لبقى لا محالة ٥٣ ر
- الكلام فى الارزاق: ٥٣ ر
- فصل فى ان الرزق لا يكون الا حلالا و الحرام لا يوصف
بذلك ٥٤ ر
- فصل فى اضافة الرزق و كيفية طلبه و اجتلابه و الرد على
من حرم المكاسب ٥٤ پ
- الكلام فى الاسعار ٥٥ پ
- الكلام فى الافعال و ما يستحق بها و عليها و تمييز احكام
ذلك و تفضيله: ٥٥ پ

- فصل فی ذکر جملة من احکام الدعاء ۱۵۳ پ
- خاتمة الكتاب ۱۵۴ پ
- آغاز: بسمله. حمد له. وصلى الله على سيد المرسلين محمد وآله الطاهرين وسلم تسليماً [...] فى انا نفعل على سبيل التولية. ما دل على اننا نفعل على سبيل المباشرة من وجوب وقوع ذلك بحسب احوالنا و دواعينا ثابت فى المتولد فيجب ان يدل فيهما و دليل المدح و الذم الذى بيناه فى المباشر قائم فى المتولد فان الظلم و الكذب و هو الاصل فى استحقاق الذم لا يكونان الا للمتولدين و الاحسان الذى يستحق به الشكر لا يفعله الا متولد و تستبد للافعال المتولدة منا بطرق لا يجده باقى المباشر منها انه يقع بحسب قدرنا. و هذا الدليل لا يصح اعتماده ابتداء فى المباشر لانه مبنى على ما يتقدم العلم به و فى المتولد انما بيناه على ما تقدم العلم به. و منها ان الافعال للمتولد يقع بحسب الاسباب و لهذا تحصل الحركات منا بحسب الدفع و الاعتماد و الصوت و بحسب ... (يكلمه سفيده مانده) فلو لم يكن من فعلنا لما وقع بحسب اسبابنا كقول الغير و لا يعترض على ما ذكرناه ان فى الافعال المتولدة ما لا يقع بحسب القدر و السبب كالالم لان وجود فعل المدلول مع ارتفاع الدليل ليس ينقض. و انما النقض وجود الدليل مع ارتفاع المدلول. و منها اذا جاوزنا بين اجزاء فلا بد من وجود التأليف فلا وجه لوجوب وجوده (آغاز نسخة همدان) لو لم يكن متولدا عن المجاورة. لانه لو كان من يفعله يقال او فعلنا ابتداء لجازان لا نفعله.
- انجام: و ينقسم ما يتناوله الدعاء الى قسمين احدهما قد تقدم العلم بانه واجب مفعول لا محالة نحو اثابة المؤمنين و الصلاة على النبي صلوات الله و سلامه عليه و آله مما الفائدة فيه التعبد و التقرب لا طلب ما يتناوله الدعاء و القسم الاخير ما لا يعلم وجوبه و حصول فعله لا محالة و هو على ضربين احدهما ان يكون واجبا و ان خفى علينا وجوبه مثل ان يكون لطفاً فى التكليف و ينقسم الى ما يكون (نسخة همدان) مصلحة على كل حال و الى ما يكون لطفاً عند الدعاء لان للدعاء على كل حال تأثيراً فى فعله و القسم الاخر من القسمين الاولين ما ليس بواجب من الاحسان و التفضل و ذلك مما يجوز ان يفعل و ان لا يفعل.
- فاذا فعله تعالى عند الدعاء فهو اجابة له و قولنا مجاب
- فصل فى الكلام على امامة ابي بكر ۱۱۵ ر
- فصل فى ذكر محاربة امير المؤمنين و توبه من يدعى توبته ۱۱۸ پ
- فصل فى الدلالة على صحة امامة باقى الائمة الاثنى عشر ۱۲۱ پ
- ۱۳ - باب الكلام فى الوعيد السمعى ۱۲۲ ر
- فصل فى الكلام فى احكام اهل الاخرة ۱۲۸ پ
- فصل فى عذاب القبر ۱۳۰ ر
- فصل فى ما يقع فى احوال الموقف من المحاسبة و ذكر الميزان و الصراط و شهادة الجوارح ۱۳۰ پ
- فصل فى بيان ما تعبدنا به فى مستحق الثواب او العقاب ۱۳۱ ر
- فصل فى الكفار و التفسيق ۱۳۱ پ
- فصل فى الكلام فى الاسماء و الاحكام ۱۳۲ پ
- الكلام فى الامر بالمعروف و النهى عن المنكر ۱۳۷ ر
- الكلام فى الاكراه و احواله و ما يتصل به ۱۳۹ پ
- فصل فى حكم الدار ۱۴۲ ر
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى من الاسماء و الصفات ۱۴۳ ر
- فصل فى اصول اللغات هل هى توقف او بالمواضعة ۱۴۳ ر
- فصل فى حسن اجراء الاسماء و الصفات التى يستحقها ۱۴۳ پ
- فصل فى ذكر ما يجرى عليه تعالى من الاسماء ۱۴۳ پ
- فصل فى وصفه تعالى بالوجود و ما يرجع اليه ۱۴۴ ر
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى لكونه قادراً ۱۴۵ ر
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى من الاوصاف لكونه عالماً و ما يتعلق بذلك ۱۴۶ پ
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى لكونه حياً و ما يرجع الى ذلك ۱۴۷ پ
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى من الاوصاف التى يختص بنوع مفرد ۱۴۷ پ
- فى الكلام فى ما يستحقه تعالى من الصفات الراجعة الى الافعال فى ما يجرى عليه تعالى لكونه فاعلاً ۱۴۸ پ
- فصل فى ما يجرى عليه تعالى من الاوصاف الراجعة الى الارادة و الكراهة ۱۵۱ پ
- فصل فى ما يستحقه تعالى من الاوصاف من حيث لم يفعل، ما يقدر عليه من افعال مخصوصة ۱۵۲ پ

الدعوة يقتضى تكرر اجابة دعائه وان المفعول عند دعائه على سبيل الكرامة له والرفع من منزلته. ومن يسأل احدنا ربه تعالى امرا فلم يفعله لا يجب القطع على ان ما اجيبت دعوته لانه اذا سأل بشرط ان لا يكون فيه مفسدة فغير ممتنع ان يكون انما لم يفعل ما طلبه لانه مفسدة وانما تكون ممنوعا اذا لم يفعل ما طلبه من غير حصول الشرط الذى شرطه. وهذه جملة كافية.

و اذا كانت اغراضنا فى هذا الكتاب قد تكاملت بعون الله تعالى، فالواجب قطعه ههنا ونحن قاطعون له ومستغفرون الله تعالى من ذلك ان كان فيه او خلل وبريئون من كل قول لعله يرمى فى تضمنه مخالفا للصواب مجانباً للرشاد مستبدلاً فيه غش هوئى بنصيحة عقل ونقسم بالله تعالى على من تأمله ان لا يقلدنا فى شىء من مذاهبه او ادلته وبحسن الظن بنا فبلغنى (؟) النظر والتصفح والتأمل تعويلاً على ان انا قد كفينا ذلك وارحناه مما قد تكفلناه من تعيبيه ونصبه بل ينظر فى كل شىء نظر المستفتح المبتدى مطرحاً اللاهواء المزينة للباطل بزينة الحق المشبهة للكذب بالصدق معادلاً فيما ينظر فيه ويتصفح فى نفسه من احوال غير مايل الى ان يكون الحق من احدهما دون صاحبه حتى يكون ميله الى جهة وانحرافه الى اخرى بعد العلم الذى يثمر نظره ونتيجة فكره وان يكثر عند انتفاعه بشىء منه من الدعاء لنا والترحم علينا فى حيات و موت و رجاء و فوت.

وبين اوائل هذا الكتاب و اواخره تفاوت ظاهر، فان اوله على غاية الاختصار والبسط والشرح معتمدان فى اواخره. والعدر فى ذلك انا بداننا باملاته والنية فيه الاختصار الشديد تعويلاً على ان الاستيفاء والاستقصاء يكونان فى كتاب الملخص فلما وقف تمام املاء الملخص لعوائق الزمان التى لا تملك تغيرت النية فى كتابنا هذا وزدنا فى بسطه و شرحه.

و اذا جمع بين ما خرج من الكتاب الملخص و جمل ما انتهى اليه كانه لهذا الكتاب وجد بذلك الكلام فى جميع ابواب الاصول مستوفى مستقصى ونحن نحمد الله تعالى على ما وفقه وقدره ويسره وسهله من ذلك كله ان يجعله خالصاً لصوابه ومؤمناً من عقابه انه على ما يشاء قدير و صلوته على خيرته من خلقه محمد وآله الطاهرين و سلامه و هو حسبنا ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير غفرانك ربنا و اليك المصير.

اتفق الفراغ من الكتابة يوم السبت والخامس والعشرين

من جمادى الاول فى تاريخ سنة اثنى و تسعين و ثمانمائة [نقله من كتابه الشريف العبد الضعيف النحيف الراجى الى رحمة الله الهادى تعالى و غفرانه على بن كمال الدين على الاسترآبادى و قد مضى من عمره الان بعدد فرق امة النبى المكى والحمد لله الذى جعله من الناجى بوسيلة النبى و آله المعصومين. اللهم احشرهم يوم القيامة معهم متمسكاً بقوله تعالى يوم ندعوا كل اناس بامامهم اللهم استجب دعاءنا بفضلك و جودك و رحمتك يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين].

و قد كان تاريخ اصل النسخة التى كتبها منه هكذا كتب الكاتب:

«اتفق الفراغ من اكتبته يوم الخميس الحادى العشرين من رجب سنة خمس و خمسمائة كتبه محمد بن على بن هرون بن محمد الموسوى غفر الله ذنوبنا و ذنوبهم. بمحمد و آله اجمعين». در ص ع آمده: «كتاب ذخيرة العالم و بصيرة المعلم و هو من تمة كتاب الملخص فى اصول الدين من املاء السيد الاجل الافضل الاعلم قدوة العلماء و النقباء السيد المرتضى علم الهدى ذوالمجددين ابى القاسم على بن الحسين الموسوى رضى الله عنه».

در ۱۰۴ ر حاشيه‌ای است از حاتم بن نظام الملك و در آن آمده: «قول ابن خطاب فى سر العالمين من رسائل الغزالي...». نسخه از شيخ سليمان به ۱۷ مجيده خريده شده است (يادداشت نويسنده: قلى^۱) نسخه را على بن كمال الدين على استرآبادى در ۷۳ يا ۷۲ سالگى (شماره فرق امت نبى) در روز شنبه ۲۵ ج ۸۹۲ به خط نسخ از روى نوشته محمد بن على بن هارون بن محمد موسوى در روز پنجشنبه ۲۱ رجب ۵۰۵ نوشته است.

۲- الانتصار مما اتفقت به الامامية: سيد مرتضى (۱۵۶ پ - ۲۷۴ ر) به همان خط و بى تاريخ، با مهر «على ... ۱۰۹۶» از مالك. المحيط الاعظم و البحر الخضم و الطود الاشم فى تأويل كتاب الله العزيز المحكم:

از ركن الدين حيدر بن تاج الدين على پادشاه بن محمد امير بن على پادشاه بن ابى جعفر محمد بن زيد آملی (۷۱۹- پس از ۷۸۷) كه در هفت مجلد بايد باشد و مانند فصوص الحكم ابن العربى است به گفته خود آملی و برابر است با شش مجلد تفسير بحر الحقائق و منبع الدقائق نجم الدين دايد

۱. در نام نويسنده تراشيدگى ديده مى شود و گوياء چيز ديگرى بوده است.

بین الشیعة حتى حصلت لبها و خلاصتها و مراتب العلوم المتعلقة من المنقول و المعقول بها على استاديها بعضها فى بلدى الامل الذى هو مولدى و مسقط رأس آبائى و اجدادى و بعضها فى خراسان و استرآباد و بعضها فى اصفهان هذا كان فى مدة عشرين سنة حتى رجعت من اصفهان الى امل مرة ثانية و اجتمعت بخدمة الملك العالم العادل فخرالدولة بن الملك المرحوم السعيد شاه كيخسرو - طاب الله ثراهما و جعل الجنة مثنويهما و خصنى بالكرامة و الجلالة و جعلنى من اقرب اصحابه و ندمائه ثم من اخص خواصه ثم من اعظم نوابه و حجابيه - و هم من اولاد كسرى و انوشروان الى يزدجرد الى پرويز و جدهم القريب كان ملك اردشير بن الحسن بن تاج الدولة الذى كان ممدوحا لظهيرا الدين الفاربابى و سراج القمرى و امثالهم من الشعراء الكبار و مضت برهة من الزمان على هذا ثم طلبنى الملك العادل قهرمان الوقت ملك الرويان فخرالدوله شاه غازى - خلد الله دولته الذى هو الان موجود و كنت فى خدمته على الوجه المذكور و فى خدمة اخوته الملك الاعظم جلال الدولة اسكندر - طاب ثراه - و الملك المعظم و شرف الدولة گستههم و طوس ملك اعزالله انصارهما و مضت على هذا ايضا مدة و حصل لى من الجاه و المال فوق التصور ببركة صحبتهم و كنت كذلك فى ارغد عيش و اطيب حال بين الاهل و الاوطان و الاصحاب و الاخوان حتى غلب فى باطنى دواعى الحق و كشف لى فساد ما انا فيه من الغفلة و الجهل و النسيان و ظهر لى ضلالى عن طريق الحق و الاستقامة على سبيل الزيغ و الطغيان فناجيت ربه فى السر و طلبت منه الخلاص عن الكل و حصل لى شوقاً تاما الى الترك و التجريد و التوجه الى حضرة الحق بقدم التوحيد و ما كنت اتمكن هذا فى صحبة هولاء الملوك و لافى الوطن الاصلى المألوف و لافى صحبة الاخوان و الاصحاب. فرأيت المصلحة تركهم بالكلية و الخروج من عندهم الى موضع تيسر ذلك على احسن الوجوه فتركهم على هذا الحال و تركت الاهل و المال و الملك و الجاه و الوالد و الوالدة و الاخوة و الصديق و الرفيق و لبست دلقا يكون قيمة اقل من درهم لانه كان ملقاة فى بعض الدورب و توجهت على هذا المنوال الى زيارة جدى رسول الله و الائمة المعصومين - عليهم السلام - بنية الحج و زيارة بيت الله الحرام و بيت المقدس و كان ذلك بطريق الرى و القزوين و الاصفهان و حتى وصلت الى اصفهان بعد ان كنت فيه مدة طويلة فى زمان

رازى (٥٦٤ - ٦٥٤) كه دنباله تفسیر نجم الدين كبرى خيوقى (كشته در ٦١٨) است و آن را شاگردش، علاءالدوله سمنانى (درگذشته ٧٣٦)، به پایان برده است.

أملی آن را گویا میان ٧٧٧ و ٧٨١ به انجام رسانده و مجلد دوم آن تاریخ شوال ٧٧٧ دارد.

در نسخه نجف تاریخ رمضان ٧٧٧ آمده است. او این کتاب را به نام خزانه جلال الدين شاه شجاع مظفرى (٧٥٩ - ٧٨٦) ساخته، چنانكه، نص النصوص فى شرح الفصوص خود را به سلطان احمد خان جلاير ايلكانى (٧٨٤ - ٧١٣) فرمانروای آذربایجان و عراق ارمغان کرده بود و سال تألیف آن ٧٨١ است و او در این زمان ٦٣ سال داشته است.

او در آغاز شرح فصوص سرگذشت خود را آورده (دیباجة جامع الاسرار چاپ ١٩٦٩) و در این تفسیر چنین می نویسد: «اما البحث الاول المتعلق بنسبتنا اليهم فتلك يكون من حيث الصورة و من حيث المعنى، كما قرناه.

اما من حيث الصورة فانا ركن الدين حيدر بن السيد تاج الدين على پادشاه بن السيد ركن الدين حيدر بن السيد تاج الدين على پادشاه بن السيد محمد امير بن على پادشاه بن ابى جعفر محمد بن زيد بن ابى جعفر محمد بن الداعى بن ابى جعفر محمد بن ابراهيم بن محمد بن الحسين الكوسج بن ابراهيم سناء الله بن محمد بن الحرون بن حمزة بن عبيدالله الاعرج بن الحسين الاصغر بن الامام على بن الحسين بن زين العابدين بن الحسين الشهيد بن امير المؤمنين على بن ابى طالب - عليه السلام.

و تحقيق هذه يعرف من الشجرة المستخرجة من كتب الانساب لان هذا اجمال يحتاج الى تفصيل ثم الى تاريخ و ينقلان الى من بلاد الى بلاد و غير ذلك من الشرايط و يناسب هذا المكان ما قال السيد الرضى - رحمه الله عليه - فى خطبته لنهج البلاغة بالنسبة الى نفسه: اوليك آبائى فجننى بمثلهم اذا جمعتنا يا جرير الجامع.

و اما من حيث المعنى فذلك يحتاج الى تقديم مقدمات منها لى بيان حالى من ابتداء السلوك الى حين الوصول اجمالا اعلم انى من عنفوان شبابى بل من ايام طفوليتى الى مدة ثلاثين سنة او قريب منها كنت فى تحصيل عقايد اجدادى المعصومين - صلوات الله عليهم اجمعين - من حيث الشريعة و طريق الظاهر المخصوصة بالطايفة الامامية من

الشباب وكثرة الجاه والمال واجتمعت بخدمة المشايخ الذين كانوا فيه و وقع من بينهم عقد الاخوة و الفتوة بيني و بين الشيخ الكامل المحقق نورالدين الطهراني و هو قرية على باب اصفهان من طرف دردشت و يسمونها العوام تيران و هو في الاصل طهران بكسر الطاء و كان عارفا زاهدا مقبولا عندا خاص».

افسوس که نسخه در اینجا افتادگی دارد و مطلب بریده مانده است. این بند تنها در نسخه نونویس دیده می‌شود و نزدیک است به آنچه که در دیباچه شرح فصوص خود آورده است و نکته‌هایی افزوده دارد.

آملی در این بند از پدر خود، علی پادشاه، یاد کرده است. این را می‌دانم که در روز آدینه ۲۹ ذح ۱۴ اسفندیار ماه سال ۷۵۹ ملک جلال‌الدوله اسکندر پادشاه رویان با کمک فخرالدوله شاه غازی «قلعه قوسین» ری را گرفته و به امیرکبیر علی پادشاه داده بوده است. او باید پدر همین سید حیدر باشد.

او گویا در اثر آشفتگی‌هایی که در طبرستان رخ داده، ناگزیر شده بود که دست از وزارت و شکوه دنیوی بکشد. یکی از آنها گویا در اثر یورشی بود که امیر مسعود سربداری سبزواری در ۸ ذح ۷۴۳ به آمل برده و تا به کوهستان رفته بود و سرانجام او را در بون کشته بودند.

آملی در این بند از دو فخرالدوله یاد می‌کند:

۱ - فخرالدوله حسن پسر کیخسرو باوندی کینخواری پادشاه کوهستان در ۱۶ سال (۷۳۰ - ۷۵۰) که کیایان چلاو علی افراسیاب و محمد افراسیاب پس از اینکه از فقیهان آمل فتوی به کفرش گرفته بودند در سال ۷۵۰ او را بر سر گرمابه، که داشت در آنجا شاهنامه می‌آموخت، کشته‌اند.

پس از کشتن او هفده سال مازندران سخت آشفته بود و خونها ریخته شد و تا روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۷۶۲ کار در دست افراسیاب چلابی بوده است و او در این روز به دست نوکران قوام‌الدین مرعشی دابویی دربانصر کلاته کشته شده است و پس از این آمل و ساری در دست همین قوام‌الدین بوده است تا سال ۷۹۴.

۲ - استندار فخرالدوله شاه غازی پسر زیار پادوسبانی که از اسپهبدان رستمدر و رویان و نور و کجور میان گیلان و آمل بوده و بیست سالی فرمانروایی کرده و در ۷۷۰ درگذشته است. سرگذشت آملی و فهرست دقیق آثار او در دیباچه جامع الاسرار آمده است.

در «مازندران: جغرافیای تاریخی و اقتصادی» عباس شایان (چاپ ۱ مورخ ۱۳۱۲ خ ص ۲۵۴ - ۲۵۵ و ۲۶۸ و ۲۷۷ و چاپ ۲ در تهران ۱۳۳۶ خ ج ۱ ص ۲۴۵ تا ۲۴۷ و ۲۶۳ و ۲۹۰) سرگذشت آملی و مزار او هست و در آن آمده که او پس از ۷۸۷ درگذشته و اینکه مزار او در آمل در مقبره سید سه‌تن (سید حیدر، رویانی، عزالدین بن کمال‌الدین) است و این سید عزالدین مرید آملی بوده و این بقعه را ساخته و خود او هم در آنجا دفن شده است و او شارح قصاید عطار است و در اواخر سده ۷ زنده بوده است. این مقبره گنبدی است آجری، هشت ضلعی، با بامی هرمی، با ۱۲ متر بلندی. در جنوب آن دو دریچه است: یکی شرقی و دیگری غربی که در آن چنین کنده شده:

«امر بعمارة هذه البقعة الشريفة قطب المحققين وبرهان السالكين سيد عزالدین ابن سيد بهاءالدين الاملى» و تاریخ ندارد.

به گفته رابینو (ص ۱۴) در سنگ آن نوشته بود: «فی شهر الله المبارك سنة اربعة عشر و خمسمائة. بسملة. لا اله الا الله محمد رسول الله الملك لله العزة لله الحمد لله هذه قبر الامام السعيد قاضى القضاة تاجالدين فخر الاسلام ابوالقاسم بن الامام الشهيد فخرالاسلام ابوالمحاسن الرويانى - قدس الله روحه».

* تعليق مؤلف، عنوان و نشان شنگرف، با خط خوردگی، با حواشی، موریانه خورده پاره شده و صالی شده و آشفته و پس و پیش شده مجلد ۱ و ۲، آغاز و انجام افتاده.

با مهر «از کتب موقوفه مرحوم میرزا ابوطالب»

۱۶۶ گ ۳۳۱ ص ۳۵ س، رحلی کاغذ سمرقندی نخودی کلفت، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی تازه مقوایی، ۱۷×۲۳×۲۰. * نسخ نونویس سده ۱۳ و ۱۴، عنوان شنگرف، مجلد دوم با چند برگگی از مجلد نخستین گویا از روی همان نسخه اصل نوشته شده و پیش از آنکه در آن افتادگی پیدا شده باشد؛ چه سرگذشت آملی در این نسخه هست و در آن نیست ولی این نسخه هم افتادگی دارد و پس پیش شده است.

کاغذ فرنگی سفید - جلد مقوا، رحلی، ۱۷۰ گ ۳۴ س ۱۴×۲۴ - ۲۰/۵×۳۰/۵.

المحیط بلغات القرآن:

از ابوجعفر احمد بن علی مقرئ بیهقی، درگذشته پایان رمضان ۵۴۴ (فرهنگنامه‌ها، ص ۴۸) فرهنگ لغتهای قرآن است به فارسی.

القراءة كهيعص وهم قسم اقسام الله تعالى به وبامالة الهاء.
انجام: عن اليمين و عن الشمال خبر مبتده قعيد او القعيد
المقاعد دائما... ونحن بعلمنا الاقرب الى الانسان من كل قريب.
المعتبر: ابوالبركات بغدادی.

* نسخ محمد بن ابی الفوارس ابن ابی سعید در ۲۳ ع
۵۹۹/۱ در منطق و ۱۳ ع ۵۹۹/۲ در پایان، آغاز افتاده.
المعجم:

از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بغوی،
درگذشته ۳۱۷ (چلبی - ریحانة الادب، ۱۶۹/۱).

* نسخ آغاز رمضان ۵۱۳، در چهار جزو از ۲۱ تا ۲۴، با
چند سماع یکی مورخ ۱۶ و دو تا ۵۷۵.
المغازی:

در آن از ابن اسحاق و ابن هشام نقل می شود.
* نسخ سده ۷، آغاز و انجام افتاده.

المغرب:

از ابوالفتح ناصر بن عبدالسید مطرزی درگذشته ۶۱۰ (چلبی).
* نسخ سده ۷، آغاز و انجام ننویس.

المغنی فی الادویة الالمفرذة:

از ابن البیطار ضیاءالدین ابومحمد عبدالله بن محمد
مغربی مالقی عشاب، درگذشته ۶۷۱ (چلبی).

* نسخ شب شنبه ۷ ج ۱/۶۴۶، نیمه دوم است و از فصل
دوم باب هفتم آغاز می شود.

المغنی فی النحو:

از شیخ منصور تقی الدین ابوالخیر ابن فلاح بن محمد بن
سلیمان بن معمر یمانی، نحوی، اصولی فقه، محدث، مفسر،
درگذشته ۶۸۰ که در محرم ۶۷۲ به انجام رسانده و در چهار
مجلد است (چلبی - معجم المؤلفین، ۱۹/۱۳).
* نوشته ج ۱/۱۲۸۵.

مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن:

از محمد صالح بن محمد مؤمن قزوینی، به عربی.
* نستعلیق علی اصغر رودباری در ۲۵ ذق ۱۲۷۵ در مجلد
پنجم که در کربلا در ۱۱ رجب ۱۲۶۸ تألیف شده و ع ۱۲۷۶/۲ در
مجلد ششم که در همان سال ۱۲۶۸ ساخته شده است.
مفتاح العلوم: سکاکی.

* نسخ معصوم بن سهل الله بن حسین کاشی در ۱۴
رمضان ۷۵۹ در مدرسه نظامیه بغداد، با اجازه قرائت محمد

* نسخ سده ۱۲، عنوان شنگرف و زنگار، انجام افتاده «در
فصل فی الصفات المتضادة».

مختصر الفریبین للهروی: ابوالفرج ابن الجوزی.

* نسخ کهن از سده ۹ و ۱۰، آغاز و انجام افتاده، از عنوان
الصادم الطاء است تا الیاء مع النون، با خط محمد قمی
ارباب و سید محسن امین عاملی در ۱۳۵۳ که به قم آمده بود.
مختلف الشیعة: علامه حلی.

* نسخ جعفر بن حسین استرآبادی در پایان محرم ۷۰۵،
از زکات است تا پایان جزو دوم که در پایان ذح ۷۰۰ به انجام
رسیده است.

المزار:

در آن آمده «سمیناه بالمزار» و در مقدمه عبارت «منسک
المساجد العامرات والزیارات الكاملة المبارکات» دیده
می شود، عنوان باب دارد، مزار شهید (دانشگاه، ۲۰۷/۱)
نیست و مزار ابن داود قمی (آستان قدس، ش ۱۸۴) هم نیست.
آغاز: الحمد لله رافع السموات و ساطح الارضین المدحوات.
* نسخ معرب کهن.

مستقصی الامثال: زمخشری.

* نسخ محمد بن ابی الحسین بن اسامة بن عدنان بن
اسامة در روز شنبه ۱۸ ع ۶۱۷/۱.

مشارك الانوار:

از زیب العلماء اورنگ زیب بن محمد تقی بن فتح علی
شاه قاجار در طهارت است.
* به خط مؤلف.

مشرق الشمسین: شیخ بهائی.

* نسخ احمد بن محمد خاتونی در اصفهان در روز ۱۴ ع
۱۰۲۹/۱ با اجازه شیخ بهائی به او به خط خود در اواخر ع
۱۰۲۹/۱ و با اجازه نعمة الله علی بن احمد بن خاتون بیکی از
بزرگان و با نقل اجازه مورخ ۹۷۶.

معانی القرآن: تفسیر است لغوی.

* نسخ سده ۶ و ۷، از سورة الحمد تا سورة الحجرات.
آغاز اندکی افتاده: معانی تصرفا بحس و دهش لتحیر
الناظرین فی عظمتہ... الرحمن الرحیم واحد لانهما من
الرحمة و هی ترك عقوبة من يستحقها.

آغاز سورة مریم: مکية او الاسجدتها فانها مدنية او الالف خلف
من بعدهم الایتین و هی ثمان او تسع و تسعون آية. بسمله.

بن یوسف بن علی بن محمد کرمانی در ع ۷۶۴/۶ به نظام‌الدین اسحاق کهگیلویی، قسم سیم است با «الکلام فی تکملة علم المعانی» به خط نسخ کهن دیگر.

مفتاح النجاة:

از علی بن حسن زواره‌ای، در ترجمه عدة الداعی ابن فهد حلی.

* نوشته سده ۱۱ و ۱۲.

معارج الاحکام:

از سید محمد حسین بن امیر محمد ابراهیم بن محمد معصوم بن محمد فصیح بن امیر اولیاء حسینی قزوینی (۱۲۲۶ - ۱۱۰۸)، (دانشگاه، ۲۰۵۲/۵؛ مجلس، ۴۲۶/۵، ش ۲۵۹؛ نشریه، ۳۵۱/۶).

* نسخ عبدالرحیم بن محمد تقی در ۱۲۹۵، مجلس نخستین است و در رجال و درایه و اصول.

معالم الدین فی فقه آل یاسین:

از شمس‌الدین محمد بن شجاع بن قطان انصاری حلی (دانشگاه، ۲۰۵۶/۵، ملی رشت).

* نستعلیق سده ۱۳.

مکاتیب:

از شیخ احمد فاروقی سرهندی نقش‌بندی، درگذشته ۵ - ۱۰۳۴، به فارسی ونود ونه نامه است، آنها را شاگردش، یارمحمد جدید بدخشی طالقانی، در ۱۰۳۱ گرد آورده است (ایوانف، ۱۲۶۸).

* نستعلیق هندی میرعظیم پسر میرفاضل.

من لا یحضره الفقیه (کتاب): ابن بابویه.

* نسخ مولی عبدالله شوشتری در دهه دوم محرم ۹۸۹ در جبع شام، مقابله شده، به ابلاغ مجلسی یکم، با اجازه قرائت مولی صالح مازندرانی، با تاریخ ۹۹۱ در نجف از خود همان شوشتری، نیز با تاریخ ج ۹۹۱/۱ در نجف، در جای دیگر تاریخ ۹۹۱ آمده است، همچنین تاریخ شعبان ۹۹۱ در نجف.

* نسخ مؤمن بن حاجی محمد بن حاجی میرزا علی ابهری در روز سه‌شنبه ۱۴ ج ۱۰۶۰/۲، مقابله کرده مولی محمد صادق شریف در اصفهان در ۲۳ شعبان ۱۰۷۱، با اجازه مجلسی یکم به همو در نیمه رجب ۱۰۶۰.

مناجات: از امام زین‌العابدین علیه السلام.

* نسخ سده ۹ و ۱۰.

[مناقب الاولیاء]:

در عرفان است به نثر و نظم، چنین است عنوانهای آن: فصل فی فضل الفقراء؛

فصل فی تفسیر آیات من القرآن؛

نقل عن جمال‌الدین ابی‌الفرج ابن‌الجوزی؛

فصل فی ذکر معراج‌النبی؛

نقل عن ابی‌الفرج ابن‌الجوزی؛

فصل فی حکایات الصالحین؛

فصل فی مناقب الاولیاء؛

فصل فی اثبات کرامات الاولیاء؛

فصل فی مناقب الصالحین؛

فصل فی مناقب المعروف الکرخی؛

فصل فی ذکر الاولیاء الابرار و الصالحین الاخیار؛

فصل فی ذکر النیل المبارک؛

فصل فی ذکر مناقب عمر بن عبدالعزیز؛

فصل فی مناقب الامام الشافعی؛

فصل فی مناقب الامام مالک؛

فصل فی شرح المؤلف رضی الله عنه؛

فصل فی يوم العاشوراء و فضله؛

فصل فی مولد رسول الله؛

فصل فی التنزیه و ذکر الصالحین؛

فصل فی ذکر المحبة؛

فصل فی ذکر وفاة النبی؛

فصل فی زواج علی - رضی الله عنه؛

فصل فی ذکر الموت و التفکر فیهِ؛

فصل فی ذکر النساء الصالحات الصابرات القانتات؛

فصل فی ذکر مولد النبی؛

فصل فی مناقب الخلفاء الاربعة.

* نسخ معرب سده ۷، عنوان سنگرف، آغاز و انجام افتاده.

منحة السلوك فی شرح تحفة الملوك:

از بدرالدین ابومحمد محمود بن احمد عینی، درگذشته ۸۵۵، شرحی است به قول، متن از زین‌الدین محمد بن ابی‌بکر حسن رازی حنفی است و یا از شیخ ابوالمکارم شمس‌الدین محمد بن تاج‌الدین ابراهیم توقاتی، در فقه در ده کتاب (چلبی).

* نسخ سده ۱۱، وقف حسن پاشا، والی بغداد، در روز ۲۷ ع ۱۱۳۰/۱.

منهج السداد فی شرح الارشاد:

از ملا احمد بن علی مختار گلپایگانی اصفهانی.

* نوشته ۱۲۴۲.

الموالید و الوفيات و السوانح العمرية و المكاتب:

از علم الهدی ابوالخیر محمد کاشانی (نزدیک به ساعت نه شب پنجشنبه ۲ آبان ماه ۱ ع ۱۰۳۹/۱ - ۱۱۱۵ در ۷۶ سالگی) که سرگذشت خود و نیاکان خود را در آن آورده و فرزندانش هم در آن یادداشتهایی نوشته‌اند و منشآت و نامه‌های او و پدرش هم در آن هست و برخی از آن به فارسی و برخی به عربی است. روی هم، وصف چهار نسخه از این‌گونه جنگها در دیباجه معادن الحکمة فی مکاتب الائمة به خامه آقای مرعشی (ص وفا) دیده می‌شود و بسیار رساله‌های سودمندی است و اصل همه اینها به خط خود کاشانی است، با یادداشتهای تاریخی خانواده اوست تا سال ۱۲۲۴.

ن

النقود و الردود:

از شمس‌الدین محمد بن یوسف بن علی کرمانی بغدادی شافعی (۷۱۷ - ۷۸۶) و شرحی است بر شرح ایچی بر مختصر المنتهی ابن‌الحاجب که در بغداد در نیمه شوال ۷۶۲ در بغداد به پایان رسانده و در آن به ده شرح دیگر که هفت تای آنها را السبعة السیارة خوانده است (از قطب‌الدین شیرازی و رکن‌الدین موصلی و جمال‌الدین حلی و زین‌الدین خنجی و شمس‌الدین اصفهانی و بدرالدین شوشتری و شمس‌الدین خطیبی) و همچنین تحصیل المحصول سراج‌الدین ارموی نگریسته است (بروکلمن ذیل ۲/۱۱۱؛ معجم المؤلفین، ۱۱/۲۹۸؛ ملک، ۵۹۸) نه اکمل‌الدین محمد بن محمود بابرته رومی حنفی (۷۱۰ - ۷۷۶)، (بروکلمن ۱/۵۳۸؛ معجم المؤلفین، ۱۱/۲۹۸).

* نوشته ع ۱۰۲۶/۲.

النور المبین فی فضایل امیرالمؤمنین:

از علی بن خلف بن عبدالمطلب موسوی مشعشی حویزی، درگذشته ۱۰۸۸ که به نام شاه صفی در ۱۰۴۹ تا

۱۰۸۵ ساخته است (ذریعه، ۹/۷۵۵).

نسخه دومی است که به دستور مؤلف نوشته شده است (معجم المؤلفین، ۷/۸۶).

نور الیقین بین المخافتین:

از امیر محمد نصیر بن محمد بن معصوم مشهدی (دانشگاه، ش ۳۸۲۷).

* نسخ سده ۱۱.

نهایة الادراك:

از قطب‌الدین شیرازی (دانشگاه، ۲۶۹۶ و ۷۰۷۰؛ طلس، ۲۱۴؛ ملک، ۳۴۰۹ و ۳۵۰۶، ص ۵۷۴ فهرست).

* تعلیق بخشایش بن بهاء‌الدین ملطی در ذق و ذح ۸۴۴ در مدرسه الغ بیک در سمرقند، هنگامی که قاضی زاده رومی آن را تدریس می‌کرده است، شکل مشکی و شنگرف.

نهایة السؤل فی شرح مناهج الوصول الی علم الاصول:

جمال‌الدین عبدالرحیم بن حسن اسنوی، درگذشته ۷۷۲، متن از بیضاوی، درگذشته ۶۸۵، است، شرح در آغاز ماه صفر سال ۷۴۰ آغاز شده است.

* نسخ عبدالله بن عبدالعزیز نمرای در آغاز روز آدینه ۲۸ شوال ۷۴۵، به ابلاغ شارح در پایان.

نهایة العقول فی درایة الاصول:

از امام فخر رازی (مایل هروی، ص ۲۹۸؛ بروکلمن، ۱/۵۰۷؛ ذیل، ۱: ۹۲۲/۱۷؛ فهرست فیلمها، ص ۳۹۵).

* نسخ سده ۱۱ و ۱۲، انجام افتاده.

نهج البلاغة: سید رضی.

* نسخ ابواسحاق اسماعیل بن یعقوب حیدری قوام الاسلام در روز آدینه آغاز ذق ۶۴۹.

* نسخ سده ۶ و ۷، آغاز افتاده، تنها جزو نخستین است.

* نسخ محمد شفیع بن محمد صادق یزدی در روز سه‌شنبه ۲۳ ذح ۱۱۳۲ از روی نسخه نوشته ابوالفتوح احمد

بن ابی‌عبدالله بلکو بن ابی‌طالب آبی در اصفهان در ۶ ج ۷۲۳/۱ از روی نسخه ضیاء‌الدین فضل‌الله راوندی در پایان ع

۵۱۱/۱ از روی اصل.

فخرالدین محمد حلی به این آبی و شمس‌الدین ابویوسف محمد بن هلال بن ابی‌طالب در ۷۰۵ اجازه داده

است، و همان آبی بود که حواشی فضل‌الله راوندی را بر نهج البلاغه را گرد آورده است.

و

الوافی: فیض کاشانی.

* کتاب الحج است، با اجازه فیض به پسر خود علم‌الهدی و با خط علم‌الهدی که می‌گوید من این کتاب را خوانده‌ام. از روی نسخه اصل مورخ به روز چهارشنبه ۱۹ صفر ۱۰۷۵.

الوجیز:

از موفق‌الدین ابوالحسن علی متوی واحدی ساوی نیشابوری درگذشته ج ۴۶۸/۲ که در ع ۴۴۳/۱ به انجام رسانده و تفسیری است گزیده و کوتاه.

از الوجیز نسخه‌هایی در برلین ش ۷۴۶ تا ۷۴۸ و لیدن، ۱۶۶۱ و هیدلبرگ، ۱۰۳ و الجزایر، ۳۱۵ و اسکوریال، ۱۲۶۶/۲ و ۱۲۶۹ (۱۲۶۴) و آصفیه، ۲۲۰/۱ و موزه آسیایی پتروگراد، ۷۷ و ینی جامع، ۹۹ و ولی‌الدین، ۲۸۲/۳ و قاهره، ۲۲۱/۱ (دارالکتب، ۶۶/۱) و سلیم آغا، ۱۰۴/۵ و اسعد افندی، ۲۸۴، ۱۶۷/۸ و پتته، ۱: ۲۶/۲۴۳ و موصل، ۷۳/۳۸ و بانکیپور، ۱۲۳۴/۱۸ و مشهد، ش ۲۲۶ و ۲۲۷ هست (بروکلمن).

ظهیرالدین ابوسعید اسماعیل بن احمد بن عبدالملک در خانه‌اش در شهر جیرون، چنانکه در نسخه برلین آمده است، آن را روایت کرده است.

آغاز: الحمد لله الکریم بالائه العظیم بکبریائه القادر فلا یمانع القاهر فلا منازع العزیز فلا یضام ... اما بعد فان لكل زمان نشوا ولکل نشو علما (آستان قدس، ۲۲۶؛ لیدن، ۱۶۶۱؛ برلین، ملک، ص ۵۸۲ فهرست).

انجام: سورة الناس. بسمله. قل اعوذ برب الناس ... الوسواس یعنی ذا الوسواس وهو الشیطان الخناس الذی یخنس و یرجع ... (کانه امران یستعید) لیستعید من شر الجن و من الناس (سپس تاریخ تألیف است) (آستان قدس، ۲۲۷؛ ملک، این نسخه).

* نسخ سده ۱۰، مقابله شده، یک صفحه‌ای از آغاز افتاده.

الوسیط:

از موفق‌الدین ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن علی بن احمد بن متویه متوی واحدی ساوی نیشابوری، درگذشته ج ۴۶۸/۲، که شاگرد ثعالبی، درگذشته ۴۲۹، بوده است. در چهار مجلد است.^۱ ابن طاوس در سعد السعود (ص ۲۲۲) از اسباب النزول واحدی (چاپ شده ۱۹۶۸ در قاهره) بندی آورده است. او را به جز این دو الوجیز و البسیط هم هست.

از البسیط او، نسخه‌هایی در قاهره (۱۳۳/۱)؛ فهرست نخستین و ۳۵/۱ فهرست دوم) و پتته (۱۴۲/۱) و کائتانی (۳۸ و ۷۸) و بادلیان (۱۷) هست.

نام کامل آن الوسیط بین المقبوض و البسیط است و نسخه‌های آن در برلین شماره ۷۵۰، ج ۱ و ۷۴۹، ج ۲ و ۷۵۱، ج ۳ و ۷۵۲ گویا ج ۲ هست، همچنین در موزه بریتانیا ش ۹۹۱ فهرست ریو و اسکوریال ۱۲۶۷/۸:۲ (۱۲۶۳) - (۱۲۶۱) و الجزایر ۳۱۶ و قاهره، ۲۲۱/۱ (دارالکتب، ۶۶/۱) و جارالله، ۱۲۶۰ و مونیخ، ۷۹ و دیوان هند، ۱۰۸۰ و بریل، ۱۴۴ و موزه آسیایی پتروگراد، ۹۲۶ و ولی‌الدین، ۲۸۴/۶ و رستم، ۳۷/۸ p و عمومی، ۵۱۹ و قلیچ علی ۷۹/۱۰۰ و عاشر افندی، ۶۶/۱ و عاطف، ۲۳۵/۹ و داماد ابراهیم، ۱۵۶ و فاتح، ۲۱۷۷/۸ و حمید، ۱۲۲/۵ و کویر ولو، ۱۵۰ و حلب و موصل، ۹۴/۲۴ و آستان قدس، ۲۲۸ و رامپور و بانکیپور.

نسخه‌ای از مجلد دوم الوسیط دیده‌ام، به اندازه خشتی در کاغذ زرد با جلد تیماج مشکی ضربی لابی دارای ۲۰۸ گ ۲۳ س ۲۰×۱۶ و ۲۶×۱۶ به خط نسخ معافا بن اسماعیل بن حسین بن ابی‌السنان فقیه در روز یکشنبه ۱۶ محرم ۵۸۰، آیات زیر خط شنگرف، چهار برگ آغاز به خط دیگر و تازه‌تر، با دو مهر محمد باقر طباطبایی و محمد حسنی حسینی مورخ ۱۱۸۸. در صفحه عنوان این نسخه آمده است:

«من الواحدی من الاعراف الی الکهف با جلد دیگر ۱۰ قروش - من کتب الحقیق الی الله تعالی محمد بن سیرال بن الصفی (الحنفی) عفی عنهما - الحمد لله ملکه العبد الفقیر تقی‌الدین الحسینی الحسینی الشافعی لطف‌الله به المسلمین - الجزء الثانی من الواحدی ملکه من فیض الله ... محمد بن تقی‌الدین الحسینی من تركة المرحوم ... ۱۰۶۲».

در میانه نسخه حاشیه‌ای به خط حسن بورینی هست.

در پایان این نسخه سماع جمال‌الدین شرف الائمة ابوالصحة المعافا (کاتب) اسماعیل بن الحسن ابی‌السنان الفقیه است، در چند مجلس، نزد عبدالله بن حسن بن

۱. فهرس المخطوطات المصورة، ۵۰/۱؛ ملک، ش ۵۲۱۴؛ مجلس، ۱۸۵:۹/۱، ش ۲۷۶۸، مورخ ۷۱۶ از بقره تا نحل مجلد یکم؛ بروکلمن، ۴۱۱/۱ و ذیل ۳۰/۱؛ معجم المؤلفین، ۲۶/۷ و ۴۰۶/۱۳؛ السید علی آل‌طاوس، ص ۳۰، ش ۱۴۰؛ دانشگاه، ش ۸۱۳۹؛ آستان قدس، ش ۲۲۸، مورخ ۶۷۵ بقره تا آل‌عمران؛ در فهرست دانشگاه (۲۴۰/۱) از الوجیز ابن ابی‌جامع یاد شده است نه از واحدی چنانکه در فهرست مجلس پنداشته شده است.

عن ابيه عن ابى امامة عن ابى بن كعب قال قال رسول الله صلعم من قراء سورة الاعراف جعل بينه وبين ابليس سترا وكان آدم شفيعا له يوم القيامة. بسملة. المص قال ابن عباس انا الله اعلم و افضل كتاب اى هذا كتاب انزل اليك فلا يكن فى صدرك حرج منه قال ابن عباس ضيق والمعنى لا يضيق صدرك بالابلاغ و تادية ما ارسلت به.

انجام: و هذا قول الزجاج لم يحتج ان ينتصر بغيره و كبره تكبير اعظمه عظمة تامة يتلوه تفسير سورة الكهف ان شاء الله تعالى.

آغاز نسخه ما: الحمد لله القادر العليم الفاطر الحكيم الجواد الكريف الرؤف الرحيم... و بعد هذا فالعلم اشرف منقبة و اجل مرتبة و ابهى مفخر و اربع متجر (مونىخ ۷۹- برلين ۷۵۰).

انجام: المعنى من شر الوسواس و من شر الناس كانه امران يستعيذ من شر الجن و الانس (برلين ۷۴۹).

* جزو سوم است از سورة النحل تا سورة الفاطر، نسخ سده ۶، در آغاز سورة النحل خبرى است به روايت از ابو عثمان سعيد بن محمد حميرى بغدادى.

ی

ينابيع العلوم:

از صفى الدين يوسف بن عبدالله بن ابى يعقوب يوسف بن احمد بن على بن احمد اندخودى يا انخودى (نخدى) كه در بخارا به نام صدر جهان، محمد برهانيان و حسام الدين عمر در ۷ شعبان ۵۶۵ آغاز کرده و در بلخ و اشبرقان و اندخود و طالقان و ورارود بدان مى پرداخته است (راهنماى كتاب، ۳۷۳/۱۱ و ۴۷۴).

* نسخ محمد بن حسين ملقب به حسام ختنى در روز ۱۰ محرم ۶۶۱، آيات درشت تر، با اجازه قرائت و روايت على بن اسعد بن على به همين حسام الدين ختنى، ربع چهارم از آيت ۵ سورة النجم «ابتدا كرد گفت: فاستوى اى قام جبرئيل... و هو بالافق الاعلى» تا پايان قرآن، در ۵۰۵ ص، ۲۶ س، در كاغذ سمرقندى، وزيرى بزرگ.

حسين ابى السنان كه آخر ش ۲ صفر ۵۸۰ است. نيز در آن آمده كه اين كتاب را معاذا بن ابى السنان (كاتب) در مدرسه ام الملك الصالح و مدرسه الامير بهاء الدين تا ۱۴ ع ۵۹۵/۱ درس گفته و به انجام رسانده است.

نيز سماع ابو محمد عبدالله بن حسين بن حسين بن ابى السنان به روايت از عزالدين ابونصر احمد بن عبدالله بن قسم شهرزورى از حسين بن محمد فرخان سمنانى از ابوالحسن على بن احمد بن متويه واحدى با قرائت ركن الدين على بن خضر بن خشنام مقرى [و] عزالدين على بن المعاذا بن اسماعيل بن حسين بن ابى السنان در روز چهارشنبه ۲۸ ذح ۶۱۱ و عمادالدين مظفر بن اسماعيل بن مالك هم مى شنیده با گواهى صحت سماع از عبدالله بن حسن بن حسين بن ابى السنان در همين تاريخ.

قرائت جميع احاديث اين نسخه (دوم كتاب وسيط) از عمادالدين ابو محمد عبدالله... السنان از شهرزورى از فرخان سمنانى از واحدى است در مسجد موصل به خط على بن عبدالله بن حسن بن حسين بن حسن بن ابى الفتح بن ابى السنان.

نيز سماع نزد ابوالحسن على بن المعافى بن اسماعيل بن الحسين بن ابى السنان، مورخ ۱۷ شعبان ۶۲۹ با گواهى على بن المعاذا بن اسماعيل در همين تاريخ.

در آغاز و ميانه اين نسخه روايتهاى فضائل قرآن است و از آنها استادان واحدى دانسته مى شود؛ مانند ابوسعيد محمد بن على حيرى و استاد ابو عثمان سعيد بن محمد زعفرانى و ابوالقاسم سراج و عبدالرحمان بن محمد رمجارى و ابونصر محمد بن محمد بن عبدالله جوزقى و ابو عثمان سعيد بن محمد حيرى بغدادى و عبدالقاهر بغدادى و ابوسعيد محمد بن محمد بن على خفاف و ابوبكر تميمى و ابو عثمان سعيد بن محمد بن محمد بن ابراهيم حيرى.

آغاز اين نسخه: تفسير سورة الاعراف و اخبرنا ابوسعيد محمد بن على الحيرى اخبرنا ابو عمرو محمد بن جعفر مطر المودن حدثنا ابراهيم بن شريك حدثنا احمد بن يونس حدثنا سلام بن سليم حدثنا هارون بن كثير عن زيد بن اسلم

تحفة الفاطمیین فی احوال قم و القمیین

بخش دهم

حسین بن محمد حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده، لیکن مخفی نماناد که امامزاده‌ای که انسان به اطمینان خاطر^۱ محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّ رحال کند به سمت قبر شریفش باید که دو مطلب را اول درست کرده، آنگاه قصد مقصد کند:

اول. جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد، علاوه بر شرافت نسب و علاقه بنوّت به حسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم می‌شود.

دویم. معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسب قبر به آن جناب و جمع بین این دو بسیار کم است، چه بسیار از قبوری که نسبت می‌دهند به این بزرگواران، نه حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن او در آنجا و جمله دفنشان در آنجا معلوم و حالشان مجهول و پاره‌ای جلالت قدر آن امامزاده معین ولیکن مرقد شریفش مشتبه، انتهی کلامه.^۲

مؤلف گوید که: چون به ذکر این مقدمه پرداختیم، اکنون شروع در نوشتن فصول این باب می‌نماییم.

باب چهارم

در ذکر امامزادگان عظام و شاهزادگان عالی‌مقام که در ارض مقدس قم مدفون‌اند و این باب مشتمل است بر یک مقدمه و دوازده فصل:

اما مقدمه:

مرحوم حاجی میرزا حسین نوری -اعلی‌الله‌مقامه- در کتاب مستطاب تحیة الزائرین، می‌فرماید که: قبور امامزادگان، محل فیوضات و برکات و نزول رحمت و عنایات الهیه است و علماء اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان و بحمدالله تعالی که [در] غالب بلاد شیعه، قبورشان موجود، بلکه در قرای و بریه و اطراف کوه‌ها و دره‌ها و پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلای پژمردگان بوده و خواهند بود،

۱. در اصل: «خواطر».

۲. تحیة الزائرین نوری، ص ۳۲۲.

فصل اول

در ذکر امامزاده عالی مقام، حضرت علی بن جعفر^۱

الصادق^{علیه السلام}

که فرزند بلاواسطه حضرت امام جعفر صادق^{علیه السلام} است. جلالت شأن و بزرگی مقام او زیاده از آن است که در این مقام ذکر شود. تربیت شده برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} است و از بزرگان راویان و صاحبان تصنیف می باشد که کنون بحمدالله در دست است و پنج امام را درک نموده و خدمت کرده [است].

و در کتاب: منتهی الآمال^۲ مسطور است که حضرت علی بن جعفر^{علیه السلام} سیدی جلیل القدر و عظیم الشان، شدید الورع، عالم کبیر، راوی حدیث و کثیر الفضل بوده و تا حضرت جواد^{علیه السلام} بلکه به قول صاحب عمدة الطالب^۳ تا حضرت هادی امام علی النقی^{علیه السلام} را درک کرده و در ایام آن حضرت وفات یافته و پیوسته ملازمت برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} را اختیار نموده و از آن جناب، معالم دین مبین، اخذ می نمود و از برکات اوست، مسائل علی بن جعفر که در دست است و علامه مجلسی آن را در مجلد چهارم بحار الانوار^۴ نقل فرموده و بالجمله شأن و جلالت آن بزرگوار، زیاده از آن است که در اینجا ذکر شود. تمامی علمای رجال او را ستایش بلیغ نموده اند.

و شیخ کشی روایت کرده که وقتی طیب خواست حضرت امام محمد تقی^{علیه السلام} را فصد کند، چون بیشتر را نزدیک حضرت آورد که رگ را قطع کند، علی بن جعفر^{علیه السلام} نزدیک آمد و گفت: ای آقای من! ابتدا مرا فصد کند که حدت بیشتر بیشتر در من اثر کند و جناب شما را متالم نگرداند و چون آن حضرت برخاست^۵ برود، علی بن جعفر، برخاست^۶ و کفش های آن حضرت را جفت کرد و در پیش پای آن حضرت نهاد و حال آنکه حضرت علی بن جعفر، در آن حال پیرمرد محترمی بود و حضرت جواد^{علیه السلام} تازه جوان بود.^۷

و شیخ کلینی روایت کرده از محمد بن حسن بن عمار که من ده سال، در مدینه خدمت حضرت علی بن جعفر^{علیه السلام} بودم و از او اخذ می کردم احادیثی را که از برادرش حضرت ابوالحسن^{علیه السلام} شنیده بود و می نوشتم آنها را. وقتی در خدمت او بودم که حضرت جواد^{علیه السلام} داخل مسجد رسول^{صلی الله علیه و آله}

شد، علی بن جعفر چون نظرش بر آن حضرت افتاد، بی اختیار از جای خود برخاست^۸ و بی کفش و ردا خدمت آن حضرت دوید و دست او را بوسید و او را تعظیم و تکریم کرد، حضرت جواد^{علیه السلام} فرمود: ای عمو بنشین خدا تو را رحمت کند. عرض کرد: ای سید و آقای من! چگونه بنشینم و حال آنکه تو ایستاده ای؟! پس چون علی بن جعفر^{علیه السلام} از خدمت آن حضرت مرخص شد و آمد و در مجلس خود نشست، اصحابش او را سرزنش کردند و گفتند: تو این نحو با او رفتار می کنی و حال آنکه عموی پدر او می باشی! فرمود: سکوت کنید، پس دست بُرد و محاسن خود را گرفت و گفت: هرگاه حق تعالی مرا با این ریش، اهلّیت نداد از برای امامت و این جوان را اهلّیت داد و امامت را به او تفویض نمود، آیا من انکار کنم فضل او را؟ پناه می برم به خدا از آنچه شما می گوید که احترام او را ندارم! بلکه من بنده او می باشم.^۹

و در کتاب تعلیقه بهیمنی مذکور است که جد من ملا محمد تقی مجلسی - علیه الرحمه - فرموده است که: قدر علی بن جعفر اجل از آن است که ذکر شود و شنیدم آنکه اهل کوفه، التماس نمودند از او که از مدینه به کوفه بیاید، چون به کوفه آمد، مدتی در آنجا ماند و اهل اخبار، اخبار را

۱. علی بن جعفر صادق^{علیه السلام} امامزاده عظیم الشان که پنج امام را درک کرده است و از آنان حدیث شنیده، بویژه از برادرش امام موسی بن جعفر^{علیه السلام}. شیخ مفید بسیار او را ستوده و سدید الطریق، شدید الورع، کثیر الفضل و راویة للحدیث دانسته و ملازم برادرش امام موسی کاظم^{علیه السلام} و سایر ائمه بوده است. در «تاریخ قم» آمده است که امام صادق^{علیه السلام} ده «عریض» در یک فرسنگی مدینه به او بخشید و در هنگام وفات پدر دو ساله بود و چون بزرگ شد، بدان ده ساکن شد و فرزندان او را از این رو عریضه، خوانند (ارشاد مفید، ص ۲۸۷؛ تاریخ قم، ص ۲۲۴؛ رجال کشی، ص ۴۲۹؛ المستدرک نوری، ۶۲۶/۳؛ اعیان الشیعة، ۱۷۷/۸؛ موسوعة المصطفی و العترة (الصادق جعفر)، ۴۹/۱/۹ - ۵۰؛ گنجینه آثار قم، ۳۲۱/۲ - ۳۲۵؛ تحية الزائرین، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.

۲. منتهی الآمال، ۳۰۳/۲، ۳۰۴.

۳. عمدة الطالب، ص ۲۱۴.

۴. بحار الانوار، ۲۴۵/۴۷، ۲۶۶ و ۳۰۰/۴۸ - ۳۰۲. کتاب «مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها» در سال ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م، بوسیلة مؤسسة آل البيت^{علیهم السلام} لاحیاء التراث، در بیروت، منتشر شده است.

۵. در اصل: «برخواست».

۶. همان.

۷. رجال کشی، ص ۴۲۹؛ موسوعة المصطفی و العترة (الصادق جعفر)، ۵۰/۱/۹.

۸. در اصل: «برخواست».

۹. اصول کافی، ۳۲۲/۱ حدیث ۱۲؛ موسوعة المصطفی و العترة (الصادق جعفر)، ۵۱/۱/۹؛ عمدة الطالب، ص ۲۱۴ - ۲۱۵.

از او اخذ نمودند، پس اهل قم، از او استدعا نمودند که بیاید در قم، به جهت اخذ مسائل، آمد و در قم بماند تا آنکه به جوار رحمت الهی پیوست.^۱

و در کتاب شرح من لا یحضره الفقیه، مذکور است که: قبر علی بن جعفر، در قم مشهور است. اهل قم از جنابش استدعا کردند که در قم نزول اجلال بفرماید؛ پس استدعای ایشان، اجابت نموده، به آنجا ورود فرمودند تا آنکه در قم از دنیا رفت و اولادش، در عالم منتشر شدند و در اصفهان قبر بعضی [از آنان موجود است] از آن [جمله] سید کمال‌الدین است که قبرش زیارتگاه مردم است.^۲

و صاحب کتاب روضة الشهداء گفته: علی بن جعفر العریضی، کنیتش ابوالحسن است و عالم بزرگی بوده، در کودکی از پدر بازمانده و از برادر خود حضرت امام موسی (علیه السلام) علم آموخته و نسبت او به «عریض» است و آن دهی است به چهار میل از مدینه دور و اولاد او بسیارند و ایشان را «عریضیه» گویند و او را عقب از چهار پسر است محمد و احمد شعرائی و حسن و جعفر، اما جعفر اصغر عقب او از علی پسر اوست.^۳

و در کتاب منتهی الآمال است که: شاهزاده احمد بن قاسم، یکی از احفاد حضرت علی بن جعفر عریضی است.^۴

سید فاضل و عالم کامل آقا سید علی بن سید محمد اصفهانی، معروف به «امامی»^۵ که تلمیذ علامه مجلسی است و صاحب کتاب تراجیح است در فقه و ترجمه شفا و اشارات شیخ رئیس و کتاب هشت بهشت و آن ترجمه هشت کتاب است از کتب اصحاب مانند کتاب خصال و کمال‌الدین و عیون اخبار الرضا و امالی و غیر ذلک^۶ و او را «امامی» می‌گفتند به جهت انتسابش به امامزاده ابوالحسن علی زین‌العابدین بن نظام‌الدین بن احمد بن شمس‌الدین عیسی ملقب به «رومی» ابن جمال‌الدین محمد بن علی العریضی ابن الامام جعفر الصادق^۷ که در محله جملان^۸ مدفون است.

مؤلف گوید که: مخفی نماناد که قبر امامزاده عالی‌مقام حضرت علی بن جعفر (علیه السلام) مشتبه و غیر معلوم است و سه موضع است که به آن جناب نسبت می‌دهند:

اول- در بیرون قلعه سمنان، در میان باغچه‌ای با نضارت، با قبه و بقعه و عمارت با نزهتی.
دویم- در یک فرسخی مدینه طیبه، در قریه «عریض» که

ملک آن جناب و محل سکناى خودش وذریه‌اش بوده [است]. سیم- در بلده طیبه قم، در بیرون بلد، مزارى است معروف به آن جناب و از برای اوست صحن وسیعی و بقعه و گنبدی مرتفع و عالی و آثار قدیمه که از آن جمله لوح قبر است که بسیار قدیمی است و مرقد او مزین است به خشتهای کاشی که معروف است که کاشی به این خوبی تاکنون در هیچ مکانی دیده نشده و بر روی مرقد او: علی بن جعفر بی‌واسطه نوشته است و در سنه احدی و سبعین و سبعمأة [۷۷۱] تاریخ کاشی قبر مطهر است.^۹

۱. تعلیقه وحید بهبهانی، ص ۲۲۷ در هامش منهاج المقال، چاپ ۱۳۰۶ قمری.

۲. شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۸۹/۱۴ - ۱۹۰.

۳. روضة الشهداء، ص ۴۱۳.

۴. منتهی الآمال، ۳۰۵/۲.

۵. سید علی بن محمد بن اسدالله امامی اصفهانی (سده یازدهم و دوازدهم قمری) عالم و فقیه که به خاطر نسبتش به امامزاده زین‌العابدین از نوادگان امام صادق (علیه السلام) مدفون در محله درب امام اصفهان، «امامی» می‌گفتند. وی از شاگردان آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی و معاصر میرزا عبدالله افندی بود. پدرش متولی موقوفات علامه اصفهان بود. (ریاض العلماء، ۱۸۶/۴ - ۱۸۷؛ روضات الجنات، ۲۰۸/۴؛ تذکره القبور، ص ۴۳۶؛ اعیان الشیعه، ۳۱۳/۸؛ فوائد الرضویه، ص ۳۷۰؛ الکنی و الالقاب، ۵۶/۲؛ ریحانة الادب، ۱۷۳/۱؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الثانی عشر)، ص ۵۰۰ - ۵۰۲؛ معجم المؤلفین، ۱۸۳/۷؛ اثر آفرینان، ۲۹۶/۱ - ۲۹۷؛ الذریعه، ۶۲/۴ - ۶۳ - ۷۸ - ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۰، ۴۹۹.

۶. مانند «مصباح المتجهذ»؛ «مصباح کفعمی و مهج الدعوات».

۷. محله «جملان» یا «سبلان» و یا «سنبلستان» از محلات قدیمی شهر اصفهان که در مجاورت محله کهنسال «دردشت» واقع شده است.

۸. محل دفن وی به «امامزاده درب امام» معروف و در محله جملان واقع شده و در واقع محل دفن دو تن امامزاده به نامهای: «ابراهیم بطحا» و «زین‌العابدین» است که از امامزاده‌های معتبر اصفهان به شمار می‌روند. ساختمان این بنا در سال ۸۵۷ قمری به انجام رسیده و در ۱۰۸۱ قمری گنبدی بر فراز آن ساخته‌اند (جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۳۳۱ - ۳۳۳؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۶۵ - ۷۷۲؛ آثار ایران گدار، ۲۳۷/۴ - ۲۴۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۸ - ۱۲۰).

۹. در منابع و مآخذی که شرح حال وی را نوشته‌اند، محل قبر وی را به اختلاف: عریض در نزدیکی مدینه، یا سمنان و یا قم نوشته‌اند چنانکه مؤلف اشاره کرده است، اما نوشته‌اند که قول مشهور در محل دفن وی همان «عریض» در نزدیکی مدینه است و نوری در کتاب «المستدرک» (۶۲۶/۳) گوید: حق آن است که قبر وی در «عریض» است و این مطلب نزد اهل مدینه معروف است و ما خود در یکی از سفرهایمان به مدینه قبر وی را دیده‌ایم و دارای قبه و بارگاهی عالی است که به دفن وی در آنجا کمک می‌کند و آن که در قم مدفون است قبر یکی از احفاد اوست. سید محسن امین نیز، در: «اعیان الشیعه» (۱۷۷/۸) همین قول را پسندیده و تأیید کرده است و گوید که دو قبر واقع در قم و سمنان از دو نفر دیگر است که در اسم با او یکی هستند.

مؤلف گوید که: اگر مدفون در این بقعه خود علی بن جعفر نباشد، باید یکی از احفاد او که آن: «علی بن

۱. از عناوینی که در آغاز نام وی ذکر شده، استفاده می‌شود که عطاءالملک در دولت اولجایتو سلطان محمد خداپسند، به خدمت درباری درآمد و در روزگار سلطان ابوسعید به مرتبه والا و درجه عالی ریاست دیوان مظالم برگزیده شده است.

در جانب شرقی بقعه علی بن جعفر، مقبره‌ای است وسیع و مقصوره مانند که دو لوح قدیمی در آن موجود است و در یکی از کتیبه‌های آن دو لوح عبارت: «هذا المدفن ... میر محمد بن ابی الحسن قاسم بن میر محمد بن علی بن ابی الفضل الحسینی است که به ظن قوی، لوح قبر خود عطاءالملک میر محمد حسنی است که بانی تجدید عمارت این بقعه است (گنجینه آثار قم، ۳۳۲/۲-۳۳۳-۳۵۶).

۲. از عبارت: «امر بتجدید عماره ... به خوبی آشکار است که گنبد و بقعه دیگری در اینجا بوده است که به گفته برخی در سال ۴۵۳ قمری ساخته شده بوده است.

۳. در اصل: «امضی».

۴. این مصرع را مؤلف به این شکل آورده: «علیکم کل مکرمة تعول» است که صحیح آن در متن آورده شد و اشعار کامل به این صورت است:

علی و ابنائه و فخران و الحجة	و موسی و طهراه و بزآن و الحجة
الیکم کل مکرمة تؤول	اذا ما قبیل جدکم رسول
ابوکم خیر من ركب المطایا	وامکم المعظة و البتول
و فیکم انزل القرآن حقاً	فذاک الفخر و الفضل الجمیل
.....	بخدمتکم تشرف جبرئیل

۵. داستان سرقت این کاشی‌ها را فیض به این صورت نقل کرده است که: در سال قحطی ۱۳۳۶ قمری، شب نهم ربیع‌الاول که مصادف با هلاکت عمر بن سعد سرخیل کربلا به دست هواداران مختار است و سابقاً در چنین شبی، مردم جشن می‌گرفتند، بعضی از بختیاری‌ها در اثر تبانی با کلیمیان عتیقه‌چی، چند پارچه کاشی را در نظر گرفته، به تصور اینکه در چنین شبی، کسی در بقعه نخواهد بود و برای شرکت در برگزاری مجلس جشن همگی به شهر رفته‌اند و بقعه تهی از خادم کشیک است متوجه بقعه می‌شوند. اتفاقاً در آن شب یکی از خدام به نام ملا علی اکبر پسر ملا معصوم که کشیک‌چی بقعه بوده درب را بر روی خود بسته، در داخل بقعه، به خواب رفته بود. بختیاری‌ها داخل محوطه شده، چون درب بقعه را بسته می‌یابند، آن را می‌کوبند تا از داخل گشوده شود، وقتی در باز نمی‌شود، به بریدن پاشنه آن با اژه می‌پردازند، در این موقع ملا در را باز می‌کند و ساکت می‌ماند تا اینکه هدف ایشان را بفهمد و چون سارقین در شاه‌نشین جنوبی مشغول کندن یک پارچه کاشی ۷۰ در ۷۰ سانتی‌متری نقش طاووس می‌شوند، ملا بیرون دیده فریاد برمی‌آورد که (آی دزد! آی دزد!) بلافاصله، چند ضربه چماق بر سر او فرود آورده، ملا را به هلاکت می‌رساند و کاشی مزبور را با چند کاشی معین، از ازاره برداشته و می‌روند. بامداد که خدام داخل بقعه می‌شوند با جسد بی‌جان ملا روبه‌رو گشته، با ناله و فغان، جسد را به خانه علما و تولیت آستانه می‌برند و سپس او را دفن می‌کنند و متولی آستانه با حضور علما کاشی‌های باقی‌مانده را برداشته و به خزانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام انتقال می‌دهند و بعدها در سال ۱۳۱۴ ش، قسمتی به موزه ایران باستان و قسمتی هم به موزه قم انتقال می‌یابد (گنجینه آثار قم، ۳۳۸/۲).

۶. تحفة الزائر مجلسی، ص ۴۲۱-۴۲۲.

و در کتیبه بقعه مطهره نوشته است که: تجدید این عمارت مطهر را عطاءالملک میر محمد حسنی^۱ کرده است در سنه هفتصد و چهل و اصل عبارت کتیبه این است:

[امر] بتجدید^۲ عمارة المشهد المقدس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسن علی بن جعفر الصادق و ابی جعفر محمد بن موسی الکاظم - صلوات الله علیهما - المولی المرتضی الأعظم صاحب الأعدل الأحسب الأنسب علاء الحق و الذنیا و الذین جلال الاسلام و المسلمین عطاءالملک میر محمد الحسینی - اعز الله فی الدارین - فی سنة اربعین و سبعمأة.

و بر دیوار بقعه طرف دست چپ وقت ورود نوشته: «ائمة هذا الخلق بعد محمد، مودتهم فرض و اقوالهم حجة، فی سلخ ربیع الآخر سنة سبعمأة. امضا^۳ دعاگوی مردان بهرام قزوینی».

و بر دیوار سمت قبله، اشعار شافعی را نوشته که اولش این است:

«الیکم کل مکرمة تؤول»^۴

بعد از آن اشعار، نوشته: «بنده علی مسعود دوازده من روغن چراغ نذر کرد که همه ساله برساند. و بر دیوار طرف قبله روضه مطهره، چند عدد خشت کاشی بسیار ممتاز نصب بود که تقریباً دو زرع و نیم طول و دو زرع عرض آن بود، فرنگی‌ها به قیمت گزاف آن را می‌خریدند و ندادند، تا اینکه چند عدد از آن خشتها را سرقت نمودند، از خوف اینکه مبادا بقیه سرقت شود، در سنه یکهزار و سیصد و سی، حسب الفرموده حاجی میرزا محمد باقر متولی‌باشی، خشت‌های معروف به «دربهشت» را و خشت‌های روی قبر مطهر را و بعضی از خشت‌های دیگر، برداشته، به خزانه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نقل نمودند.^۵

و مجلسی - علیه الرحمة - در کتاب تحفة الزائر می‌فرماید که مزاری در قم می‌باشد که قبر بزرگی در آن ساخته‌اند و بر روی قبر کتابتی هست که: «هذا قبر علی بن جعفر الصادق و محمد بن موسی [علیهما السلام] و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان، قریب چهارصد سال می‌شود» پس همان کلامی را که از بحار نقل می‌شود فرموده «چون از آن قبر قدیم و لوح آن چنین ظاهر می‌شود که در آنجا مدفون باشد، بهتر آن است که در آنجا زیارت آن حضرت را بکنند».^۶

حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر» باشد که سه پشت او به علی بن جعفر عریضی می‌رسد و به چهار پشت به حضرت صادق علیه‌السلام زیرا که در کتاب تاریخ قم، نقل می‌کند که: «آن احمد را دفن نمودند در مقبره‌ای که در نزدیک علی بن الحسن العلوی العریضی است، نزدیک نهر سعد»^۱ پس از این عبارت کشف می‌کند از اینکه مدفون در این بقعه، همین علی بن الحسن بن محمد بن علی بن جعفر باشد.

و جمیع امامزادگانی که نسب ایشان به علی بن جعفر علیه‌السلام می‌رسد، آنها را عریضی می‌گویند.

و اما قبر دیگر که متصل است به قبر: علی بن جعفر مذکور، چنان معلوم می‌شود که صاحب آن قبر هم محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر^۲ [علیه السلام] می‌باشد که به پنج پشت، به حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌رسد.

و در جنب روضه مطهره مسجدی است سقف آن مرتفع، از بناهای بسیار قدیم است. شاهزاده فرمان‌فرما، بنای آن مسجد را تجدید نمود.

تقریباً در شش سال قبل، تخته سنگی در آن مسجد از زیر خاک درآوردند که مقدار ده کره قطر آن سنگ بود و بر آن نوشته بود: «هذا المدفن العلامه المرتضى المجتبی الاعظم المکرم السيد التقيب نظام‌الدین سلطان احمد بن المرتضى ابن التقيب المغفور السيد فخرالدین نقيب الرضوي»^۳.

و در وسط صحن حضرت علی بن جعفر، یک تخته سنگ قطوری بر روی قبری نهاده و در اطراف آن سنگ، نوشته: «محمد بن ابی‌الحسن قاسم بن میر بن ...» در اینجا چند اسم حک شده، بعد از آن نوشته: «ابی‌الفضل» و اسم خودش حک شده، مظنون آن است که قبر یک نفر رضویون باشد.^۴ در ذکر بقعه‌ای که در آثار قبرستان علی بن جعفر واقع است:

از قراری که صاحب تاریخ قم می‌نویسد، معلوم می‌شود، نسب او منتهی می‌شود به حضرت سید سجّاد علیه‌السلام از نسل فرزندش که علی بن امام زین‌العابدین باشد و سلسله نسب او بدین طریق است که: ابوالعباس ابراهیم^۵ بن احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن علی بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در

تاریخ قم می‌نویسد که آن ابراهیم بن احمد در مقبره‌ای که در نزدیک علی بن الحسن العلوی العریضی است به نزدیک «نهر سعد» مدفون است، اما در کتیبه این بقعه، اسم امامزاده و حضرت موسی بن جعفر را نوشته و واسطه او را انداخته است و آن کتیبه را از گچ درآورده‌اند که چشمم به خواندن تمام آن وفا نکرد، اما در آخرش این عبارت است: «تم علی

۱. تاریخ قم، ص ۲۲۸. در همین «تاریخ قم» (ص ۲۲۴) آمده است که: «حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر صادق، از مدینه به قم آمد و پسر او علی با او بود و از علی بن الحسن، ابوالفضل حسین و ابوالحسن عیسی و ابوجعفر محمد و ابوالقاسم حمزه و ابوعلی احمد در وجود آمدند. پس ابوالفضل حسین بن علی جوانی عاقل بود و پارسا و از او ابوالحسن علی و ابوالعباس احمد و دو دختر در وجود آمدند و نقابت سادات «آبه» بدو مفوض بوده است. بر این اساس در «تاریخ قم» هیچ اشارتی به مهاجرت علی بن جعفر الصادق علیه‌السلام نشده است و تنها به مهاجرت یکی از نوادگانش به نام: حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر، اشارت رفته که با فرزندش (علی بن حسن که صاحب این بقعه و بارگاه است) به قم آمده است و سکونت کرده است. بر این اساس این گنبد و بارگاه باید از علی بن حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر، یکی از نوادگان علی بن جعفر الصادق علیه‌السلام باشد و نه از خود او چنانکه در برخی منابع هم به این نکته اشاره شده است (گنجینه آثار قم، ۲/۳۲۳-۳۲۴؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ بررسی ویژگیهای مقابر قرن هفتم هجری در دروازه کاشان قم، ص ۱۴۵-۱۷۰).

۲. در تاریخ قم راجع به جدّ محمد چنین گوید: ... ابو عبدالله اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی و دیگر عرب به قم او را فرمودند که بدین شهر مقام باید کرد و ساکن می‌باید شد ... پس ابو عبدالله به قم باز ایستاد و ... از زنی دیگر ابواحمد موسی و حسن آورد» سپس اضافه می‌کند که: «و از ابواحمد موسی بن اسحاق» و در اینجا که باید نام پسران وی یعنی محمد و ... را ذکر کند افتادگی دارد. بر این اساس، پدر محمد و جدش اسحاق در قم، مقیم بوده‌اند و طبیعی به نظر می‌رسد که محمد نیز در قم بوده باشد و در همین جا درگذشته و مدفون شده باشد (نک: تاریخ قم، ص ۲۲۲). در منابع دیگر آمده است که محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم العسکر ابن موسی بن ابی‌السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم علیه‌السلام که در قم به «محمد فقیه» شهرت داشته و جدّ او سلطان سید اسحاق در ساوه مدفون است و بنابراین با شاهزاده حمزه مدفون در قم پسرعم است (گنجینه آثار قم، ۲/۳۲۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۹۴-۱۹۵).

۳. فیض گوید: این دو لوح بدون توجه به نفاستشان سالها در میانه صحن زیر برف و باران و یخ افتاده بودند و اخیراً در اثر تسطیح صحن زیر خاک رفته‌اند (گنجینه آثار قم، ۲/۳۵۷).

۴. چنانکه در پاورقی‌های پیشین اشاره شد، فیض احتمال داده که این لوح قبر می‌بایست متعلق به میر محمد بن ابی‌الحسن قاسم بن میر محمد بن علی بن ابی‌الفضل حسینی یعنی همان عطاءالملک بانی این بقعه باشد.

۵. آنچه در نسخه چاپی «تاریخ قم» آمده است، چنانکه در پاورقی‌های پیشین اشاره شد: «ابوالعباس احمد بن محمد بن الحسن» است نه ابراهیم چنانکه مؤلف اشاره کرده است (نک: تاریخ قم، ص ۲۲۸).

میراث شهاب

ید الحسن الطوسی» تاریخ کتابت کتیبه: شهر شوال سنه هشتصد و پنج [است].

و در جنب قبرستان حضرت علی بن جعفر علیه السلام قطعه باغی است مشهور به «باغ گنبد سبز»^۱ و سه بقعه مرتفع بسیار عالی در این باغ، بنا شده، در کمال رزانت و متانت، مضجع اعظم این ولایت بوده، بر روی جزرهای آنها که به وضع مثنی است، سوره قرآن، به خط ثلث ممتاز از گچ بیرون آورده‌اند و بر سقف آن اسماء چهارده معصوم پاک را از گچ بیرون آورده، گچ‌بری بسیار ممتاز به طرز قدیم نموده‌اند. در وسط آن بقعه‌ها، کتیبه‌ای است به خط ثلث، در کمال خودش نوشته شده و اسماء خفتگان آن پاک را نوشته‌اند.

بقعه اول^۲

بر کتیبه اول سطر بالا سوره مبارکه «فتح» را از اول سوره الی آیه مبارکه: «عَلَيْ حَكِيمٍ» نوشته. بر سطر دویم قدری از آن حک شده است، بعد از آن این عبارت است: «صفي الاسلام والمسلمين» باز حک شده و بعد نوشته: «و ولده و فلذة كبده الصاحب الشهيد المغفور جمال الدولة و الدين علي بن ابي المعالي ابن علي الصفي - بزد الله مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما - تاريخ هفتصد و شصت و یک رقم امضا^۳ علی بن محمد بن ابی شجاع».

بقعه دویم

سطر اول سوره مبارکه: «قد افلح المؤمنون» است از اول سوره مبارکه الی «عهدهم راعون». بعد نوشته: «رب اغفر لساکني هذا المرقد اللطيف الصاحب الاعظم الدستور الاعلم المرضي الالقاب خواجه جمال الحق و الدين علي وابنه^۴ امير جلال الدين و آخاه خواجه

۱. باغ گنبد سبز که سه گنبد تاریخی را در دل خود جای داده و اکنون در انتهای خیابان چهارمردان قم، جنب گلزار شهدا و در بخش شرقی قم واقع شده و پیش‌تر به گنبد‌های دروازه کاشان شهرت داشته‌اند و در قدیم جزو گورستان «درب بهشت» و گورستان وزیران و پادشاهان و امیران بوده است. این سه گنبد مثلثی را تشکیل داده‌اند و در میانه باغی کوچک به همین نام قرار گرفته‌اند و مربوط به سده هشتم هجری است. در گذشته باغی در بسته و فاقد طریق ایاب و ذهاب بوده و در نتیجه برای دیدن گنبد سعد و سعید که در وسط باغ است، به واسطه نبودن خیابان و راه، ناچار باید

خمیده از لابلاي درختان و میانه کردوهای پر گل و لای با تحمل زحمت و مشقت عبور کرد، اما امروز در اثر قطع درختان به راحتی می‌توان وارد این باغ شد بویژه که در مقابل آن خط کشی شده و به خیابان راه دارد. گنبدی که در قسمت شمالی واقع است قدیمی‌ترین بناهاست و پیش از قرن هشتم هجری ساخته شده، اما تاریخ ندارد.

۲. جنوبی‌ترین گنبد باغ سبز بر اساس کتیبه آسیب‌دیده موجود در آن که به این شرح است: «ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی امر باساس هذه البقعة الرفیعة و السدة المنبئة المولی الصاحب الاعظم اعدل العرب و العجم [ناصر الشریعة - مؤلف تاریخ قم - در هشتاد سال پیش این قسمت فرو ریخته را چنین خوانده است: «الاعظم الاعدل مالک رقاب»] الدنیا و الدین صفي الاسلام و المسلمین علی اعز الله انصاره و ضاعف اقتداره رسم مرقد عمه الصاحب ... (آسیب‌دیدگی) اصیل الذوله ... و الدین اصیل [الاسلام و المسلمین] (که اکنون ریخته شده) علی بن ابی المعالی بن علی صفي بزد الله مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما في شهور سنة احدى و ستین و سبعمأة» مدفن دو تن به نامهای: «اصیل الدین فرزند علی صفي، نبای بزرگ خاندان صفي و عمومی بانی گنبد خواجه علی صفي، همان کسی که در قم نایب خالصه جات خواجه علاء الدین محمد هندو بود و دیگری فرزند وی خواجه علی اصیل یا همان جمال الدین علی است. او نخستین کسی است از این خاندان که بر حکومت قم و مضافات آن دست یافت. وی پس از درگذشت ابوسعید بهادر به سال ۷۳۶ قمری فرمانروایی قم را به دست آورد و در سال ۷۵۹ قمری، در حین عهده‌داری این مقام کشته شده است. به گفته فیض، خواجه اصیل الدین شیخ الاسلام و قاضی القضاة چهل ساله عراق است که بارها حکومت اصفهان نیز، به عهده داشته. نامبرده عم علی صفي شهریار عراق بود که این گنبد هم از ناحیه آن شهریار در سال ۷۶۱ قمری بر فراز قبر عمویش بنیاد نهاده و شاید نخستین گنبدی باشد که به دست استاد ابوشجاع گچ‌بری شده است و بر دیگر آثارش مزیت دارد.

تعجب آن است که تا حال هیچ یک از مؤلفین نام مدفون در این بقعه را افشا نکرده‌اند و همچنان مجهول مانده بود، زیرا تصور نمی‌کردند که اصیل الدین نام مدفون در این گنبد باشد، بلکه آن را جزو عناوین می‌گرفتند. قاعده این گنبد مضلع و از خارج و داخل هشت ترکی به دهانه هشت متر و ارتفاع دوازده متر، مشتمل بر هشت صفحه، هر یک به دهانه ۲/۳۰ و عرض ۸۰ سانتیمتر دارای چهار درب ورودی است که در تعمیرات آخر جلو سه در آن را با آجر پوشانده‌اند. امروزه کف بنا حدود ۱/۵ متر، پایین‌تر از سطح زمین‌های اطراف قرار دارد. پی بنا به صورت چند وجهی و آجری است. نخستین ردیف آجرچینی، به صورت راسته‌چینی انجام یافته که در فواصل، هر ضلع را جریز ستون‌مانند از دو سو در میان گرفته است از این رگ به بعد، آجرچینی معمولی متحدالشکلی، سراسر بنا را تا ارتفاع هشت متری دربرمی‌گیرد. بر فراز نخستین رگه راسته‌چینی، طاق‌نماهایی با قابی مستطیلی در هر ضلعی تعبیه شده که تا پایان قسمت دوازده ضلعی بنا امتداد دارد. نقوشی تزیینی گنبد بیشتر شامل اسلیمی‌ها، گل و بوته‌ها و کتیبه‌هایی شامل آیات قرآن و اسامی مقدس «الله» و «علی» است. در پیشانی طاق‌نماها نیز، در سراسر بنا، در هر لجه‌ی، ترنجی است که بر مجموع آنها صلوات کبیر: «اللهم صل علی محمد المصطفی و المرتضی علی [... تا] والحجة القانم مهدي صلوات الله عليهم اجمعين» نوشته شده است. (نک: گنجینه آثار قم، ۲/۴۲۰-۴۲۵؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۱-۳۲۲).

۳. در اصل: «امضی».

۴. در اصل: «و ابیه».

عمادالدین محمود و آخاه خواجه صفی‌الدین^۱ تاریخ هفتصد و نود و دو»^۲.

بقعه سیم^۳

در کتیبه آن سوره مبارکه «یس» است اما قدری از آن محو شده و تاریخ کتابت آن حک شده [است].

فصل دوم در ذکر امامزاده و الامقام حضرت شاهزاده

حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام

مخفی نماند که در محل دفن حضرت امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام اختلاف است.

صاحب کتاب *جنة النعیم* می‌نویسد که حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام در ری مدفون است و همان است که بقعه او متصل است به بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام.^۴

و صاحب کتاب *بدایع الانوار*^۵، از مجدی روایت کند که حمزه بن امام موسی علیه السلام [مکتی به «ابوالقاسم» است و قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است و آن جناب را سه پسر بوده و هشت دختر. اما پسران او یکی حمزه ثانی است و او به خراسان رفت و وفات کرد و از برای او عقب اندک است در بلخ، و یک پسر دیگر آن جناب قاسم است مکتی به «ابومحمد» و از او در ری و طبرستان و دامغان اعقاب بسیار است و پادشاهان صفوی همه از اولاد اویند و قاسم را دو پسر بود: احمد و محمد. احمد جد شاهان صفوی است و پسر سیم حمزه بن امام موسی علیه السلام علی است که در شیراز در خارج اصطخر مدفون است.^۶

صاحب *عمدة الطالب* گوید که: حمزه بن امام موسی علیه السلام [مکتی به «ابوالقاسم» را سه پسر است. اول علی و او بلاعقب است و در اصطخر شیراز مدفون و قبر او را زیارت کنند. دوم قاسم است و سیم حمزه که این دو نفر اعقاب آن جناب در بلاد عجم بسیار است. اما حمزه بن حمزه رفت به خراسان و عقب او اندک در بلخ است^۷ و اسکندر بیگ منشی، در جلد اول از کتاب *تاریخ عالم آرا*^۸ در ذیل نسب سلاطین صفویّه - انار الله برهانهم - ذکر نموده

۱. در «گنجینه آثار قم»: «ادخلهم الله في رحمته اجمعين».

۲. از مفاد این کتیبه برمی‌آید که در این گنبد چهارتن از خاندان جلیل ملوک

عراق عجم به این شرح مدفون هستند: ۱- خواجه جمال‌الدین علی، ۲- فرزندش امیر جلال‌الدین، ۳- برادرش خواجه عمادالدین محمود، ۴- برادر دیگر وی خواجه صفی‌الدین.

در برخی منابع افراد مدفون در این بقعه را سه نفر دانسته‌اند به این دلیل که با حذف جمله «ابنه» از جلو امیر جلال‌الدین، وی را با عمادالدین یکی دانسته‌اند و برخی منابع هم لقب صفی را به اسم جمال‌الدین علی اضافه کرده‌اند. مؤلف نیز به جای کلمه «ابنه» کلمه «ابیه» آورده است که صحیح نیست.

به هر حال این گنبد و بنا در وسط دو گنبد دیگر قرار گرفته و مدفون خواجه علی جمال‌الدین است که دومین فرمانروای خاندان علی صفی است. فرزند و برادران وی نیز در اینجا مدفون هستند. بنای مزبور از خارج دوازده ضلعی است که هر ضلع آن را طاق‌نمایی به دهانه ۲/۴۰ و ارتفاع ۷ متر زینت می‌دهد. نمای داخل هشت ضلعی است و از این نظر همانند گنبد خواجه اصیل‌الدین است و همانند گنبد پیشین به علت رسوبات مختلف، کف آن در زیر سطح فعلی زمین اطراف قرار دارد. پایه‌های اصلی بنا، هره‌های پیش‌آمده‌ای است که به صورت راسته‌چین، کار شده است.

بر فراز بقعه گنبدی است مصلع، و هرمی دوازده تریکی به ارتفاع نه متر سراپا آراسته به کاشی‌های دوالی فیروزه‌فام با عنقی مصلع و هرمی شکل از آجر که جدیداً تعمیر شده است. این گنبد در دوران پیر محمد ساوجی که از سال ۷۹۰ قمری در قم و کاشان حکومت داشته است، بنیان‌گرفته است (گنجینه آثار قم، ۴۱۳/۲ - ۴۲۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۲ - ۳۲۳).

۳. بقعه سوم در شمال دو بنای دیگر واقع شده که به خاطر صدمه دیدن کتیبه آن، نام بانی و صاحب بنا مشخص نیست. این بنا به گفته فیض مربوط به سده نهم هجری است و نامگذاری آن به نام «سعد و سعید» یا «سعد سعید» یک حادثه تاریخی را زنده می‌سازد، چه اینکه «سعد سعید» صحیح است نه «سعد و سعید» که به «سعد» و «سعید» پسران عبدالله بن سود اشعری نسبت داده شود، هرچند سعد بن عبدالله نهر تاریخی خود را از جانب شرقی همین محوطه عبور داده است. ممکن است بگویند: سعد مولای ابودلف عجلی فرمانروای بلاد جبل در عصر مأمون عباسی در این گورستان و بقعه دفن شده است، زیرا نامبرده از صحابه خاص امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و از مردان باتقوا و مورد احترام اهالی قم بوده است.

فیض سپس می‌افزاید که: اما آنچه به نظر نگارنده می‌رسد آن است که این گنبد، مدفن یا مأمون مجدالملک ابوالفضل سعد بن موسی براوستانی قعی، وزیر مقتول سلطان برکیارق است که آثار خیریه‌اش در مشاهد متبرکه بسیار و در سال ۵۹۲ قمری در قهستان از ناحیه امرای لشکر حنجرآگین گردید و چون وصیت کرده بود که جسد وی را به کربلای معلی ببرند، به فرمان سلطان جسد او را به قم منتقل کردند و به صورت موقت در این نقطه به امانت سپردند و بر فراز آن قبه‌ای بنا نهادند، تا در فرصت مناسب به عتبات منتقل شود. بعدها در سال ۸۷۳ قمری خواجه برهان‌الدین وزیر مقدم سلطان حسن بیک آق‌قویونلو را که به ضرب کارد خواجه ابراهیم بدلیسی به قتل رسید با جسد قاتل وی در این گنبد دفن کردند (گنجینه آثار قم، ۴۰۵/۲ - ۴۱۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۳).

۴. جنة النعیم، ص ۴۸۷.

۵. بدایع الانوار، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.

۶. المجدی، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

۷. عمدة الطالب، ص ۲۰۳.

۸. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ۷/۱.

بنیاد ز اصغر ابن ابراهیم است

چونان که بنای کعبه کرد ابراهیم

۱. در اصل این عبارت پس از نام جعفر چنین است: «و آن بزرگوار بدون واسطه است» که مبهم و گنگ است.

۲. جنة النعیم، ص ۴۸۷.

۳. تحفة الزائر، ص ۴۲۳ - ۴۲۴.

۴. تاریخ قم، ص ۲۱۶ - ۲۱۷. فیض می نویسد: مدفون در این گنبد شاهزاده حمزه (متوفای در اواسط قرن چهارم هجری) است و نامبرده از احفاد امام کاظم و نسبش به طور دقیق چنین است: «حمزه بن حسین بن احمد بن اسحاق بن ابراهیم العسکر بن موسی ابی السبحه بن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم» که نامبرده با پدر خود حسین و جد خویش احمد، در سه بقعه مجاور یکدیگر مدفونند و بنابراین سلطان سید اسحاق مدفون به ساوه جد اعلای وی می باشد و بعضی از مؤلفین با سریشم وهم و تخیل کوشیده اند تا حمزه مدفون در این گنبد را فرزند بلافصل امام کاظم معرفی کنند و بعضی گام فراتر نهاده، ادعا کرده اند که نامبرده با خواهر خود سنی فاطمه، همسفر بوده، معاً به قم درآمده اند. تعجب در آن است که این نویسندگان هم عبارت «تاریخ قم» را مستند قرار داده اند، در صورتی که در تاریخ مزبور، آنجایی که از هجرت محمد بن موسی المبرقع حکایت کرده است، از رحلت برپهه زوجه وی دختر جعفر بن امام علی نقی در این شهر خبر داده، سپس مفاداً چنین می افزاید که برادران وی ابراهیم و یحیی صوفی، برای تصرف ماترک وی از کوفه به قم آمدند و در میدان زکریا بن آدم قریب مشهد حمزه بن موسی بن جعفر یا «حمزه موسوی» منزل و مأوی گزیدند [در نسخه چاپی تاریخ قم، عبارت «حمزه موسوی» وجود ندارد] و چنانکه پوشیده نیست جمله «حمزه موسوی» مثبت وجود فاصله و ذکر جد اعلی و اسقاط وسائط هم امری عادی و معمولی بوده است، و مؤید اینکه مدفون در این گنبد حمزه بن حسین بن احمد بن اسحاق است آن است که پدر و جدش نیز، در جوار وی مدفونند، منتها به جهت فضیلتی که حمزه داشته، مشهد مجتمع فقط به نام وی شهرت یافته است (گنجینه آثار قم، ۱/۲ - ۴۴۱ - ۴۴۲).

۵. این آرامگاه در میدان کهنه قم - میدان زکریا بن آدم - واقع شده و مشتمل بر بقعه تاریخی، رواق مجلل، ایوان، کفشکن، حجرات و صحن هاست. بنای بقعه از خشت ساخته شده و از خارج و داخل دارای طرح هشت ضلعی است. این بنا از داخل به دهانه ۷/۵ و ارتفاع ۱۲ متر مشتمل بر هشت صفحه به دهانه ۲، عرض ۱ و ارتفاع ۷/۵ متر است. ازاره بقعه به ارتفاع ۱/۵ متر، مزین به کاشی کاری کلوکی و بالای آن تمام جدار سفیدکاری است. کف بقعه با کاشی های فیروزه ای قالب بزرگ صفوی فرش شده است. در وسط بقعه، ضریحی مجلل از چوب است که روی سکویی از سنگ مرمر نصب گردیده است. درون این ضریح، مرقدی آراسته به کاشی های خشتی منقش هفت رنگ، از آثار میرزا علی اصغرخان اتابک - بانی صحن آستانه و صحن بقعه و گنبد آن - است و در گلوگاه آن، کتیبه ای است به خط نستعلیق سفید و مرغوب در زمینه لاجوردی به تاریخ ۱۳۰۱ قمری.

تاریخ بنای بقعه با توجه به سبک بنا از سده هشتم هجری است که در دوره های بعدی تعمیرات و الحاقاتی داشته و اما گنبد بنا در سال ۱۳۰۱ قمری ساخته شده و از ابتکارات استاد حسن معمار قمی است. ارتفاع گنبد از سطح بام، چون قطر قسمت اولیه آن، حدود ۱۲ متر و سرپای مزین به کاشی های گرهی و احياناً دوالی فیروزه فام و دارای گردنی مضع و شانزده ترکی و آجری است (بناهای آرامگاهی، ص ۱۶۱؛ تربت پاکان، ۲/۸۸ - ۹۰؛ گنجینه آثار قم، ۲/۴۴۳ - ۴۵۳).

که: نسب این سلسله جلیله، به حضرت حمزه بن موسی (علیه السلام) منتهی می شود و مدفن آن امامزاده حمزه در قریه ای از قراء شیراز است و سلاطین صفویه از برای وی بقعه عالی بنا کردند و موقوفات زیادی از برای او قرار داده اند و در «ترشیز» هم مقبره ای است که جمعی اعتقاد کرده اند که از حضرت امامزاده حمزه است.

و صاحب کتاب جنة النعیم می نویسد که: آنچه مشهور و معروف است و جمعی از اهل طهران بر این نهج معتقدند و جز این عقیده ندارند، گویند که قبر این امامزاده حمزه در ری است و بقعه او همان بقعه ای است که متصل است به بقعه حضرت عبدالعظیم و حضرت عبدالعظیم به زیارت آن جناب مشرف می شده و فقره زیارت: «یا زائراً قبر خیر رجل من ولد موسی بن جعفر» آن بزرگوار بدین^۱ واسطه است.^۲ و مجلسی - علیه الرحمه - در کتاب تحفة الزائر می فرماید که: قبر شریف امامزاده حمزه، فرزند حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)، ظاهراً همان باشد که حضرت عبدالعظیم زیارت می کرده است آن مرقد منور را.^۳

اما صاحب تاریخ قم می نویسد که: حمزه بن موسی بن جعفر در قم مدفون است و او را حمزه بن موسی بن جعفر می دانند و می گویند که یحیی صوفی پسر جعفر کذاب که اولاد حضرت امام علی نقی (علیه السلام) می باشد، به قم اقامت کرد و در میدان زکریا بن آدم [به نزدیک] مشهد حمزه بن موسی (علیه السلام) وطن کرد.^۴

علی ای حال شاهزاده حمزه که در قم مدفون است، واقع است در محله ای که به نام خودش نامیده شده، بقعه وسیعی و گنبد بسیار مرتفعی و صحن بزرگی دارد.

در سابق صحن کوچکی و گنبد آجری داشت. در سنه یک هزار و سیصد و شانزده که میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم که به آستان بوسی حضرت فاطمه معصومه (علیه السلام) مشرف شد، صحن بسیار خوبی از برای او بنا نمود و گنبد را مرتفع و کاشی کرد و ایوان بقعه را تعمیر فرمود و ضریح چوبی ساخته و بر روی مرقد مطهر گذارد.^۵

در پیشانی ایوان بقعه منوره، کتیبه ای است که این قطعه در آنجا نوشته شده [است]:

این کفشکن سلیل موسای کلیم

کو طعنه زند به طور ما موسای کلیم

این وادی مقدس است فاخلع نعلیک
و این باب خداست فادخلوا للتعظیم^۱

حضرت امامزاده احمد بن موسی بن جعفر علیه‌السلام

بقعه او متصل است به بقعه حضرت شاهزاده حمزه
سابق‌الذکر

در کتاب تاریخ قم^۲، در ضمن اولاد حضرت موسی بن
جعفر علیه‌السلام احمد نامی را ذکر می‌کند و می‌فرماید که در قم
وفات نموده و محل دفن او را تعیین نمی‌کند و ظاهراً
مدفون در این بقعه همان احمد باشد. پس بنابراین نسب
شریف او بدین طریق است: «احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن
موسی بن جعفر علیه‌السلام».

در سنه یکهزار و سیصد و هفده، صدر اعظم، صحن
کوچکی از برای او بنا نموده و متصل است صحن او به
صحن شاهزاده حمزه علیه‌السلام و بر کتیبه ایوان بقعه این کتیبه
نوشته شده:

به عهد خسرو عادل مظفرالدین شاه

که خاک مقدم او تاج قیصر است و قباد

به امر صدر معظم علی اصغر خان

که نوک خامه او مشکلات دهر گشاد

ز بهر سبط نبی احمد، این رواق بساخت

عزیز خان فلک فر، امین نیک نهاد

هزار و سیصد و هفده گذشت از هجرت

تمام گشت به سعی علی اکبر راد^۳

هراسناک بودند، از این جهت بیشتر مشاجرات و اختلافات مردم در آنجا
پیش از اقدام به مراسم مقدماتی سوگند، به صلح و آشتی میان طرفین خاتمه
پیدا می‌کرد. این مشهد از نظر بیوتات و مرافق تابعه مستغنی بوده و مشتمل
بر بقعه تاریخی و رواق مجلل و ایوان مفخم و کفشکن‌ها و حجره‌های
جوراجور و صحن‌های متعدد است.

در طرف شمال این بقعه و بارگاه، گورستانی پست و بلند و مخوفی بود
که در سال ۱۳۲۵ ش مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض، در ضلع
شمالی آن آب انباری ساخت و بر فراز آن مسجدی مجلل بنیان نهاد که با
خودیاری مردم قم، به انجام رسید و بعدها بقیه محوطه گورستان به وسیله
شهرداری قم، به باغ و چمن‌کاری تبدیل گردید و جزو تفرجگاه‌ها و
تفریحگاه‌های مردم قم درآمد (گنجینه آثار قم، ۲/۴۴۰-۴۴۱).

۲. بقعه امامزاده احمد بن موسی و به تعبیر صحیح: «امامزاده احمد بن
اسحاق» در میدان کهنه قم یا میدان زکریا بن آدم و در کنار مرقد شاهزاده
حمزه بن موسی بن جعفر علیه‌السلام قرار گرفته و مدفون در آن چنانکه مؤلف ذکر
کرده: «احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام» و یا چنانکه
فیض و دیگران نوشته‌اند: «احمد بن اسحاق عسکری» است که از نوادگان
امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام است. اسحاق پدر وی در ساوه
مدفون و جد شاهزاده حمزه سابق‌الذکر می‌باشد. پدر شاهزاده حمزه، حسین
بن احمد هم در بقعه غربی همین بقعه مدفون است، زیرا در این محوطه سه
مقبره از نامبردگان موجود است.

برخی مانند محدث قمی، صاحب «منتهی الآمال» احتمال داده‌اند که
بقعه مقابل درب شمالی مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام را بقعه «احمد بن
اسحاق موسوی» باشد، در صورتی که آن بقعه از آن «احمد بن اسحاق
اشعری» وکیل امام عسکری علیه‌السلام است (گنجینه آثار قم، ۲/۴۵۴؛ بناهای
آرامگاهی، ص ۹۷؛ منتهی الآمال، ۲/۷۳۷-۷۳۸).

۳. تاریخ قم، ص ۲۲۱-۲۲۲ و نوشته است که از اسحاق بن ابراهیم بن موسی
بن ابراهیم بن موسی، پسری به وجود آمد، ابوعلی احمد نام و ابوعلی به آب
رفت و از آل طلحه زنی به همسری گرفت و صاحب چند فرزند شد، سپس
به قم بازگشت و از دختر صایغ صاحب پسری شد به نام حسین و بالاخره
دیده از جهان فرو بست.

۴. حرم و ساختمان اصلی امامزاده، از بناهای پیش از زمان صفویه است که در
دوره شاه طهماسب، تعمیر و تزیین شده است و چنانکه از گفته مؤلف و
کتیبه ایوان بقعه برمی‌آید، در زمان مظفرالدین شاه قاجار و به دستور میرزا
علی اصغر خان امین‌السلطان اتابک اعظم و با مباشرت عزیز خان و اهتمام
علی اکبر نامی در ۱۳۱۷ قمری، بازسازی شده است. این بارگاه دارای صحن
و ایوان و بقعه قصبه و لوحی از کاشی قدیمی است و صحن آن به دهانه
هشت در شش متر است و میانه با صحن شاهزاده حمزه، سه نمابندی شده
است و این نماها بر فراز دو ستون سنگی و دو نیم ستون طرفینی واقع‌اند.
ایوان جلو بقعه به دهانه ۳/۵ و عرض دو متر و ارتفاع هشت متر، دارای جدار
آجری و پوشش رسمی بندی، آراسته به کاشی‌کاری معقلی با جبهه مزین به
کاشی‌های کلوکی است و مدخل بقعه با دالانی مورب در زیر همین ایوان
واقع است و در طرفین ایوان دو کفشکن با دو پله واقع شده است. در وسط
بقعه ضریحی است از چوب و مشبک که درون آن مرقدی است با چهار بدنه
سفیدکاری که روی آن آراسته به لوحی از کاشی قدیمی به عرض ۶۰
سانتی‌متر و طول ۱/۵ متر و از سه پارچه خشت‌های ۶۰ در ۵۰ سانتی‌متر
تشکیل یافته است (گنجینه آثار قم، ۲/۴۵۴-۴۵۶؛ بناهای آرامگاهی،
ص ۹۷-۹۸؛ تربت پاکان، ۲/۹۰-۹۱).

۱. مشهد امامزاده حمزه به نوشته فیض، از مشاهد مورد توجه و مزار عمومی
و مرکز حلف و تحلیف متداعیین در امور حقوقی و بلکه جزایی بوده که
عموم مردم از سوگند دروغ یاد کردن به نام وی و در زیر بقعه و قبه وی

گزارش سفر فرانسه

سید محمود مرعشی نجفی

پس از صرف غذا، به سفارت کشورمان رهسپار شدیم، آنگاه طبق برنامه تنظیمی که نسخه‌ای از آن را در دو صفحه به من داده بودند به اتفاق یکی از کارکنان سفارت عازم بازدید از خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و ملاقات با مسئولان آن شدیم. به هنگام ورود به آن مرکز مورد استقبال آقای دکتر ایوبی مسئول خانه فرهنگ ایران قرار گرفتیم، پس از تعارفات معمول و معارفه به بحث پیرامون مسائل فرهنگی پرداختیم و ضمن آن مقرر گردید میهمانان فرانسوی که از سوی خانه فرهنگ ایران جهت بازدید از کشورمان عازم تهران می‌شوند، در برنامه سفر هر کدام بازدید از کتابخانه را لحاظ نمایند.

در پایان این دیدار، عازم هتل محل اقامت شدم و ساعتی بعد آقای موجانی من را برای صرف شام به منزل خودش دعوت کرد و ضمن قبولی و صرف شام در منزل ایشان به هتل محل اقامت مراجعه نمودم.

روز بعد، سه‌شنبه رأس ساعت ۱۰ بامداد به سفارت رفتم و با آقای سید صادق خرازی سفیر کشورمان در پاریس به گفتگو نشستیم. ایشان از اینکه به هتل رفته بودم، فوق‌العاده ناراحت شده بود و دستور داد ااث من را از هتل به اقامتگاه سفارت منتقل نمایند و تا آخرین روز اقامت در آن محل بمانم. اگر چه اقامتگاه سفارت‌تیمان وسیع نیست، لیکن از لحاظ شرعی و اقامه نماز و سایر مسائل بسیار

به دعوت سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، به منظور بازدید از کتابخانه‌های بزرگ و مراکز فرهنگی و نیز سازمان علمی، فرهنگی ملل متحد «یونسکو» همچنین بازدید از بخش‌های مرمت و بازسازی نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب کتابخانه ملی فرانسه و برقراری تفاهم‌نامه جهت اعزام کارشناسان مربوطه به منظور انتقال تجربیات و دست‌آوردهای یکدیگر، دوشنبه ۱۳۸۳/۶/۳۰ رأس ساعت ۲۱ بامداد از تهران عازم پاریس شدیم. ساعت ۵/۴۵ بامداد همان روز دوشنبه، هواپیما در فرودگاه شارل دوگل پاریس به زمین نشست. پس از پیاده شدن از هواپیما و انجام تشریفات گمرکی به هنگام خروج، دوست دیرینم آقای سید علی موجانی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس به استقبال آمده بود. به اتفاق با اتومبیل عازم شهر و به هتل محل اقامت رهسپار شدیم. پس از استقرار، چون شب را نخوابیده بودم به استراحت پرداختم و ظهر همان روز به اتفاق آقای موجانی، جهت صرف نهار، عازم شدیم.

به هر حال جا دارد اینک گزارش کوتاهی از وضعیت سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی کشور فرانسه را در این گزارش به شرح زیر بیان کنم:

کشور فرانسه ۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع «کمتر از یک سوم مساحت ایران وسعت دارد و وسیع‌ترین کشور اروپای غربی و شامل یک پنجم کل مساحت اتحادیه اروپاست»، در عین حال به برکت ۵۵۰۰ کیلومتر ساحل و جزایر متعدّد، مناطق دریایی وسیعی را نیز در اختیار دارد، و مساحت مناطق انحصاری اقتصادی دریایی کشور فرانسه بالغ بر یک میلیون کیلومتر مربع خواهد بود. حدود دو سوم مساحت فرانسه دشت می‌باشد و وسیع‌ترین رشته‌های کوه فرانسه «آلپ»، «پیرنه»، «ژورا»، «آردن» می‌باشند. مرتفع‌ترین قله اروپای غربی، در فرانسه قرار گرفته و «مونت بلان» قله سپید نام دارد و ارتفاع آن بالغ بر ۴۸۰۷ متر می‌باشد. ۸۲ درصد خاک فرانسه را «بدون احتساب مناطق متعلق به فرانسه، خارج از قاره اروپا» زمین‌های کشاورزی و یا جنگل پوشانده است. «۴۸ میلیون هکتار» یعنی ۲۶ درصد از مساحت آن کشور را، جنگل پوشانده است و از نظر مساحت جنگل‌ها، فرانسه سومین کشور قاره اروپا می‌باشد.

شایان توجه است: طی دو بیست سال گذشته، مساحت جنگل‌های فرانسه دو برابر گردیده است. حفاظت از محیط زیست از اولویتهای سیاسی دولت فرانسه بوده و هرساله ۲۲ میلیارد یورو به حفاظت از محیط زیست و مشکل زباله‌ها و فاضلاب اختصاص می‌یابد.

فرانسه، طبق آمار سال «۲۰۰۱» میلادی، بالغ بر ۶۱ میلیون نفر جمعیت دارد و تراکم کلی ۱۰۷ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. حدود ۱۶ درصد از جمعیت فرانسه بالای ۶۵ سال داشته و رشد متوسط جمعیت تنها ۰٫۴۲٪ می‌باشد، درصد نوزادان حدود ۱۲/۵ در هزار و درصد مرگ و میر ۹ در هزار و درصد مهاجرت افزون بر ۶۶٪ در هزار می‌باشد، ۵ شهر فرانسه بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد: «پاریس حدود ۱۰ میلیون نفر»، «لیون ۱/۴ میلیون»، «مارسی، لیل و تولوز کمتر از یک میلیون نفر.

تعداد ایرانیان مقیم فرانسه پیرامون یکصد هزار نفر تخمین زده می‌شود. حدود ۸۵ درصد مردم فرانسه مسیحی کاتولیک و ۲ درصد مسیحی پروتستان می‌باشند. اسلام با

حدود ده درصد جمعیت، دومین دین فرانسه به شمار می‌آید و نیز یک درصد از فرانسویان کلیمی می‌باشند.

کشور فرانسه جمهوری و از ۲۲ منطقه و ۹۶ استان تشکیل شده است، افزون بر آن ۴۰ استان تحت عنوان «استانهای ماوراء بحار» «DOM» و ۴ استان دیگر با عنوان «سرزمین‌های ماوراء بحار» «TOM» نیز جزء جمهوری فرانسه می‌باشند. قانون اساسی سال ۱۹۵۸م، ساختار و اداره سیاسی کشور فرانسه را تنظیم می‌نماید. این قانون اساسی در چند نوبت مورد اصلاح قرار گرفته است و آخرین بار آن در سال ۲۰۰۰م برای کاهش مدت ریاست جمهوری از ۷ سال به ۵ سال بوده است.

طبق قانون اساسی فرانسه، رئیس جمهور برای مدت ۵ سال با انتخابات عمومی و مستقیم انتخاب شده و مسئولیت انتصاب نخست‌وزیر، ریاست شورای دولت، ابلاغ قوانین، فرماندهی نیروهای نظامی و در صورت نیاز انحلال مجلس و یا اعمال اختیارات گسترده به هنگام بروز بحران جدی را بر عهده دارد.

پارلمان فرانسه از دو مجلس تشکیل شده، مجلس سنا متشکل از «۳۲۱» سناتور که با انتخاب غیر مستقیم برای ۹ سال انتخاب می‌گردند، و مجلس ملی فرانسه متشکل از ۵۷۷ نماینده که با انتخابات مستقیم برای ۵ سال انتخاب می‌شوند.

سرود ملی فرانسه «مارسیز» نام دارد، و در آغاز دوران انقلاب کبیر فرانسه و به هنگام اعلان جنگ فرانسه با اتریش در سال ۱۷۹۲م از سوی یکی از افسران فرانسوی در شهر استراسبورگ تنظیم و تدوین گردیده، و در جمهوری سوم به سال ۱۸۷۹م به عنوان سرود ملی فرانسه انتخاب شد. شعار ملی فرانسه «آزادی، برابری و برادری» می‌باشد.

از نظر تولید ناخالص داخلی، فرانسه چهارمین قدرت اقتصادی جهان به شمار می‌آید، در سال ۲۰۰۰م تولید ناخالص داخلی فرانسه ۱۴۰۴ میلیارد یورو بوده است، مازاد تجارت خارجی فرانسه در سال ۲۰۰۰م به بیش از ۱۴ میلیارد یورو بالغ گردیده است و این کشور چهارمین صادرکننده محصولات خصوصاً صنعتی و مصرفی به شمار می‌آید.

فرانسه با بیش از ۷۱ میلیون جهانگرد در سال، سومین کشور جهان بعد از آمریکا و ایتالیا محسوب می‌گردد.

۴. برج ایفل

به هنگام نمایشگاه بزرگی که به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۸۸۹م برگزار گردید، برج ایفل با ارتفاع بیش از ۳۲۰ متر، با احتساب آنتن‌های مخابراتی آن افتتاح شد. این برج که تمامی آن از فولاد ساخته شده، ۷۰۰۰ تن وزن داشته و متشکل از ۱۵۰۰۰ قطعه فولادی است. برج ایفل تنها برای بیست سال ساخته شده بود، لیکن استفاده علمی آن «مرکز هواشناسی» و مخابراتی برج «آنتن پخش رادیو» این برج را از انهدام نجات بخشید. برج از سه طبقه تشکیل شده که با آسانسور و پله قابل بازدید می‌باشد. همه‌روزه جهانگردان بی‌شماری از آن بازدید می‌کنند و در حقیقت سمبل کشور فرانسه می‌باشد.

۵. طاق نصرت پاریس

ARC DE TRIOMPHE که در میدان ستاره ETOILE در انتهای خیابان شانزلیزه پاریس قرار گرفته است. ساخت این بنا به دستور ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۶م برای بزرگداشت پیروزی‌های ارتش بزرگ فرانسه آغاز گردید و به سال ۱۸۳۶م پس از مرگ ناپلئون به پایان رسید. پس از پایان جنگ جهانی دوم و به‌خاک سپردن یکی از کشته شدگان گمنام جنگ در زیر این بنای عظیم، به سال ۱۹۲۱م، طاق نصرت پاریس تبدیل به یک مکان ملی گردید.

برخی دیگر از بناهای دیدنی پاریس

موزه تاریخ فرانسه، مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو، موزه اورسه، کتابخانه ملی فرانسه، انستیتو دنیای عرب، موزه ارتش و آرامگاه ناپلئون، موزه پیکاسو، برج مونپارناس و ... یکی از دیدنی‌ترین بناهای تاریخی پاریس، کاخ بزرگ ورسای و باغ‌های بسیار زیبای این قصر می‌باشد که در شهر ورسای در ۱۵ کیلومتری پاریس واقع شده است.

گزارش روزانه سفر

طبق قرار قبلی، صبح سه شنبه رأس ساعت ۱۰ از سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس عازم بازدید از کتابخانه ملی فرانسه شدیم. به هنگام ورود مورد استقبال آقای JEAN - NOEL JEANNENEY رئیس کل آن کتابخانه

در فرانسه آثار تاریخی و دیدنی بسیاری وجود دارد. اینک به ترتیب زیر تعدادی از آنها را برمی‌شماریم:

۱. موزه لوور

در سده ۱۲ میلادی، دیوار دفاعی بزرگی در اطراف پاریس ساخته شد و قصر نظامی در محل کنونی موزه لوور تأسیس گردید. در سده ۱۶م به دستور پادشاه فرانسه، این قصر نظامی به کاخ پادشاهی و اقامتگاه شاه و خانواده وی تبدیل گردید، پس از انقلاب کبیر فرانسه، این کاخ در سال ۱۷۹۳م رسماً تبدیل به موزه گردید. امروزه موزه لوور با مساحتی برابر ۵۵۰۰۰ هزار متر مربع برخی از آثار مهم تاریخی جهان را در خود جا داده و به نمایش درآمده است.

آثار ارزشمندی از میراث فرهنگی ایران نیز در آن وجود دارد که همه روزه تعداد بسیاری از آن بازدید می‌کنند، این موزه همه روزه به غیر از سه‌شنبه‌ها از ساعت ۹ تا ۱۸ باز می‌باشد.

۲. کلیسای نوتردام «بانوی ماه»

در سال ۱۱۶۰ میلادی تصمیم گرفته شد تا کلیسای جدیدی در پاریس احداث گردد، عملیات ساختمانی این کلیسا تا سال ۱۲۳۰م ادامه یافت، لیکن از نام نخستین مهندس این بنای عظیم و زیبا کوچکترین اثری باقی نمانده است. به هنگام انقلاب بزرگ فرانسه، این کلیسا مورد غارت و چپاول قرار گرفت و تبدیل به «معبد عقل» گردید تا در سال‌های بعد مجدداً به کلیسای بزرگ فعلی تبدیل گردید. در سال ۱۸۳۱م زمان معروف «ویکتور هوگو» به عنوان «نوتردام پاریس» موجب شهرت جهانی این کلیسا گردید.

۳. کلیسای ساکره کر «قلب مقدس»

تصمیم ساخت این کلیسای بزرگ در سال ۱۸۷۳م برای جبران گناهی که شهروندان پاریس به‌هنگام انقلاب Commune مرتکب شده بودند، اتخاذ گردید و ساخت آن به سال ۱۹۱۷م به انجام رسید. هزینه ساخت این بنای مذهبی از محل کمک‌های مالی ۱۰ میلیون مسیحی فرانسوی تأمین گردید.

و چند تن از معاونان وی، همچنین آقای DOMINIQUE BERGOUIGNAN مسئول روابط بین‌الملل و سرپرست بخش خاورمیانه آن کتابخانه عظیم قرار گرفتیم.

بپردازند، خوشبختانه مورد موافقت رئیس آن کتابخانه قرار گرفت و مقرر گردید از طریق سفارت‌مان در پاریس به ما ابلاغ نمایند، بحمدالله این مورد یکی از اهداف سفرم به پاریس بود که انجام خواهد شد. سپس عازم بازدید از بخش‌ها و واحدهای گوناگون آن کتابخانه شدیم.

فکر تأسیس این کتابخانه بسیار بزرگ در سال ۱۹۸۸م پیش آمده و پس از تصویب «میتران»، رئیس جمهور وقت فرانسه، ۴ طرح پیشنهادی از میان صدها طرح ارائه شده انتخاب و نهایتاً طرحی را که خود میتران ارائه داده بود انتخاب شد و کارهای اجرایی آن در اوائل سال ۱۹۹۰م آغاز و پس از پنج سال کار مداوم و بدون وقفه در سال ۱۹۹۶م افتتاح گردید. این کتابخانه، هم‌اکنون تابع وزارت



متولی کتابخانه و رئیس کل کتابخانه ملی پاریس

فرهنگ فرانسه می‌باشد و نیز تا حدودی وزارت اقتصاد آن کشور نیز همکاری دارد.

طبق اظهار رئیس آن کتابخانه، هزینه‌های جاری این کتابخانه به گونه‌ای است که ده درصد کل اعتبار جاری وزارت فرهنگ فرانسه را به خود اختصاص داده است، و از نظر گستردگی و عظمت ساختمان‌های آن معادل یک شهر چهل‌هزار نفری است. مجموع زیربنای این ساختمان عظیم بالغ بر سیصد و پنجاه هزار متر مربع می‌باشد. طبق اظهار مسئول روابط بین‌الملل کتابخانه که در همه بخش‌ها ما را همراهی می‌کرد و توضیحات ضروری را اظهار می‌داشت، به علت حجم گسترده ساختمان و مصرف انرژی بسیار زیاد آن در نظر است بخش‌هایی را که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، متوقف کنند تا مشکلی در روند امور اجرایی آن پیش نیاید.

به نظر این جانب که افزون بر چهل و اندی سال است از وضع ساخت و ساز کتابخانه‌های مختلف جهان آگاهی دارم، آرشیوهای این ساختمان بیشتر جنبه‌های زیبایی ظاهری آن را در نظر گرفته‌اند، فضاهای به اصطلاح «مُرده

در این دیدار یک مترجم زبان فرانسه و یک نفر از کارشناسان امور فرهنگی سفارت ایران در پاریس من را همراهی می‌کردند. نخست در دفتر رئیس کل کتابخانه مستقر شدیم. پس از معارفه طرفین، این جانب در مورد کتابخانه بزرگ پدر عزیزم مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله علیه مطالبی را بیان کردم که بی‌نهایت مورد توجه وی و معاونانش قرار گرفت. سپس او شمه‌ای از وضعیت کتابخانه ملی پاریس و بنیانگذار آن، رئیس جمهور اسبق فرانسه آقای فراسوا میتران، بیان نمود. آنگاه این جانب در مورد برقراری تفاهم‌نامه فی‌مابین به منظور تبادل میکروفیلم، کتاب و سفر کارشناسان مرمت طرفین به کشور مقابل جهت انتقال تجربیات هر طرف به طرف دیگر صحبت کردم و پیشنهاد نمودم اعزام کارشناسان ما به پاریس مستلزم هزینه‌های بسیاری است، لذا مناسب است دو نفر از کارشناسان برجسته و خیره بخش مرمت نسخه‌های خطی و اسناد دستنویس کتابخانه ملی پاریس به دعوت و هزینه کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته به ایران بیایند و به مدت پانزده روز در کتابخانه ما به تبادل نظر

بهره می‌گیرند.

همه روزه از ساعت ۹ صبح تا ۸ شب آماده سرویس‌دهی می‌باشد. بخش محققان در طبقه منهای یک کتابخانه قرار دارد. این بخش از نظر حفاظت، دارای تجهیزات پیشرفته می‌باشد. تعداد کارکنان ساختمان‌های مرکزی بالغ بر ۱۸۰۰ نفر و کل کارکنان کتابخانه با احتساب بخش مرمت نسخه‌ها بالغ بر ۲۸۰۰ نفر می‌باشد.

طبقه هم‌کف برای عموم آماده شده و سالن‌های مطالعه عمومی در همان طبقه هم‌کف قرار گرفته است. یک سینمای کوچک نیز در

بخشی از این کتابخانه در حال احداث می‌باشد. بخشی نیز به مطالعه‌کنندگانی که خودشان غذای روزانه از قبیل ساندویچ همراه دارند اختصاص دارد. پس از بازدید از بخش‌های مختلف، به هنگام خروج از طبقه هم‌کف، جهت ورود به طبقه منهای یک، فروشگاه کتاب آن کتابخانه نظرم را جلب نمود. اندکی توقف کردیم و چند جلد کتاب چاپ شده در مورد نسخه‌های خطی هنری را خریداری نمودم، یک جلد نیز همان مدیر کتابفروشی به من هدیه داد.

به هر حال وارد بخش محققان در زیرزمین منهای یک شدیم. این بخش که در زیر یکی از برج‌های چهارگانه قرار دارد، فوق‌العاده پرکار و مراجعان بسیاری در حال مطالعه کتابهای مورد نظرشان بودند. و همان‌گونه که قبلاً گفته شد از نظر حفاظتی، فوق‌العاده پیشرفته است. هر فرد محقق می‌تواند قبل از آمدن به کتابخانه، کتاب خود را که چاپی است از طریق اینترنت به اطلاع مسئولان این بخش برساند و آنان کتاب درخواستی وی را با ذکر شماره در اینترنت می‌گذارند تا متقاضی مراجعه نماید. ضمناً هر کتابی که محققان نیاز دارند و از طریق تجهیزات تلفیفت که به محل کتابرسانی می‌رسد، یک دکمه خاموش و روشن می‌شود که کتاب درخواستی به مرکز کتابرسانی رسیده است. هر پژوهشگر خود رأساً می‌تواند از رایانه‌های متعدد کتابخانه



متولی کتابخانه در یکی از تالارهای کتابخانه ملی پاریس

و پرت بسیار زیاد است. در برخی فضاها که اندک هم نیست ارتفاع سقف‌ها از ۲۰ متر تجاوز می‌کند که برای گرم کردن یا سرد کردن آن فضاها انرژی بسیاری مصرف می‌شود. هزینه اجرای این ساختمان از بودجه عمومی دولت وقت پرداخت گردیده است. مجموعه این کتابخانه در کنار رودخانه معروف «سن» در داخل شهر پاریس قرار گرفته که زیبایی خاصی به آن داده است، به خصوص که مجموع این ساختمان از چهار برج بلند که همچون کتاب باز می‌باشد، تشکیل گردیده است. هر یک از برج‌ها در ۱۸ طبقه ساخته شده که از طبقه ۷ تا ۱۸ هر چهار برج مخازن چاپی این کتابخانه می‌باشد.

این کتابخانه قبل از این ساختمان در ساختمان قدیمی که در حال حاضر بخش مخطوطات و بخش مرمت نسخه‌های خطی آن کتابخانه می‌باشد، قرار داشته است. تعداد کل کتاب‌های چاپی موجود آن به زبان‌های گوناگون بالغ بر ۱۲ میلیون جلد می‌باشد. این آمار را مسئول روابط بین‌الملل کتابخانه اظهار داشت. بزرگترین آرشیو کتابهای موضوعی چاپی آن مربوط به هنر و ادبیات می‌باشد. برای افراد معلول که نقص عضو دارند، آسانسورهای ویژه قرار داده شده است. به طور متوسط در هر روز از صبح تا شام یک‌هزار نفر در تالارهای مطالعه عمومی و حدود یک‌هزار نفر دیگر از محققان و پژوهشگران از بخش ویژه محققان

استفاده نماید. تعداد شصت هزار کتاب با محتوای آن، کلاً در بخش دیجیتال این کتابخانه قابل استفاده می‌باشد و نام این پروژه خاص «گالیکا» می‌باشد.

بخش ویژه محققان از ۹ قسمت جدا تشکیل شده، از جمله ادبیات، فقه، هنر و غیره. تمامی درهای مجموعه اعم از درهای ورودی و خروجی از آلیاژ ویژه ضد حریق ساخته شده است. همچنین در کلیه واحدهای کتابخانه از سیستم آب‌پاش اتوماتیک برای اطفای آتش‌سوزی استفاده شده است. البته من در این خصوص ایراد گرفتم و گفتم آب چنانچه بر روی نسخه‌های خطی بریزد می‌داند بر سر آنها چه می‌رود؟ به هر حال پاسخ‌های نابجا می‌دادند.

دیواره‌های قبل از دیوار اصلی کتابخانه شبیه قفسه چوبی کتاب می‌باشد، علت را از مسئول روابط بین‌الملل کتابخانه جویا شدم، اظهار داشت این روش دارای مزایایی است از جمله از نور مستقیم خورشید جلوگیری می‌کند، از صدای بلند افراد و یا دیگر صداها نیز پیشگیری می‌کند.

۱۲ میلیون اندک است.

چند عکس در بخش‌های مختلف آن به یادگار گرفتم، در نهایت به بازدید دوساعته خود پایان داده و جهت اقامه نماز و صرف نهار، عازم سفارت ایران شدیم.

طبق قرار قبلی، بعد از ظهر همان روز سه‌شنبه رأس ساعت ۳ عازم بازدید از ساختمان عظیم قدیمی و مجلل گنجینه نسخه‌های خطی بسیار نفیس اسلامی و غیر اسلامی و نیز بخش مرمت و بازسازی نسخه‌های خطی و اسناد دستنویس شدیم. در این بازدید، مجدداً آقای شاه‌نظری که سالهاست در دانشگاه پاریس رشته حقوق خوانده و در حال گذراندن دکترای خود می‌باشد، به عنوان مترجم و آقای نسیم‌فر به عنوان کارشناس مسائل فرهنگی سفارت نیز حضور داشتند.

در بدو ورود مورد استقبال خانمی که مسئولیت نسخه‌های خطی فارسی و عربی و ترکی را بر عهده داشت، قرار گرفتیم. پس از استقرار در اتاقی، ضمن دقایقی معارفه، سؤالاتی را این‌جانب از وی نمودم، وی در پاسخ چنین اظهار داشت:

تعداد نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس ۲۶۰۰ جلد، نسخه‌های عربی خطی ۷۲۷۳ جلد، نسخه‌های ترکی ۲۰۱۰ جلد است. البته نسخه‌های خطی بسیار دیگری وجود دارد که غیر اسلامی است؛ از قبیل نسخه‌های چینی، تبتی، آسیای جنوب شرقی، زبانهای گوناگون هندی، ژاپنی، کره‌ای، اتیوپی، ارمنی، عبری، سریانی.

مجموعاً نسخه‌های خطی موجود آن گنجینه بالغ بر ۸۲ زبان



مرکز نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس

مختلف می‌باشد.

پس از ارائه این آمار، تعدادی نسخه بسیار نفیس خطی را که قبلاً از گنجینه نسخه‌های خطی خارج کرده و برای نشان دادن به ما بر روی میز قرار داده بودند، معرفی کردند. این‌جانب اظهار داشتم من خودم با این گونه نسخه‌ها بیگانه

به هر حال، این‌جانب تصورم این بود که کتابخانه ملی فرانسه بیش از این آمار که ارائه کردند، کتاب دارد. رقم ۱۲ میلیون در این سالها رقم قابل توجهی نیست، زیرا بیش از ۱۰ کشور افزون بر ده میلیون جلد کتاب چاپی دارند. ولی برای کتابخانه ملی فرانسه با آن سابقه تاریخی

دارای تصاویر رنگی اخترشناسی، کتابت اواخر سال ۸۰۰هـ، خط نسخ، عناوین با آب طلا و دارای جداول اخترشناسی، این نسخه را کاتب برای خزانه آلغ بیک نوه تیمور کتابت کرده است، قطع رقعی.

۴. جامع التواریخ

به فارسی، از رشیدالدین فضل‌الله، نسخه بسیار بسیار گرانبها که در جهان چنین نسخه‌ای هم‌تا ندارد، دارای ۱۱۳ نگاره مینیاتور رنگی زیبا از سده ۸هـ که برخی از آنها دو صفحه کامل را در بر گرفته است، قطع رحلی بسیار بزرگ، صفحات مجدول، خط نسخ، این نسخه در تملک محمود قاجار به سال ۱۲۷۳هـ بوده است. متأسفانه این نسخه عظیم که از آن مردم ایران زمین می‌باشد، از سوی سودجویان از خدا بی‌خبر به اروپا آمده و اکنون در این مرکز قرار دارد.

۵. گلستان سعدی

نسخه بسیار نفیس، گرانبها و بی‌نظیر به خط نستعلیق نابغه خوشنویسی خط نستعلیق، استاد نامدار اسلامی میر علی کاتب که به سال ۹۵۰هـ برای خزانه سلطان عبدالعزیز کتابت کرده است، دارای ۷۲ برگ و ۵ نگاره «مینیاتور» ممتاز کار استاد، دو صفحه نخست سرلوح ممتاز مرصع، قطع رحلی، جلد ایرانی ساغری مشکی.

۶. خمسة نظامی

نسخه نفیس و بسیار ارزشمند، به خط نستعلیق ممتاز استاد عبدالجبار به سال ۱۰۲۹هـ، دارای ۳۴ نگاره «مینیاتور» بسیار نفیس، صفحات مجدول ۴ ستونی. در سال ۱۲۴۹هـ احمد شاملو فهرستی برای نسخه نگاشته است، مالک نسخه آن را به محمود میرزا قاجار پیشکش نموده است، قطع رحلی، جلد روغنی رنگین.

۷. مجموعه

شامل چند مرقع نقاشی مینیاتوری که بیشتر آن هندی و چند تصویر آن ایرانی ممتاز و به احتمال قوی کار علیرضا عباسی است. بسیار نفیس و ارزشمند، قطع رحلی بزرگ، جلد روغنی زمینه مشکی با ترنج و سر ترنج روغنی رنگین.

نیستم و می‌شناسم، اجازه دهید خودم بررسی کنم. آن‌گاه نسخه‌ها را یک یک به من دادند و آنها را به ترتیب زیر بررسی نمودم:

۱. قرآن کریم

نسخه بسیار بسیار نفیس، ارزشمند و بی‌نظیر، نسخه کامل بدون افتادگی، تمامی به خط خوشنویس نامدار اسلامی یاقوت مستعصمی که به خط نسخ در عشر اول محرم سال ۶۸۸هـ آن را در بغداد کتابت کرده است. قبل از آغاز دو صفحه کامل مذهب ممتاز و اصیل، صفحات ۱۶ سطری در ۲۰۹ برگ، صفحه‌های آغازین مذهب و عناوین با خط کوفی، قطع رقعی، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی و با لبه برگردان، این نسخه مهم قبلاً در کشورمان و در کتابخانه مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله عموی ناصرالدین شاه قاجار بوده و دستخط وی در پشت برگ آغازین به سال ۱۲۴۵هـ آمده که این نسخه را ولیعهد به ایشان هدیه کرده است. این نسخه از نسخه‌های اصیل و هیچ‌گونه خدشه‌ای بر آن وارد نیست و از عتایق دهر به شمار می‌آید. متأسفانه این کلام‌الله در ایران بوده و از سوی سوداگران به خارج آمده و اکنون در این کتابخانه قرار دارد. اینها ثروت ملی کشورمان است که می‌بایست در دسترس شهروندان ایرانی قرار گیرد.

۲. ترجمه فارسی تفسیر طبری

ظاهراً از بلعمی، کهن‌ترین نسخه موجود در جهان، کتابت اواخر سده ۶هـ «۱۲۱۰ میلادی» قطع رحلی بسیار بزرگ با عرض زیاد، ترجمه فارسی در هر صفحه دارای ۱۸ سطر، متن قرآن به خط ثلث مشکی درشت ۵ سطری، دارای شمشه‌های بسیار نفیس در حاشیه، متن به جز تفسیر فارسی دارای زیرنویس فارسی است. عناوین ثلث با آب طلای ناب، این جلد شامل جزء نخست تا پایان جزء هفتم می‌باشد. این نسخه بسیار مهم و گرانبها برای خزانه «مولی‌المعظم، دستورالاعظم الحاج الحرمین، زینت‌الدین والدین، ابی‌القاسم هارون بن علی بن ظفر دندان...» کتابت شده است.

۳. صورالکواکب

به عربی، از عبدالرحمن صوفی، نسخه بسیار مهم و گرانبها

در این کتابخانه جمعاً ۴۰ نسخه خطی قرآن کریم وجود دارد که تعدادی از آنها کوفی و بر روی پوست کتابت شده‌اند، لیکن کوفی‌ها هیچ کدام کامل نیستند. کهن‌ترین نسخه عربی غیر از قرآن کریم مربوط به اوائل سده چهارم هجری است. تا کنون ۳ جلد از فهرست نسخه‌های خطی عربی و یک جلد از فهرست نسخه‌های خطی فارسی آن چاپ و منتشر شده است. فهرست نسخه‌های خطی را دوست دیرینم «فرانسیس ریچارد» که قبلاً مسئولیت نسخه‌های خطی فارسی و ترکی کتابخانه ملی فرانسه را بر عهده داشته و هم‌اکنون مسئول آثار ایرانی و اسلامی موزه لوور در پاریس می‌باشد، نگاشته است.

و برخی ساختمان‌های تاریخی قرار دارد. تابلوهای رنگ و روغن این موزه که برخی از آنها بسیار بزرگ و در ابعاد تقریبی ۱۲×۸ متر می‌باشد، بسیار چشمگیر و به دست نقاشان معروف فرانسه انجام گرفته است. انبوهی از جهانگردان و مردمان فرانسه در حال بازدید از این موزه بزرگ هنری بودند. ساختمان موزه که از ساختمانهای قدیمی است بسیار زیبا و جالب توجه می‌باشد. در پایان این بازدید که یک ساعت و نیم به طول انجامید به سفارت مراجعت نمودیم.

پس از نماز ظهر و عصر و صرف ناهار رأس ساعت ۳ بعدازظهر طبق برنامه تنظیمی عازم بازدید از انستیتو جهان

عرب و کتابخانه آن و ملاقات با مسئولان آن مرکز شدیم. در این بازدید که آقای موجانی و نیز آقای احسان نراقی و دکتر خلیلی مترجم زبان فرانسه سفارت مرا همراهی می‌کردند، به هنگام ورود مورد استقبال مسئول کتابخانه آن انستیتو به نام الطیب ولدالعروسی قرار گرفتیم، آن‌گاه عازم دفتر کار وی شدیم. در این ملاقات وی نخست شمه‌ای از فعالیت‌های این مرکز را بیان داشت و در پایان به اتفاق او از کتابخانه آن انستیتو که بیش از هفتاد هزار جلد کتاب چاپی دارد بازدید نمودیم. سپس عازم



متولی کتابخانه در دفتر مدیرکل انستیتو جهان عرب

ملاقات با دکتر ناصرالانصاری مدیر کل این مجموعه فرهنگی که در همان مجموعه قرار دارد، گردیدیم.

وی با گشاده‌رویی از ما استقبال نمود. در این دیدار این‌جانب در مورد کتابخانه بزرگ مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته مطالبی بیان داشتیم، سپس وی اظهار داشت آمادگی هر گونه همکاری با کتابخانه ما را دارد و مقرر گردید به دعوت این‌جانب سفری به ایران داشته و از کتابخانه ما بازدید به عمل آورد. وی ضمن بیانات خود گفت: من نام کتابخانه آیت‌الله مرعشی را بارها شنیده بودم و همیشه فکر می‌کردم روزی بتوانم از آن کتابخانه بازدید

جز نسخه‌های خطی اسلامی و ایرانی، نسخه‌های بسیار کهن دیگری به خطوط سریانی، عبری، ارمنی، هندی قدیم، چینی، مالائی، تبتی و غیر آنها وجود دارد که برخی از آنها بیش از صدها سال قبل کتابت شده‌اند.

چهارشنبه اول مهرماه ۱۳۸۳، طبق برنامه تنظیمی رأس ساعت ۱۰ صبح عازم بازدید یکی از موزه‌های پاریس شدیم. پس از تهیه بلیت ورودی، داخل موزه شدیم. در این موزه تابلوهای نقاشی از آثار نقاشان برجسته جهان و انبوهی از مجسمه‌های تاریخی شخصیت‌های معروف فرانسه و جهان و نیز تعدادی ماکت از شهر پاریس و آپرای آن

کنکور بدهند و فقط هر سال ۱۰ نفر گزینش می‌شود. نخست وی شمه‌ای از فعالیت‌های آن مجموعه را بیان داشت و طی آن اظهار نمود: این مرکز تابع وزارت فرهنگ فرانسه است و دارای بایگانی‌های اسناد جدید می‌باشد. تمامی اسناد قدیم در ساختمان دیگری در پاریس قرار دارد و شامل اسناد کهن و معتبر از قرن ۷ میلادی به بعد می‌باشد. در این مرکز که اسناد معاصر جمع‌آوری شده، مجموعه اسنادی است که از وزارتخانه‌ها اصل آنها برای بایگانی در این مرکز جمع‌آوری می‌شود و در حال حاضر از نظر حجم ۲۰۰ کیلومتر طول دارند. در هر وزارتخانه یک نماینده از سوی این مرکز وجود دارد که آن نماینده، اسنادی را که بایستی جمع‌آوری و برای ما ارسال نماید، انتخاب کرده و ۱۵ روز

قبل از تحویل، لیست و صفحات آن را به ما اعلام کرده، بدین سبب، نخست محل آنها را بایستی آماده نماییم. دیگر آنکه اگر ناقص باشد اعلام می‌شود تا کامل نمایند. ما دقیقاً بایستی بدانیم این اسناد از کجا آمده و چه نوع اسنادی است و از کدام وزارتخانه می‌باشند. همچنین اسناد صوتی و یا تصویری است که این‌گونه اسناد نیز جمع‌آوری می‌شود.

در حال حاضر در هر سال حدود ۲۰۰ کیلومتر سند که همگی اصلی است جمع‌آوری می‌کنیم و آنها را از وزارتخانه‌ها و مراکز مختلف کشور

فرانسه تهیه می‌کنیم. ۴۵ نفر در این مرکز همکاری دارند. مجموعه زمین این مرکز که بسیار باصفا و جنگلی است ۹ هکتار مساحت دارد و دارای ۱۰ بخش در هشتاد هزار متر مربع است که در آینده بایستی مجموعه ساختمان‌های آن آماده بهره‌برداری شود تا بتواند ۸۰۰ کیلومتر سند را در خود جا دهد.

در حال حاضر فقط دو ساختمان آن آماده است که اولی به سال ۱۹۸۷م و دومی در سال ۱۹۸۴م آماده بهره‌برداری شده است. این ساختمان که مجموعاً با طبقه هم‌کف در ۷

من نام کتابخانه آیت‌الله مرعشی را بارها شنیده بودم و همیشه فکر می‌کردم روزی بتوانم از آن کتابخانه بازدید کنم. متقابلاً در پی دعوت این‌جانب اظهار داشت: ما نیز مایلیم در بهار سال آینده که نمایشگاه بزرگی از آثار علمی تحقیقی محققان جهان عرب برگزار خواهیم نمود، شما را برای شرکت در این نمایشگاه دعوت کنیم.

ساختمان این انستیتو بسیار مدرن و عظیم و در ۱۰ طبقه ساخته شده و دارای ۴۰ نفر کارمند می‌باشد. هزینه این مرکز را پنجاه درصد دولت فرانسه و پنجاه درصد دیگر را کشورهای عربی تأمین می‌نمایند. در پایان این نشست عازم سفارت شدیم و این‌جانب مستقیماً به سوی اقامتگاه رهسپار شدم.



احسان نراقی، متولی کتابخانه و سید علی موجانی (کاردار ایران در پاریس)

فردا صبح پنجشنبه ۲ مهر ماه ۸۳ برابر ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴ رأس ساعت ۹ بامداد عازم بازدید از مراکز آرشیوهای معاصر فرانسه در شهر کوچک «فونتن بلو» شدیم. در این بازدید که آقای خلیلی، یکی از مترجمان سفارت، من را همراهی می‌کرد، پس از حدود هشتاد کیلومتر مسیر به آن مرکز رسیدیم. در بدو ورود مورد استقبال خانم کریستین، رئیس آن مرکز قرار گرفتیم. وی در مدرسه عالی شارت در پاریس وابسته به دانشگاه سوربن دوره ۷ ساله مربوط به آرشیو اسناد را طی نموده که البته برای ورود به آن بایستی

یک طبقه بیشتر را نمی‌دهد، به ناچار از زیرزمین استفاده شده است.

در این مرکز کتاب جمع‌آوری نمی‌کنند ولی اگر جزو سند باشد آن را نگاه می‌دارند و در حال حاضر کتابخانه کوچکی دارند. اسنادی که می‌رسد، نخست بسته‌بندی کرده و از نظر آفت، آنها را آزمایش می‌کنند تا مجموعه آلوده نشود. تجهیزات قرنطینه ندارند و برای این کار از مراکز دیگر که به همین کار اختصاص دارد، استفاده می‌کنند. در فرانسه قانونی وجود دارد که در هر سال بایستی کیفیت قرنطینه اسناد را بالا ببرند. برای اطفای حریق از همان تجهیزات مدرن اتوماتیک که در کتابخانه خودمان در قم وجود دارد، استفاده می‌شود.

این آرشیو قبلاً در پاریس مستقر بوده و به سال ۱۷۹۱ میلادی افتتاح شده و قبل از این تاریخ، اسناد در دربار پادشاه بوده است. این اسناد دقیقاً از قرن ۷ میلادی تا زمان حاضر را در بر می‌گیرد که اسناد قدیم در ساختمان دیگری در پاریس نگهداری می‌شود و در این مرکز اسناد معاصر بایگانی می‌گردد.

خانم مسئول این مرکز ما را به بایگانی اسناد هدایت کرد. در آن بخش، اسناد را در کارتن‌های کوچک قرار داده و در قفسه‌های آهنی کتاب مستقر ساخته‌اند. درهای بایگانی اسناد ضد حریق و از فولاد ساخته شده است. تمامی اسناد در ۵ طبقه کامل در زیر زمین قرار گرفته است و فاقد بخش ترمیم و بازسازی است. چنانچه سندی نیاز به ترمیم داشته باشد آن را به مرکز دیگر خود، که بایگانی اسناد قدیمی است، در پاریس می‌برند که در حال حاضر در نزدیکی ساختمان اصلی شهرداری پاریس به نام آرشیو تاریخی فرانسه قرار دارد.

برای یافتن سند، فهرست و یا لیستی وجود ندارد، تنها از طریق رایانه متقاضیان به جستجو می‌پردازند. تمامی شهروندان فرانسه می‌توانند با ارائه کارت شناسایی از این اسناد استفاده کنند. در این مرکز اسناد سمعی و بصری نیز در جای ویژه‌ای نگهداری می‌شود. طریق استفاده متقاضیان از اسناد موجود در این مرکز بدین گونه است: نخست به هنگام ورود بایستی تمامی لوازم شخصی خود را در کیسه نایلونی که در محل مخصوص است، بگذارند. سپس آن

کیسه را در قفسه فلزی که دارای چند خانه است قرار می‌دهند و هر فرد پس از قرار دادن لوازم خود، در یکی از آن خانه‌ها، کلید آن را با خود می‌برد و پس از استفاده از اسناد، مجدداً آنها را برمی‌دارد و از مجموعه خارج می‌شود. یک سالن بزرگ با میز و صندلی و تعدادی رایانه و یک دستگاه ریدر مخصوص خواندن میکروفیلم‌ها در این سالن قرار دارد که متقاضیان از آنها استفاده می‌کنند. تعداد مراجعان در هر روز ۲۵ نفر می‌باشد که البته این تعداد نسبت به هزینه‌ها و ساختمان‌هایی که در این مرکز وجود دارد، بسیار اندک می‌باشد.

سرانجام پس از بازدید از بخش‌های این مرکز به دیدار خود پایان دادیم و به اتفاق همراهان به پاریس مراجعت و به محل اقامت رهسپار شدیم.

بعد از ظهر پنجشنبه را ساعتی در سفارت کشورمان با برخی از کارکنان به گفتگو نشستیم و پس از آن مجدداً به محل اقامت مراجعت کردیم.

صبح جمعه سوم مهرماه ۸۳ ساعت ۹ به اتفاق یک مترجم و یک نفر کارشناس فرهنگی سفارت عازم بازدید از کتابخانه مدرن و پیشرفته ژرژ پمپیدو شدیم. طبق برنامه تنظیمی مدیر کتابخانه از ما به گرمی استقبال نمود و پس از دقایقی معارفه ما را به مدیر بخش روابط بین‌الملل کتابخانه تحویل داد تا ما را در بازدید بخش‌های آن کتابخانه همراهی کند. وی اصلاً از مردمان سوریه بود و بیش از ۳۰ سال است که در فرانسه اقامت دارد و در حقیقت در بنیاد این کتابخانه نقش مهمی داشته است. وی نخست اظهار داشت روزی به طور متوسط ده هزار نفر از این کتابخانه استفاده می‌کنند.

در سال ۱۹۷۸م به پیشنهاد دولت و وزارت فرهنگ فرانسه، یک کنکور معماری برای اجرای ساختمان کتابخانه ژرژ پمپیدو گذاشته شد که در نتیجه یک آرشیتکت ایتالیایی و یک انگلیسی برنده شدند و بر اساس طرح آنان کار آغاز و آماده بهره‌برداری گردید. هزینه ساخت و ساز را کلاً دولت پرداخت نموده است. این ساختمان عظیم جمعاً در ۹ طبقه ساخته شده که ۳ طبقه آن زیرزمین و ۶ طبقه دیگر در بالا قرار دارد. مجموعه زیربنا افزون بر پنجاه و دو هزار متر مربع می‌باشد. بخش‌های سمعی و بصری و سالن غذاخوری کارکنان در زیرزمین قرار دارد. سالن

ونرم می‌باشد. بخشی نیز در این کتابخانه به استفاده از موزیک و نت‌های آن اختصاص داده شده. هر کتاب که در فرانسه منتشر می‌شود از آنها گزینش و حداکثر ۶ هفته بعد از انتشار به این کتابخانه می‌رسد.

روی هم رفته این گونه کتابخانه مدرن در جهان بسیار نادر است، زیرا تمام کارها از طریق رایانه انجام می‌شود. در پایان این بازدید که مسئول روابط بین‌الملل کتابخانه ما را همراهی می‌کرد، به محل اقامت خود مراجعت نمودم.

بعد از ظهر جمعه ۳ مهر ماه ۸۳ طبق برنامه تنظیمی، رأس ساعت ۳ بعدازظهر عازم بازدید از انستیتو زبانهای شرقی و کتابخانه آن مرکز شدیم. در بدو ورود مورد استقبال پرفسور Gilles Delouche رئیس کل آن انستیتو که خود از شخصیت‌های فرهنگی معروف پاریس است، قرار گرفتیم.

وی ما را به دفتر خود راهنمایی کرد و چند دقیقه در آن دفتر به گفتگو نشستیم. جالب است که وی اظهار داشت: نام کتابخانه عظیم و معروف آیت‌الله مرعشی را از سالها قبل شنیده بودم و می‌دانستم کتابخانه بسیار مهمی است که در منطقه نظیر ندارد. پس از دقایقی مسئول بخش کتابخانه آن مرکز خانم «Nelly Guillaume» را همراه ما نمود تا از کتابخانه آن بازدید کنیم. وی ما را به دفتر خود راهنمایی کرد و پس از استقرار دو نفر از خانم‌های همکارش را به ما معرفی نمود، خانم Nathalie Rodriguez مسئول نسخه‌های خطی آفریقایی و خاورمیانه و خانم لادن طاهری مسئول نسخه‌های خطی و چاپی فارسی کردی، ترکی و پشتو که ایرانی است. در گوشه‌ای از دفتر ایشان چشمم به جلد ۳۱ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خودمان افتاد و پرسیدم از کجا آورده‌اید، اظهار داشت کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی مرتب از منشورات خود برای کتابخانه ما ارسال می‌نماید، ولی از دیگر کتابخانه‌ها و مراکز انتشاراتی ایران کتابی برای ما ارسال نمی‌کنند. به هر حال مسئول بخش اظهار داشت ما کتابهای مورد نیاز خود را به هر زبان که باشد خریداری می‌کنیم و موضوعاتی از قبیل زبان‌شناسی، علوم انسانی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. همچنین هر آنچه درباره تمدن باشد، تهیه می‌کنیم. در این کتابخانه کتابهای چاپی مختلف وجود دارد که برخی از آنها در بیش از چهار صد سال گذشته در اروپا به چاپ رسیده

نمایش طبقه همکف، سینما، رستوران عمومی در طبقه اول و نیز در همین طبقه ۳۰ رایانه میکروفیلیم برای استفاده مراجعان و نیز تعدادی رایانه دیگر برای مجلات قدیم و جدید وجود دارد. تمام مجلات و روزنامه‌ها را میکروفیلیم کرده، سپس به رایانه وارد کرده‌اند که مراجعان نیازی به استفاده از خود مجله‌ها ندارند. مجلات و کتابها معمولاً دو ماه نگاه داشته می‌شود. آن گاه از روی آن میکروفیلیم تهیه و کتابها و مجلات را از مجموعه کتابخانه خارج و آنها را به دیگر کتابخانه‌ها هدیه می‌کنند. این روش را برای جلوگیری از تراکم و انباشته شدن کتابها آغاز نموده‌اند، البته نسخه‌های نفیس و کهن را نگاه می‌دارند، فقط آن دسته از کتابهایی را از مجموعه خارج می‌کنند که همین چند سال اخیر چاپ شده و ارزش آن چنانی ندارند. در حال حاضر تعداد چهارصد هزار جلد کتاب دارند، همچنین منابع سمعی و بصری. این کتابخانه تابع وزارت فرهنگ فرانسه است و هزینه‌های جاری آن در هر سال ۲۰ میلیون یورو می‌باشد. از این مبلغ بخشی را برای خرید کتاب اختصاص می‌دهند، البته فقط کتابهای چاپی تهیه می‌کنند و کتاب خطی در این کتابخانه وجود ندارد.

تعداد ۴۷۰ رایانه و پست اینترنت و انفورماتیک برای استفاده عموم مراجعان دارند، همچنین بخشی نیز برای روشن‌دلان اختصاص داده شده است. کتابهای مرجع نیز در طبقه هم‌کف قرار دارد. در طبقه اول تعداد ۱۱ تلویزیون قرار دارد که به ۱۱ زبان و از یازده کشور برنامه پخش می‌شود. برای استفاده مراجعان کشورهای چین، روسیه، مغرب، ایتالیا، آلمان، اسپانیا، آمریکا، انگلستان، فرانسه و... در طبقه اول بخشی نیز به کارآموزی افراد با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف و با یکصد و سی و پنج زبان زنده دنیا، اختصاص داده شده است. تمامی سرویس‌دهی این کتابخانه رایگان می‌باشد. در این کتابخانه از گونه‌ای صندلی ویژه برای مراجعان استفاده می‌شود که بسیار مناسب، ظریف، راحت، بدون صدا و تا حدودی انعطاف‌پذیر است که از نوعی آلیاژ مخصوص ساخته شده. من تصویری از یکی از آنها گرفتم تا شاید در ایران بتوانم کارخانه‌ای را بیابم که بتواند آن را بسازد. ظاهراً آلیاژ آن نوعی از پولی پروبلین بازیافته است که از زباله به دست می‌آید و شبیه لاستیک‌های سیاه

است که در ادامه این گزارش به تعدادی از آنها که از نزدیک مشاهده نمودم، خواهم پرداخت.

آنها را برمی‌شمارم:

۱. نهادهای و اصول زیربنای زبانهای اسلامی، به زبان

فرانسه، تألیف «گنت دوسارسی» سفیر وقت فرانسه در دربار محمدشاه قاجار به سال ۱۸۵۰م که سرانجام به علت اختلاف با شاه قاجار به حالت قهر از ایران رفته است. این نسخه را به خط خودش به سال ۱۷۹۵م نگاشته است.

۲. خمسه نظامی، نسخه نفیس مورخ شوال سال ۸۴۵هـ، خط نستعلیق عالی، عناوین با آب طلا، صفحات مجدول و چهار ستونی، قطع وزیری.

۳. تاریخ روضة الصفا، نسخه مذهب و مرصع مورخ سال ۱۲۳۹هـ به خط شکسته نستعلیق محمد

حسن بن محمد رضا، صفحه اول دارای سر لوح نفیس مرصع، قطع رحلی، صفحات مجدول.

۴. تاریخ روضة الصفا، نسخه دیگر مورخ سال ۹۷۹هـ، قطع رحلی، خط نستعلیق، دو صفحه آغاز مرصع عالی از عصر صفوی، صفحات مجدول، این نسخه جز نفاست متن دارای جلد بی نظیر است که بسیار زیبا و پرکار می‌باشد، لیکن اندکی فرسوده شده و بایستی کارشناسان برجسته آن را مرمت کنند. البته من توضیحات لازم را به اطلاع آنان رساندم.

۵. گلستان سعدی، مورخ سال ۹۷۳هـ، خط نستعلیق، قطع رقی، نفیس.

۶. دستور زبان فارسی از لانگس.

۷. کیمیای سعادت، به فارسی از ابو حامد غزالی، مورخ اواخر سده ۱۰ یا اوائل سده ۱۱هـ، خط نسخ، عناوین شنگرف، جلد تیماج مشکی با لبه برگردان. این نسخه را مرحوم استاد علی اکبر دهخدا مؤلف لغت‌نامه در سال ۱۳۱۰ش به پرفسور «هنری ماسه» ایرانشناس برجسته فرانسوی هدیه نموده است و در پشت برگ آغازین نسخه به خط خود نوشته است.



متولی کتابخانه و رئیس انستیتو زبانهای شرقی پاریس

مجموع نسخه‌های خطی آن انستیتو با احتساب نسخه‌های غیر اسلامی از قبیل عبری و ارمنی بالغ بر یک‌هزار و هفتصد نسخه می‌باشد که از این مقدار حدود یکصد و چهل نسخه آن فارسی است که تا کنون فهرست نشده است. در این لحظه این جانب پیشنهاد کردم چنانچه مایل باشند می‌توانیم یک کارشناس از کتابخانه خودمان اعزام نماییم تا نسخه‌های خطی اسلامی به ویژه فارسی آنها را فهرست کند. آنان قبول نموده و گفتند بایستی با رئیس مرکز در میان بگذارند. قرار شد چنانچه موافقت شود از طریق سفارت ایران در پاریس به ما اطلاع دهند.

تعداد کتاب‌های چاپی آنها هفتصد هزار جلد به زبانهای مختلف است. همچنین تعداد نه هزار عنوان مجله به زبانهای گوناگون جهان دارند. مجموعاً هفتاد نفر کارمند دارند، و چون محل آنان بسیار ضیق بوده است، ساختمان بزرگی را در حال احداث دارند که تا سال ۲۰۰۸م آماده بهره‌برداری خواهد شد.

سپس در همان دفتر، مسئول کتابخانه آن مرکز، تعدادی نسخه خطی فارسی، تعدادی چاپی کهن را برای بازدید این جانب قرار داده بودند که به ترتیب زیر

۴. پندنامه عطار نیشابوری، به لاتینی و متن به فارسی، چاپ پاریس، به سال ۱۸۱۹م در چاپخانه سلطنتی پاریس، در ۴۶۴ صفحه. قطع رقعی، بسیار نفیس.

۵. نزهة القلوب، به فارسی، از حمدالله مستوفی، چاپ بمبئی هند، به سال ۱۳۱۱هـ، به اهتمام میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی، قطع وزیری بزرگ، خط نستعلیق، چاپ سنگی، اسیدی.

در پایان این دیدار از آنان خداحافظی کرده و به محل اقامت مراجعت نمودم.

شنبه ۴ مهرماه ۸۳ عازم برخی از کتابفروشی‌های قدیمی پاریس شدیم، چند جلد کتاب لاتینی بسیار کهن و نفیس را یافتیم که بهای آنها بسیار مناسب بود؛ از جمله نسخه‌ای به لاتینی و عبری در قطع رحلی و قطور چاپ آمستردام هلند، به سال ۱۶۴۰ میلادی، یعنی ۳۶۵ سال قبل. همچنین دو نسخه دیگر از فهرست نسخه‌های مینیاتوری که قدیمی نبودند آنها را نیز خریداری و به محل اقامت مراجعت نمودم.

رأس ساعت ۱۱ بامداد همان روز شنبه طبق قرار قبلی به دیدار پرفسور «رشدی راشد»، برجسته‌ترین استاد ریاضیات اسلامی و تاریخ علم در دانشگاه سوربن پاریس که چند سالی است با وی آشنایی دارم و بارها از کتابخانه ما بازدید نموده است رهسپار شدیم.

چند سال قبل او نسخه‌ای از آثار کندی را در کتابخانه ما یافت و آن قدر مسرور شد و اظهار داشت فکر نمی‌کردم چنین کتابی در جهان وجود داشته باشد. سپس به درخواست او تصویر آن را گرفتم و تحویل دادم. چندی بعد آن را با ترجمه فرانسوی چاپ کرد و در مقدمه از این جانب و مرحوم پدر بزرگوام تجلیل و تشکر نمود. به هر حال، منزل او در خارج پاریس قرار داشت و پس از دقایقی به منزل وی رسیدیم و ساعتی را به گفتگو نشستیم. در ضمن گفتگو اظهار داشت جداً بدون هیچ مجامله، کتابخانه آیت‌الله



متولی کتابخانه، پرفسور رشدی راشد و دکتر معصومی همدانی

۸. نسخه‌ای دیگر از روضة الصفا، تاریخ کتابت ندارد، لیکن در سده ۱۱هـ به خط نسخ کتابت شده به خط احمد بن نعمت خوافی دارای یک سر لوح مرصع کوچک. این نسخه را نیز مرحوم علی اصغر حکمت به سال ۱۳۱۶ش به پرفسور «هنری ماسه» خاورشناس معروف فرانسوی هدیه نموده و طی یک نامه که در داخل این نسخه قرار دارد آن را به وی هدیه کرده است.

در این هنگام چند جلد کتاب چاپی کهن نیز به ما نشان دادند که برخی از آنها را که به فارسی بود تا کنون ندیده و نشنیده بودم، بدین ترتیب:

۱. لغت فرنگ و پارس، به فارسی و فرانسه، تألیف چادری انجلو کرملیط ساکن طولوز فرانسه، چاپ آمستردام در هلند، سال ۱۶۸۴م، قطع رحلی در ۴۷۳ صفحه، صفحات ۴ ستونی. این نسخه از لحاظ نفاست کمتر از نسخه‌های خطی نفیس نیست.

۲. داستان مسیح «Historia Christi» در ۳ جلد، چاپ قسطنطنیه «استانبول» در ترکیه، به سال ۱۶۳۲م. این کتاب به زبان و خط فارسی، عربی و ترکی است. قطع رقعی، بسیار نایاب و نفیس.

۳. فرهنگ شعوری یا لسان العجم در ۲ جلد، رحلی قطور، چاپ «قسطنطنیه» استانبول، به سال ۱۱۵۵هـ. این کتاب در کتابخانه ما موجود می‌باشد.

مرعشی نجفی بزرگترین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌آید، من خود به این کتابخانه افتخار می‌کنم، ای کاش رویه‌ای که شما در این کتابخانه دارید، برخی از مسئولان دیگر کتابخانه‌ها داشتند. برای تهیه تصویر در برخی کتابخانه‌های ایران جداً با مشکل مواجهم، همچنین در کتابخانه سلیمانیه ترکیه که اصلاً همکاری نمی‌کنند.

سرانجام چند جلد از آثار خودش را که به تازگی چاپ و منتشر شده بود، به این‌جانب هدیه نمود و با وی خداحافظی کرده و به پاریس مراجعت نمودیم.

بعد از ظهر همان روز شنبه ۴ مهر ماه ۸۳ به اتفاق آقای موجانی به مرکزی در حومه پاریس رفتیم که معمولاً اجناس و اشیای بسیاری حتی کتابهای چاپی کهن را در معرض فروش قرار داده‌اند. پس از ساعتی بازدید از یک فروشنده‌ای چند جلد کتاب چاپی بسیار کهن که در قرن ۱۷ یا ۱۸ میلادی در پاریس و آمستردام هلند چاپ شده بود برای کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی خریداری نمودم و بهای آنها تا حدودی مناسب به نظر می‌رسید، از جمله آنها ترجمه فرانسوی قرآن کریم به نام قرآن محمد از: ام. ساواری در دو جلد چاپ پاریس، جلد اول چاپ سال ۱۷۸۲م و جلد دوم چاپ سال ۱۷۸۳م، همچنین کتاب دیگری از تورات با ترجمه فرانسوی بسیار قطور در قطع رحلی بزرگ، چاپ سال ۱۶۴۰ میلادی و نیز کتاب دیگری به فرانسه چاپ سال ۱۵۵۰ میلادی، و چند جلد دیگر چاپ ۱۶۷۳م و غیر آن. ارزش و اعتبار این نسخه‌ها نظر به قدمت تاریخ چاپ آنها در حد نسخه‌های خطی بسیار نفیس می‌باشد. سرانجام پس از ساعتی، مجدداً به محل اقامت مراجعت نمودم.

روز یکشنبه ۵ مهر ماه ۸۳ چون همه‌جا تعطیل بود، به ناچار به اتفاق آقای موجانی عازم بازدید از نمایشگاه بین‌المللی خودرو شدیم. در این نمایشگاه جهانی که همه ساله در همین روزها در پاریس به مدت ده روز برگزار می‌شود، تمامی کارخانجات جهان، جدیدترین خودروهای خود را به نمایش می‌گذارند. برای این‌جانب که تا کنون موفق به بازدید چنین نمایشگاه‌هایی نشده بودم، بسیار جالب بود. ظاهراً در مدت ده روز برپایی این نمایشگاه، جمعیت انبوهی حتی از دیگر کشورهای اروپایی از آن

بازدید می‌کنند. پس از ساعتی مجدداً به محل اقامت مراجعت کردیم و بعد از ظهر آن روز را به مطالعه و نوشتن مطالب خودم پرداختم و شب به دعوت آقای سید صادق خرازی شام در منزل ایشان صرف شد و پس از ساعتی به اقامتگاه خودم رفتم.

دوشنبه ۶ مهر ماه ۱۳۸۳ طبق برنامه تنظیمی رأس ساعت ۹ بامداد عازم بازدید از سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) شدیم. مقر اصلی یونسکو در پاریس قرار دارد. نماینده ایران نیز در «یونسکو» آقای دکتر احمد جلالی از دوستان قدیم و از محققان و افاضل پرتلاش ایرانی است که چند سالی است در این سمت انجام وظیفه می‌نماید. سال قبل در پی دعوت رسمی، این‌جانب به منظور شرکت در مراسم افتتاح کتابخانه بزرگ اسکندریه مصر به آن کشور سفر کرده بودم. ایشان نیز از سوی مدیر کل وقت یونسکو در این مراسم شرکت کرده بود و سخنرانی کرد. این‌جانب و ایشان و مسئول یونسکو در کشورهای شمال آفریقا به اتفاق از قاهره به اسکندریه رفتیم. در مراسم افتتاح کتابخانه اسکندریه چندین رئیس جمهور از جمله ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه شرکت نموده بودند. به هر حال رأس ساعت ۱۰ بامداد دوشنبه ۶ مهر ماه ۸۳ عازم دفتر آقای جلالی در ساختمان مرکزی یونسکو در پاریس شدیم و در این دیدار نیز آقای احسان نراقی حضور داشت. پس از ورود به دفتر ایشان و آشنایی با آقای کاشانی، یکی از همکاران ایشان در همان دفتر به گفتگو نشستیم، و پس از دقایقی طبق قرار آقای Mauro Rosi مسئول امور کتاب و کتابخانه‌ها و امور هنری در یونسکو، به دیدن این‌جانب آمد و با وی در مورد کتابخانه خودمان مذاکره بسیار کردم، و چند پیشنهاد به وی ارائه دادم؛ از جمله آنکه یونسکو بایستی پی به اهمیت این گنجینه عظیم بشری ببرد و سعی کند در مورد رسیدن به جایگاه اصلی این کتابخانه تلاش کند تا ملت‌ها بدانند که یک عالم مسلمان شیعه چه زحماتی را برای جمع‌آوری این ثروت ملی بر خود هموار داشته و در نهایت آنها را به رایگان تحویل جامعه داده تا همگان از آن بهره‌گیرند، دیگر آنکه یونسکو ترتیبی اتخاذ نماید تا این کتابخانه را در ردیف یکی از مراکز مهم جهان که دارای ذخائر علمی بسیاری از یک هزار و اندی سال قبل تا کنون می‌باشد، قرار دهد و آن را به

و به محل اقامت مراجعت کردم.

بعد از ظهر دوشنبه به اتفاق آقای موجانی عازم مسجد بزرگ مسلمانان پاریس شدیم که در نزدیکی دانشگاه قرار گرفته است. این مسجد ظاهراً افزون بر ۶۰ سال قبل با معماری ویژه مغربی عربی و با هزینه کشور و مردم مغرب ساخته شده و بسیار زیباست. اکنون مدیریت و امامت مسجد در اختیار الجزایری‌هاست که در این زمینه اندکی با مغربی‌ها اختلاف دارند. پس از بازدید از مسجد، اندکی در خیابانهای اطراف آن قدم زدیم و مجدداً به محل اقامت مراجعت نمودیم. متأسفانه ایرانیان، به خصوص شیعیان، مسجدی در پاریس ندارند.

شب‌هنگام رأس ساعت ۲۰، عازم منزل آقای جلالی شدیم، و ساعتی به گفتگو در مورد مسائل فرهنگی نشستیم و در پایان، پس از صرف شام مجدداً به محل اقامت مراجعت نمودم.

صبح روز بعد، سه‌شنبه ۷ مهرماه ۸۳، با اتومبیل سفارت و یکی از مسئولان مربوطه عازم فرودگاه شارل دوگل شدیم و پس از ساعتی توقف در پلویون تشریفات رسمی فرودگاه، سوار هواپیما شدیم و به ایران مراجعت نمودیم.

گونه‌ای در مجموعه یونسکو رسماً ثبت کند تا از خطرات احتمالی در آینده مصون بماند.

وی با این دو پیشنهاد این‌جانب موافقت نمود و قرار شد در آینده‌ای نه چندان دور ایشان با یکی دیگر از مسئولان یونسکو به دعوت کتابخانه ما به ایران بیایند و از نزدیک کتابخانه ما را ملاحظه کنند. از سوی دیگر در نظر است در سال ۲۰۰۶ میلادی چنانچه در نشست مدیران مربوطه تصویب شود، شهر تهران به عنوان پایتخت جهانی کتاب در سال ۲۰۰۶م معرفی شود، چند سالی است که یونسکو یکی از پایتخت‌های کشورها را به همین منظور اختصاص داده است. مقدمات کار فراهم شده، برخی از کشورها مایل نیستند ایران پایتخت کتاب بشود، ان‌شاءالله در نشست نهایی این تصمیم اتخاذ خواهد شد، و مقرر گردید چنانچه این کار به تصویب برسد، در همان روزهای معرفی تهران به عنوان پایتخت کتاب جهان، سمیناری نیز در کتابخانه ما پیرامون نسخه‌های خطی با مشارکت یونسکو برگزار گردد. امیدوارم این دو پیشنهاد این‌جانب جامعه عمل بپوشد. در پایان آقای جلالی دوشنبه شب ما را به صرف شام به منزل خودش دعوت کرد. سپس از دفتر ایشان خارج شدم

بازتاب دیدار

یادگار نوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه

دیدارکنندگان داخلی این فصل نیز از شهرهای ذیل بودند: تبریز، دزفول، قم، تهران، شیراز، شهرری، تویسرکان، ارومیه، کاشان، مشهد، رامسر، بندر عباس، اراک، دماوند، کرج، اصفهان، ساوجبلاغ، اهواز و دیگر شهرها متشکل از گروه‌های مختلف و شخصیت‌های مذهبی، علمی، سیاسی، اقتصادی و نظامی. آنچه در پی می‌آید اظهارات برخی بازدیدکنندگان است که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته است و شیفتگی به این گنجینه ماندگار و آثار آن را می‌نمایند.

* * *

نماینده سازمان مهاجرت جهانی در انتخابات افغانستان در استان قم، آقای ژاک پکت: بین کتابخانه‌های عظیم از زیباترین جاهایی که بنده افتخار بازدید از آن را پیدا کردم این کتابخانه است. من اینجا را

مثل یکی از عجائب هفتگانه جهان می‌بینم. من به کتاب علاقه زیادی داشته و بیشترین احترام را برای کتابها قائلم. اینکه به من اجازه داده شد که از این کتابخانه دیدن کنم هدیه‌ای بسیار ارزشمند است. بسیار متشکرم.

* * *

اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس به ریاست دکتر عماد افروغ: کتابخانه مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی، بحق کتابخانه معظمی است که تنها در اثر عشق و انگیزه متعالی و استمداد خالصانه از حضرت حق سبحانه و تعالی امکان وجودی پیدا کرده

در پاییز سال ۱۳۸۳ شمسی ۳۶۰۳ نفر در قالب ۱۲۷ گروه از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بازدید نمودند که از این میان ۳۳۳۶ نفر در قالب ۱۰۵ گروه داخلی و ۲۶۷ نفر در قالب ۲۲ گروه خارجی قرار داشتند. دیدارکنندگان خارجی این فصل از کشورهای ذیل بودند: هند، آلمان، یمن، عراق، فرانسه، سوریه، آمریکا، ارمنستان، قطر، کانادا، تونس، ایتالیا، ترکیه، مالزی، واتیکان، پاکستان، آلبانی، افغانستان، امارات، بلغارستان، روسیه، سودان، تاجیکستان، بنگلادش، کویت، لبنان، مصر، نیجریه، بوسنی هرزگوین و کشورهای دیگر جهان متشکل از سفرا، رؤسا و مسئولین، وزیران، طلاب و محققین، اندیشمندان، خبرنگاران، اساتید و دانشجویان دانشگاهها و دیگر شخصیت‌های برجسته دینی و علمی.



اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

مباهات نمود. امیدوارم این تلاش همچنان ادامه یابد تا دانش و تجربه پاس داشته شود. با صمیمانه‌ترین درودها.

* * *

میهمانان خارجی شرکت کننده در دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، حسین مرادی، مترجم:

ما میهمانان بخش بین‌المللی دوازدهمین نمایشگاه تهران از کشورهای نیجریه، پاکستان، هند، سودان، کویت، امارات، عراق و دیگر کشورها هستیم که در رمضان ۸۳ شمسی برای بازدید به اینجا آمده‌ایم. از زحمات مسئولین بسیار سپاسگزار بوده و امیدواریم خداوند بر دوام توفیقات آنان بیفزاید.

* * *

مدیر بیت‌الحکمة لاهور پاکستان، پرفسور عبدالجبار شاکر: این کتابخانه بزرگ در کشورهای اسلامی نظیر و مثال ندارد. این کتابخانه محافظ میراث اسلام است. اینجا ثقافت اسلامی در همه علوم و فنون موجود است. این قسمت

است. ای کاش شرایطی فراهم آید تا ضمن پاسداشت و حراست از دستاوردهای خالصانه این مرحوم، زمینه برای ظهور و نمود این قبیل اشخاص ذی‌قیمت هر چه بیشتر فراهم شود. کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم شورای اسلامی از خداوند بزرگ می‌طلبد که بتواند در هر دو زمینه کوشا باشد و به سهم خود دین خود را به این کتابخانه معظم ادا کند.

* * *

رئیس کرسی اسلامشناسی دانشگاه دولتی ارمنستان - آواناسیاری:

من از کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی بازدید کردم. دیداری که تأثیر عمیقی در قلب و روح من گذاشت. آیت‌الله العظمی مرعشی کاری را انجام داد که هر انسانی برای اینکه دین خود را استوار گرداند و به خدا نزدیک شود انجام می‌داد.

* * *

معاون شورای واتیکان، اسقف پیرلوییچی چلاتا:

شناخت یک کتابخانه غنی و مرتب، موجب خوشحالی عمیق می‌باشد. کتابخانه مزبور علامت عشق به فرهنگ و در نتیجه به تمام انسانها و گرایش آنها به سوی حقیقت است. از صمیم قلب برای گردانندگان این مؤسسه عظیم از خداوند متعال آرزوی موفقیت و پیشرفت روزافزون می‌نمایم که این خود تحقق خدمتی گرانبهاست در راه انسانیت.

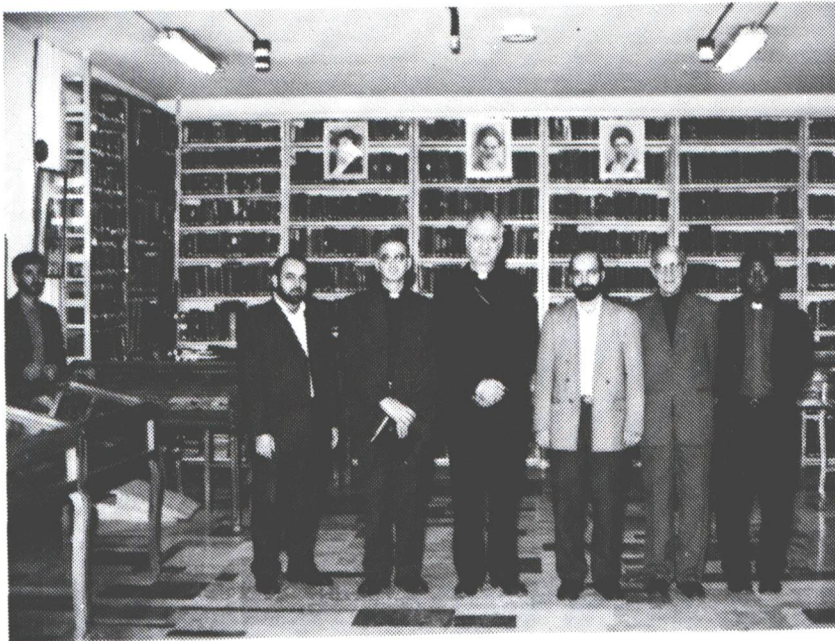
* * *

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه آنکارا، دکتر سعدالدین کجاترک:

خدای ذوالجلال چنین بنده‌ای را به ندرت به یک ملت مرحمت می‌فرماید. این هم مرحمتی بود نصیب ملت ایران شد. خدایش رحمت کند.

* * *

معاون نخست‌وزیر مالزی، داتو عثمان بن عبدالرزاق: گنجینه‌ای است از ذخائر غنی فرهنگی که باید به آن



معاون شورای واتیکان و همراهان

و سعادت ما بود که بار دیگر به زیارت این مکان بیایم و از محافظان و خدمتگزاران این مجموعه تشکر کنیم.

* * *

رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر احمد علی نوربالا:

در تاریخ ۸۳/۹/۲ توفیق بازدید از کتابخانه بزرگ مرحوم

و یوكد على تواصل المعارف والحضارات وان الرعاية التي توليها ايران لهذا الكنز يستحقه كل شكر و تقدير.

* * *

آقای عدنان نورالشریفی از عراق:

لقد رأينا حقاً ما يثلج الصدر ويدهش الابصار والالباب من مصاحب و مخطوطات لآهم و اكبر الخطاطين والمؤلفين منذ مئات بل آلاف السنين ونحن نشد على ایدی هولاء القائمين على هذا المشروع العظيم.

* * *

آقای علاء‌الدین الموسوی الغریفی از عراق:

لقد وفقنا الله تعالى بلطفه في شهر رمضان المبارك في النصف من سنة ١٤٢٥ لزيارة مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي الخطية المباركة بصحبة ولدنا السيد محمد باقر والسيد محمد السيد خلف الغريفي وقراءة الفاتحة على روح المرحوم المؤسس طاب ثراه وللمرة الثانية بالنسبة الينا وكانت زيارتنا بترحاب بالغ من لجنة الاستقبال و برئاسة جناب الفاضل الكامل سماحة اوسطی دامت توفيقاته وكانت زيارتنا موفقه في الاطلاعات الاضافية الى ما كنا نعرفه عنها والحمد لله رب العالمين. ١٥ رمضان ١٤٢٥.

* * *

مدیر مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة - النجف الاشرف - علی جهاد ظاهر الحسانی:

لقد وفقنا الله تعالى بزيارة معصومة عليها السلام قم و من هذا التوفيق وفقنا أيضاً لزيارة مكتبة آية الله السيد المرعشي نجفی عليه السلام و تم اللقاء مع سماحة السيد محمود المرعشي، و حقيقة كانت احلى الساعات والايام التي عشناها في قم، هي في هذه المكتبة المشرفة، ولقد اطلعنا على اقدم و افضل المخطوطات و عملية حفظها و تصليحها والاطلاع على كافة الاجهزة الحديثة التي تمتلكها المكتبة و كان برفقتنا اصحاب الفضيلة والاساتذة ما يأتي:

١. السيد محمود السيد كمال الدين الغريفي المقدس.
٢. الدكتور محمد محمود ذوبين.
٣. الاستاذ حسين جهاد ظاهر الحسانی.
٤. الاستاذ نبيل عبدالامير.

حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی عليه السلام برای این جانب و بعضی از همکاران حاصل شد. آنچه حقیر را سخت به تعجب واداشت، همت والای یک ابرمرد مخلص، همراه با نبوغ وابتکار و دوراندیشی ایشان بود، که چگونه چنین اندیشه سترگ و ژرفی را در ذهن خود پرورش داد و چگونه با مجاهدت و تلاش و صف‌ناپذیر این اندیشه الهی را به منصف ظهور رساند و تحقق واقعی آمال والا را پیگیری نمود. تنها چیزی که می‌توانم اعتراف کنم اینکه دست خدا والهامات غیبی این درخت تنومند را به دست بنده خالص خدا غرس نموده و او را حراست نموده تا چنین تنومند گردد. الحق مجموعه نه تنها افتخار ملی برای ایران و ایرانی و نه تنها سند بزرگ مباهات دست‌پروردگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، بلکه اعجاز بزرگ انسانی فرهیخته و وارسته که شایستگی خلیفه‌اللهی را دارد می‌باشد. اعجاب دیگر آن بود که همه عناصر این مجموعه با اخلاص کامل و تسلط جامع و با عشقی وافر به کار مشغولند و یقیناً همگی سربازان مخلص امام زمان (عج) می‌باشند.

باید به مدیریت با کفایت و با خلوص نیت این مجموعه که فرزند آن رادمرد فقیه است، یعنی حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی، تبریک گفت که با شایستگی کامل و هماهنگ با آخرین یافته‌های علمی زمانه، باغبانی از این درخت و شجره طیبیه را ادامه می‌دهند. امید آنکه خداوند رشحاتی از اخلاص آن فقیه راحل و بنیانگذار این کتابخانه را به ما عنایت نماید تا از پرتو آن نور، ما نیز راه راست را بیابیم و بسپیماییم. ان شاء الله.

* * *

مدیر کل پست استان قم، محمد حسن کرباسیان:

در تاریخ ۸۳/۹/۱۲ خداوند متعال توفیق بازدید از کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی را به این جانب عطا نمود. این کتابخانه نشان از عزم راسخ حضرت آیت‌الله مرعشی در زمینه نگهداری آثار گذشتگان دارد.

* * *

آقای غسان طلاس از سوریه:

انها مكتبة ضخمة ورائعة فيها من الاسفار ما يثلج الصدر

MIIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

The world Treasur of Islamic Manuscripts

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

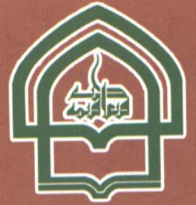
under the sapervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

- **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

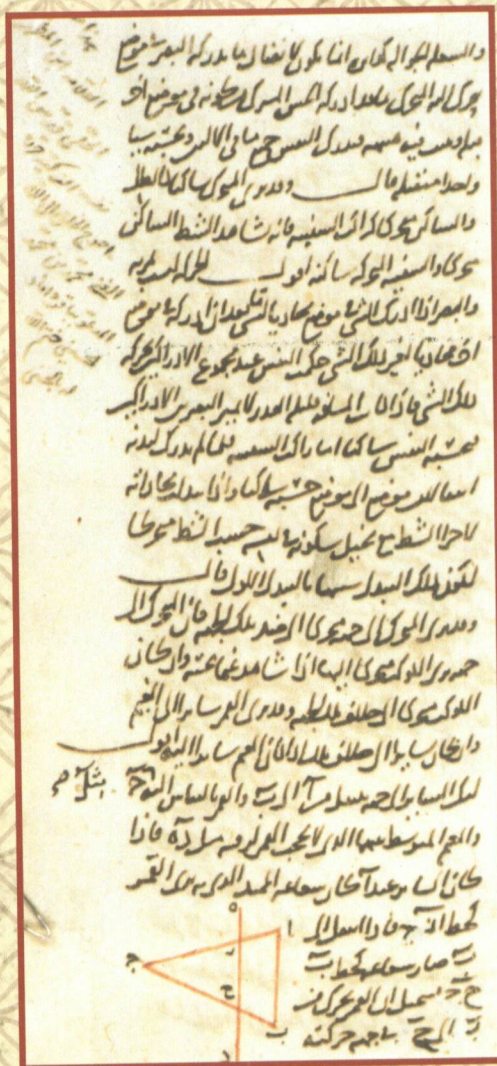
- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Miras-e Shahab** is published quarterly at the end of each season.



The Journal of The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

- The World Treasur of Islamic Manuscripts -

Vol. 10, No. 3, Autumn 1383/2004



One page of *Talkhiṣ Al-Mūḥaṣṣel*, By Khājeḥ Naṣīreddīn Tūsi, Handwriting by `Alāme-ye-Ḥelli, In last part of 13th / 7th A.H. Century, Registered of No. (6524)